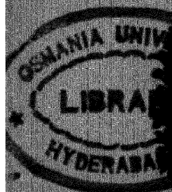
سالنامه پارس سال ۱۳۱۷ شمسی

۵۸۰۷




سالنامه

پارس

۱۳۵۷ ۱۳۱۷

سال سیزدهم ــ بیست هزار جلد چاپ شد

شعبۂ فارسی کلیۂ جامعۂ عثمانیہ

حیدرآباد دکن



تمثال مبارك شاهنشاه بزرگ ایران

«آب رنگ ـ قلم میر مصور»



والا حضرت همایون ولایتعهد

# مندرجات قسمت اول: فهرست کل


**تمثال مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی**

**گراور تمثال والاحضرت همایون ولایتعهد**

برندگان جوائز - خسوف کلی - بهای سالنامه صفحه ۸

بقیهٔ تاریخچه ادبیات ایران . . . . . » ۹ - ۷۳

گزارش یکسالهٔ کشوری . . . . . . » ۷۴-۱۳۵

**فهرست جزء وقایع:**

مجلس شورای ملی و فهرست قوانین مصوبه . » ۷۴ - ۷۵

**یادداشت وقایع:** دی و بهمن واسفند و بودجه » ۷۶ - ۸۸

فروردین ۱۳۱۶ . . . . . . . . » ۸۹ - ۹۱

خورداد و تیر . . . . . . . » ۹۱-۱۰۱

امرداد و شهریور . . . . . . . » ۱۰۱-۱۱۲

مهر و ابان و آذر . . . . . . . . . » ۱۱۲-۱۱۹

**یادداشتهای دیگر:**

گشایش راه آهن - روز سوم اسفند - جشن ورزش » ۱۱۹-۱۳۵

**از کشورهای دیگر درسال ۱۹۳۷:**

اسپانی . . . . . . . . . . . » ۱۳۶-۱۴۲

چین و ژاپن . . . . . . . . . » ۱۴۳-۱۴۹

فلسطین . . . . . . . . . . . » ۱۵۰-۱۵۱

آلمان - انجمن نیون . . . . . . . » ۱۵۲-۱۵۶

**تشکیلات کشوری:** دربار شاهنشاهی . . . . » ۱۵۷

» » دفتر ریاست وزراء . . . » ۱۵۸

» » وزارت معارف . . . . » ۱۵۹

» » وزارت خارجه . . . . . » ۱۶۰-۱۶۳

» » وزارت عدلیه . . . . » ۱۶۴-۱۶۵

» » وزارت طرق . . . . . » ۱۶۶

» » وزارت مالیه . . . . . » ۱۶۷-۱۶۸

# مندرجات قسمت دوم: فهرست کل


تناسب مکعبات بهندسهٔ مقدماتی صفحه ۱-۱۳
سالنمای ۱۳۱۷ پارس . . . . . . » ۱۴ - ۶۲
حفظ قوای جوانی . . . . . . . » ۶۴-۶۵
بخش پزشکی: معالجات فوری امراض . . » ۶۶-۷۵
طریقهٔ پرستاری از مریض . . . . . . . » ۷۶-۸۰
تزئین اطاقها . . . . . . . . » ۸۱-۸۳
فرزندان ما چه خواهند شد - روان شناسی » ۸۴-۸۹
شکار حیوانات و پوستهای ایران . . » ۹۰-۹۷
از بانک فلاحتی، شرکتها . . . . » ۹۸-۱۰۵
از بانک ملی: بازار پول - تجارت خارجی ایران » ۱۰۶-۱۰۹
بهای کالاهای گوناگون . . . . . . » ۱۱۰-۱۲۴
قسمت تفریحی: یک داستان شیرین اثر «ح. م. حمید» وچند موضوع وکاهی با گراور وتمام لغات فرهنگستان » ۱۲۴-۲۱۶
اعلانات باشماره آزاد و کاغذ الوان ۱۶ صفحه


قسمت دوم سالنامه دارای ۲۳۲ صفحه و یك ضمیمه (ترانهٔ نازه و آهنگ آن) و ۱۰۸ قطعه گراور است - چهار تابلو زیباتر هنرمندان نامی ایران بارنگ الوان در قسمت اول و دوم سالنامه نیز ضمیمه میباشد که جمعا قسمت اول و دوم سالنامه شامل ۴۲۸ صفحه و ۱۷۷ قطعه گراور است باستثناء گراور اعلانات

---


تشکیلات کشوری وزارت داخله . . . صفحه ۱۶۹
» » وزارت تجارت . . . . » ۱۷۰
» » وزارت صناعت و معادن . » ۱۷۱
» » وزارت پست و تلگراف . » ۱۷۲
» » اداره کل فلاحت . . » ۱۷۳-۱۷۴
تشکیلات اداری شهرها و شهرستانها . » ۱۷۵-۱۸۴


قسمت اول دارای ۱۸۴ صفحه و ۶۹ قطعه گراور است

# برندگان جوائز ۱۳۱۶ سالنامهٔ پارس

عصر روز جمعه بیست وهفتم فروردین مجلس توزیع جوائز ۱۳۱۶ در اداره سالنامه منعقد و جوائز بشرح ذیل استخراج شد

**جایزه اول** مشهد آقای صفر علی حقیقی ۵۰۰ ریال

**جایزه دوم** آبادان آقای داراب نیکزاد ۲۵۰ ریال

**جایزه دوم** اصفهان آقای مهدی هاشمی ۲۵۰ ریال

**شمارهٔ جایزهٔ پانصد ریالی روی جلد سالنامه ۱۷۶۶**

**جوائز یکصد ریالی :ـ** طهران آقای محمدعلی صدیقی آقای کاظم نگهبان ـ شیراز آقای رضا ذو القدر ـ اهواز آقای علی اکبر حکیم ـ عراق آقای محمد جبینی ـ ملایر آقای عیسی مهدی زاده ـ لاهیجان خانم امیردخت صفاری ـ ساوه آقای محمود احمدی پور ـ رشت آقای سید احمد نقیبی ـ قزوین آقای حسن سرداری ـ تبریز آقای جمشید محیط ـ رضائیه آقای حسین شبانی کرمانشاه آقای محمود نیکجوی ـ همدان آقای علی آقا ادبی ـ رامهرمز آقای نجفقلی کلانتری هرمزی ـ خور ، بیابانك آقای ابراهیم فیروزی ـ بندر لنگه آقای علیقلی معماری ـ بروجرد خانم اقدس رازانی ـ نیشابور آقای عباس ذاکرالحسینی ـ قوچان آقای ابراهیم ریاضی ـ سقز آقای حاجی قاضی شیخ الاسلامی ـ گرگان احترام خانم مهینه ـ مشهد آقای علی اکبر انور خواه ـ خرمشهر آقای سعید کهربائی ـ بیرجند آقای روح الله غنی ـ زنجان آقای بهروز کسمائی ـ شاهرود خانم بتول معانی زاده ـ کاشمر آقای غلامحسین زوار ـ کرمان مهری خانم شهره ـ بجنورد آقای حسنقلی ساغری دوز .

خیلی تاسف داریم که برندهٔ جایزه پانصد ریالی که شماره آن روی جلد سالنامه چاپ شده معلوم نشد و بناچار توضیح میدهیم که دارندگان سالنامه شماره ای را که در روی جلد سالنامه چاپ شده فراموش نکنند همینکه جوائز اعلان شد به پشت جلد سالنامه خود

## خسوف کلی مرئی

درشب سه‌شنبهٔ پانزدهم ماه رمضان مطابق ۱۷ ابان تمام جرم قمر درعقدهٔ ذنب منخسف میشود - بدو خسوف ۶ ساعت و ۵۹ دقیقه - بدو مکث خسوف ۸ ساعت و ۸ دقیقه - وسط مکث ۸ ساعت و ۵۱ دقیقه آخر مکث و بدو انجلا ۹ ساعت و ۳۴ دقیقه - آخر خسوف که تمام قرص منجلی شود ۱۰ ساعت و ۴۳ دقیقه از شب گذشته است خسوف ۳ ساعت و ۴۴ دقیقه ومدت مکث یکساعت و ۲۶ دقیقه است قرص قمر ازجنوب شرقی منخسف و از جنوب غربی منجلی میشود.

---

## درتابلو نقاشی کار مهدی

**محکمه یکی ازاطباء قدیم** مربوط بتابلو دیگری بوده و اشتباها درزیر این تابلو چاپ‌شده - دراین تابلو شخص معممِ مرحوم حاج محمد حسن معروف بکمپانی است و آنکه انگشت روی ساعت نهاده مرحوم آقامهدی ساعت‌ساز است که از اساتید بزرگ عصر خود بشمار میرفته

---

## بالاخره ناچار شدیم که سال آینده

با بی‌نیازی از هرگونه توضیحی لا اقل دو ریال بقیمت سالنامه بیفزائیم وخوانندگان محترم با گرانی روز افزون لوازم و وسایل کار تصدیق خواهند کرد ، معهذا بهای نازلی است، بنابراین سالنامهٔ ۱۳۱۸ پیش ازپخش ده ریال وپس ازپخش یازده ریال خواهد بود

---

مراجعه وفوراً جایزه مذکور را دریافت کنند - هیچ بعید نیست اکنون که به پشت جلد سالنامه ۱۳۱۶ خودرجوع کنید شمارهٔ ۱۷۶۶ را بیابید درحالتیکه متاسفانه موقع دریافت جایزهٔ آن منقضی شده است.

عصر روزشنبه ۲۷ فروردین نیز جوائز ۱۳۱۷ پارس استخراج و اسامی برندگان اعلان میشود

مشترکین محترم ولایات در تاریخ ۱۵ اردیبهشت بمراکز فروش سالنامه مراجعه واعلان برندگان جوایزرا مطالبه وملاحظه کنند



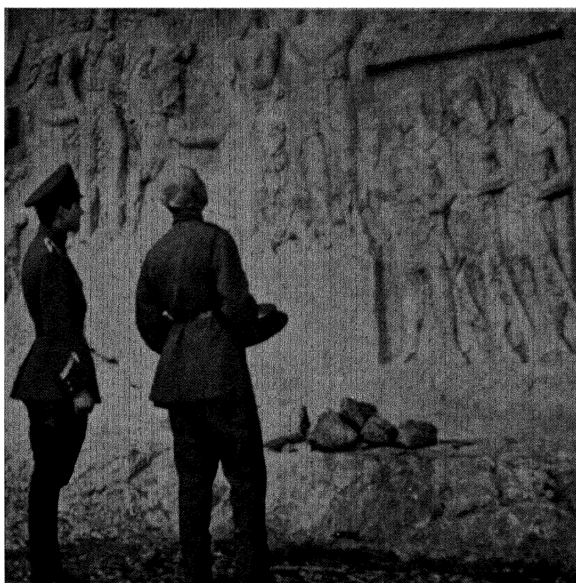
بقلم استاد بزرگ آقاتی میر مصور

# بقیهٔ تاریخچهٔ ادبیات ایران

## بقلم آقای سعید نفیسی

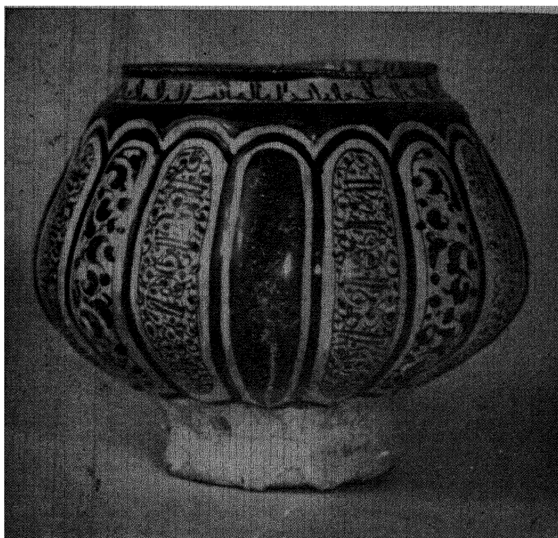
### قرن هفتم

درقرن هفتم یکی از ناگوارترین حوادثی که ممکن است برای ملتی پیش آید مات ایران را روی داد وآن فتنهٔ مغول بود که درسال ۶۱۶ ظاهر شد. سپاه چنگیز خان در غرهٔ ذیحجهٔ ۶۱۶ شهر بخارا را قتل و غارت کرد واین نخستین شهری بود که ازقلمرو ایران بدست سپاهیان خونخوار نا مردم مغول افتاد. سلطان جلال الدین منکبرنی آخرین پادشاه خوارزمشاهی که تاسال ۶۲۸ هم زنده بود یارای برابری باسپاه مغول نداشت وهمواره درجنگ و گریز بودودرین جنگها لشکریان چنگیز بتدریج تمام شهر های خراسان و عراق رابخاك و خون کشیدند و سپاهی که حد اقل آنرا هشتصدهزار دانسته اند از بخارا تاهمدان را میدان ترکتازی وقتل عام قرار دادند وچندان مصائب در ایران روی داد که درتاریخ هیچملتی نظیر آن نیست. این گیرودار تاسال ۶۳۲ یعنی مدت شانزده سال کشید ودرین مدت مردم دیارمادقیقهٔ آسایش و امان نداشتند. جمعی کثیر که کمترین شمارهٔ آنرا یك میلیون وششصدو ده هزار نوشته اند درخانهای خود بی گناه کشته شدند وشاید عدهٔ دیگر بهمین اندازه در میدانهای جنگ جان سپرده باشند وشهرهای بزرگ ایران که بیشتر آنهاسابقهٔ ششصدسال تمدن داشتند مانندبخاراوسمرقندوترمذ و بلخ وغزنین وهرات ومرو و طوس ودامغان وری وقم وقزوین وزنجان وهمدان ومراغه ونیشابورواصفهان باخاك وخون یکسان شدند وحتی در بعضی شهرهامانند نیشابورزنان و کودکان راهم کشتند. پس از آن تاسال ۶۵۰ بازمغول درایران بکشتارو کشور گیری سرگرم بودوفقط درین سال که هولاکوخان پادشاه مغول خواست در ایران پادشاهی کند و بعمال ایرانی محتاج بود امن و آسایشی درین مملکت بر قرار کرد و بهمین جهت مدت



**اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت ولایتعهد در تنگ چکان نقوش عصر شاپور اول را مشاهده میفرمایند**

نزدیك بپنجاه سال ازاوایل قرن هفتم دراین دارو گیر هولناك سپری شد واین حوادث رمق ازمردم ایران گرفته بودو بهمین جهت ادبیات ایران تامدتها در ضعف وانقراض بود چه عده کثیری از دانشمندان ایران دراین میان کشته شدند و آنان نیز که جان بدر بردند بخارج از ایران یعنی بهندوستان و بآسیای صغیر که قلمرو سلجوقیان روم بود پناه بردند و ایران ازمرد تهی شد . مخصوصا ضرر بزرگی که متوجه ایران گشت این بود که در مدت چهار صد سال که از تمدن اسلامی ایران گذشته بود علوم وادبیات باوج کمال خودرسیده بود و اگر این وقفه پیش نمی آمد قطعا بجای بالاتر میرسید چنانکه یکی چند تن از ادبا و علمای ایران که بهندوستان و آسیای صغیر



**جامی از خشت خام و منقش متعلق بقرن هفتم**

از کنگرهٔ صنایع ایران درموزهٔ ارمیتاژ

گریختند چنان اساسی گذاشتند که مدت هفتصد سال در هندوستان در دربارهای سلاطین مسلمان مخصوصا دردربار پادشاهان بابری ودر قلمرو عثمانی دردربار پادشاهان آل عثمان باقی ماند وحتی درزمانهائی که در ایران ضعف و فتوری پدیدار می گشت در آن ممالك جبران می شد . دورهٔ ترقی ادبیات در ایران از اواسط قرن هفتم دوباره آشکار شد وسبب آن بود که جانشینان هولاکو برای کشوربانی بایرانیان محتاج بودند واندکی بعد درماه محرم ۶۸۱ که تکودار بجای پدرش ابقاخان پادشاه شد باسم سلطان احمدمذهب اسلام را پذیرفت و عنصر ایرانی برعنصر مغول غلبه یافت واز آن ببعد مغولانی که



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد در تالار آئینهٔ تخت جمشید



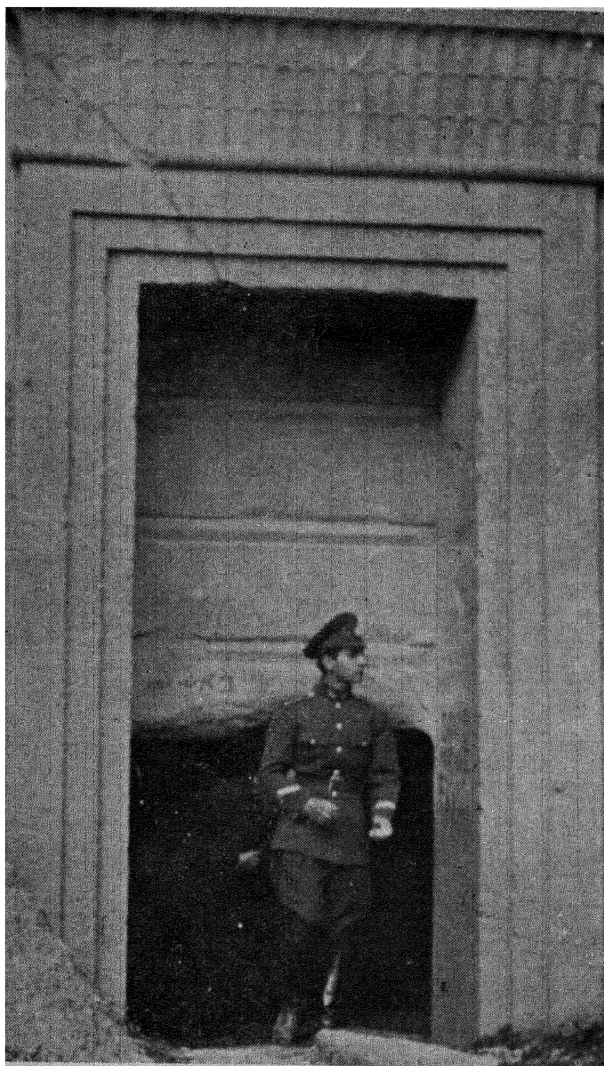
بهرام گور در شکارگاه - ظرف نقره ومنبت کاری - از کنگرهٔ صن... موزهٔ

درایران بودند ازحیث آداب ورسوم وتمدن ایرانی شدند. این تغ
مهم بواسطهٔ مساعی خواجه نصیر الدین محمد طوسی ندیم هولا
خان وخاندان جوینیان مخصوصا شمس الدین محمد صاحب دیوان جو
وزیر ابقاخان حادث شد. بهمین جهة است که درنیمهٔ اول قرن
ضعفی درادبیات پدیدار است وبالعکس درنیمهٔ دوم این قرن دو
دورهٔ تجدد و عظمتی ظاهر می شود و ادبا وعلمائی که درین د
دوم زندگی کرده اندچون مجدد علوم وادبیات ومحیی رسوم
بوده اند مقام بسیار شامخی درتاریخ ایران دارند.

**نثر فارسی در قرن هفتم** - نژاد مغول همواره بتا
اهمیت بسیار می داده وچون مغولان بپادشاهی ایران رسیدند تا



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بقسمتهای جدیدالاکتشاف تخت جمشید تشریف فرما میشوند



والا حضرت همایون ولایتعهد عمارت خشایارشا را
تماشامیفرمایند



بشقاب نقره دارای قسمتهای مطلا ـ از کنگرهٔ صنایع ایران در موزهٔ ارمیتاژ

نویسان را تشویق بسیار کردند ودرزمان ایشان یکی ازشریف‌ترین مشاغل شغل مورخ بود بهمین جهة کتاب بسیار بنثر فارسی درتاریخ تالیف کردند وچون لازمهٔ تاریخ نویسی سبك روان بی‌پیرایه است سبك نثر نویسی که دراواخر قرن ششم اندك اندك پیچیده ومغلق شده بودورو بفساده‌ی رفت دوباره روان وساده‌شد ونثر بمراتب بیش از نظم ترقی کرد. نویسندگان بزرگ ایران دربن‌دوره بدین قرار بودند:

۱ - ابوعمر منهاج الدین عثمان بن سراج‌الدین جوزجانی متولد در ۵۸۹ و متوفی در ۶۹۸ نخست درغور ساکن بوده ودر ۶۲۲

و۶۲۳ بسفارت بسیستان رفته وسپس بهندوستان . مؤلف کتاب بسیار فصیح معتبر یست باسم « طبقات ناصری » که در ۶۵۸ تمام کرده وشامل تاریخ هندوستانست از قدیم ترین زمان تاسلطنت ناصرالدین محمود شاه از پادشاهان غوری هند .

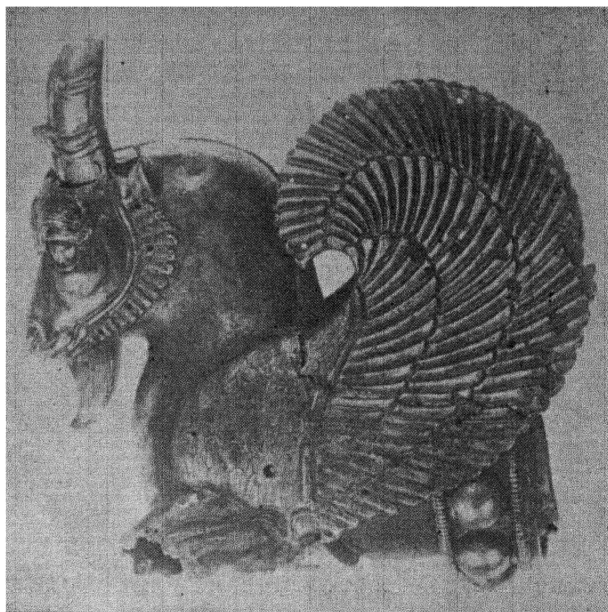
۲ - ابو الشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی مؤلف تاریخ یمینی ترجمهٔ کتاب ابو نصر محمدبن عبدالجبار عتبی که تاریخ غزنویانست و برای سلطان محمود غزنوی نوشته شده و وی آنرا بنام شمس الدوله غازی بیك اید قمش از اتابیکان لرستان و بدستور وزیر او ابو القاسم علی بن حسن بن محمد بن ابو حنیفه تمام کرده .

۳ - خواجه عطاملك علاءالدین بن بهاءالدین محمد بن شمس الدین محمد جوینی برادر کوچك تر شمس الدین صاحبدیوان جوینی . خاندان وی یکی ازمعروفترین خانوادهای وزرا وادبای ایرانست و پدران و برادر و برادر زادگان او دروزارت ودبیری و ادبیات معروفند . خود درسال ۶۲۳ متولد شد و در بیست سالگی که پدر و برادرش ازعمال دربار جلال الدین خوارزمشاه بودند وارد خدمت دربار شد وبعد از آنکه برادرش بخدمت هولاکوخان واردشد وی نیز جزو عمال دربار مغول درآمد ودردربار ابقاخان و تکودار احمد وارغون خان مقام رفیع داشت درین ضمن درسال ۶۵۷ که شهر بغداد جزو قلمرو مغول شدحکمرانی ایالت بغداد رابوی سپردند ولی چون تکودار احمد بپادشاهی رسید و میان وی و ارغون خان نقار بود و خاندان جوینی بارغون خان بستگی داشت درسال ۶۸۱ عطاملك ازحکمرانی بغداد عزل شد وپس ازمدتی زندگی در انزوا درروزیکشنبهٔ چهارم ذیحجهٔ همان سال درارّان وفات یافت . عطاملك جوینی ازبزرگان مورخین و نویسندگان ایرانست و درنثر فارسی منتهای قدرت را داشته فقط در استعمال کلمات وجمل وترکیبات عربی گاهی افراط کرده است . تاریخ جهانگشای که بجهانگشای جوینی معروفست مهمترین تالیف اوست که از ۶۵۰ تا ۶۵۸ طول کشیده و شامل

سه جلد است : جلد اول در تاریخ چنگیز خان وفرزندان او تا کیوك خان ، جلددوم در تاریخ خوارزمشاهیان وجلدسوم در تاریخ اسمعیلیان الموت . گذشته از آن مؤلف رساله ایست باسم تسلیة الاخوان که در اواخر عمرخویش و درشرح مصائب خود نوشته .

٤ ـ بهاء الدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب ازمردم طبرستان بودو کتاب تاریخ طبرستان تالیف اوست که شامل وقایع این ناحیه از ایران تاسال ٦١٣ است که در آن سال بپایان رسیده و گذشته از آنکه قدیم ترین کتاب تاریخ طبرستانست که باقی مانده انشای بسیار فصیح دارد وفقط اندکی در کثرت استعمال لغت عرب افراط کرده است .

٥ ـ خواجه نصیر الدین ابوجعفر محمد بن حسن طوسی پدرش از مردم ساوه بود ودرطوس اقامت داشت ووی درشهر طوس روز شنبهٔ یازدهم جمادی الاولی ٦٠٧ وفات یافت ودرجوانی بواسطهٔ حوادث خراسان بقهستان رفت وبدربار ملك ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم ابن ابی منصور حکمران قهستان پذیرفته شد ودرآنجا کتاب اخلاق ناصری ورسالهٔ سیر وسلوك رابنام او پرداخت وسپس چندی درقهستان بزندان افتاد وچون ملك ناصر الدین نزد علاء الدین محمد پادشاه اسمعیلیهٔ الموت رفت اورا بهمان حال باخود برد ووی تاانقراض این سلسله در ٦٥٥ درمحبس الموت بود وچون هولاکوخان این سلسله را منقرض کرد خواجه رابخدمت خود اختصاص داد وپس از آنکه مراغه راپایتخت خودقراردادرصدخانه ای درآنجاساخت و کتابخانه ای ترتیب داد وتمام کتابهائی را که سپاهیان مغول ازهرجا آورده بودند وشمارهٔ آنرا از چهارصد هزارهم بیشتر نوشته اند در آنجا جمع کرد و این مؤسسه علمی بزرگ را بخواجه سپرد وجمعی از علماء را بخدمت او گماشت و وظیفه بریشان مقرر کرد و وی هم چنان مشغول تالیف وتدریس بود تااینکه درسفری که ببغداد کرده بود روزدوشنبهٔ ۱۸ ذیحجهٔ ٦٧٢ در ٦٥ سالگی رحلت کرد ووی



جام نقره - بز بالدار - دوره هخامنشی - از کنگره صنایع ایران در موزهٔ ارمیتاژ

را در کاظمین بخاك سپردند . خواجه نصیرالدین یکی از بزرگان علمای اسلام ویکی ازمشاهیر ایرانست . درزمان خویش معروفترین علمای دوران بود و در ریاضیات وحکمت ونجوم وسلوك و تصوف و کلام یکی ازمعتبرترین علمای اسلامست . مؤلفات او بفارسی وعربی در علوم مختلف بیش ازشصت جلد کتاب معروفست واز جمله بعضی کتب عربی اودرمنتهی درجهٔ شهرت میباشد . درنظم ونثر فارسی مهارت بسیار داشته وازجمله کتابهای معروف او بفارسی اخلاق ناصری در اخلاق و اوصاف الاشراف در اخلاق وسلوك ومعیار الاشعار در عروض وقوافی و منشورنامهٔ ایلخانی وتذکرهٔ آغاز و انجام ورسالهٔ سیروسلوك ورسالهٔ هفت باب باباسیدنا ومطلوب المؤمنین هردودرعقاید

اسمعیلیه و فصول نصیریه و رساله در جبر و اختیار و جام جهان نما و ادب الوجیز و بیست باب اسطرلاب و رسالهٔ رمل و تذکرهٔ نصیریهٔ و فارسی هیئت و معرفت تقویم و سی فصل و مدخل نجوم و اساس الاقتباس در منطق است ونیز کتابی در اخلاق باسم مکارم الاخلاق بوی نسبت می دهند .

۶ - قاضی القضاة نصیر الدین یا ناصر الدین ابو الخیر یا ابو سعید عبدالله بن عمر بیضاوی قاضی شیراز که در تبریز بسال ۶۸۵ رحلت کرده از بزرگان علمای این زمان بود . پدرش عماد الدین ابو القاسم عمر در سلطنت اتابك ابو بکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و پس از او این منصب بپسرش رسید و وی پس از مدتها اقامت در شیراز در اواخر عمر در تبریز زندگی میکرد و مؤلفات معروف بزبان عرب دارد که از آن جمله است تفسیر مشهوری . در زبان فارسی هم کتابی تالیف کرده است باسم نظام التواریخ که فهرست مختصری از تاریخ ایران از آغاز تاریخ تا زمان اوست و در سال ۶۷۴ تمام کرده است .

۷ - شمس الدین محمد بن قیس رازی از مردم ری بود و مدتها در ماوراء النهر و خوارزم و خراسان می زیست و در سال ۶۱۴ که آوازهٔ هجوم مغول درخراسان برخاست باسلطان علاء الدین محمد- ابن تکش خوارزمشاه بعراق آمد و تا سال ۶۱۷ که این پادشاه از لشکریان مغول می گریخت از همراهان وی بود و پس از آن در حدود ۶۲۳ ازعراق بفارس رفت و بدربار اتابیك سعد بن زنگی ( ۵۹۹ - ۶۲۸ ) راه یافت و ندیم آن پادشاه شد و پس از آن در دربار پسرش ابو بکر بن سعد نیز بود و وی مؤلف کتاب معروف المعجم فی معاییر اشعار العجم است که معروف ترین کتاب عروض وقوافی ومحسنات شعر فارسیست و نخست در ۶۱۴ درشهر مرو طرح این کتاب را ریخته و در وقایع سال ۶۱۷ از میان رفته و پس از مدتی اوراق آن بتوسط روستائیان کوه پایهای عراق بدست وی باز گشته وسپس درفارس درحدود سال ۶۳۰ آنرا تمام کرده است ونیز سا کتاب دیگر داشته است باسم المعرب فی معاییر اشعار العرب والکافی



شاپوردوم در شکار شیر ـ جام طلا و نقره ـ از کنگرهٔ صنایع ایران در موزهٔ ارمیتاژ

فی العروضین و القوافی و کتاب حدائق العجم .

۸ ـ سعد الدین و راوینی از مردم آذربایجان بود و در اواخر دورهٔ خوارزمشاهیان زندگی می کرد و با سلطان جلال الدین خوارزمشاه معاصر بود . یگانه اثری که از وی مانده کتاب مرزبان نامه است . این کتاب را مرزبان بن رستم بن شروین باوندی از ملوك طبرستان بزبان طبری نوشته بود ووی بنام خواجه ابو القاسم ربیب الدین هارون بن علی بن ظفر دندان وزیر اتابیك ازبك بن محمد بن ایلدگراز اتابیکان آذربایجان که جزو ملازمان وی بوده است ترجمه کرده واز کتابهای معروف زبان فارسیست ولی ازحیث وفور استعمال لغات عرب ثقیل شده است .

۹ ـ نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهور اسدی رازی

معروف بنجم الدین دایه از مردم ری بودودرجوانی بخوارزم رفت و درسلك مریدان وشاگردان نجم الدین کبری در آمد وهم چنان درخوارزم بود تا در ۶۱۸ در فتنهٔ مغول استاد وی کشته شد و او از آن دیار فرار کرد وعزم‌وطن‌خود داشت ولی لشکر مغول درپی او می آمد ناچار بهمدان رفت و از آنجا از راه اردبیل باسیای صغیر رفت نخست درشهرقیصریه وسپس درشهرملطیه وارد شد ودر آنجا بخدمت شهاب الدین سهروردی رسید و بوسیلهٔ او درحمایت ابوالفتح کیقبادبن کیخسروبن قلج ارسلان ازسلجوقیان رومدرآمد ودرشهرقونیه پایتخت اوساکن شد و درآنجا باصدر الدین قونیوی وجلال‌الدین بلخی معاشر بود وعاقبت پس از۳۶ سال توقف در آن دیار درسال ۶۵۴ دربغداد رحلت کرد و در بیرون شهر بغداد در مزار شیخ سری وجنید بغدادی اورا بخاك سپردند . وی ازبزرگان نویسندگان متصوفهٔ ایران در قرن هفتم بود و در شعر فارسی نیز دست داشت معروف ترین کتاب او درتصوف فارسی مرصاد العباد من المبدء الی المعاد است که روز دوشنبهٔ اول رجب ۶۲۰ درشهر سیواس تمام کرده و کتابیست در منتهای فصاحت ودر اوج اهمیت. دیگر از مؤلفات او بحر الحقایق و المعانی است در تفسیر بزبان عربی ورسالهٔ عشق وعقل بفارسی ومنارات السائرین الی حضرةالله ومقامات الطائرین بالله .

۱۰ ـ شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد بن عبد الله بکری سهروردی متولد درسهرورد زنجان درماه رجب ۵۳۹ از بزرگان مشایخ متصوفهٔ ایران بود و از شاگردان و مریدان عم خویش نجیب الدین سهروردی بشمار می رفت . از وطن خود ببغداد رفت و اکثر عمر خود را در بغداد و آسیای صغیر گذراند و در آنجا سرسلسلهٔ عرفا بود ومجلس ذکر ووعظ داشت وبصحبت عبدالقادر گیلانی عارف مشهور آن زمان رسیدوریاضات‌بسیارداشت و چندی نیز درشهر ملطیه متوقف بود وسپس شیخ الاسلام بغداد شد ومدتی

هم درعبادان ودرمکه اقامت داشته ودوتن ازبزرگان شعرای ایران کمال الدین اسمعیل اصفهانی وسعدی بوی ارادت داشته اندودرسال ۶۳۲ بسن ۹۳ سالگی در بغداد رحلت کردومرقداوهم اکنون درمحلهٔ وردیهٔ بغداد زیارتگاهست . شهاب الدین سهروردی پیشوای سلسله ای ازعرفای ایرانست که بنام سهروردیه معروف شده اند ودرنظم ونثر عربی وفارسی توانائی بسیار داشته و ازجمله کتب معروف او عوارف المعارفست که در سفر مکه نوشته و دیگر رشف النصایح واعلام التقی و اعلام الهدی .

۱۱ ـ خواجه رشیدالدین محمدفضل‌الله بن ابی‌الخیر عمادالدوله ـ بن موفق الدوله علی همدانی اجداد وی ازیهود همدان بودند ووی درهمدان بسال ۶۴۵ متولد شد و در آغاز کار بطبابت مشغول بود تا اینکه طبیب اباقاخان شد و پس از آن بوزارت ارغون خان و بوزارت غازان خان و الجایتو محمد خربنده رسید ولی در زمان پادشاهی ابوسعید بهادروزیر اوتاج الدین علیشاه درحق وی سعایت کرد که خواجه رشیدالدین محمدخربنده رامسموم کرده است وباین جرم وی را گرفتند ودارائی اورا توقیف کردند و در تبریز بسال ۷۱۸ کشتند . رشید الدین فضل الله یکی ازبزرگان علما ووزرای نیکوکار ایران بود و گذشته ازفضل بسیار ومنتهای قدرت درزبان پارسی بمنتهی درجه دانش دوست بود واموال هنگفت خودراصرف خیرات وآبادانی واستنساخ کتاب وبنای مدرسه ومسجدومریضخانه وکتابخانه کرده بود و بدرجه ای موقوفات داشته که مجموعهٔ وقف نامها ورقبات اوخود کتاب قطوریست ودرتبریزیك محلهٔ تمام ساخته بودباسم ربع رشیدی که تمام آنرا وقف کرده بودوازجمله کتابخانهٔ بسیار بزرگ نفیسی بود و درنثر فارسی یکی ازبزرگترین ادبای ایرانست و درنثر عربی نیزدست داشته . مؤلفات عمدهٔ وی بدین قرارست : جامع التواریخ شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۷۰۳ که درسال ۷۰۰ بامرغازان خان شروع کرده ودرسال ۷۱۰

از آن فارغ شده ودرتدوین این کتاب چندین نفر ازمورخین ایران شرکت داشته اند از آن جمله تاریخ چین و مغولستان را از روی اسناد چینی ومغولی نوشته وپیش از آن درزبان فارسی نظیرنداشته است . جامع التصانیف شامل نظامات و قوانین و یاساهای مغول در ایران ، لطایف الحقائق در اخلاق و معارف و حکم ، سلطانیه درحکمت‌الهی ، مفتاح‌التفاسیر ، رسالهٔ توضیحات دراخلاق ، الاحیاء والاثار ، بیان الحقایق ، مکاتبات رشیدی شامل مکاتیب او .

۱۲ ـ فخر الدین ابو سلیمان داود بن ابوالفضل محمد بناکتی از مردم بناکت یافناکت بود که امروز بتاشکند معروفست و از مشاهیرشعراونویسندگان دربارغازان‌خان‌بودودر ۷۰۱ ملک‌الشعراء لقب‌گرفت و برادرش نظام الدین علی بناکتی از عرفای معروف زمان بود و وی مؤلف تاریخ معروفیست باسم روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب شامل تاریخ تمام عالم از زمان خلقت تاعصر مؤلف که آنرا در سال ۷۱۷ تمام کرده و خلاصه ایست از جامع‌التواریخ رشید الدین فضل‌الله که باتکلفات منشیانه‌نوشته است .

۱۳ ـ شمس الدین احمد افلاکی ازشاگردان شیخ جلال‌الدین عارف نوادهٔ جلال الدین محمد بلخی بود و مؤلف کتابیست باسم مناقب العارفین در احوال جلال الدین بلخی و فرزندان وجانشینان وی ومشایخ این‌طریقه که بطریقهٔ مولوی معروفست ودرسال ۷۱۸ بتالیف آن شروع کرده و تا ۷۴۲ مشغول بوده و ازحیث مطالب وروانی انشاء کتاب بسیار جالب توجهی است .

۱۴ ـ شهاب الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی ملقب بوصاف ـ الحضره از مستوفیان در بار پادشاهان مغول و از مختصان خواجه رشید الدین فضل الله بود و پس از کشته شدن این وزیر بپسرش غیاث الدین محمدپیوستگی‌داشت ودر ۷۱۹ در گذشت،مؤلف کتاب مشهوریست باسم تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار معروف بتاریخ وصاف که شامل وقایع‌سلطنت مغول از ۶۵۶ تا ۷۱۲ است و باتکلفات



یک منظرهٔ زیبا اثر آقای بهزاد مینیاتور



ظرف بدل‌چینی قرن سیزدهم - از کنگرهٔ صنایع ایران در موزهٔ ارمیتاژ

همنشیانهٔ بسیار نوشته بحدی که از سیاق زبان فارسی بسیاردورست ودرنوع خود درمیان کتابهائی که در آن بکثرت لغات عرب مقید شده اندمنحصر مانده است ولی درنثر فارسی قدرت وی ازین کتاب ظاهر می شود ووی درنظم فارسی وعربی نیزتوانابوده است .

۱۵ - حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصرمستوفی قزوینی از خاندان معروف مستوفیان قزوین بود وجد او امین الدین احمدپس از آنکه مدتی درسلك مستوفیان بود درطریقهٔ تصوف واردشدودر فتنهٔ مغول کشته شد وبرادرش زین الدین محمد در وزارت خواجه

رشید الدین فضل الله نایب دیوان وزارت بود و خود نیز در سلك مستوفیان دربارمی‌زیست . حمدالله مستوفی‌ازجملهٔ شعراونویسندگان زبردست زمان خودبودوازتالیفات اویکی‌تاریخ گزیده‌است که خلاصه ایست از تاریخ ایران تاسال ۷۳۰ و آنرا از روی جامع التواریخ رشیدی پرداخته است . دیگر نزهة القلوب در جغرافیا و درعجایب بلدان که در ۷٤۰ مشغول تالیف آن بوده ومهمترین کتاب جغرافیا در زبان فارسیست . سوم ظفر نامه که منظومه ایست ببحر متقارب ودرآن وقایع ایران راپس از استیلای عرب تازمان خودنظم کرده ودنبالهٔ شاهنامهٔ فردوسی قرارداده است وشامل ۷۵ هزار شعرست . دیگرتاریخ قزوین که آنرا نیزبانشای بسیار روان نوشته است .

۱۶ - شرف‌الدین ابوالفضل فضل‌الله راجی حسینی قزوینی در دربار اتابیك نصرة الدین احمد بن یوسف شاه ( ٦٤۹ - ۷۲۷ ) از اتابیکان لرستان می زیسته و کتاب معروفی پرداخته است باسم کتاب المعجم‌فی‌آثارملوك العجم که‌شامل احوال‌بعضی ازپادشاهان پیش از اسلام ایرانست و آن نیزبواسطهٔ وفورکلمات عربی ازسیاق عادی زبان فارسی دور افتاده است .

۱۷ - سید مرتضی بن داعی حسنی رازی ملقب بعلم الهدی از علمای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده وازجزئیات احوال وی اطلاعی نیست و وی دو کتاب بنثر فارسی بسیار فصیح ومنسجم پرداخته‌است یکی باسم تبصرة العوام‌فی معرفة مقالات الانام که در رد مذاهب مختلف و اثبات مذهب شیعه است و قدیم ترین کتاب فارسی‌است که بحث مذاهب مختلف درآن‌رفته ، دیگرترجمهٔ فارسی انساب نامه درترجمهٔ احوال ائمه که اصل آنرا درسال ٦۵۳ سید ابوتراب نامی بایران آورده ووی ترجمه کرده است .

۱۸ ـ افضل الدین محمدبن حسن بن حسین بن محمد بن خوزه مرقی کاشانی ازبزرگان علما و عرفای قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیارداشت ودانشمندان عصرهمه وی راتکریم

می کردند وهمواره‌درمولد خودساکن بود و زمان را بدرس وبحث و تالیف می گذرانند . رحلت اورا باختلاف در ۶۰۵ و ۶۴۱ وماه رجب ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۷۰۷ نوشته اند ووی مؤلف یك عده بسیار رسائل فارسی است درتصوف وسلوك که درمنتهای فصاحت وشیوائی نوشته و درزبان فارسی منشی بسیار زبر دستی بوده است و درشعر فارسی ونثرعربی نیز توانابوده ودرحکمت ومنطق و کلام و تصوف و اخلاق معروف ترین کس در زمان خودبوده ، رسائل عمدهٔ وی بدینقراراست : المفیدللمستفید ، سازوپیرایهٔ شاهان پرمایه ، منهاج - المبین در منطق ، مدارج الکمال ، عرض نامه ، جاودان نامه ، راه انجام نامه ، مبادی موجودات ، رسالهٔ نفس ارسطو ، رسالهٔ تفاحهٔ ارسطو و رسالهٔ زجر النفس یاینبوع الحیوة ادریس که هرسه را ترجمه کرده است، رسالهٔ سؤال وجواب ، رسالهٔچهارعنوان ، شرح فصوص الحکم ، آیات الصنعه بعربی ، مجموعهٔ رباعیات و یك عده مکاتیب و تقریرات .

۱۹ - نجم الدین ابی بکر محمد بن‌علی بن سلیمان بن محمد ابن‌احمد بن حسین‌بن همة راوندی خاندان وی ازخانواد های‌علمای عراق بودند ووی در راوندکاشان ولادت یافت و پس از قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان روی داد بعزم تحصیل سفر های چند در اصفهان و همدان و شهرهای عراق کرد و ازسال ۵۷۷ در دربار طغرل‌بن ارسلان سلجوقی راه یافت وسپس بخدمت سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی مخصوص شد وبتعلیم پسران وی مامور گشت وبیشترازین ایام را درهمدان گذرانیده و پس ازانقراض سلجوقیان ایران بروم رفت‌ودردربارسلطان‌غیاث الدین‌ابوالفتح کیخسرو‌بن قلج ارسلان‌پذیرفته شد . وی مؤلف کتاب‌معروفیست درتاریخ سلجوقیان باسم راحة الصدور و آیة السرور که در سال ۵۹۹ تالیف کرده ویکی ازبهترین کتب نثرفارسیست ودرنهایت فصاحت وروانی نوشته است ودرضمن شعر فارسی را نیکومی گفته .

۲۰ ـ خواجه فقیه زاهد شیخ الاسلام ابونصر طاهر بن محمد خانقاهی سرخسی ازمشایخ متصوفهٔ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و از احوال وی جزئیاتی بدست نیست وی مؤلف کتابیست بنثر فارسی بسیار فصیح باسم «گزیده» در تصوف که درمنتهی درجهٔ سلاست نوشته و این کتاب بزبان ترکی هم ترجمه شده است .

۲۱ ـ عماد الدین زکریا بن محمود مکمونی قزوینی ، ازمردم قزوین بود . نسبش بامام انس بن‌مالك می‌رسید و درجوانی بدمشق رفت وپس از تحصیل بعراق آمد و در ۶۵۰ قاضی حله شد و در ۶۵۲ قاضی واسط شد و تا آخر عمر درین مقام بود و چندی هم دربغداد می زیست و در آنجا در۶۸۲ رحلت کرد . وی از ادبای عالی مقام زمان خودبودودرنثرعربی وفارسی دست داشت ومؤلفات معروف گذاشته است ازآن جمله تاریخ قاهره و کتاب آثار البلاد و اخبار العباد درجغرافیا و عجایب المخلوقات وغرائب الموجودات که ظاهرا این هردو کتاب را خود بفارسی ترجمه کرده وترجمهٔ فارسی آن درنهایت فصاحت وروانی است .

۲۲ ـ جمال الدین ابو الفضل محمد بن عمر الخالد قرشی از دانشمندان ایرانی مقیم کاشغر و پدرش حافظ بلاساغون در ماوراء سیحون بود ومؤلف ترجمهٔ فارسی صحاح‌اللغهٔ جوهریست که آنرا باسم الصراح من‌الصحاح درشب سه شنبهٔ ۱۶ صفر۶۸۱ تمام کرده و بعد ذیلی بعربی برآن کتاب نوشته است باسم ملحقات صراح که مطالب تاریخی مهم درآن بسیارست .

۲۳ ـ صفی الدین عبد المؤمن ارموی از فضلای اورمیه و از خوشنویسان وعلمای معروف موسیقی درزمان خودبود ، درجوانی ببغداد رفته ودرمدرسهٔ مستنصریه تحصیل کرده و درادبیات وتاریخ وموسیقی وخط معروف شده وعودرا درکمال خوبی می زده است ودردستگاه مستعصم خلیفه منزلتی یافت وکاتب ومغنی و ندیم اوشد



جای عنبر و عود با نقوش مختلف
از کنگرهٔ صنایع ایران در موزهٔ ارمیتاژ

و پس از فتح بغداد بخدمت خاندان جوینی اختصاص یافت و از جانب ایشان کاتب انشاء دیوان بغداد شد ولی پس از برچیده شدن این خاندان چنان تهی دست شد که در برابر سیصد دینار قرض محبوس شد و در آن حبس در ۱۸ صفر ۶۹۳ در گذشت و هشتاد سال عمر کرده بود وی را مؤلفات چندیست از آن جمله رسالهٔ شرفیه در موسیقی که بنام شرف الدین هارون پسر صاحب دیوان جوینی پرداخته و بهترین رسالهٔ موسیقی قدیم ایرانست .

۲۴ ـ قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی معروف بعلامه درسال ۶۳۴ درشیراز متولد شد وعم و پدرش طبیب بودند ووی نزد ایشان طب را آموخت ودرنجوم نیز دست یافت و ازجمله کسانی بود که در رصدخانهٔ مراغه با خواجه نصیر الدین دستیاری می کردند وسپس بروم رفت ومدتی قاضی سیواس وملطیه بود واز آنجا بشام رفت ودرقونیه باصدر الدین قونیوی وجلال الدین بلخی محشور شد ودرسلك تصوف درآمد وسپس بتبریز آمد وازخاصان پادشاهان مغول شد و در آنجا بسال ۷۱۰ درگذشت و در محلهٔ چرنداب مدفون شد . وی ازعلمای بزرگ قرن هفتم بود ودرطب وریاضیات ونجوم وحکمت و کلام وموسیقی و هنر های دیگر کامل بود ودرظرافت طبع معروفست ، اورا خال سعدی شاعر معروف ایران دانسته اند . درنثر ونظم پارسی وعربی مهارت بسیار داشته و کتب بسیار او در زبان عرب معروفست و از جمله کتابهای معروف او بفارسی درة التاج لغرة الدباج است که کتابی است در تمام علوم ومعروف بانبان ملا قطب که برای اسحق وند امیره دباج ازامرای مغرب گیلان که در فومن حکمرانی داشته است نوشته و دیگر از مؤلفات فارسی او تحفهٔ شاهی و نهایة الادراك است که هر دو در علم هیئت باشد ونیز کتاب زیج سلطانی را بوی نسبت داده اند .

۲۵ ـ رکن الدین علاء الدوله احمد بن محمد بیابانکی سمنانی از عرفای نامی ایران بود در ۶۵۹ متولد شد ودرجوانی جزو عمال دیوان بود وپس از آن بحج رفت ودر ۶۸۷ در سلك عرفا درآمد و از ۷۲۰ ببعد در خانقاهی منزوی شد و در ۷۳۶ درگذشت . علاء الدولهٔ سمنانی مؤلف یك سلسله رسالات بسیارفصیح شیرین در تصوف بزبان فارسیست و درنظم فارسی نیز دست داشته از جملهٔ رسائل اوست : رسالة التصوف فی آداب الخلوه ، سرالبال فی‌اطوار سلوك اهل‌الحال (تالیف در ۷۰۱) ، سلوة العاشقین وسکنة المشتاقین ، ذکر خفي المستجاب الاجرالوفي .

۲۶ - ملك الشعراء شمس الدین بن فخر الدین فخری اصفهانی ازشعرا و ادبای معروف قرن هفتم بود ودرجوانی دردربار اتابیك نصرة الدین احمد اتابیك لرستان می زیست سپس بخدمت خواجه غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله رسید و از آن پس بخدمت شیخ ابواسحق انجودر آمد وپدرش فخرالدین نیز ازشعرای معروف‌عصرخودبوده است . شمس الدین فخری‌مؤلف چند کتابست از آن جمله معیار نصرتی درفن عروض وقوافی که در ۷۱۳ در لرستان تمام کرده ودیگرقصیدهٔ مصنوع معروفی باسم مخزن‌البحور ومجمع الصنایع که در ۷۳۲درقم درمدح خواجه غیاث‌الدین‌سروده و دیگر معیار جمالی ومفتاح ابو اسحقی شامل عروض و قافیه وبدیع ولغت که در ۷٤٤ باسم ابواسحق انجو درفارسی تمام کرده است و وی در عروض و قوافی ولغت و محسنات کلام در عصر خویش معروف بوده .

۲۷ - ناصرالدین عمدة الملك منتجب‌الدین یزدی منشی رئیس - دیوان رسائل و انشای صفوة الدین پادشاه خاتون (٦۰۱ - ٦۹٤) ازسلسلهٔ قراختائی کرمان بود وپدرش در ٦٥۰ ازیزدبکرمان رفت وبدربار این سلسله راه یافت ووی اندکی بعدبکرمان رفت‌ودرجزو عمال آن دربا رشد ودرجوانی در٦۹۳ رئیس دیوان انشای‌رسالت شدودر کرمان اقامت داشت ، وی مؤلف کتاب معروفیست درتاریخ قراختائیان کرمان باسم سمط‌العلی للحضرة العلیا که بتقلیدعقدالعلی نوشته و کتاب منشیانهٔ فصیحی است که در ۷۱٦ تمام کرده .

۲۸ _ شهاب الدین ابو سعید کرمانی ازمورخین ونویسندگان قرن هفتم کرمانست که از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتابیست باسم تاریخ شاهی در تاریخ قراختائیان کرمان .

۲۹ - امیر ناصرالدین‌یحیی بن مجد الدین محمدترجمان معروف بابن بی‌بی پدرش از سادات کورسرخ گرگان بودومادرش‌بی‌بی

منجمه دختر کمال الدین سمنانی رئیس شافعیهٔ نیشابور بهمین جهة
با بن بی بی معروف شد واز جانب مادر ازنژاد محمد بن یحیی عالم
مشهور خراسان بود که درفتنهٔ غز در قرن ششم درخراسان کشته
شد و مادرش در ستاره شناسی معروف بود بهمین جهة در دستگاه
جلال الدین خوارزمشاه قربی داشت و درسفر ها باوی همراه بود
وپس از کشته شدن این پادشاه این خانواده بدمشق رفت وعلاء الدین
کیقباد پادشاه سلجوقی روم ایشان را بقونیه نزدخود خواند، شوهر
کاتب حضور شاه و انشاء دیوان شد وپسر نیز در همان دربار مقام
مهمی یافت و در آن دربار مقیم بود . ابن بی بی مؤلف کتابیست
باسم سلجوقنامه که از ۶۸۱ تا ۶۸۴ بتالیف آن پرداخته و انشای
بسیار فصیح منشیانه دارد وخلاصه ای از آن دردست است

۳۰ ـ صدرالدین محمدبن اسحق قونیوی از عرفای بزرگ قرن
هفتم ایران بود که در شهرقونیه زندگی میکرد و جمع کثیری از
معاریف عرفای ایران درسلك شاگردان و مریدان وی بوده‌اند و
در ۶۷۳ در گذشته است ومؤلف کتابهای معروفیست در تصوف
بزبان عربی وفارسی از آن جمله اعجازالبیان در تفسیر وفکوك النصوص
درشرح فصوص الحکم ابن عربی و کتاب النصوص و نفحات و ازجمله
کتب فارسی او تبصرة المتبدی وتذکرة المنتهی است .

۳۱ ـ اسمعیل بن محمد تبریزی ازحکمای قرن هفتم ایران بود
و در دربار اتابیك یوسف شاه بن الب ارسلان از غون از اتابیکان
لرستان می زیست و از عمال این دربار و همواره باوی همراه بود
ودر زبان فارسی کتبی چند در حکمت پرداخته است از آن جمله
حیوة النفس و رسالهٔ نصیریه

۳۲ ـ قاضی سراج الدین ابو الثنایا محمود بن ابی بکر ارموی
ازعلمای معروف آذربایجان بود که در ۵۹۴ ولادت یافت و با سیای
صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در دربار عزالدین کیکاوس بن
کیخسرو بن کیقباد از سلجوقیان روم می زیست و در آن دبار
در ۶۸۲ در گذشت و مؤلفات چند ازو مانده است از آن جمله



ظرف نقره و طلای عهد ساسانی - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

مطالع الانوار در منطق و لطائف الحکمه در حکمت بفارسی که در ۶۵۵ تالیف کرده است .

۳۳ - ابو القاسم عبد الله بن علی بن محمد کاشانی از مورخین معروف قرن هفتم بود و ازجملهٔ کسانی بود که در تدوین جامع - التواریخ باخواجه رشیدالدین فضل الله مساعدت میکرد وسپس خود کتاب مستقلی درتاریخ نوشت باسم زبدة التواریخ که درسال ۷۰۰ تمام کرده ووقایع تاریخ عالم راتاعصرخودرسانیده ویکی ازمجلدات آنرا تاریخ الجایتو سلطان محمد خربنده نامیده است .

۳۴ - ابونصر محمد قطان غزنوی یکی ازنویسندگان وعلمای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده ولی از

احوال وی اطلاعی نیست وتنها کتابی ازو بدستست دراحوال پیغمبران بنثر فارسی بسیار روان و فصیح باسم سراج القلوب که در منتهای استادی نوشته است .

۳۵ - محمد بن علی بن حمید بن ابی بکر کوفی ازنویسندگان بزرگ مقیم هندوستان بود و کتاب منهاج المسالك تالیف محمد بن قاسم ثقفی را که بزبان عرب نوشته شده وشامل تاریخ چچ بن سیلایج و فتح سند بدست اعرابست باسم چچ نامه یا تاریخ هند و یا فتح نامه درزمان معزالدین محمد بن سام و ناصرالدین قباچه بفرمان عین الملك فخر الدین حسین بن ابی بکر اشعری وزیر بفارسی بسیار شیوا ترجمه کرده است .

۳۶ - بدر الدین نخشبی رومی ازدبیران دربار سلجوقیان روم درقونیه بوده ومؤلف کتاب بسیارخوبیست در صنعت انشائی باسم الترسل الی التوسل که در اول ذی حجه ٦۸٤ تدوین کرده است .

۳۷ - نصیر الدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله سجستانی ساعتی هیکلی سیواسی معروف برمال و معزم از علمای ایران بود که در روم اقامت داشت و درهندسه وعلوم غریبه و ریاضیات بسیار ماهر بود وچند تالیف درین باب پرداخته است : یکی کتاب دقایق الحقایق درعلوم خفیه که در اقسرا درسال ٦۷۰ تمام کرده و دیگرمونس العوارف منظومه درمعراج ومعجزات و غرایب که درقیصریه بسال ٦۷۱ باسم غیاث الدین کیخسرودوم (٦٦٦ - ٦۸۲) ازسلجوقیان روم باتمام رسانیده ودرنظم ونثر فارسی مهارت کامل داشته است .

۳۸ - حسن نظامی نیشابوری از منشیان زبردست خراسان بود در اوایل عمر بغزنین رفت وسپس بهندوستان رفت ودردهلی دردربار پادشاهان هند مقیم شد و بخدمت قطب الدین ایبك و شمس الدین ایلتتمش رسید و کتاب تاج المآثر را که در تاریخ این پادشاهان و از ۵۸۷ تا ٦۱٤ است در سال ٦۰۲ شروع کرد - این کتاب نیز ازجملهٔ کتابهائیست که دروفورکلمات عربی معروفست .

۳۹ ـ محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن ابراهیم دنیسری نیز از منشیان و علمای مقیم روم بوده و مؤلف کتابیست باسم نوادر۔ التبادر در تمام علوم که در ۶۶۹ تمام کرده است

۴۰ ـ شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد مسعودی مؤلف کتاب الکفایه فی علم الهیئة که در ۶۴۳ بتالیف آن شروع کرده ودر ۶۷۲ باتمام رساند ، وسپس آنرا خود بفارسی باسم جهان دانش ترجمه کرده

۴۱ - حسن بن محمد نیشابوری قمی معروف بنظام صاحب کشف الحقایق درشرح زیج ایلخانی خواجه نصیر الدین طوسی . از جمله علمای نجوم قرن هفتم بوده است ،

۴۲ - محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی معروف بسیف منجم بایزد وی مقیم شیراز وی نیز ازمنجمین این عصر بود ودرسال ۷۰۲ زیج اشرفی را تالیف کرده است .

۴۳ ـ محمد بن منصور از دانشمندان زمان غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳ ) بود و کتابی در معرفت جواهر باسم جواهر نامه پرداخته

۴۴ ـ سعد الدین سعید بن محمد بن احمد فرغانی معروف بسعید فرغانی متوفی در ۶۹۱ ازجمله عرفای این زمان بود وشرحی بفارسی بر قصیدهٔ تائیهٔ ابن الفارض نوشته است .

۴۵ ـ نجم الدین صاین الاسلام محمود بن صاین الدین الیاس بن ستر باویك شیرازی از اطبای نامی این زمان بود و کتاب غیاثیه در طب ازمؤلفات اوست .

۴۶ ـ شمس الدین محمد بن علی وابکنوی ازمردم وابکنه در سه فرسنگی بخارا و از بزرگان منجدین این زمان بود — چهل سال کواکب را رصد کرد و مدتی مقیم یزد بود و سفرهای بسیار کرد و تا اوایل قرن هشتم زنده بود ، از جمله مؤلفات او زیج سلطانی است که در ۶۹۴ تالیف کرده و دیگر زیج قطبی

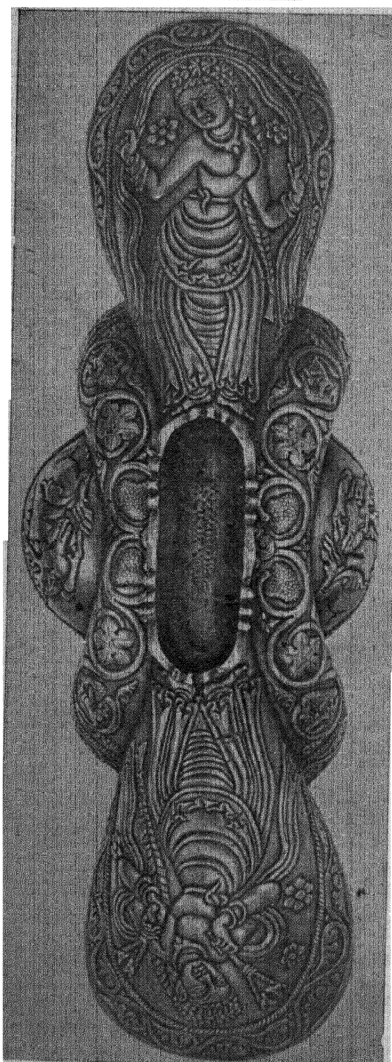
درین دوره دو کتاب مهم دیگر نیز بفارسی تالیف شده : یکی تاریخ سیستانست که ظاهراً اصل آن بعربی بوده ودر اوایل قرن پنجم در آغاز

سلجوقیان آنرا بفارسی ترجمه کرده اند و سپس در نیمه دوم قرن هفتم مولف دیگری حوادث سیستان را باختصار از اوائل قرن پنجم تا زمان خود بر آن افزوده و آنرا بنام ملك نصیرالدین پادشاه سیستان و پسران او رکن الدین محمود و نصرةالدین در میان سنوات ٦۷٥ - ٦۹٥ تکمیل کرده است .

کتاب دوم ترجمهٔ فارسی کتاب الفتوح از احمدبن اعثم کوفیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم یکی از وزرای خوارزم شاهیان مؤیدالملك قوام الدین منشی و شاعر معروف آن زمان رضی الدین سیدالکتاب امیرالشعراء محمدبن احمدبن ابی بکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب برضی الکاتب را بترجمهٔ آن مامور کرده .ولی او را مرگ در رسیده و ناتمام مانده است . و بازمانده آنرا بفرمان همان وزیر محمدبن احمدبن ابی بکر ماتریابادی بانجام رسانده است واین ترجمه درنهایت فصاحت میباشد .

## شعر فارسی در قرن هفتم :

در قرن هفتم تغییر اساسی درشعر فارسی پدیدار شد و اساساً سبك عراقی که در اواخر قرن ششم رواج کامل یافته بود بواسطهٔ بر چیده شدن سلسله های پادشاهان ایرانی در خراسان متروك ماند و فکر تصوف که در دو قرن گذشته در میان خواص ایران رواج یافته بود در نتیجهٔ سختی ها و بدبختی های تسلط مغول بیش از پیش تعمیم یافت و در شعر کاملا ریشه گرفت و از سوی دیگر روزبروز از شمارهٔ پادشاهان و امرائی که شعرا را بخود جاب می کردند و مدایح ایشان را می خریدند کاسته می شد و چون شاعر ممدوحی نمی یافت که حق او را بگزارد و مدایح او را صلت بخشد بغزل ایلتتمش رسید... می پرداخت و برای دلداری و آزادی خود جز تصوف و از ٥۸۷ تا ٦۱٤ ...اشت . بهمین جهت اکثریت شعرای بزرگ قرن نیز ازجملهٔ کتابهائیست که سروده اند و کسانی که هنوز بسبك عراقی دند با پادشاهان و امرای جزء که درپیرامون



ظرف نقره عهد ساسانی ـ از کنگرهٔ صنایع ایران در موزهٔ ارمیتاژ

استیلای مغول باقی مانده بودند بمحض انکه ایشان ازمیان میرفتند نا بود می شدند ودیگر کسی جای ایشان را نمی گرفت . در نتیجه نهضت خاصی در شعر ایران در قرن هفتم دیده می شود .

شعرای بزرگ ایران درقرن هفتم بدین قرار بودند :

۱ ـ کمال الدین اسمعیل اصفهانی پسر جمال الدین عبد الرزاق شاعر معروف قرن ششم بود و وی از بزرگان شعرای قرن هفتم بشمار است تمام عمر خویش را در مولد خود گذرانده و مانند پدر مداح آخرین پادشاهان خوارزمشاهی و بزرگان خانوادهٔ صاعدیان بود که

پیشوایان مذهب حنفی در اصفهان بودند و در آخر عمر شاهد وقایع ناگوار اصفهان بود یعنی جنگهای خوارزمشاهیان با مغول و استیلای مغول بر اصفهان در ۶۳۳ و زد و خوردهای شافعیان و حنفیان اصفهان در همان سال و کشتار مهیبی که در نتیجه آن روی داد. پس از این واقعه کمال‌الدین اسمعیل در گوشه ای منزوی ماندو اندکی بعد دردوم جمیدی‌الاولی ۶۳۵ درانزوا رحلت کرد و سبب مرگ وی را چنین نوشته اند که برحسب اتفاقی بدست‌مغولی کشته شد. کمال‌الدین اسمعیل از شعرای بزرگ ایرانست و در جزو سخن سرایان درجهٔ دوم بشمارست. در قصیده و غزل قادر بوده و پیشوای غزل سرایان عراق در قرن هفتم شمرده می شود. دیوان وی شامل هفت هزار بیت است دراشعار خود مضامین دقیق و تازه بسیار آورده است و بهمین جهت او را «خلاق المعانی» لقب داده اند و سبك شعرای عراق را وی باوج کمال رسانده.

۲ - اثیرالدین عبدالله اومانی از مردم اومان نزدیك همدان بودو وی را از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی شمرده اند. وی اختصاص داشته است بمدح اتابیك مظفرالدین ازبك و سلیمانشاه بن پرچم ایوائی پیشوای یکی از خاندانهای کرد و بهمین جهت بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانده است و بسال ۶۶۵ در گذشته. اثیرالدین اومانی نیزازبزرگان شعرای قرن هفتم و بسبك شعرای عراق قصیده سرائی می کرد و معانی دقیق در اشعار خود بسیار می آورد و بهمین جهت در زمان خویش بسیار معروف بود، دیوان وی شامل پنج هزار بیت است و در میان آن اشعار مخصوصا قطعات اخلاقی بسیار خوب دارد و درین سبك کاملا استاد بوده است.

۳ - جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمد بن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی معروف بمولوی رومی یا ملای روم یکی از بزرگترین عرفای اسلام‌وازبزرگترین‌شعرای درجه اول‌ایران بشمارست. خانوادهٔ وی‌ازخاندانهای‌محترم بلخ بودو نسب ایشان به‌ابوبکرخلیفه‌میرسید و پدرش ازسوی‌مادر دختر زادهٔ سلطان علاءالدین محمدخوارزمشاه بود

و بهمین جهت ببهاءالدین ولد معروف بود و وی در سال ٦٠٤ در بلخ ولادت یافت . چون پدرش از بزرگان مشایخ عصر بود وسلطان محمدخوارزمشاه با این سلسله لطفی نداشت بهمین جهت بهاءالدین در سال ٦٠٩ با خانواده خود خراسان را ترك کرد و از راه بغداد بمکه رفت و از آنجا در الجزیره ساکن شد و پس از نه سال اقامت در ملاطیه سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی که عارف مشرب بود او را بپایتخت خود شهر قونیه دعوت کرد و این خاندان در آنجا مقیم شد. هنگام هجرت از خراسان جلال الدین پنج ساله بود و پدرش در سال ٦٢٨ در قونیه رحلت کرد و وی پس از مرگ پدر مدتی در خدمت سید برهان الدین ترمذی که از شاگردان پدرش بود و در ٦٢٩ بان شهر آمده بود شاگردی کرد و تا سال ٦٤٥ که شمس الدین تبریزی رحلت کرد جزو مریدان و شاگردان او بود و سپس خود جزو پیشوایان طریقت شد و طریقه ای فراهم ساخت که پس از وی انتشار بسیار یافت و باسم طریقهٔ مولویه معروف شد و خانقاهی در شهر قونیه برپا کرد و در آنجا بارشاد مردم پرداخت و آن خانقاه کم کم بدستگاه عظیمی بدل شد و معظم ترین اساس تصوف بشمار رفت و از آن پس تا این زمان آن خانقاه و آن سلسله در قونیه باقیست و در تمام ممالك شرق طرفداران بسیار دارد و وی همواره با مریدان خود می زیست تا اینکه در پنجم جمیدی الاخرهٔ سال ٦٧٢ رحلت کرد . جلال الدین بلخی یکی از بزرگترین شعرای ایران و یکی از مردان عالی مقام جهانست و و در میان شعرای ایران شهرت وی بپای شهرت فردوسی و سعدی وعمرخیام وحافظ می رسد و از اقران ایشان بشمار می رود و آثار وی ببسیاری از زبانهای مختلف ترجمه شده . این عارف بزرك در وسعت نظر و بلندی فکر و بیان ساده ودقت در خصال انسانی یکی از بزرگان دنیاست و شاعری دون مقام اوست و یکی از بلند ترین مقامات را در ارشاد فرزند آدمی دارد و وی را باید درشمار اولیا دانست . سرودن شعر تاحدی تفنن وتفریح ویك نوع لفافه ای برای

ادای مقاصد عالی او بوده و این کار را وسیلهٔ تفهم قرار داده است اشعار وی بدوقسمت منقسم میشودنخست منظومه معروف اوست که ازمعروف ترین کتابهای زبان فارسیست و آنرا مثنوی معنوی نام نهاده است . این کتاب که صحیح ترین و معتبر ترین نسخهای آن شامل ۲۵۶۳۲ بیت است بشش دفتر منقسم شده و آن رابعضی باسم صیقل الارواح نیز نامیده اند . دفاتر شش گانه آن همه بیك سیاق ومجموعه ای از افکارعرفانی واخلاقی وسیر وسلوکست که درضمن آیات و اخبار و احکام و حکایات و امثال بسیار در آن آورده است و آنرا بخواهش یکی از شاگردان خود حسن بن محمد بن اخی ترك معروف بحسام الدین چلبی که در۶۸۳ رحلت کرده استنظم کرده ووی هنگامی که شوری ووجدی داشته چون بسیار مجذوب سنائی وعطاربوده است بهمان وزن وسیاق منظومات ایشان اشعاری باکمال زبردستی بدیهه میسروده است وحسام‌الدین آنهارا می‌نوشته نظم دفتر اول در ۶۶۲ تمام شده و دریتوقع بواسطهٔ فوت زوجهٔ حسام‌الدین ناتمام مانده و سپس در ۶۶۴ دنباله آنرا گرفته و پس از آن بقیه را سروده .

قسمت دوم اشعار او مجموعهٔ بسیار قطوریست شامل نزدیك صد هزاربیت غزلیات ورباعیات بسیار که درموارد مختلف عمرخود سروده ودرپایان اغلب آن غزلیات نام شمس‌الدین تبریزی را برده و بهمین‌جهة بکلیات شمس‌تبریزی ویاکلیات‌شمس معروفست ودرمیان آن‌همه اشعار که با کمال سهولت می‌سروده‌است غزلیات‌بسیاررقیق و شیوا هست که ازبهترین اشعار زبان‌فارسی بشمارتواندآمد

جلال‌الدین باخی پسری داشته است باسم بهاء الدین احمد معروف بسلطان ولد که نام وی در جای خود خواهد آمد و جانشین پدر شد و سلسلهٔ ارشاد وی را ادامه داده است و از عرفای معروف قرن هشتم بوده و اومطالبی را که درمشافهات از پدرخود شنیده است در کتابی گرد آورده و « فیه مافیه » نام نهاده است

و نیز منظومه‌ای بهمان وزن و سیاق مثنوی بدست هست که باسم دفتر هفتم مثنوی معروف شده و باو نسبت میدهند

٤ ـ ملك الشعراء پوربهای جامی ازشعرای درجهٔ دوم قرن هفتم بود، دراوایل عمر درخراسان می زیست وخاندان وی درولایت جام منصب قضا داشتند و وی از مداحان خواجه وجیه الدین زنگی بن خواجه طاهر فریومدی مستوفی خراسان بود ودر زمانی که ارغون خان حکمران خراسان بود اورا با ممدوح وی بتبریز برد ودرآنجا پوربهارا باشعرای آذربایجان که مختصان صاحبدیوان جوینی بودند ملاقات ومشاعره روی داد ووی درسلك ایشان داخل شد و تا آخر عمر در آذربایجان می زیست و در اواخر قرن هفتم درگذشت.
پور بهای جامی درقصیده سرائی زبر دست بود ولی از شعر او جز اندکی نمانده است.

٥ ـ ملك الشعراء بهاء الدین احمدبن محمودقانعی‌طوسی، نخست درخراسان می زیست ودرسال ٦١٧ از فتنهٔ مغول گریخت وازراه دریا بعدن و مدینه ومکه رفت وسپس ببغداد آمد و ببلاد روم رفت ودردربارسلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی واردشدوملك الشعرای اوشد وسپس دربار جانشینان وی غیاث الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس همین مقام را داشت و نزدیك چهل سال دربن مقام باقی بودودر اواخر قرن هفتم درگذشت. قانعی نیز در قصیده سرائی مهارت تام داشته و ازوهم جز بعضی اشعار نمانده است باآنکه مدت چهل سال‌شعرمی گفته ووقایع پادشاهان سلجوقی روم رانظم‌میکرده وکتابی باسم سلجوقنامه درتقلید شاهنامه نظم کرده بود که شامل ٣٠ مجلد و ٣٠٠ هزار شعر بود وگذشته ازآن کتاب کلیله ودمنه‌را هم نظم کرده بود ولی از آن همه‌چیزی بدست نیست.

٦ ـ رضی الدین ابو عبدالله محمد بن عثمان امامی هروی از دانشمندان هرات بودوپادشاهان آل کرت رامدح می گفت وسپس بکرمان رفت و مدتی پادشاهان وامرای آن دیار را مدح می گفت



غرفهٔ ظروف برنزی قرن ۱۲ـ۱۳ ـ از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

وبعد باصفهان آمد وباز ماندهٔ عمرخودرا در اصفهان گذرانده وچون درزبان و ادبیاب عرب مهارت بسیار داشت در زمان خویش بسیار معروف شد وحتی بعضی ازمعاصرین وی را برسعدی ترجیح دادند ووی دراصفهان در ١٧ محرم ٦٨٦ درقصبهٔ لنجان رحلت کرد. امامی از شعرای درجهٔ دوم قرن هفتم ایران بود ودرقصیده سرائی بسبك عراقی مهارت داشت . دیوان وی شامل نزدیك دو هزار بیت بدستست ودرزبان عرب نیز مؤلفات دارد از آن جمله است شرحی که برقصیدهٔ بائیه ذو الرمه شاعر معروف عرب نوشته است .

٧ ـ مجد الدین همگر شیرازی ازبزرگ زادگان یزد بودولی چون بیشتر در شیراز می زیسته است بشیرازی معروف شده وخود نسب خویش را بساسانیان می رساند ، مدتی در اصفهان می زیسته وسپس بفارس رفته ودرخدمت اتابیکان سلغری فارس زیسته و پس از انقراض این خاندان باصفهان بازگشته و از مداحان بهاء الدین محمد پسرشمس الدین صاحبدیوان حکمران اصفهان بوده است ، در زمانی که درفارس بوده مدتی جزو مداحان اتابیك سعدبن ابی بکر ـ ابن سعد بن زنگی ممدوح معروف سعدی بوده و خود می گوید که سمت وزارت اورا داشته است و عاقبت در اصفهان در ٦٨٦ رحلت کرده است . مجدهمگر درغزل وقصیده مهارت تام داشته وازبزرگان شعرای قرن هفتم بوده است . دیوان وی شامل نزدیك هفت هزار بیت است که در آن میان اشعار لطیف بسیار دارد .

٨ ـ بدر الدین جاجرمی نیز از شعرای معروف قرن هفتم بود وبسبك عراقی قصاید میسرود و همواره دراصفهان می زیست ودر اواخر عمر درسلك مداحان بهاء الدین محمد جوینی درآمد وبهمین جهة شمس الدین صاحبدیوان راهم مدح گفته است و وی نیز در ٦٨٦ در اصفهان درگذشته ، دیوان وی شامل نزدیك چهار هزار بیت است ومنظومه ای در اختلاجات سروده است .

٩ ـ خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد جوینی

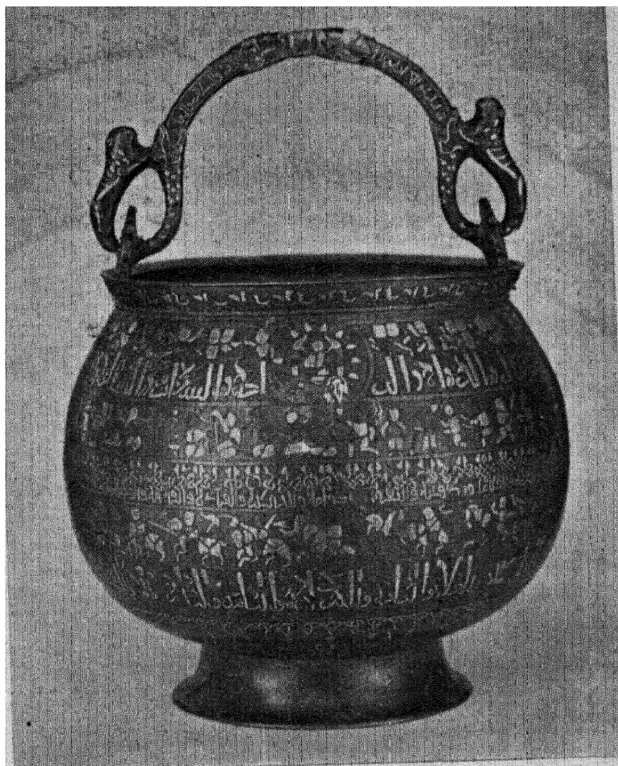


ظروف مطلا - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

صاحبدیوان از خانوادهٔ معروف جوینیان بود که رجال بسیار ازیشان در اواخر قرن ششم و درقرن هفتم چه در دولت خوارزمشاهیان و چه در دولت مغول مقامات مهم داشته‌اند وهمه دبیر و مستوفی و وزیر بوده اندووی برادرارشد عطاملك جوینی است. پدرش بهاءالدین محمد در سال ۶۳۰ صاحب دیوان خراسان شد ودر ۶۴۱ از جانب امیر ارغون نایب او در آذربایجان و گرجستان و روم گشت و پسرش شمس الدین ازجوانی در در بار مغول بود و از عمال هولاکو خان بشمار می‌رفت و پس از فتح بغداد درسال ۶۵۷ حکمران

آن ناحیه شد و در ۶۶۱ بوزارت هولاکو رسید و پس از مرگ هولاکو در زمان ابقاخان درین مقام باقی بود تا اینکه میان وی ومجد الملك یزدی که از بر آوردگان او بود نقاری در گرفت و مجد الملك بنای سعایت را گذاشت و خاندان جوینیان را بخیانت متهم کرد وابقاخان برین خانواده بدگمان شد . بهمین جهة نخست عطاملك را ازحکمرانی بغداد عزل کرد و درین میان ابقاخان مرد وبرادرش تکودار احمد بجای او نشست واوباصاحبدیوان چندان سخت گیری نکرد تا اینکه ارغون خان بجای او نشست و درین زمان صاحبدیوان فرار کرده بود و در اصفهان می زیست و میخواست بهندوستان بگریزد وچون پابند خانوادهٔ خود بود مصمم شد نزد ارغون رود ودل اورا نرم سازد وبا آنکه ارغون بخوش روئی اورا پذیرفت پس ازچندی فرمان داد که اورا محاکمه کنند وقرار شد که جریمه دهد ولی مبالغی که از فروش املاك خود فراهم ساخته بود پسندیده نیفتاد و ارغون حکم کشتن اورا صادر کرد ووی را عصر دو شنبهٔ ۴ شعبان ۶۸۳ درنزدیك اهر در آذربایجان کشتند وهر کس را که از خانوادهٔ او یافتند نابود کردند . شمس الدین صاحبدیوان جوینی یکی از بزرگان تاریخ ایرانست و از حیث تدبیر وکاردانی ومروت و بزرگواری وزیر دست پروری وسخا و دانش گستری ولطف عام مقامی نظیر مقام نظام الملك طوسی دارد و از مردان بزرگ این دیار بشمار تواند آمد . درادبیات قرن هفتم مقام بسیار رفیعی دارد زیرا که تمام نویسندگان وشعرای بزرگ این دوره از نعم وی برخوردار شده اند و همه ازوصلات گرفته ووی رامدح های غرا گفته اند . شمس الدین خود در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته بعضی از منشات ومکاتیب او باقیست که قدرت وی را در انشای فارسی مسلم می کند وبعضی غزلیات وقصاید وقطعات که ازو مانده ثابت میکند که از شعرای زبردست زمان خود بود.

۱۰ ـ فخر الدین ابراهیم بن شهریار همدانی متخلص بعراقی

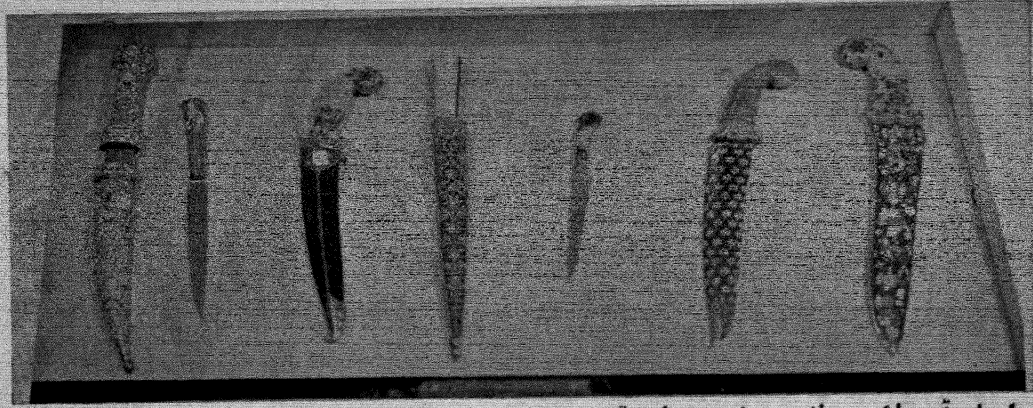


دیگچه برنز منقش و مرصع - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از بزرگان عرفای این دیارست. درجوانی بسن ۱۷ سالگی شورتصوف در او پدید آمد وبهمراهی چند تن ازدرویشان ازهمدان آهنگ هندوستان کرد و درمولتان جزو شاگردان شیخ بهاء الدین زکریا مولتانی عارف معروف قرن ششم جای گرفت وبیست ودوسال درخدمت او ماند ودختر اورا نکاح کرد وپس ازمرگ وی جانشین اوشد ولی

چون مریدان دیگر زیر بار او نرفتند از هندوستان بیرون آمد و بمکه ومدینه رفت و از آنجا ببلاد روم افتاد و درشهر قونیه بخدمت صدر الدین قونیوی رسیدو کتاب فصوص الحکم محیی‌الدین ابن‌عربی را که معروف ترین کتاب تصوف در آن زمان بود نزد وی درس خواند و در آن دیار معروف شد تا بحدی که معین الدین پروانه حکمران آن دیار مجذوب وی گشت وبرای اودرشهر توقات خانقاهی ساخت ولی پس ازمرگ معین‌الدین وی ازروم هجرت کرد وبشام ومصر رفت و شیخ الشیوخ مصر شد وسپس درهشتم ذی قعدهٔ سال ٦٨٨ در دمشق رحلت کرد ودر صالحیه نزدیك قبر محیی الدین ابن العربی مدفون شد . فخرالدین عراقی یکی ازشعرائیست که غزل عارفانه را بسیار لطیف وطرب انگیزوسوزناك سروده است وشعراو وجد و شوق خاصی دارد و در منتها درجهٔ زیبائی غزل عارفانه است . دیوان قصاید وغزلیات اوشامل هفت هزاربیت بدستست وبجز آن منظومه ای بروزن حدیقه سنائی باسم عشاق نامه برای شمس‌الدین صاحبدیوان سروده است . درنثرفارسی کتاب بسیارمعروفی درتصوف تالیف کرده است باسم لمعات که درنهایت شورولطف نوشته وانشای عاشقانهٔ بسیارلطیفی دارد وآنرا پس ازدرس خواندن نزدصدرالدین قونیوی نوشته وباستاد خود نموده و ازو اجازت انتشار گرفته است واین کتاب ازاجلهٔ مؤلفات متصوفه درزبان فارسیست و شروح متعدد بر آن نوشته اند از آن جمله است شرحی که عبد الرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم باسم اشعة اللمعات بر آن پرداخته است . عراقی از دختر بهاء الدین زکریا پسری داشته باسم کبیرالدین .

١١ - ضیاء الدین محمود بن جلال‌الدین مسعودخجندی معروف بفارسی از شعرای معروف اواخرقرن ششم و اوایل قرن هفتم بود ، اصلا از مردم خجند بود وپدرش در زمان قطب الدین محمد تکش خوارزمشاه از خجند بخوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهیان بمقام عالی رسید تا بحدی که در زمان غیاث الدین پیرامشاه وزیر خراسان شد وپسر دربن سفرها باوی همراه بود وچون پدر درفتنهٔ



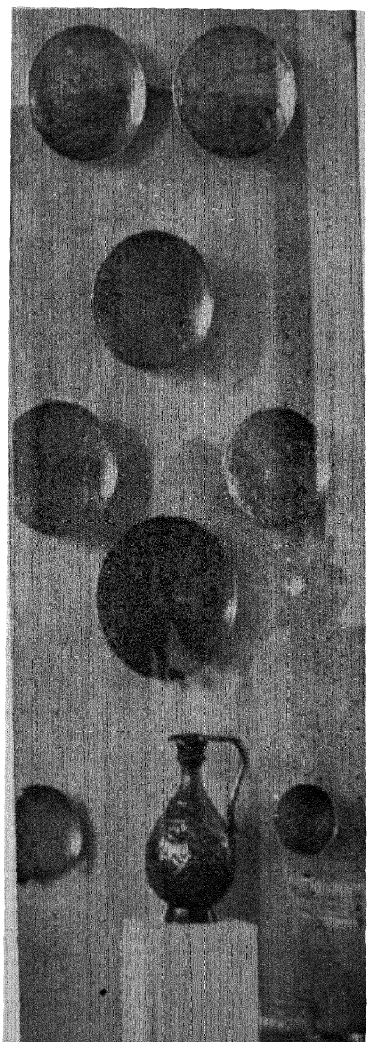
**اسلحهٔ سبك و خنجرهای زیبای قدیم ایران - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ**

مغول کشته شد ضیاء الدین جانشین پدر گشت و بوزارت خراسان رسید ولی پس از چندی از کار وزارت کناره گرفت و چندی نزد امام فخر رازی تحصیل علوم می کرد وسپس در سلك متصوفه داخل شدو از مریدان نجم الدین کبری گشت و نیز گفته اند که از مریدان ضیاء الدین ابو النجیب سهر وردی بود و عاقبت درهرات ساکن شد و در آنجا بسال ۶۲۲ در گذشت ضیاء الدین فارسی مردی دانشمند بوده ومولفات بسیار درتصوف و اصول و کلام

داشته است . از آن جمله شرحی بر محصول امام فخر رازی نوشته است . شعر فارسی‌را نیز نیکو می‌سروده است وقصاید بسبك عراقی بسیار گفته وازشعرای معروف زمان‌خودبوده ولی دیوان‌وی بدست نیست و فقط بعضی اشعار ازو مانده است .

۱۲ ـ رفیع الدین مسعود لنبانی از مردم لنبان نزدیك اصفهان بود وهمواره در آن دیار زندگی میکرد، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه‌عمرش طولانی نشده ودرزمان خود درمیان شعرای عراق بسیارمعروف بوده است و در اصفهان درسال ٦٣٠ درگذشته وهمانجامدفون‌شده است . وی نیز ازشعرای‌معروف‌سبك عراق است و دیوان وی شامل نزدیك سه هزار بیت است که در آن میان اشعار لطیف و مضامین تازه بسیار دارد .

۱۳ ـ نجیب الدین جرفادقانی در جوانی ببغداد رفت و در فتنهٔ مغول مدتی در قلعهٔ وشاق مقیم بود وامرای‌آن دیار را مدح‌میکرد وچون رکن الدین غور سانجی برادرجلال‌الدین خوارزمشاه عراق وکرمان را گرفت وعمادالملك ساوجی وزیر اوشدبواسطهٔ روابطی که نجیب الدین با این وزیر داشت با او باصفهان رفت و نزد آن پادشاه قربی یافت وجزو عمال دربار او درعراق شد ومعروفست که دربن موقع‌چون بدان منصب رسید پادشاه خلعت و جایزهٔ نقد بوی داد و او از بلندی همت که داشت آن زر را از مجلس سلطان که بیرون می‌آمدبتنك دستان دادوچون سلطان رکن الدین از عراق بری وفیروز کوه رفت و باسپاه مغول جنگ کردو کشته شد نجیب ـ الدین از کار خویش استعفا جست و بوطن خویش رفت و در انزوا بود تا در آنجا بسال ٦٦٥ درگذشت . نجیب الدین جرفادقانی یکی ازبهترین شعرای سبك‌عراقی‌درقرن هفتم بوده ومضامین‌بسیار بدیع در الفاظ رقیق دارد . دیوان اشعاروی شامل چهارهزار بیت قصیده بدست‌است ومثنوی بشر وهند نیز ازوست که در همان قلعهٔ وشاق سروده است .


ظروف طلای دورهٔ ساسانی از کنگرهٔ صنایع ایران

۱۴ ـ فریدالدین احول اصفهانی اصل وی از اسفراین بود ولی چون مدتی در اصفهان زندگی کرد باصفهانی معروف شد، در جوانی از خراسان بفارس رفت و بدربار اتابیکان فارس در آمد و مدتی مداح سعد بن ابی بکر بن سعد زنگی بود و در ضمن بنظام ـ الدین وزیر وی پیوستگی داشت و درمیان وی و شعرای عراق و فارس که در آن زمان بودند رقابت افتاد و درین رقابت هر کدام قصیده ای نزد صدر الشریعهٔ بخاری فرستادند و او امیر رکن ـ الدین میر آب را که از ادبای معروف زمان بود بامتحان ایشان گماشت و درین امتحان برتری فرید الدین ثابت شد و سپس وی از شیراز باصفهان رفت و تا آخر عمر در اصفهان مقیم بود و در اوایل قرن

هفتم در اصفهان رحلت کرد و بعضی هم مرگ وی را در بخارا نوشته اند. فرید الدین احول نیز از شعرای معروف قرن هفتم ایرانست که بسبك عراقی قصاید نیکومی سروده ولی بیش ازدیگران بصنایع لفظی ومحسنات کلام دلبستگی داشته و بهمین جهة اشعاروی بسبك قطران ورشید و طواط و عبد الواسع جبلی نزدیك تر است و در عروض وقافیه و صنایع شعری مهارت تام داشته است. دیوان اشعاروی بدست نیست و از سخنان او جز اندکی نمانده است.

۱۵ - ابو عبدالله مشرف بن مصلح سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۵ و ۶۰۶ هجری در شیراز متولد شده وپیش از استیلای مغول بعزم تحصیل ببغداد رفته ودرمدرسهٔ نظامیه علوم متداول زمان خودرا درك کرده و ازاستادان معروف آن زمان مانند جمال‌الدین عبد الرحمن ابو الفرج بن جوزی و شیخ شهاب الدین سهروردی بهره مند شده است و در اثر این تعلیمات عارف پیشه شده و پس از فراغت از تحصیل سفر های چند در دیار اسلام کرده و ظاهراً باقصی نقاط افریقا رفته است وپس از مدت مدیدی بشیراز باز گشته و در دربار اتابیکان فارس منزلتی یافته و باتابیك سعد بن‌ابی بکر. ابن‌سعد بن زنگی منتسب شده وتخلص خود را ازو گرفته و ظاهرا ازهمین زمان دورهٔ شاعری او شروع شده. این اتابیك سعد پس از مرگ پدر که در ۶۵۸ اتفاق افتاد بجای او نشست ولی دوازده روز بیشتر دربن مقام نبود وچون هنگام مرگ پدردرشیراز نبود ودر تفرش قم سکونت داشت موقعی که عازم بود درراه رحلت کرد ولی چون در زمان پدر اختیار کارها بدست او بود سعدی در همین دوره مداح او بوده است و این شاهزاده در پرورش شعرا و ادبا بسیارشایق بود وجمعی کثیر از بزرگان ادبای ایران ازوی متنعم شده اند. پس از برچیده شدن دستگاه اتابیکان فارس و استیلای مغول بر آن دیارسعدی درسلك مداحان خواجه شمس‌الدین‌صاحبدیوان و برادرش عطا ملك جوینی درآمد وپس از مصائبی که برای این



سنگ اب برنزی قرن هشتم - از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

خانواده رخ داد دیگر سعدی بممدوح دیگری اقبال نکرد و بازماندهٔ عمر خود را در پیری در خانقاهی که در شیراز داشته است بانزوا گذرانیده وقسمت اعظم ازغزلیات خودرا درین مدت سروده است. عاقبت درشیراز بسال ٦٩٤ درحالی که بیش از هشتاد سال ازعمر وی گذشته بود رحلت کرد و درهمان محل اقامت خود مدفون شد. سعدی بی شك بزرگترین شاعر ایران ویکی ازبزرگترین شعرای جهانست، تا کنون هیچ کس درزبان فارسی بروانی ولطف وسادگی وشیوائی و انسجام وفصاحت وفریبندگی الفاظ او شعر نگفته است وبهمین جهة غزلهای او در زبان فارسی بی نظیرست وچون منتهای سادگی وروانی را در ساده ترین احساسات طبیعی بکار برده بهر زبانی که ترجمه شود از زیبائی آن کاسته نمی گردد و بهمین جهة درتمام عالم معروف شده و درسلك بزرگان فرزند آدمی در آمده

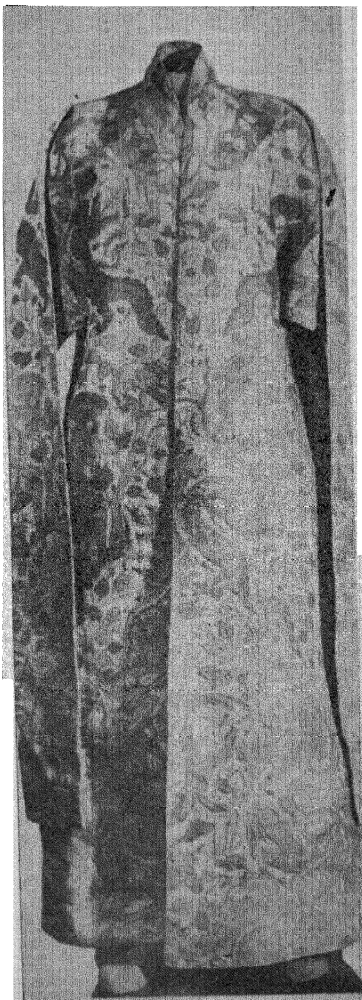
در نظم و نثر و اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه ومثنوی ومدح و معاشقه وحکمت و نصیحت درمنتهی درجه قادر بوده وسبك انشای اودرنثرفارسی همواره درهرطبقهٔ ایران مطلوب بوده ونمونهٔ بهترین نثر شمرده شده ۰کلیات نظم و نثر او شامل چندین رساله و کتاب مستقل است : غزلیات او که بهترین نمونهٔ سبك شعر اوست و درنهایت لطف وشیوائی سروده است شامل چهار کتابست :

۱ ـ غزلیات قدیم ، طیبات ، بدایع ، خواتیم و هرقسمتی شامل غزلیات یك دوره از عمر اوست . ۲ - بوستان یاسعدی نامه منظومه ایست ببحر متقارب تقریبا شامل دوهزار بیت که در ۶۵۵ بنام ابوبکر- بن سعد نظم کرده وشامل حکایات وابواب چند در معارف و اخلاق و حکم و سیر و سلوك و امثال است و از جملهٔ معروف ترین کتب نظم فارسیست . ۳ ـ گلستان که معروف ترین کتاب نثرفارسیست و در سال ۶۵۶ بنام همان اتابیك تمام کرده معروف تر از آنست که بحد وصف در آید . ٤ ـ قصاید فارسی و عربی و ترجیعات و ترکیبات و مقطعات و ابیات پراکنده ( مفردات ) و رباعیات که هریك قسمت جداگانه ایست . ۵ ـ رسائل مختلف نثرشامل : مجالس پنجگانه ، سؤال صاحب دیوان ، رسائل عقل وعشق ، رسالهٔ نصیحت ملوك ، مضحکات و میزان در صرف افعال عرب و درضمن دیباچه ای برکلیات خود نوشته که آنهم رسالهٔ جداگانه است. ۶ـ منظومات مختلف شامل : مثنوی لریما ، مراثی ، ملمعات ، صاحبیه. کلیات سعدی از نظم ونثر تقریبا شامل نه هزار بیت است که علی بن احمد بن ابی بکر معروف ببیستون در سال ۷۲۰ جمع کرده .

۱۶ - خواجه همام الدین تبریزی ازمشاهیر شعرای آذربایجان ویکی از بهترین غزل سرایان قرن هفتم ایران بودو باخاندان جوینیان پیوستگی تام داشت و همواره در تبریز می زیست و در آن شهر ولادت یافته و در سال ۷۱٤ در همانجا درگذشته است . دیوان غزلیات او که اشعار بسیار روان دل انگیز درمیان آن هست شامل

نزدیك دو هزار بیت است و مثنوی صحبت نامه نیز ازوست که بنام خواجه شرف الدین هارون پسر صاحب دیوان جوینی سروده است .

۱۷ ـ امیرحسین بن عالم بن ابو الحسن حسینی هروی غوری فخر السادات معروف بامیر حسینی از مردم شهر غوزیو در کوهستان غور بود . از بزرگان عرفا و شعرا و نویسندگان قرن هفتم ایران بشمارست و بیشتر ایام خودرا در شهر هرات می گذراند و بارشاد مردم می پرداخت و از پیروان بهاء ـ الدین زکریای ملتانی و شهاب الدین سهروردی بود و در ۷۱۸ در هرات رحلت کرد . در نثر کتاب بسیار معروفی در تصوف تالیف کرده است باسم نزهة ـ الارواح که در ۷۱۱ تمام کرده و در نظم چند مثنوی ازو بدست هست یکی زاد ـ المسافرین و دیگری کنز ـ الرموز که از جملهٔ بهترین منظومات عرفای ایرانست .

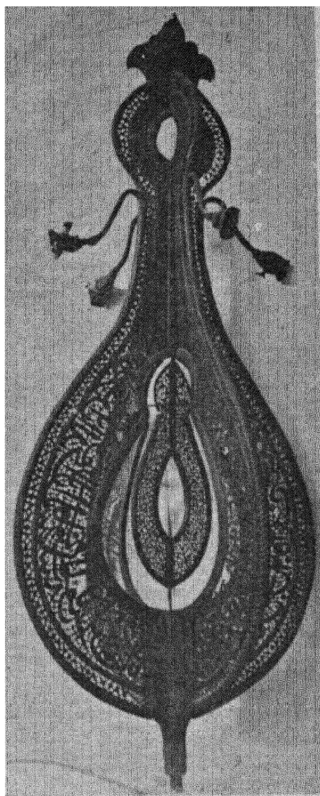


لباس ابریشمی از صنایع ظریفه بافندگی از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

۱۸ ـ سعد الدین محمود بن عبدالکریم شبستری ازمردم شبستر آذربایجان و ازبزرگان مشایخ آن دیار بود و ازعلمای نامدار تبریز بشمار میرفت و اوقات خویش را دردرس وبحث می گذراند و در سال ۷۲۰ در تبریز رحلت کرد. شیخ شبستری مؤلف مثنوی معروفیست باسم گلشن راز که شروح بسیار بر آن نوشته اند و از معروف ترین کتاب های عرفای ایران است و در ماه شوال ۷۱۷ امیرحسینی هروی سؤالاتی از وی بنظم کرده و اوجواب آنها را بنظم سروده و این مثنوی را ترتیب داده است. بجز آن دومثنوی دیگر یکی باسم شاهدنامه ودیگر باسم سعادت نامه سروده است وخود تصریح می کند که شاعر نبوده واین وسیله را برای اظهار مطالب خود پیش گرفته است. درنثر نیزرسائل چند درتصوف تالیف کرده از آن جمله است حق الیقین ومرآت المحققین.

۱۹ - سعد الدین نزاری قهستانی از غزل سرایان معروف قرن هفتم ایران بود و درزمان خویش شهرت بسیارداشت وازاسمعیلیان قهستان بود بهمین جهة در دیار خود منزوی می زیست و در قاین و بیرجند اقامت داشت وتخلص خودرا ازنام نزار بن مستنصرخلیفهٔ اسمعیلی مصر گرفته بود که از ائمهٔ اسمعیلیهٔ ایران بشمار میرفت و وی درسال ۷۲۰ رحلت کرد. نزاری غزل را روان ولطیف می سروده و دیوان وی شامل نزدیك هفت هزار بیت بدستست و نیز منظومهٔ دستور نامه را سروده است.

۲۰ - امیر خسروبن امیر سیف الدین محمود دهلوی پدرش لاچین نام از ترکان خطائی ترکستان بود و دراستیلای مغول از بلخ بهندوستان فرار کرد و درخدمت سلطان شمس الدین التتمش در آمد و بامیر سیف الدین محمود شمسی معروف شد و خسرو پسرش درسال ۶۵۱ دردهلی ولادت یافت وپس از مرگ پدر که درسال ۶۵۸ روی داد بسر پرستی خالش تربیت یافت و از آغاز جوانی درحمایت پادشاهان دهلی در آمد و مداح پنج تن ازیشان شد که نخستین ایشان معز الدین کیقباد (۶۸۶ ـ ۶۸۹) و



قندیل فولادی قرن ۱۲ - از موزه آستانهٔ قم

آخرین ایشان سلطان محمد بن تغلق (۷۲۵ ـ ۷۳۰) بود ودر همان سال جلوس این پادشاه درربیع الاول ۷۲۵ دردهلی رحلت کرد.
خسرو دهلوی بزرگترین شاعر ایرانی هندوستانست وبهمین جهت اورا سعدی هندوستان لقب داده اند.
دراقسام مختلف شعر مانند مدح وغزل ومثنوی مهارت داشته ولی شاهکاراو بیشتر غزل عارفانه است که الفاظ رقیق و معانی دقیق را با فکر تصوف آمیخته است و در تصوف پیرو عارف مشهور هندوستان نظام الدین اولیا بود کلیات وی ازحیث نظم ونثر دارای چندین مجلد کتابهای جالب توجه است بدین قرار: ۱ ـ تحفة الصغر شامل غزلیات وقصاید آغازعمر او ، ۲ ـ وسط الحیوة شامل اشعار اواسط عمر ، ۳ - غرة الکمال شامل اشعار اواخر عمر وی ، ٤ بقیهٔ نقیه شامل اشعار پیری او ، ۵ ـ نهایة الکمال شامل اشعار آخرعمروی ، ٦ ـ مطلع الانوار در برابرمخزن الاسرار نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده، ۷ ـ شیرین وخسرو در برابر منظومهٔ خسرووشیرین نظامی که در ۶۹۸

تمام کرده ، ۸ - لیلی ومجنون در برابر منظومهٔ نظامی که درهمان سال تمام شده است ، ۹ ـ آئینهٔ سکندری در برابر اسکندر نامهٔ نظامی که در ۶۹۹ تمام کرده ، ۱۰ ـ هشت بهشت در برابر هفت پیکر نظامی که در ۷۰۱ بانجام رسانده ، ۱۱ - قران السعدین بوزن مخزن الاسرار در شرح ملاقات معزالدین کیقباد و برادرش ناصر الدین بغراخان شاه بنکاله در ۱۲،۶۸۸ ـ مثنوی نه‌سپهر ، ۱۳ـ مثنوی‌مفتاح الفتوح بوزن خسروشیرین در فتوح جلال الدین فیروز شاه از ۶۸۹ تا ۶۹۰ ، ۱۴ ـ ـ منظومهٔ خضرخان ودولرانی درشرح معاشقات این دوتن که معاصر وی بوده اند . مؤلفات وی درنثر عبارتست از : ۱ ـ خزائن‌الفتوح درتاریخ سلطان علاء الدین محمد خلجی ( ۶۹۵ - ۷۱۵ ) که باسم تاریخ علائی نیزمعروفست وتقلیدیست ازتاج‌المآثرحسن‌نظامی، ۲ ـ رسائل‌الاعجاز درفن‌انشاء . ازین قرار خمسهٔ نظامی را جواب گفته‌ومثنویات پنج گانهٔ آنرا که نزدیك هیجده هزاربیت است درسه سال‌نظم کرده وازهمین‌پیداست که طبع او تاچه حد روان بوده است و نزدیك صد هزار شعر ازو باقی مانده و گذشته ازشعر وعرفان و انشاء درموسیقی هم مهارت داشته است .

۲۱ ـ خواجه نجم‌الدین حسن بن علی سجزی دهلوی معروف بحسن دهلوی ازشاگردان ومصاحبین امیر خسرو دهلوی بود واز شعرا وعرفای معروف قرن هفتم هندوستان بشمارست مدتی‌دردربار سلطان محمدبن غیاث الدین بلبن ومدتی نیز ازمداحان علاء الدین محمد خلجی بود و در ضمن جزو مریدان شیخ نظام الدین اولیاء بشمار میرفت و امالی و تعلیمات مرشد و استاد خودرا جمع میکرد و درسال ۷۲۷ یا ۷۳۱ دردولت آباد هندوستان ودردربار محمد ـ ابن تغلق شاه در گذشت . خواجه حسن دهلوی از بهترین شعرای فارسی زبان هندوستانست وغزل عارفانه رانیکومی سروده ، بهمین جهة اورا نظیر حافظ در هندوستان دانسته اند و دیوان وی شامل نزدیك چهار هزار بیت در دستست .



آفتابهٔ قلم زده قرن ۱۲ ـ از کنگره صنایع ایران در موزه ار میتاژ

۲۲ ـ سید مطهر از شعرای معروف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هندوستان بود وازاحوال وی چیزی معلوم نیستجز اینکه

ازشاعران دربار تاج الدین فیروزشاه ازپادشاهان بهمنی هندوستان بوده که در ۸۰۰ بسلطنت رسیده و در ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشته است ووی قصیده را بسبك عراقی نیکو می سروده و تشبیهات عالی ومعانی دقیق داشته است ودیوان وی شامل چهارهزار بیت بدستست .

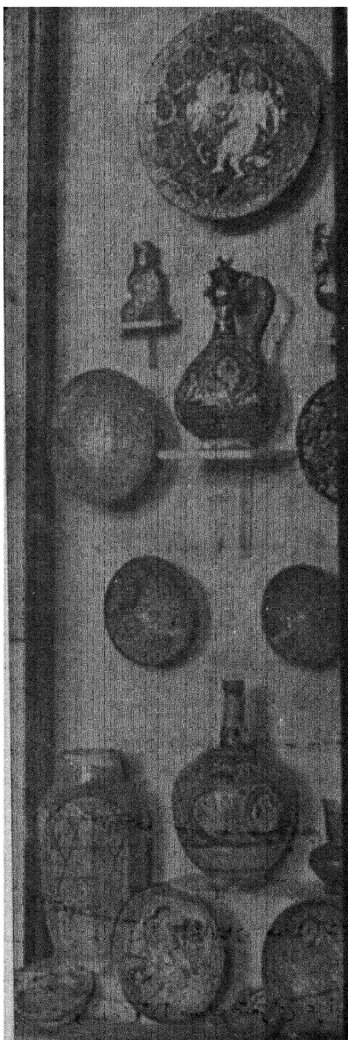
۲۳ ـ سید سراج الدین سراجی سکزی ازشعرای معروف قرن هفتم هندوستان بودنخست درسیستان مقیم بوده ودردربارپادشاهان آل خلف می زیسته و ملك نصرة الدین ابو الخطاب خسرو شاه بن بهرام شاهرا مدح می گفته است وپس از کشته شدن وی وبروز فتنهٔ مغول از سیستان گریخته و بعربستان رفته وبمکه و بمدینه رفته است و از آنجا بهندوستان افتاده و بدربار شمس الدین التتمش راه یافته وجزومداحان وزیروی نظام‌الملك قوام الدین محمدبن محمد جنیدی شده است . دیوان وی شامل پنج هزاربیت موجود است ووی درسبك قصیدهٔ خراسانی استادکاملی بوده است ویکی از آخرین شعرائیست که بدین سبك سخن گفته اند .

۲۴ ـ قاضی نظام الدین محمود قمری اصفهانی متخلص بقمر معروف بنظام اصفهانی یاقاضی نظام الدین از شعرای معروف عراق درقرن هفتم بوده است و در اصفهان می زیسته و مدتی هم مداح اتابیك ابوبکربن سعدزنگی بوده است وازمختصان خاندان خجندیان اصفهان بشمارمی رفته وقصیده رابسبك عراقی باالفاظ رقیق ومعانی دقیق خوب می گفته است وازجمله درسرودن اشعارملمع دست داشته ودیوان وی شامل چهار هزار بیت بدستست .

۲۵ ـ قاضی رکن الدین دعوی دار قمی از شعرای نامی اواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم بود نخست درقم می‌زیست وازمداحان حسام الدوله اردشیر بن حسن ملك‌الجبال باوندی (۵۶۷ - ۶۰۲) بود و پس از انقراض این سلسله از خدمت این خاندان منفك شد و ظاهرا تا اوایل قرن هفتم نیز می زیست و درتبریز در گذشت. درنظم و نثر فارسی مهارت داشت و قصیده را بسبك شعرای عراق نیکو می سرود و از اشعار او جز اندکی نمانده است .

۲۶- زراتشت بهرام بن پژدو از زرتشتیان مقیم هندوستان بوده و از احوال وی اطلاع چندانی نیست در سال ۶۴۷ روایاتی را که درمیان زرتشتیان راجع بزندگی زرتشت پیامبر معروف ایران متداول بوده است باسم زراتشت نامه ببحر متقارب نظم کرده واشعار بسیار بلند در آن میانست که مقام وی را در شاعری مسلم می‌دارد.

۲۷ - اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری از حکمای معروف وعلمای نامی قرن هفتم بودنخست در عراق و اصفهان می زیست و از شاگردان امام فخر رازی بود و در استیلای مغول از ایران گریخت ودر بلادروم ساکن شد ودر آنجا بتعلیم وتالیف می پرداخت وعاقبت در ۶۶۰ رحلت کرد . اثیر- الدین ابهری در منطق و ریاضیات و نجوم و حکمت

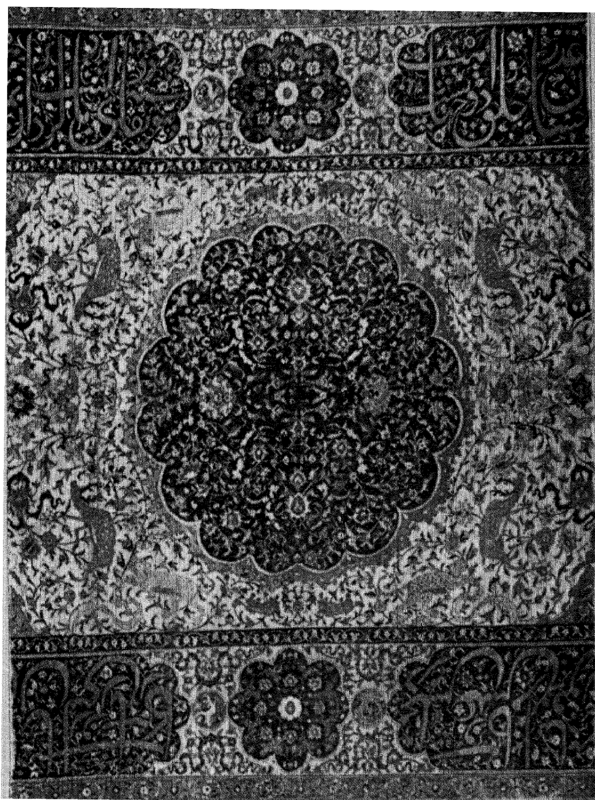


ظروف مختلف قرن ۱۲ - ۱۳ - از موزه ارمیتاژ

مؤلفات معروف دارد از آن جمله است کتاب ایسا غوجی درمنطق و هدایة الحکمه درمنطق وطبیعیات والهیات که شروح متعدد بر آن نوشته اند و در ضمن شعر فارسی را نیکو می سروده و در اوایل عمر باجمال الدین عبدالرزاق اصفهانی مشاعره می کرده است ولی از شعر اوچیزی بدست نیست .

۲۸ - اوحد الدین حامدبن ابی الفخر کرمانی ازعرفای مشهور قرن هفتم بود و بیشتر از ایام عمر خویش رادرسفر گذرانده‌چنانکه مدتی از جوانی خود را در اربل گذرانده و آنجا معتقدین بسیار داشته و سپس چندی در دمشق ومدتی دربغداد بوده و جمعی کثیر ازعرفای معروف آن زمان خدمت وی را درك کرده اند و وی از مریدان شیخ رکن الدین سنجاسی بود وبامحیی الدین ابن‌العربی وشمس الدین تبریزی معاشرت داشته وفخر الدین عراقی واوحدی مراغی و سید حسینی از شاگردان وی بوده اند و در سال ۶۳۲ بپیشوائی صوفیان بغداد در رباط مرز بانیه منصوب شد و در سال ۶۳۵ یا ۶۳۶ رحلت کرد . اوحد الدین کرمانی در شعر فارسی بمسلك عرفا بسیارتوانابوده ورباعیات وی درتصوف بسیارمعروفست که بسیاری از آنها باسم عمر خیام معروف شده و نیز مثنوی مصباح الارواح را سروده است که یکی از بهترین منظومات عرفای ایران بشمارمی آید .

۲۹ - امیر بهاء الدین مرغینانی از وزرا و منشیان و شعرای معروف قرن هفتم بود از سوی پدر ازخاندان شیخ الاسلام فرغانه و از سوی مادر ازفرزندان طغان خان حکمران فرغانه بودونخست از مداحان قطب الدین انوشتکین خوارزمشاه بود و تا زمان ارغون خان نیز زنده ماند و عمید الملك حبش وی را بخدمت پسر خود بیسو گماشت ووزارت بوی داد و عاقبت درسال ۶۴۹ حبش بروی بدگمان شد و اورا کشت . بهاء الدین مرغینانی ازشعرای معروف عصر خود بوده است ولی از شعر او جز اندکی باقی‌نمانده .



نمونه فرشهای قدیم ایران - از کنکرهٔ صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

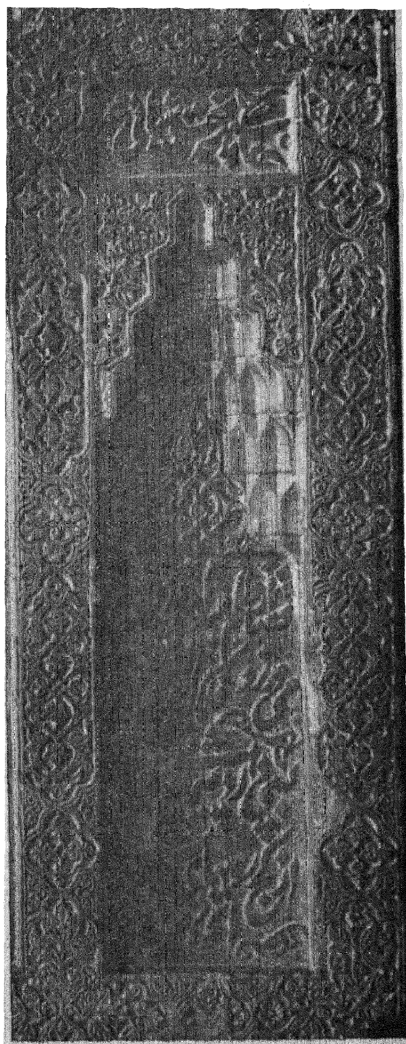
۳۰ - سیدقوام الدین حسین بن‌صدرالدین علی‌ذوالفقارشیروانی از شعرای معروف اواخرقرن ششم واوایل قرن هفتم بود در اوایل عمرمعاصرخاقانی وفلکی‌وجمال‌الدین عبدالرزاق بود ودرآذربایجان می زیست وسپس جزومداحان اتابیك یوسف شاه ازاتابیکان لرستان شد وبوسیلهٔ خواجه محمد تستری وزیر بدان دربار راه یافت و در

۶۷۹ درتبریز رحلت کرد و درمقبرة الشعراء سرخاب مدفون شد.
سید ذوالفقار از بزرگان شعرای این عصر بوده ودرفن خویش مهارت وشهرت تام داشت ومخصوصا درساختن اشعار مصنوع بسیار زبردست بود و ازجملهٔ قصاید مصنوع اوست قصیده ای با سم « مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام » که معروفست و در شعر ذوالفقار تخلص میکرد ودیوان وی شامل چهار هزار بیت بدستست.

۳۱ ـ ملك رضی الدین بابای قزوینی از امرای محتشم قرن هفتم بوده و بخاندان جوینیان اختصاص داشته است وباتکای ایشان بحکمرانی اربل و موصل رسیده و از پروردگان شمس الدین صاحبدیوان بوده است و وی را مدح می گفته و در شعر فارسی مهارتی کامل داشته و از شعرای نامی زمان خود بشمار می رفته است ولی از اشعار او جز چند قصیده چیزی بدست نیست.

۳۲ ـ شیخ سیف الدین سعید بن مظفر باخرزی ملقب بشیخ العالم ومعروف بسیف الدین صوفی از بزرگان مشایخ اواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم ایران بوده ووی ازشاگردان نجم الدین کبری بوده وپس ازشهادت وی درفتنهٔ مغول ازخوارزم بماوراء النهر رفته وباز ماندهٔ عمر خود را در آن دیار گذرانده و از بزرگان عرفای خراسان بشمار می رفته و دربخارا بسال ۶۵۳ یا ۶۵۸ رحلت کرده است. وی درشعر فارسی نیز زبردست بوده ورباعیات معروفی سروده است که بعضی از آنها باقیست.

۳۳ ـ سعد الدین سعید هروی از شعرای معروف در بار مغول ونخست مداح خواجه عزالدین طاهر فریومدی وزیر خراسان بوده و سپس بدربار مغول راه یافته و مداح غازان خان و الجایتو بوده و تاسال ۷۱۶ که الجایتو درگذشته نیز زنده بوده است ودرضمن بخواجه رشیدالدین فضل الله وزیر اختصاص داشته وزمانی دراصفهان زیسته وهم اتابیك نصرة الدین احمد ازاتابیکان لرستان رامدح گفته است ودر ۷۶۶ درگذشته وقصایدی بسبك شعرای عراق در منتهای



نمونه حجاری های قرن ۱۵ - از کنگره صنایع ایران

خوبی می سروده ولی دیـوان وی بدست نیست واز اشعار اوچند قصیده مانده است .

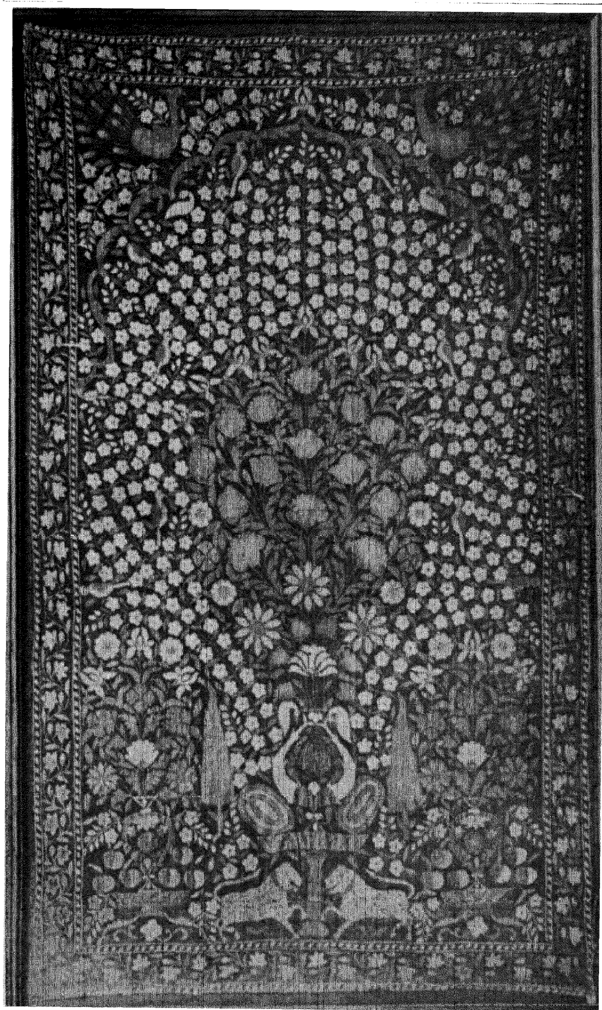
۳٤ - شهاب‌الدین بن جمال الدین بداونی معـروف بشهـاب مهمره‌ازمردم‌بداون درهندوستان بوده و از شعرای بسیار معروف آن دیار بشمار می رفته و شاعردربار رکن‌الدین فیروز بن شمس‌الدین‌التتمش معروف بفیروزشاه (٦٣٣ - ٦٣٤) بوده‌است ودردربار این‌سلسله در دهلی زندگی می کرده ودر شعر شهاب تخلص می کرده و قصیده را بسبك شعـرای خراسان نیکو می سروده‌ولی‌ازاشعار اوجزاندکی نمانده است .

۳۵ ـ خواجه حکیم عمدة الملك یا فخر الملك عمیدالدین لوبکی از مردم قصبهٔ لوبك از توابع سنام درهندوستان بوده ودرسال ۶۵۵ ولادت یافته و تا سن ۶۰ سالگی نیز زنده بوده یعنی تا ۷۱۵ هم زیسته است و در زمان سلطان محمد بن بلبن معروف بخان شهید ومشهور بقا آن ملك شغل مشرفی داشته است و پس از آن چندی در بند افتاده وعاقبت در همان ناحیهٔ سنام درگذشت و همانجا مدفون شد وی نیز ازشعرای بسیارمعروف هندوستان بود واشعار وی را در فرهنگها بشاهد لغات بسیار آورده اند و قصیده را بسبك شعرای آذربایجان نیکو می سروده و در شعر عمید تخلص می کرد ولی دیوان وی نمانده وبعضی ازقصاید او بدستست .

۳۶ ـ ناصرالدین بجه‌ای معروف بناصرشیرازی ازغزل سرایان معروف قرن هفتم و ازمعاصرین سعدی بود اصل وی از بجه بود که قصبه ای بود از متعلقات را مجرد و در میان فارس و اصفهان ولی بیشتر در شیراز می زیست و از احوال وی جز این چیزی بدست نیست . غزل عاشقانه رابسبك شعرای عراق وفارس درمنتهای خوبی می‌سروده ودرین فن بسیارشهرت داشته است ولی ازغزلیات اوجز اندکی چیزی نمانده .

۳۷ ـ فخری غواص از شعرای هندوستان درین زمان بود ولی از زندگی او چیزی معلوم نیست بجز آنکه در دربار علاء الدین خلجی ( ۶۹۵ - ۷۱۶ ) می زیسته وفرهنگ نامه را بنام وی نظم کرده است .

گذشته از شعرای معروف این قرن که ذکر ایشان گذشت در قرن هفتم یك عده کثیر شعرای دیگر نیز بوده اند . درمیان سلسله های جزء که درایران شهریاری داشته اندشعرفارسی رواج بسیارداشته وحتی بعضی از امرای ایرانی درآن زمان شعر می‌سروده اند ازآن جمله درسلسلهٔ آل کرت که پادشاهان سیستان بوده اند چند تن از امرا درشعرفارسی معروف بوده اند وازهریك از ایشان اشعاری مانده است بدین قرار : ملك شمس الدین محمد



پارچهٔ زرنگار قرن ۱۷ و ۱۸ از کنگره صنایع ایران در موزه ارمیتاژ

## ابن ابی بکر کرت (۶۴۳ - ۶۷۶) غیاث الدین محمد بن فخرالدین

(٧٠٦ - ٧٢٩) فخر الدین علی بن رکن الدین (٧٠٥ - ٧٠٦) وعلاء الدین و فخر الدین محمد کرت از شاهزادگان این سلسله.
اتابیکان فارس نیز بشعر فارسی شوق مفرط داشته اند و گذشته از آنکه شعرای بسیار را پرورش داده اند خودنیز شعر می‌سروده اند و ازچند تن ازیشان اشعاری مانده است از آنجمله ازسلجوقشاه بن سلغور (٦٦١ - ٦٦٢) و ازسلغرشاه بن سعد بن زنگی برادر اتابیك ابوبکر. از ملوك شبانکاره نیز ملك مظفر الدین محمد بن مبارز (٦٢٤ ـ ٦٥٨) نیز شعرفارسی سروده است. ازپادشاهان قراختائی کرمان نیز از صفوة الدین پادشاه خاتون (٦٠١-٦٩٤) هم شعر فارسی مانده است. امرای دیگر نیز در پرورش شعر جد می کرده اند از آن جمله اسپهبد شاه نصرة الدین کبود جامه امیر گرگان که در ٦٨٩ کشته شده است و شهاب الدین سلیمان شاه بن پرچم ابوائی از امرای کرد، از وزرای این زمان نیز بجز کسانی که ذکر ایشان گذشت مجد الملك بن صفی الملك ابوالمکارم یزدی‌وزیر ابقاخان مقتول درچهارشنبهٔ ٨ جمادی‌الاولی ٦٨٣ و خواجه شرف الدین هارون جوینی پسر شمس الدین صاحبدیوان امیر بغداد مقتول در جمیدی‌الاخرهٔ ٦٨٥ شعر فارسی سروده اند.

اماشعرای درجهٔ دوم قرن هفتم که ازاحوال ایشان اطلاع‌درستی نیست وازهریك‌چند بیت مانده است بدین قرارند: حکیم ابوبکر بن محمد واعظی‌بلخی، امام الدین ابو القاسم بن ابوسعید رافعی قزوینی (متوفی در ٦٣٣)، شاه زین العباد یازین العابدین عابد بیرمی لاری معروف بشاه زنده، مظهر کجرانی معروف بمظهرهندی، رضی الدین علی لالای غزنوی (متوفی در ٦٤٢)، نجیب الدین ابو سعید علی بن برغش شیرازی (متوفی در شعبان ٦٧٨)، اصیل الدین زوزنی، ابن موفق قمی، فخر الدین‌بن‌معین معروف بابن معین، ابن زنگی شیرازی، افتخار الدین دامغانی، شاهفور اشهری نیشابوری (متوفی در ٦٤٥)، ابو المحاسن (متوفی در

۶۳۵ )، منوچهر بن شرفشاه معروف بابن شرفشاه ، ابونصر مهنه ، مسعود بن نصرتی معروف بابن نصرتی ، ابن علاء ، ابن خیام ، جلال الدین بن حسام سرخسی معروف بابن حسام، زین العابدین علی فقیه معروف بابن فقیه ، ابن عطار شیرزای ، نجیشی از وزرای فارس ، قاضی بهاء الدین زنجانی ، بدیع الدین شیرازی ، بدیع الدین فارسی ، خواجه بدر الدین دامغانی ، بهاء الدین خجندی ، بهاء الدین یزدی ، بدیعی کرمانی ، بدیعی طوسی ، شیخ عزالدین اسفراینی معروف بپور حسن ، تاج الدین ابو القاسم ، تاج الدین بخاری ، مجد الدین ترمذی ، تاج الدین کرمانی، تاج الدین زکی، چلال الدین محمودشاه ، سیدجلال الدین جعفری، جمال الدین اشهری، جلال الدین شاه هروی ، جمال الدین سمرقندی ، جلال تبریزی ، جمال الدین بی بصر ، جلال الدین دهستانی ، جمالی سمرقندی ، جمال الدین همدانی ، جمال الدین منشی ، جلال الدین اسکندر ، حاجی احمد بخاری ، سیدحسن نیشابوری ، حمید الدین کازرونی ، امیرحسن ترکمیر ، حدادی ، خلیل شیرازی ، امام خالد ، خرمشاه کرمانی ، خازن ، امیرخسروشاه هروی ، شرف الدین خضر یزدی، امیر رکن الدین میر آب ، رفیقی ، رفیع الدین ابهری ، رکن - الدین قباهی ، رکنی ، زیری ، زین الدین انبانی ، زوزنی ، سنائی رواسی ، سعد الدین ساوجی ، سعد الدین احمد عزیز ، سیف الدین هروی ، سعد سعید نیشابوری ، سعد الدین وراق ، سیف الدین سمرقندی ، سعدالدین خلیفه ، سردوز ، سراج الدین حسن شیرازی، سدید الدین اعور کرماج ، سعد الدین محمد بن مؤید بن حسن ابن محمد بن حموه حموی جوینی ( متوفی در عید اضحی ۶۵۰ ) ، سلیمان شاه بن تیمور ملك ، سعدالدین نطنزی ، شرف الدین فضل الله قزوینی ، شمس الدین عبد الکریم ابر قوهی ، شمس الدین محمد خوجانی ، شمس اوحدی ، شهاب الدین خجندی، شمس الدین سمرقندی، صابری ، صدر الدین ابهری ، صدر نظامی یاصدر نظام ، عبدالقادر

نائینی پارسی ، عبد الرحمن حموئی ، عزالدین علوی ، اوحد الدین عبد الله بن ضیاء الدین مسعود بلیانی کازرونی (متوفی در ۶۷۳ یا ۶۸۳)، قطب الدین عتیقی ، صدر علی شمس الکرجی ، عزالدین بابویه ، عماد الدین یوسف لر فضلوئی ، عباد دامغانی ، عبدالکافی، عدهٔ تبریزی ، عمادالدین اکرم ، امیرعزالدین یحیی ، خواجه عالم سمرقندی ، عزیز الدین ، عماد الدین حروفی ، فخرالدین قلانسی ، فخر الدین گیلانی ، فتح بلخی ، فصیح الدین ، قاری ، قاضی عثمان ماکی قزوینی، قمصری ، قطبی ، قتلو بغا ، کمال الدین زنجانی ، کمال الدین ابرقوهی ، گسیل خراط ، گیتی شاه ، محمود منور ، خواجه مؤید مهنه ، منبری ، شرف الدین ملکی ، خواجه معین الدین حسن سکزی معروف بچشتی ، مجیرالدین دامغانی ، محمود خطاط ، مرشد الدین قاضی ، مجد الدین طبیب کاشی ، مطلعی ، موفق الدین یحیی ، نجم الدین منجم ، ناصر کاشانی ، ناصحی ، نجم الدین زرکوب ، نظام الدین یحیی ، نجم الدین کاتب ، نظام الدین ، خواجه نصیر ادیب ، ناصرالدین عین الملك ، نورالدین بسطامی ، سیف الدین هندو ، خواجه علاء الدین هندو ، یحیی فیروز آبادی ، یزدی .

**قرن هشتم** درقرن هشتم ادبیات ایران نسبت بقرون گذشته و مخصوصا نسبت بقرن هفتم اندکی تنزل کرد وسبب آن بود که دراواسط این قرن قدرت پادشاهان مغول ایران تخفیف یافت و سلسله های جزء که بیشتر ضعیف بودند از تجزیهٔ ممالك ایشان فراهم آمد وانقلاب وحوادث دوباره آسایش را ازمردم سلب کرد ووزرای مقتدر که درقرن پیش می زیستند ومردم را درعلم وادب تشویق می کردند درین قرن بوجود نیامدند ، تنها خاندانهای بزرگی که درپرورش علما و ادبای ایران درین زمان کوشیدند نخست خاندان آل مظفر در یزد و فارس و دوم خاندان جلایر دربغداد وعراق عرب بود ، معذلك درین دوره نیز نویسندگان و شعرای بزرك در ایران بسیار بوده اند .

## ۱ - نویسندگان بزرگ

درقرن هشتم نویسندگان بزرگ ایران همان اسلوب وسبك

نویسندگان قرن هفتم را دنبال کرده اند وهم سبک روان فصیح وسلیس مورخین دورهٔ گذشته وهم سبک مغلق بعضی ازنویسندگان که در کثرت استعمال لغت عرب مبالغه می کرده اند هردو رواج داشته است . فقط تفاوت محسوسی که درین دوره دیده می شود اینست که عرفان وتصوف از آن رواج وتداولی که درقرن گذشته داشت افتاده و بهمین جهة آثار بسیار بنثر فارسی ازعرفای ایران درین دوره پدیدار نشده است . نویسندگان بزرگ این قرن بدین قرار بوده اند :

۱ - محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای از نویسندگان بسیار زبردست قرن هشتم بود ودرانشای فصیح روان بسبك نویسندگان بزرگ قرن پنجم و ششم کمتر در ایران نظیر داشت و در ضمن از شعرای زمان محسوب می شد و از مداحان خواجه غیاث الدین پسر رشید الدین فضل الله بود و در حدود ۶۹۷ در یکی از محال شبانکاره ولادت یافت و تمام عمر خودرا درنویسندگی و شاعری گذرانید و در سال ۷۳۳ بتالیف تاریخ عمومی پرداخت و آنرا درسال ۷۳۵ باتمام رسانید و بخواجه غیاث الدین تقدیم کرد که از نظر ابوسعید آخرین پادشاه مغول بگذراند ولی پیش از آنکه این کتاب بنظر او برسد درگذشت و این کتاب در همان اوان در ضمن غارت محلهٔ ربع رشیدی تبریز از میان رفت و شبانکاره ای بار دیگر کتاب خودرا ازنو تالیف کرد وآنرا مجمع الانساب نامید ودر سال ۷۳۵ باتمام رسانید وآن بدستست و کتابیست درمنتهای حسن انشاء و انسجام . شامل تاریخ عالم از آغاز تا آخرپادشاهی ابوسعید که درضمن تاریخ بعضی ازسلسله های جزء را دارد که در کتب دیگر نیست .

۲ - معین الدین آوی جوینی از عرفا ونویسندگان قرن هشتم بود که تااواخراین قرن هم می زیست و ازشاگردان سعد الدین یوسف بن ابراهیم حموی جوینی عارف مشهور بود ودرزمان خود

شهرت بسیار داشت و از دو کتاب معروف مانده است یکی نگارستان که یکی از نخستین تقلید های گلستان سعدیست و آنرا در هفت باب بسال ۷۳۵ تمام کرده است و اگرچه از حیث انشاء بپای سعدی نمی‌رسد ولی دارای فواید تاریخی بسیاراست و دیگر کتاب احسن ـ القصص که در شرح سورهٔ یوسف و داستان یوسف و زلیخا نوشته است.

۳ ـ شمس الدین محمد بن محمود آملی از علمای شیعه و از مدرسین مدرسهٔ سلطانیه در زمان الجایتو بود و پیوسته با علمای تسنن درمعارضه بود از آن جمله با قاضی عضد الدین ایجی و تا اواخر قرن هشتم هم زنده بود و سفر های بسیار کرد و در ضمن چون در زبان فارسی و عربی مهارت داشت بهر دو زبان تالیفات میگذاشت، از جملهٔ مؤلفات مشهور او در زبان عرب شرح کلیات قانون ابن سیناست که در ۷۵۳ تمام کرده و شرحی بر مختصر ـ الاصول ابن حاجب که قاضی عضد الدین ایجی بمذاق اهل تسنن شرح کرده بود و وی بمذاق شیعه شرح نوشته و در آن عقاید قاضی عضدالدین را رد کرده است. درفارسی تالیف بسیارمعروفی دارد باسم نفایس الفنون فی عرایس العیون که شامل تمام علوم متداول ومعروف آن زمانست و درسال ۷۳۶ شروع کرده و بعد از ۷۴۲ باتمام رسانیده و بنام شاه شیخ ابو اسحق اینجو پرداخته.

٤ ـ هندو شاه بن سنجر بن عبد الله صاحبی کیرانی نخجوانی از نویسندگان زبر دست قرن هشتم و از منشیان دربار مغول بود ودرزمان وزارت صاحبدیوان جوینی وی و برادرش امیرسیف ـ الدین محمود ازعمال دیوان بودند و از آنجمله هندوشاه در ٦۷٤ بنیابت از جانب برادر حکومت کاشان داشت و در اواخرعمر بدربار نصرة الدین احمد بن یوسف شاه بن شمس الدین الب ارغون بن نصر الدین هزار اسب (متوفی در ۷۳۰ یا ۷۳۳) از اتابیکان لرستان رفته و کتاب منیة الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء معروف بالفخری تالیف صفی الدین محمد بن علی العلوی ابن الطقطقی

را باسم تجارب‌السلف درسال ۷۲٤ ترجمه کرده است وازین قرار تا اواسط قرن هشتم زنده بوده واین کتاب او یکی از بهترین نمونه های نثر فصیح منشیانهٔ قرن هشتم واز بهترین کتابهای فارسی است .

۵ - محمد بن هندوشاه منشی نخجوانی معروف بشمس منشی پسر هندوشاه سابق الذکر بود ودرزمان وزارت خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشید الدین فضل‌الله بوی پیوستگی داشته وسپس دردربار سلطان معزالدین اویس بهادرخان ایلخانی ( ۷۵۷ - ۷۷۷ ) راه یافته است و وی مانند پدر منشی زبر دست بوده است و دو کتاب معروف ازو مانده یکی صحاح العجم درلغت فارسی که باسم خواجه غیاث الدین تمام کرده و دیگر دستور الکاتب فی تعیین المراتب درفن انشا ووظایف منشیان که بنابر دستورغیاث الدین آغاز کرده ولی درعهد سلطان اویس بپایان رسانیده‌است.

٦ - معین الدین علی بن جلال الدین محمدمعلم یزدی ازعلمای حدیث وازمعاریف زمان امیر مبارزالدین محمد وپسرش شاه شجاع آل مظفر بود . پدرش ازعمال شیخ ابو اسحق ووی از شاگردان عضد الدین عبدالرحمن بود ودرسال ۷۵۵ امیر مبارز الدین محمد او را بمدرسی دار السیادهٔ میبد گماشت و چنان در دولت این خاندان معزز بود که شاه شجاع در دروس او حاضر می شد و گاهی نیز ماموریت دیوانی یافته چنانکه در ۷٦۰ واسطهٔ میان شاه شجاع وبرادرش شاه محمود شد وایشان راصلح داد ودر ۷۸۹ رحلت یافت و در مسجدی که خود در یزد ساخته بود مدفون شد . وی مؤلف کتابیست باسم مواهب الهیه در تاریخ آل مظفر که در سال ۷۵۷ چند جزء آنرا ترتیب داده و نزدیك اصفهان بر امیر مبارز الدین وشاه شجاع خوانده وسپس آنرا درسال ۷٦٦ یك سال پس ازفوت مبارز الدین تمام کرده است . این کتاب درنهایت استادی نوشته شده ولی از فرط تکلف و کثرت استعمال لغت عرب بسیارثقیل افتاده است ودرین نوع یکی از کتب برجسته است بهمین

جهة در سال ۸۲۳ محمود گیتی آنرا ساده کرده و دنبالهٔ وقایع را تا انقراض سلسلهٔ آل مظفر بر آن افزوده است .

۷ ـ ضیاء الدین نخشبی از نویسندگان و عرفای عارف مشرب قرن هشتم بود که درهندوستان درشهر بداون می‌زیست وروزگار رابزهد وعبادت می گذراند وبسال ۷۵۱ در گذشت و درین میان در دربار پادشاهان خلجی هندوستان و مخصوصا مبارکشاه خلج ( ۷۱۷ - ۷۲۱ ) راه داشته است . وی مؤلف یك سلسله کتابهای نظم و نثر فارسیست که اغلب آنها معروفست : طوطی نامه که از زبان سانسکریت درسال ۷۳۰ بفارسی نقل کرده و آن کتاب را پس از وی محمد غدیری تهذیب کرده است و از کتابهای معروف قصص بزبان فارسیست که بزبانهای اروپائی نیز ترجمه شده . دیگر ازمؤلفات اوسلك وسلوك ، جزئیات وکلیات ، عشرهٔ مبشره ، داستان معصوم شاه معروف بگلریز و لذت النساء است . وی شعرفارسی نیز می گفته ودر کتابهای خود اغلب اشعارخویش را آورده است ودر شعر نخشبی یاضیاء نخشبی تخلص کرده است .

۸ - ضیاء الدین بن مؤید الملك رجب برنی از مورخین و نویسندگان زبردست هندوستانست که اورابیهقی هندوستان نامیده اند . وی درسال ٦٨٤ ولادت یافته و از مریدان نظام الدین اولیا ومعاشرین خسرو دهلوی و حسن دهلوی بود و در دستگاه سلطان محمد ازپادشاهان تغلقی هند ( ۷۲۵ ـ ۷۳۰ ) می زیست و سپس بدربار جلال الدین فیروز شاه (۷۵۲ - ۷۹۰ ) راه یافت . ازوی سه کتاب مانده است یکی تاریخ فیروز شاهی که در ۷۵۸ تالیف کرده و وقایع سال ٦٤٤ ببعد را درآن آورده و ازمشهودات پدرش و پدر مادرش حسام الدین نقل کرده است و دیگر اخبار برمکیان که از کتاب عربی ابو القاسم محمد طایفی ترجمه کرده است . دیگرفتوحات فیروزشاهی کهپس از تالیف تاریخ فیروزشاهی بانجام رسانیده . . . **«ناتمام»**

# گزارش یکسالهٔ کشوری

**مجلس شورای ملی** - درسالنامهٔ ۱۳۱۶ صفحهٔ ۱۰۵ فهرست قوانین مصوبهٔ مجلس تا ۱۵ آذر چاپ شده اینك نیز فهرست بقیهٔ قوانین مصوبهٔ گردش دهم وفهرست قوانین گردش یازدهم قانون گذاری تااول دیماه ۱۳۱٦ بشرح ذیل چاپ میشود :

**دیماه** - قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه واستخدام قضات ( مصوب کمیسیون عدلیه ) ششم دیماه

**بهمن** - قانون اعطای امتیاز نفت قسمتی از شرق و شمال‌شرق به شرکت نفت آمریك وایران ۱۵ بهمن - قانون اجازهٔ ساختن و نگاهداری لولهٔ حمل نفت بشرکت لولهٔ نفت ایران ۱۸ بهمن — قانون وکالت ۲۵ بهمن

**اسفند** - قانون راجع به متخلفین ازاجرای تکالیف مقرره از قانون ثبت‌احوال ۲ اسفند - قانون تفریغ بودجه سال ۱۳۱٤ مجلس شورای‌ملی ۲ اسفند- قانون‌اصلاح ماده ٤۳ قانون مجازات‌مرتکبین قاچاق ( مصوب کمیسیون عدلیه ) ۵ اسفند - قانون راجع بمسکوك خورد - قانون اصلاح ماده ۲۰۸ قانون اصول محاکمات جزائی و ماده ۵۷ اصول تشکیلات عدلیه ۹ اسفند - قانون بودجه سال ۱۳۱٦ کشوری ۲۳ اسفند — قانون تفسیر قسمت دوم ماده ٤۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق - قانون تعیین اعتبار برای خرید سهام بختیاری ها از کمپانی نفت انگلیس و ایران - قانون بودجه سال ۱۳۱٦ مجلس شورای ملی ۲۷ اسفند

**فروردین ۱۳۱٦** - قانون متمم بودجه سال ۱۳۱٦ کشور ۲۱ فروردین -قانون اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون عدلیه ۲۹ فروردین

**اردیبهشت** قانون بیمه ۷ اردیبهشت - قانون اجازه استخدام دکتر هارالد تبعه دانمارك متخصص ماهی شناسی ۱٤ اردیبهشت - قانون اجازه تجدید استخدام آقای ویلهلم برانت متخصص ضرابخانه

انون راجع به تعیین قیم اتفاقی ۲۶ اردیبهشت ـ قانون اصلاح مواد ۱ و ۳ قانون ازدواج مصوب کمیسیون عدلیه ۲۹ اردیبهشت

**خورداد**-قانون اجازه استخدام آقای ژرژ دوولف تبعه بلژیك برای کارخانجات ذوب آهن ـ قانون اجازه استخدام هنر آموزان اتباع آلمان-قانون مبادله عهود وقراردادها و موافقتنامه های منعقده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری ترکیه — قانون تصویب قرارداد مودت وحکمیت منعقده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتریش ـ قانون دفتر اسناد رسمی ۱۵ خورداد ـ قانون اجازه استقراض دوملیون ریال ازبانك ملی برای تکمیل ساختمان سد تبریز اصلاح ماده ۲۷ قانون گذرنامه ـ قانون راجع بترجمه اظهارات و اسناد درمحاکم و دفاتر رسمی - قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی بموافقت نامهٔ مربوط بعلائم دریائی ـ قانون تصویب موافقت نامه راجع باصلاح خط سرحدی بین ایران و ترکیه .

## از قوانین دوره یازدهم

**مهر** ـ تصمیم راجع بابراز رای اعتماد بکابینه آقای محمود جم اول مهر - قانون اجازهٔ تاسیس دو وزارتخانهٔ تجارت وصناعت ۸ مهر قانون اجازه اجرای لوایح قانونی وزارت عدلیه پس از تصویب کمسیون قوانین عدلیه ۲۰ مهر

**ابان** - قانون تشکیلات مرکزی وزارت داخله ـ قانون تقسیمات کشور ووظایف فرمانداران و بخشداران ۱۶ ابان ـ قانون اجازه فروش خالصجات اطراف طهران ۲۰ ابان قانون اجازه فروش قسمتی ازجواهرات سلطنتی ـ قانون مالیات ارث ونقل وانتقالات بلا عوض ـ قانون عمران ۲۵ آبان ـ بودجه تفصیلی ۱۳۱۶ وزارت تجارت بودجه تفصیلی سال ۱۳۱۶ وزارت صناعت ۳۰ ابان

**آذر** ـ قانون استخدام ویلیام هاری حسابدار شرکت نفت انگلیس وایران ـ قانون سه فقره اعتبار برای خرید کارخانه ذوب آهن ۷ اذر قانون تجدید استخدام اقایان ویلهلم هاز وادوارد بلر استادان دانشگاه ۲۸ آذر ماه

# یادداشت وقایع

وقایع مهمهٔ تا اول دیماه ۱۳۱۵ در سالنامه ۱۳۱۶
چاپ شده اینک از دیماه ۱۳۱۵ گزارش یك سالهٔ
کشوری بشرح ذیل چاپ میشود :

**دیماه ۱۳۱۵** - روز سه شنبه ۲۳ دیماه اعلان انتخابات یازدهمین گردش قانونگذاری حسب الامر ملوکانه در تمام کشور پخش شد

روز یکشنبه ۲۷ دیماه لایحهٔ اعطاء امتیاز استخراج نفت و لوا کشی در قسمتی از شمال و شرق ایران بدو کمپانی امریکائی بمجلس شورای ملی تقدیم شد که خلاصهٔ آن در صفحه ۶۲ سالنامهٔ ۱۳۱۶ چاپ شده است .

قبل از ظهر یکشنبه ۲۷ دیماه جناب مسیو اکبر گراف وزیر مختار جدید بلژیك در قصر گلستان بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند

جناب اکبر گراف در پایان جنگ بین المللی در کمیسیون متارکه و مذاکره بادولت آلمان عضویت داشتند وسپس از ۱۹۲۰ تا ۲۲ بشارژ دافری بلژیك در پایتخت کشور مکزیك ماموریت یافته‌اند و بعد بسمت منشی سفارت واشنگتن منصوب شده واز ۱۹۲۳ تا ۳۱ مقام منشی اولی سفارت بلژیك‌را درپاریس‌دارا بوده اند همچنین‌در کنفرانس سفرا راجع بحل اختلافات بادولت آلمان عضویت داشته ومتعاقب آن تا ۱۹۳۳ شارژدافر سفارت پکن بوده اندودر ۱۹۳۴ مقام ریاست هیئت نمایندگی بلژیك را در مسائل مالی و اقتصادی با آلمان حائز شده واز ۱۹۳۵ سمت شارژ دافری سفارت برلن را داشته و در اواخر ۱۹۳۶ بسفارت فوق العاده و وزیر مختاری در دربار دولت شاهنشاهی ماموریت یافته اند .

**بهمن ماه**- در جلسه یکشنبه ۲۵ بهمن مجلس شورای ملی آقای رئیس الوزراء آقای محمود بدر معاون وزارت مالیه را بمجلس شورای ملی معرفی نمودند که بعد از فوت مرحوم داور


جناب وزیر مختار بلژیک

حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بکفالت وزارت مالیه منصوب شده اند

**اسفند ماه** ـ درجلسه یکشنبه ۱۶ اسفند لایحهٔ بودجهٔ سال ۱۳۱۶ کشور بمجلس شورای ملی تقدیم شد و در جلسه یکشنبه ۲۳ اسفند بتصویب رسید .

## بودجه ۱۳۱۶ کل کشور

**ماده واحده** ـ مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۱۶ کشوررا ( باستثناء در آمدی که بابت حق‌الامتیاز نفت وصول و بحساب ذخیره کشوری منظور میشود ) مطابق صورت ضمیمه که از حیث در آمد بمبلغ یکهزار و دویست و پنجاه ملیون و دو هزار و نهصد و یازده ریال ( ۱۲۵۰۰۰۲۹۱۱ ریال ) و از حیث هزینه به یکهزار و دویست و چهل و هشت ملیون و سی و هفت هزار و سیصد و هفتاد و هفت ریال (۱۲۴۸۰۳۷۳۷۷ ریال) بالغ میباشد تصویب و به وزارت مالیه اجازه میدهد که هزینه عمومی کشور را اعم از حقوق و مصارف درسال ۱۳۱۶ در حدود اعتبارات مصوب در صورت ضمیمه مطابق بودجه های تفصیلی سال ۱۳۱۵ تاحدیکه

اعتبارات مصوبه در بودجه های مزبور ضمن بودجه های ۱۳۱۶
نیز منظور شده باشد بپردازد تا وقتیکه بودجه های تفصیلی ۱۳۱۶
که باید تا آخر اردی بهشت ۱۳۱۶ بمجلس شورای ملی تقدیم
گردد بکمیسیون بودجه مجلس ارجاع شود و مادام که بودجه های
تفصیلی از تصویب کمیسیون بودجه نگذشته هزینه مزبور را مطابق
بودجه های پیشنهادی و پس از تصویب کمیسیون برطبق آنچه
که تصویب شده است بپردازد

این قانون که مشتمل بریك ماده و صورت ضمیمه است در جلسه
بیست و سوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و پانزده بتصویب مجلس
شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی-حسن اسفندیاری

# صورت ضمیمه - باب اول - در آمد

## مالیات مستقیم

| | |
|---|---|
| مالیات بر در آمد وحق تمبر و اوراق انتقال وجه | ۱۳۰۰۰۰۰۰ |
| بقایای مالیات املاك مزروعی | ۱۰۰۰۰۰۰ |
| باز خرید منال خالصجات انتقالی | ۲۰۰۰۰۰ |

## مالیات غیر مستقیم

| | |
|---|---|
| مالیات صدی سه | ۵۵۰۰۰۰۰۰ |
| مالیات نفت و بنزین | ۷۰۰۰۰۰۰۰ |
| مالیات رسومات | ۳۶۰۰۰۰۰۰ |
| مالیات ذبایح | ۱۰۰۰۰۰۰۰ |
| حق‌الثبت وسائل نقلیه غیر موتوری | ۱۷۲۰۰۰۰ |
| در آمد جنگل ها | ۳۵۰۰۰۰۰ |
| در آمد متفرقه غیرمستقیم بانضمام در آمد مالیات | |
| لاتار و حراج | ۳۱۵۰۰۰۰ |
| بقایای مالیات حق الثبت | ۲۰۰۰۰۰ |

## گمرکات

| | |
|---|---|
| حقوق گمرکی قند و چای | ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ |

حقوق واردات و صادرات گمرکی سایر اجناس و درآمد شانسلاری وسرب ومهر وانبار ومتفرقه گمرك ۲۰۲۰۰۰۰۰۰

## انحصارها

| | |
|---|---|
| درآمد انحصار دخانیات | ۱۳۰۰۰۰۰۰۰ |
| درآمد انحصار تریاك | ۸۵۰۰۰۰۰۰ |
| درآمد انحصار قماش | ۷۰۰۰۰۰۰۰ |
| درآمد انحصار کبریت | ٤۸۰۰۰۰۰ |

## امتیازات

| | |
|---|---|
| حق‌الامتیاز تلفن | ۱۵۰۰۰۰ |
| حق‌الامتیاز و درآمد دولت از شرکت شیلات با بقایای آن | ۱ ۲۰۰۰۰۰ |
| درآمد سایر امتیازات | ۸۲۵۰۰۰ |
| بقایای امتیازات | ۸۰۰۰۰ |
| حقوق نمایندگی دولت در نفت جنوب | ۲۰۰۰۰۰ |

## منافع سهام دولتی

| | |
|---|---|
| منافع سهام بانك ملی | ٤۰۰۰۰۰۰ |
| « « شرکت قماش | ۳۵۰۰۰۰۰ |
| « « نفت جنوب | ۳۹۹۸٦۷٤ |
| « « بانك صنعتی وفلاحتی | ۲۰۰۰۰۰۰ |
| « « شرکت بیمه ایران | ۸۰۰۰۰۰ |

## خالصجات و معادن و شیلات داخلی

| | |
|---|---|
| درآمد خالصجات | ۱۵۰۰۰۰۰۰ |
| درآمد معادن وخاك سرخ وعشریه معادن سطح‌الارضی | ۲٦۰۰۰۰۰۰ |
| شیلات داخلی | ۷۵۰۰۰۰ |

## درآمد انتقالی از وجوه مخصوصه

| | |
|---|---|
| صدی سه مالیات راه و درآمد انحصاری قند وچای برای مصارف وصول | ٦۸٦۰۰۰۰ |
| سهم معارف ازمالیات راه بموجب بند ( ب ) از ماده ٦ اصلاح‌قانون مالیات راه مصوب ۸ شهریور ۱۳۱۱ | ۲٦۰٦٦۰۷ |

سهم بهداری از مالیات راه ۷۲۴۱۳۰

« « از درآمد بندری طبق ماده ٤ قانون اجازه اخذ عوارض بندری ازقرارهرسیصد کیلوبار پنجاه‌دینار ٤٤۰۰۰۰

صدی چهار قیمت پوست بره صدوری موضوع ماده (۲) قانون ١٤ تیر ١٣٠٤ ١٥٠٠٠٠٠

## مطالبات دولت

مطالبات ۲۰۰۰۰۰۰

## مجلس شورای ملی

درآمد چاپخانه و باغ بهارستان ١٧٠٠٠٠٠

## وزارت عدلیه

درآمد محاکم ٤٠٠٠٠٠٠

درآمد مامورین صلح و نمایندگی پارکه ها موضوع قانون ٢٤ تیر ١٣٠٩ ١٠٠٠٠٠

درآمد ثبت اسناد و املاك ١٢٠٠٠٠٠٠

صدی بیست و پنج درآمد ثبت اسناد و املاك ٣٠٠٠٠٠٠

درآمد حق نسبی ازحق‌الاجرای ثبت اسناد موضوع ماده ١٣١ قانون ثبت‌اسناد واملاك مصوب ٢٦ اسفندماه ١٣١٠ ٥٠٠٠٠

حق السهم صاحبان محاضر رسمی ١٣٩٠٠٠٠

درآمد فروش اوراق و دفاتر ٦٠٠٠٠٠

## وزارت داخله

درآمد شهربانی ١٥٠٠٠

درآمد گذرنامه و اقامت اتباع خارجه ١٦٠٠٠٠

درآمدبهداری ازقبیل‌درآمد ادویه مخدره وغیره ٢٦٥٠٠٠

درآمدحاصله ازمعاینه‌بهداری کشتیهاوقرنطینه ها ١٠٠٠٠

درآمد ثبت احوال ٥٠٠٠٠٠

## وزارت امور خارجه

شانساری ٧٣٠٠٠

## وزارت پست و تلگراف

| | |
|---|---|
| پست | ۱۰۰۰۰۰۰۰ |
| در آمد تلگراف بی سیم و با سیم | ۱۶۰۰۰۰۰۰ |
| وجهی که شرکت تلفن برای هزینه نظارت وزارت پست و تلگراف میپردازد | ۴۰۰۰۰ |

## وزارت معارف

| | |
|---|---|
| در آمد شهریه آموزشگاه های غیر ابتدائی | ۸۰۰۰۰۰ |
| در آمد تمبر جواز وتصدیقنامه وغیره | ۵۰۰۰۰۰ |
| در آمد فروش کتب سالیانه و برنامه ها | ۸۰۰۰ |

## اداره کل تجارت

| | |
|---|---|
| در آمدتمبرازقبیل تمبردرخواست پروانه تجارت | ۲۵۰۰ |
| در آمدفروش اوزان وتتمه قیمت اجناس ممنوعه | ۴۵۰۰۰۰ |

## اداره کل صناعت

| | |
|---|---|
| در آمد هنرستانها | ۳۵۰۰۰ |
| در آمد کارخانهٔ سیمان | ۶۰۰۰۰۰۰ |
| در آمد کارخانه قیر اندود و اشباع تراورس | ۱۴۳۰۰۰۰۰ |

## اداره کل فلاحت

| | |
|---|---|
| در آمد مزارع امتحانیه | ۲۰۰۰۰۰ |

## گذرنامه

| | |
|---|---|
| در آمد گذر نامه | ۱۸۰۰۰۰۰ |
| در آمد متفرقه و مترقبه | ۱۵۰۰۰۰۰۰ |
| انتقالی بحساب ۱۳۱۶ بابت در آمد مربوطه بسال ۱۳۱۵ | ۱۵۰۰۰۰۰۰ |
| **جمع** | ۱۲۵۰۰۰۲۹۱۱ |

## باب دوم - هزینه

| | |
|---|---|
| وزارت دربار و دفتر مخصوص شاهنشاهی | ۵۱۷۷۴۸۰ |
| مجلس شورای ملی | ۸۹۶۰۰۰۰ |
| ریاست وزراء | ۷۸۶۰۰۰ |
| وزارت جنگ بانضمام هزینه سفر و هزینه تحصیل محصلین وزارت جنگ و نیروی دریائی و حقوق وهزینه مستخدمین خارجی‌ارتش و نیروی دریائی | ۲۸۳۷۲۹۹۸۰ |
| اداره امنیه | ۲۵۶۷۸۴۰۰ |
| **وزارت داخله** | ۹۷۰۰۰۰۰ |
| اداره کل شهربانی | ۳۰۶۷۹۱۲۶ |
| ادارکل بهداری | ۲۴۲۷۰۰۴۰ |
| مؤسسه پاستور | ۱۸۸۹۹۶۰ |
| اعتبار فوق‌العاده مامورین صحی جهت معاینه صحی دربنادر وقرنطینه ها | ۱۰۰۰۰ |
| بیمارستان جدید طهران | ۵۰۰۰۰۰۰ |
| اداره کل آمار وثبت احوال | ۱۱۰۰۰۰۰۰ |
| هزینه طبع اوراق و سایر هزینه معینه در تبصره قانون مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۳ | ۱۰۰۰۰۰ |
| نظام وظیفه | ۴۰۰۰۰۰ |
| **وزارت عدلیه** | ۱۹۵۴۰۰۰۰ |
| ثبت اسناد واملاك | ۱۳۱۰۰۰۰۰ |
| حق مامورین صلح ونمایندگی پارکه ها | ۱۰۰۰۰۰ |
| **وزارت امور خارجه** | ۲۳۶۳۱۸۰۸ |
| کلانتران مرز | ۱۳۰۰۰۰۰ |
| **وزارت پست وتلگراف** | ۳۶۶۱۶۱۱۰ |
| **وزارت معارف** | ۵۸۱۰۸۲۵۰ |
| اعتبار هزینه مربوطه بمحصلین اعزامی بخارجه | ۱۳۳۵۰۰۰۰ |

| | |
|---|---|
| **وزارت طرق** | ۱۰۵۰۰۰۰ |
| کمك باعتبار راه سازی در ۱۳۱۶ بضمیمه کسر | |
| اعتبار ۱۳۱۵ | ۴۰۰۰۰۰۰۰ |
| کمك باعتبار ساختمان راه آهن بضمیمه کسر | |
| اعتبار ۱۳۱۵ | ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ |
| مصارف ساختمان بندر شاهپور | ۵۰۰۰۰۰۰۰ |
| **اداره کل تجارت** | ۳۳۰۵۰۰۰ |
| **اداره کل صناعت و معادن** | ۶۰۸۹۷۱۰ |
| اعتبار تکمیل و بهره برداری کارخانه سیمان | ۱۸۰۰۰۰۰۰ |
| مصارف مربوطه بکارخانه جیت‌سازی | ۱۸۰۰۰۰۰۰ |
| مخارج تکمیل و بهره برداری کارخانه های اشباع | |
| و قیر اندود | ۱۳۲۰۳۰۶۰ |
| اداره معادن | ۳۴۰۴۶۸۲۵ |
| سرمایه بهره برداری معادن زغال سنگ | ۱۲۵۰۰۰۰۰ |
| کمك بهزینه کارخانجات قند سازی | ۳۳۵۰۰۰۰۰ |
| هزینه تاسیس کارخانه گلسیرین وصابون سازی | ۱۰۰۰۰۰۰۰ |
| تاسیس کارخانه ماسك ضد گاز | ۹۰۰۰۰۰۰ |
| **اداره کل فلاحت** | ۳۰۳۲۴۱۴۰ |
| مصارف خشکانیدن باطلاقها | ۱۰۰۰۰۰۰ |
| اعتبار دفع ملخ | ۱۷۵۰۰۰۰ |
| اعتبار دفع سن | ۵۰۰۰۰۰ |
| **وزارت مالیه** بانضمام گمرکات ومحصلین مالیه و دیوان | |
| محاسبات وهزینه‌مربوط باجرای قانون انحصار تجارت | ۴۴۷۹۸۳۲۰ |
| حقوق وهزینه مستخدمین خارجی مالیه | ۱۸۴۱۳۵۰ |
| انحصار دولتی تریاك | ۴۶۵۰۰۰۰ |
| انحصار دولتی دخانیات | ۳۹۷۰۰۰۰ |
| اعتبار هزینه تحصیل عواید تجارتی قند و کبریت | ۷۳۰۰۸۰ |

اعتبار اداری ضرابخانه ۲۰۰۰۰۰
شهریه ووظیفه هائی که بموجب بند سوم قانون ۲٦ اسفند ۳۱۰
برقرار میشود ومصارف بقاع متبرکه وعوض بهره ۳۵۰۰۰۰۰
اعتبار حقوق انتظار خدمت ۲٤۰۰۰۰۰
هزینه نگهداری و ساختمان کشتارگاهها و هزینه
مربوط به بازرسی بهداری روده ۳۰۰۰۰۰۰
فرع وحق العمل بانکها وهزینه انتقال وجوه دولتی ۱۵۰۰۰۰۰
سهم شیروخورشید سرخ مشهد مقدس وتبریز ۵۱۹۰۵۰
هزینه مربوط بمحاکمات دولتی وکلیه اعتراضات ثبتی و
هزینه ثبتی وقضائی ومحکومیت‌های ناشیه از اعمال تصدی
دولت وحق الحکمیه وتصفیه محکومیت‌هائیکه دولت دارد
یا ممکنست پیش بیاید و سایر هزینه های مربوط به
این قبیل امور ٦٦۰۰۰۰
اعتبار نگاهداری قرق وباغات سلطنتی ۱۳۰۹۲۰
حقوق مفتش بانک ملی وهزینه بازرسی ٦۰۰۰۰
حقوق نمایندگی دولت شاهنشاهی در نفت جنوب ۲۰۰۰۰۰
هیئت نظارت شرکتها بانضمام مصارف ۱۳۱۵ ۱٤۹۵۸۷٦
هزینه انتفاعی کشوری ۹۰۰۰۰۰۰
حقوق و مصارف پاسبانهای دوایر دولتی ۱۰۰۰۰۰۰
خریدوساختمان ابنیه گمرکی ودوایر تابعه وزارت مالیه ۵۰۰۰۰۰۰
ساختمان و پرداخت اقساط کارخانه سیگارپیچی وهزینه
بهره برداری وسایر مصارف مربوطه بان ۲۲٦۳۰۲۰۰
تاسیس صید ماهی در آبهای جنوب ۲۱۳۳۰۰۰
مصارف ساختمان هفت انبار غله ( سیلاو ) ٤۰۰۰۰۰۰۰
ازدیاد سهم دولت در سرمایه شرکت شیلات ۱۵۰۰۰۰۰
بقیه مصارف طبع وحمل اسکناس ۲۸٤۸۵۸

| | | |
|---|---|---|
| اعتبار دولت بانضمام کسر اعتبار ۱۳۱۵ | انعام بانضمام کسر اعتبار ۳۱۵-۴۸۹۲۵۶<br>اعتبار سری ۲۰۰۰۰۰<br>اعتبار هزینهٔ متفرقه و غیر مترقبه بانضمام کسر اعتبار ۳۱۵ ۱۹۶۳۶۷۸ | ۲۶۵۲۹۳۴ |

## اعتبار مستمر و غیر مستمر عمومی

| | |
|---|---|
| دیون خارجی دولت | ۶۸۷۵۰۰۰ |
| هیئت بازرسی کشوری | ۳۵۰۰۰۰ |
| کمیسیونهای سرحدی بانضمام هزینه مربوط بابهای سرحدی | ۱۵۰۰۰۰۰ |
| اعتبار عمران و اسکان | ۳۰۰۰۰۰۰ |
| دیون داخلی و تعهدات دولت | ۶۰۰۰۰۰ |
| تعمیر ابنیه دولتی و خرید زمین برای دولت | ۹۰۰۰۰۰ |
| اعتبار تثبیت نرخ غله | ۳۰۰۰۰۰۰۰ |
| اعتبار پذیرائیهای رسمی که ممکن است پیش آید بانضمام کسر هزینه مربوط بسال ۱۳۱۵ | ۸۰۰۰۰۰ |
| مصارف مربوط باعزام مامورین و کمسیونهای تقسیم اراضی وتعویض املاك و اجرای قوانین مربوطه باین هزینه وسایر مصارف پیش بینی نشده کشور | ۲۰۴۰۰۰۰ |
| اعتبار عام‌المنفعه اقتصادی | ۷۰۰۰۰۰۰ |
| خرید کشتی شن کش | ۷۴۶۴۸۰۰ |
| کمك باعتبار شهرداری های‌ولایات بانضمام طلب خزانه | ۴۶۴۰۰۰۰ |
| اقساط سد سازی تبریز موضوع قانون بهمن ۱۳۱۴ | ۲۴۰۰۰۰۰ |
| انتخابات دوره ۱۱ مجلس شورای ملی | ۱۱۱۵۱۰۰ |

انتقالی بحساب ۱۳۱۶ بابت اعتبارات مربوط
بسال ۱۳۱۵ که درنه ماهه آخر سال ۱۳۱۶
تادیه خواهد شد ۱۵۰۰۰۰۰۰

**جمع** ۱۲٤۸۰۳۷۳۷۷

صورت فوق ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۶ کشور
و صحیح است رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

## قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۶ کشور

**ماده ۱** - حقوق ماهیانه درجه اول استادیکهزارویکصدریال است

**ماده ۲** - وزارت مالیه مجاز است طلب مسلم ورسیدگی و تصدیق شده اشخاص را از دولت که درحدود اعتبارات مصوب سنه مربوطه باشد در مقابل بدهی همان اشخاص احتساب ودر بودجه درآمدها وهزینه‌های سال ۱۳۱۶ جمع وخرج نماید .

**ماده ۳** اختیاری که بموجب ماده ۳۳ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ درمورد پرداخت علاوه بر حد اقل حقوق دبیرها به وزارت معارف داده شده است درمورد هنر آموزهای هنرستانهای تابعهٔ اداره صناعت به رئیس آن اداره داده میشود .

**ماده ۴** وزارت مالیه مجاز است علاوه بر مبلغی که در بودجه سال ۱۳۱۶ کشور برای کمك به شهرداریهای ولایات پیش بینی شده ازصرفه جوئی‌های بودجه کشور نیز معادل ۵۸۵۰۰۰۰ ریال به شهرداریهای مذکور کمك نماید

**ماده ۵** قانون مصوب ۲۸ مهرماه ۱۳۱۱ راجع بمعاوضه خالصجات از انقضای مدتیکه درماده ۲۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱٤ مقرر بوده باتبصره ماده مذکور تا دو سال دیگر بقوت خود باقی خواهد بود .

**ماده ٦** - وزارت مالیه مجاز است علاوه از ۲۰۰ ملیون ریال اعتبار مصوب در بودجه ۱۳۱٦ کشور کسر مصارف سال ۱۳۱٦ ساختمان راه آهن را از محلهای ذیل تامین نماید :

۱ - ازمحل ذخیره کشور ۱۰۰۰۰۰۰ لیره

۲ - از محل قرضه از بانك ملی ایران ۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال
۳ ـ از عوائد انحصار قند وشکر وچای ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال

**ماده ۷** - تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ ملغی میشود .

**ماده ۸** - هزینه مقدماتی ثبت املاك ومستغلات دولتی فقط معادل مصرف واقعی آن تادیه خواهد گردید .

**ماده ۹** - ماده ۳ از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ لغو میشود ونسبت بامور قاچاقچی اجناس مشمول عوارض شهرداری نیز طبق مقررات فصل اول و مـاده ۷ از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب اسفند ۱۳۱۲ رفتار خواهد شد .

**ماده ۱۰** مجازات دارندگان آلات و ادوات تقطیر مشروبات ومواد اولیه تخمیر شده موضوع ماده ۱۶ قانون متمم بودجه ۱۳۱۴ ازحیث تعقیب و اجراء تابع مقررات ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ خواهد بود

**ماده ۱۱** ـ اداره کل فلاحت مجاز است بااطلاع وزارت مالیه تا میزان دو ملیون ریال از یکی از بانگها بعنوان قرضه برای مصارف بهره برداری درخوزستان وغیره دریافت و از محل سود ویژه مؤسسات بهره برداری مزبور اصل وفرع آن را مسترد نماید

درصورت عدم تکافوی سودویژه مؤسسات مزبور میزان کسری را از محل اعتباریکه برای این منظور در بودجـه اداره کل فلاحت پیش بینی خواهد شد جبران و مسترد کند

**ماده ۱۲** ـ وزارت مالیه مجاز است از لحاظ تثبیت نرخ غله در نقاطی که مقتضی بداند دوائری تاسیس و مصارف مربوطه به آن را از محل درآمد معاملات خرید و فروش غله بپردازد .

**ماده ۱۳** - مواد ذیل درسال ۱۳۱۶ بقوت خود باقی هستند .
الف ـ مواد ـ ٤ ـ ۷ ـ ۱۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۵ ( مهلت مقرر در ماده ۱۳ تا آخر اردیبهشت ماه تمدید میشود . )

ب ـ مواد ـ ۲۴ ـ ۲۵ ـ و قسمتی از جمله اول ماده ۲۷ متمم قانون بودجه ۱۳۱۴ که مربوط به مستخدمین فنی انحصار دولتی دخانیات است .

ج ـ مواد ۲ ـ ۴ ـ ۶ ـ ۲۴-۲۸ متمم قانون بودجه ۱۳۱۳

د ـ ماده ۴ متمم بودجه ۱۳۱۲

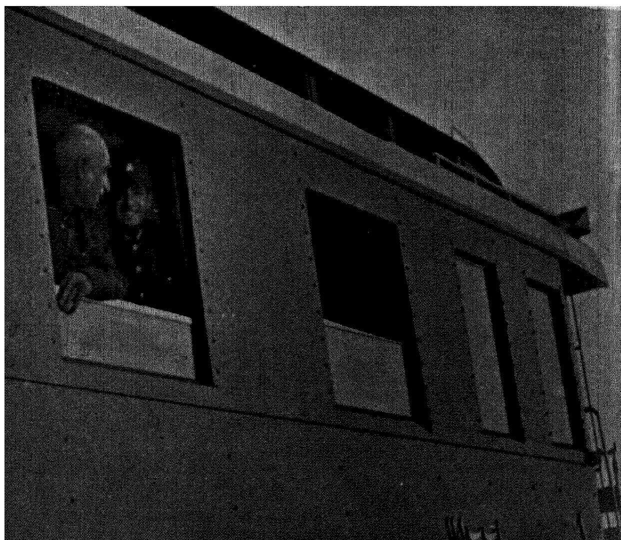
**ماده ۱۴** ـ مادامی که مواد ۵ ـ ۶ ـ ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۱ وقسمت اخیر ماده ۱۵ متمم قانون بودجه ۱۳۱۵ ( راجع بحذف ماده ۱۹ و تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون مالیات بر عایدات ) ملغی نشده اند به قوت خود باقی هستند .

این قانون که مشتمل برچهارده ماده است درجلسه بیست ویکم فروردین‌ماه‌یکهزار وسیصدوشانزده بتصویب‌مجلس شورای‌ملی‌رسید

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

*
**

صبح روز پنجشنبه بیستم اسفند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد از تهران بصوب جنوب عزیمت فرمودند و پس از مشاهده اوضاع اقتصادی ووضع عمومی شهرهای قم ، عراق ، ملایر ، بروجرد ، خرم آباد ، صالح آباد ، اهواز خرمشهر ، بندر شاهپور ، بوشهر ، شیراز و اصفهان و بذل توجه شاهانه نسبت بامور فلاحت‌وصناعت وتاکید درتکمیل وسایل‌پیشرفت وازدیاد امور مذکور واصلاح امور تجارت درنواحی نامبرده روز دوشنبه ۱۶ فروردین بپایتخت معاودت فرمودند ـ کلیه رعایا مشمول عنایات وعواطف‌شاهنشاهی وعموم‌اهالی شهرهای‌نامبرده ازتشریف فرمائی‌موکب مبارك شاهنشاهی ووالاحضرت اقدس ولایتعهد غرق مسرت وسعادت بودند .



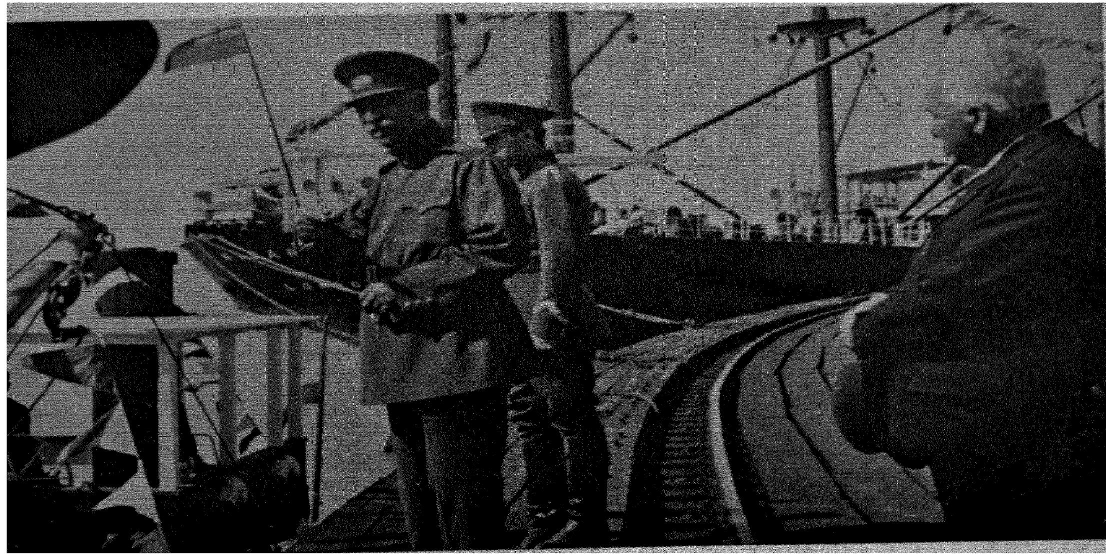
## ذات ملوکانه و والاحضرت همایونی در ایستگاه اهواز

**فروردین ۱۳۱۶** - از روز شنبه هفتم فروردین توزیع تعرفه و اخذ آراء نمایندگان گردش یازدهم قانون گذاری شروع شد

درجلسهٔ شنبه ۱۴ فروردین هیئت رئیسهٔ مجلس شورای ملی تجدید شد، آقای اسفندیاری بسمت ریاست و آقایان بیات و دکتر طاهری بنیابت ریاست انتخاب شدند، آقایان مؤید احمدی و بالیزی وسمیعی و آزادی بمنشی گری و آقایان ارباب کیخسرو ومرآت اسفندیاری و مخبر فرهمند بمباشرت منتخب گردیدند.

صبح روز سه شنبه ۲۴ فروردین آقای اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی بریاست هیئت نمایندگی ایران در جشن تاجگذاری اعلیحضرت ژرژ ششم پادشاه انگلستان از تهران عزیمت نمودند.

عصر روز سه شنبه ۳۱ فروردین قراردادهای مفصله بین دولتین ایران وترکیه بامضاء رسید.



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد در بندر شاهپور

# ابـــــلاغیـــــه

## در تعقیب مذاکرات ایران و ترکیه

مذاکراتی که از چندی پیش بین دولت شاهنشاهی ایران از یك طرف و هیئت نمایندگی ترکیه از طرف دیگر جریان داشت با موفقیت خاتمه یافت و بامضای قراردادهای ذیل منتهی شد :

۱ ـ قرارداد اقامت ۲ - قرارداد امنیت منطقهٔ سرحدی و تسویهٔ حوادث واختلافاتی که درمنطقهٔ مزبور بظهور میرسد ۳ - قرار داد تعاون قضائی درمسائل حقوقی وتجارتی ٤ ـ عهدنامهٔ استرداد مقصرین وتعاون قضائی درامور جزائی ٥ - موافقت نامه برای تنظیم طرز عمل ادارهٔ گمرکات ایران و ترکیه که در سرحد دائر خواهد شد ٦ ـ موافقت نامهٔ مخصوص راجع بدائر کردن پارهٔ خطوط تلگرافی و تلفونی بین دولتین - ۷ قرارداد هوا پیمائی ۸ - موافقت نامهٔ مربوط به تسهیل وازدیاد ترانزیت وحمل ونقل مال التجاره ومسافر از طریق طرابوزان ـ تبریز ـ تهران وبالعکس ـ ۹ قرارداد دامپزشکی ۱۰ عهدنامهٔ تجارت ودریا نوردی .

علاوه بر قراردادهای مذکور موافقتهائی نیز درمسائل مختلفی که مربوط بمنافع مشترك دو کشور و اسباب مزید همکاری فیمابین است حاصل گردید ـ در تمام جریان مذاکرات يك محیط صدق وصفا که حاکی از روح مودت والفت فیمابین است حکمفرما بود و نمایندگان طرفین با ایمان بلزوم تشیید علائق برادری دو ملت ایران و ترك تعاطی نظر مینمودند .

یقین است که باعقد قراردادهای جدید مناسبات دوستی و یگانگی ایران و ترکیه که نتیجهٔ رای دور بین واراده توانای دو قائد عظیم الشان دو ملت برادر است بر اساس تزلزل نا پذیری استوار و معاضدت و همکاری ایران وترك ازهر جهت بیش از پیش فراهم خواهد گردید

**وزیر امور خارجه ـ رئیس هیئت نمایندگی ترکیه**

**« سمیعی » « جمال حسنی تارای »**

**اردیبهشت** - روز یکشنبهٔ ۱۲ اردیبهشت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ووالاحضرت همایون ولایتعهد از تهران بجانب مازندران عزیمت وپس از چندروز بپایتخت مراجعت فرمودند.

**خرداد** - ساعت ۱۰ صبح چهار شنبه ۱۲ خورداد جناب مسیو بودارد وزیر مختار جدید دولت فرانسه در کاخ گلستان بحضوراعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند.

ساعت ۱۱ صبح چهار شنبهٔ ۱۲ خورداد جناب کماندور لویزی وزیرمختارجدید ایتالیا درکاخ گلستان بحضور مبارك شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند.

قبل از ظهر پنجشنبهٔ ۱۳ خور داد سومین دورهٔ نمایشگاه کالای ایران در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح شد - ذات ملوکانه قسمتهای مختلفه نمایشگاه را ملاحظه وابرازمسرت فرمودند

درجلسه روز شنبهٔ ۱۵ خورداد مجلس شورای ملی آقای رئیس الوزراء آقای علاء را بریاست ادارهٔ کل تجارت معرفی نمودند

عصرروزشنبه ۱۵ خورداد آئین نصب مجسمه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درایستگاه راه آهن تهران ازطرف شهرداری با تشریفات با شکوهی بعمل آمد.

آخرین جلسهٔ دورهٔ دهم قانونگذاری بریاست آقای بیات نایب رئیس تشکیل و تلگراف رئیس مجلس ملی کبیر ترکیه دائر بتصویب قراردادهای بین مملکتین درمجلس ترکیه قرائت وپس از سخنرانی آقای دکترطاهری نایب رئیس ونطق آقای رئیس الوزراء مجلس دوساعت قبل ازظهر شنبه ۲۲ خورداد خاتمه یافت.

**تیرماه** - قبل از ظهر روز یکشنبه ششم تیر جناب آقای دکتر رشدی ارس وزیر امور خارجه ترکیه بپایتخت شاهنشاهی وارد وبه قصر صاحبقرانیه که برای پذیرائی ایشان مقرر شده بود تشریف بردند و صبح دوشنبه هفتم بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ووالاحضرت همایون ولایتعهد شرفیاب شدند

برحسب دعوتی که از وزیر خارجه دولت عراق شده بود آقای ناجی الاصیل روز پنجشنبه دهم تیر ماه بطهران وارد شده بقصر صاحبقرانیه تشریف بردند وعصر یکشنبه ۱۳ تیر ماه عهد نامهٔ تحدید حدود ایران و عراق و حل اختلافات راجع به شط العرب در عمارت وزارت خارجه توسط جناب آقای سمیعی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی و جناب ناجی الاصیل وزیر امور خارجه عراق امضا و ابلاغیه ذیل نیز از طرف نمایندگان دو دولت منتشرشد:

## ابـــلاغیـــه

مذاکراتی که از چندی پیش بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق راجع بسرحدات مشترك دولتین و موضوع شط العرب ادامه داشت با موفقیت خاتمه یافته ومنتهی بعقد عهدنامه سرحدی و پروتکل ضمیمه آن گردید؛

با انعقاد این عهد نامه اختلافاتی که از سالیان دراز بین ایران و عراق موجود بود مرتفع و جای نهایت مسرت است که اینك در تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ایران و اعلیحضرت پادشاه عراق دوقائد عظیم الشان دو کشور دوست و همسایه محیط حسن تفاهم واقعی و صدق و صفا که حاکی از روح مودت و الفت فیما بین است در مناسبات دو دولت حکمفرما شده و موجبات تشیید روابط برادرانه بین دوملتی که دارای علائق بیشمار مادی ومعنوی میباشند فراهم گردیده و زمینه همکاری دو کشور را در طریق معاضدت برای تحکیم مبانی صلح براساس متینی استوارساخته است.

**وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران سمیعی**
**وزیرامورخارجه دولت پادشاهی عراق - ناجی الاصیل**

***

آقای فیض محمدخان وزیرخارجه دولت افغانستان نیز روز چهار شنبه ۱۶ تیر به طهران وارد و صبح پنجشنبه ۱۷ به حضور مبارك شاهنشاهی شرفیاب شده ناهار را درحضور ملوکانه صرف نمودند ساعت پنج بعدازظهر پنجشنبه ۱۷ تیر پیمان عدم تعرض بین چهاردولت ایران و افغانستان و عراق وترکیه در کاخ سعدآباد بامضا رسید.



وزراء خارجه چهار دولت پس از امضای پیمان سعد آباد

## پیمان سعد آباد

یکی از طرق نزدیکی وهمکاری ملل وحل اختلافات سیاسی در دنیای امروز ووصول بمقاصدعالیه اساسی مسافرتهای رجال ومردان بزرگ است بکشورهای یکدیگرتا از نزدیك موجبات تحکیم مبانی وداد وحل معضلات سیاسی زودتر ونکوتر فراهم آید

سابقا یعنی در زمان سلطهٔ رومی ها هیچنوع وسیله و واسطه و حقوق قابل ملاحظهٔئی دربین ملل وجود نداشت وبکوچکترین بهانه ودست آویزی متوسل بجنگ میشدند ولی بتدریج قواعد و رسومی برای حفظ مناسبات وحقوق عمومی ملل معمول گردید وطرقی چند برای حل وفصل مشکلات ومناقشات سیاسی بدست آمد که از جمله چنانکه ذکر شد ملاقاتها و دیدار های رجال سیاسی است که فصل جدیدی درحقوق عمومی بین‌الملل باز کرده است

همانطور که امور کلی طبیعت باقتضای زمان ومکان و اوضاع و احوال گوناگون متغیر است مقتضیات هر عصر و زمانی هم در اجتماعات بشری باعتبار طرز تفکر وتدبیر و تشخیص زمامداران وحکمفرمایان کشورها تفاوت میکند

از آغاز قرن نوزدهم موضوع دید و باز دیدهای سیاسی یکی از ارکان اساسی امور بین‌المللی تشخیص شده و عملا نتایج بزرگ بخشیده است چه اینکه گفتگوی ساده ومستقیم وصمیمانه بین دو نفر زمامدار در گوشهٔ خالی از اغیار ودور از گیرودار بیشتر در پیشرفت مقاصد بزرگ ملل مؤثر است و زودتر خط مشی و سیاست عمومی دو یا چند کشور را اعم از صلح و جنگ مشخص میکند

دیدار وملاقاتهای پلومبیر ( بین ناپلئون سوم امپراطور فرانسه و کنت دوکادور صدر اعظم کوهپایهٔ دیروز و ایتالیای امروز ) بیاریتس ( بین ناپلئون سوم و بیزمارك ) کان ( بین ناپلئون سوم وملکهٔ ویکتوریا ) فرانسوا فردیناند و قیصر آلمان وهمچنین قیصر آلمان ازالبرت پادشاه متوفی بلژیك ـ پوانکاره وویویانی از نیکلا امپراطور روسیه در کرونشتات وملاقاتهای سرحدی امپراطور آلمان ازامپراطور روس وملاقات رئیس‌الوزراء ژاپون ازادوارد هفتم یکی بعد ازدیگری نشان میدهد که در طول قرن گذشته شهریاران وزمامداران بزرگ دنیا بمنظور پیشرفت مقاصد عالیهٔ مملکت داری واخذ نتایج مطلوبه بدین تدبیر سیاسی و شاهکار دیپلوماسی متشبث میشدند و سرانجام در نتیجهٔ هر یك ازین ملاقاتها حوادث تاریخی بزرگی بوقوع می پیوسته‌است چنانکه جنگهای فرانسه وایطالیا برعلیه اطریش ـ جنگهای پروس وفرانسه ـ جنگهای روس وژاپون وبالاخره جنگ جهانسوز ۱۹۱٤ مولود همین دید وباز دیدها وبندوبستهای سیاسی بوده‌است

پس از جنگ بزرگ بین‌المللی هر یك از دول غالب و مغلوب برای حفظ موقعیت یا اصلاح وضعیت خود بر کمیت و کیفیت این نوع دیدار های سیاسی افزودند و تقریبا یکی از ارکان بزرگ مملکت داری بشمار آمد . مخصوصا در سالهای اخیر روابط سیاسی وعوالم دوستی و یکجهتی دول وملل صلح‌طلب غالبا ازهمین راه‌تامین شده وبخلاف گذشته که مانندستاره دنباله دارظهور این‌قبیل‌ملاقاتها نشانه طوفان مهیب وحوادث خونین و وقایع اسف انگیز بود امروز حافظ صلح وسلامت وضامن ترقی وسعادت ابناء بشراست

یکی از طرفداران جدی این تدبیر سیاسی آقای توفیق رشدی ارس وزیر خارجه دولت ترکیه میباشد که براثر همین دیدارها وملاقاتها توانسته اند بهترین موقعیترابکشور مترقیخودشان بدهند چنانکه مسافرتهای ایشان بدول بالکان و روسیه و فرانسه وانعقاد قرارداد های مفید و حل مسائل بغازها و سنجاق اسکندرون یکی از بزرگترین موفقیت‌های سیاسی ایشان بشمار میاید همچنین تجمع چهار نفر ازمردان بزرگ چهار دولت دوست وهمکیش وهمجوار درپایتخت شاهنشاهی ایران برای حل و عقد مسائل مختلفه فیه و ایجاد یك پیمان شکست ناپذیری برای حفظ صلح و سلامت ملل شرق مسبب یك ائتلاف بزرگ تاریخی و بی سابقه است

اگر یك لحظه با دقت اوراق تاریخ سیاسی ملل شرق را ورق بزنیم نظیر یك چنین اتحاد صمیمانه را نخواهیم یافت که چهاردولت آسیائی یکجا و یکجهت و یك رنگ لکه های اختلاف سیاسی و دوئیت های بیموضوع را با آب صفا و محبت که از قلوب صاف و درخشندهٔ پیشوایانشان چشمه گرفته باشد از دامن ملت و تاریخ دولت خود بشویند و پیمانهای مفیدی به بندند که صلح‌وصفا ومصالح خصوصی و عمومی آنهارا تامین کرده باشد، بنا براین درین عصر فرخنده یك‌چنین پیش آمد بزرك وبی‌نظیر مرهون دانائی وتوانائی قائدین و پیشوایان بزرگ ماست که حقاً شاهنشاه عظیم الشان ایران مظهر اصلی آن میباشند و پیمان سعد آباد یکی از مفاخر برجستهٔ عصر خجسته پهلوی بشمار خواهد آمد.

در سفر سابق آقای توفیق رشدی ارس بایران و عقد قرارداد سرحدی ما با همسایه شمال غربی کاملا دوستانه و صمیمانه بود و مناقشات ممتدی که سالیان دراز دو دولت دوست و دومات همکیش و برادر را بمشکلات بزرگ سیاسی دچار ساخته بود بنیروی عزم و اراده دو قائد وطن پرست از میان برداشته شد

اختلافات ما با همسایه شرقی باز بر اثر وساطت و حکمیت دولت ترکیه مرتفع شد فقط گفتگوی بادولت عراق باقی بود که باوجود

و روابط حسنه بعضی مسائل سرحدی هنوز آنطوریکه باید حل و عقد نشده بود — بالاخره باراده شاهنشاه بزرگ ایران و حسن تشخیص همسایگان پیمان صلح و صفا واتحاد و وداد صمیمانهٔ دول آسیای غربی در قصر سعدآباد بسته شد و هر گونه اختلاف وسوء تفاهمی را از میان برداشت

## اینک ابلاغیه ومتن عهدنامه عدم تعرض :

## ابلاغیه

وزرای امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان و دولت پادشاهی عراق و دولت جمهوری ترکیه امروز ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۶ درقصر تابستانی سعدآباد (شمیران - طهران) بامضای پیمانی که درتاریخ (۹ مهرماه ۱۳۱٤) دوم اکتبر ۱۹۳۵ بین عراق وایران وترکیه پاراف شده و دولت افغانستان نیز بعدا موافقت تام خودرا باآن اعلام داشته بود مبادرت ورزیدند .

این پیمان که نتیجه مناسبات صادقانه و با صمیمیت موجوده بین چهار کشور امضاء کننده می باشد وحاکی ازروح مودتی است که در روابط آنها باکلیه کشورهای دیگر حکمفرما است اشتراک منافع وتعاون برادرانه آنهارا تثبیت میکند واراده راسخ آنان رادراستفاده از مناسبات مذکور برای تحکیم صلح عمومی بمنصه ظهور میرساند .

وزرای امورخارجه افغانستان وعراق وترکیه درمدت توقف خود در طهران چندین نوبت با جناب آقای محمود جم رئیس الوزراء وجناب آقای عنایت الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران ملاقات نمودند . چه در ضمن این ملاقاتها و چه در موقع مطالعه که وزرای امور خارجه چهار دولت نسبت بمسائل خاصه مربوط بمنافع مشترکه خود بعمل آوردند وهمچنین درضمن مطالعه مسائل راجع بوضعیت سیاست عمومی ملاحظه نمودند که بین آنها وحدت نظر کاملی حکمفرما است .

وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران **سمیعی**
وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان **فیض محمد خان**
وزیر امور خارجه دولت پادشاهی عراق **ناجی الاصیل**
وزیر امور خارجه دولت جمهوری ترکیه **توفیق رشدی اراس**

# عهد نامه عدم تعرض

## مقدمه

## اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران
## اعلیحضرت پادشاه افغانستان
## اعلیحضرت ملك عراق
## و حضرت رئیس جمهوری ترکیه

نظر بتمایلی که از فراهم ساختن موجبات حفظ روابط و دادیه و حسن تفاهم بین خود با تمام وسایل موجوده خود دارند و برای تامین واستقرار صلح وامنیت درشرق نزدیك بوسیله تضمینات تکمیلیه در حدود میثاق جامعه ملل و برای کمك بصلح عمومی و برای ایفاء بوظایفی که بموجب عهد نامه تحریم جنك مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس و عهود دیگر که در آنها شرکت نموده اند متقبل شده اند وتماما با میثاق جامعه ملل وعهدنامه تحریم جنك موافقت دارد تصمیم نمودند که این عهد نامه را منعقد نمایند و برای این منظور نمایندگان مختار خودرا بقرار ذیل:

**اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران:** جناب آقای عنایت الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران

**اعلیحضرت پادشاه افغانستان** جناب آقای فیض محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان.

**اعلیحضرت پادشاه عراق**. جناب آقای دکتر ناجی الاصیل وزیر امور خارجه عراق

**حضرت رئیس جمهور ترکیه**. جناب آقای دکتر توفیق رشدی اراس وزیر امور خارجه ترکیه.

تعیین نموده اند و مشارالیهم بعد از ارائه اختیارنامه‌های خود که بطور مرتب تنظیم شده بود درمقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

( ماده ۱ ) دول متعاهد متعهد میشوند که سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را تعقیب نمایند .

( ماده ۲ ) دول متعاهد معظمه صریحا متقبل میشوند که مصونیت حدود مشترك یکدیگر را کاملا محترم بشمارند

( ماده ۳ ) دول متعاهد معظمه موافقت مینمایند که در کلیه اختلافات بین المللی که با منافع مشترك آنها مربوط باشد با یکدیگر مشورت نمایند .

( ماده ٤ ) هر یك از دول متعاهد در مقابل متعاهد متقبل میشود که در هیچ مورد خواه بتنهائی وخواه بمعیت یك یا چند دولت دیگر بهیچ گونه عملیات متجاوزانه بر علیه یکدیگر مبادرت ننمایند .

عملیات ذیل تجاوز محسوب میشود .

اول ـــ اعلان جنگ .

دوم ـــ تهاجم بوسیله قوای مسلح یك مملکت حتی بدون اعلان جنگ بخاك مملکت دیگر .

سوم ـــ حمله بوسیله قوای بری و بحری یاهوائی حتی بدون اعلان جنگ بخاك و یاسفاین و یاهواپیماهای مملکت دیگر .

چهارم ـــ کمك یاهمراهی مستقیم یا غیر مستقیم بمتجاوز .

عملیات ذیل تجاوز محسوب نخواهد شد .

۱ ـــ اجرای حق دفاع مشروع یعنی مقاومت درمقابل یك اقدام متجاوزانه بطوری که فوقا تعریف شد

۲ ـــ اقدام در اجرای ماده ۱٦ میثاق جامعه ملل

۳ ـــ اقدام در اثر تصمیم متخذه بتوسط مجمع عمومی یاشورای جامعه ملل یا برای اجرای بند ۷ ماده ۱۵ میثاق جامعه ملل مشروط بر اینکه در مورد اخیر این اقدام بر ضد دولتی بعمل بیاید که بدوا مبادرت بتجاوز نموده باشد .

۴ — مساعدت بدولتی که مورد حمله وتهاجم یااعلان جنگ یکی از دول متعاهد بر خلاف مقررات عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس واقع شده باشد.

(ماده ۵) هرگاه یکی ازدول متعاهد معتقد شود که ماده چهارم این عهد نامه نقض و یا در شرف نقض میباشد بلا فاصله موضوع را در پیشگاه شورای جامعه ملل مطرح خواهد ساخت.

مقررات مذکوره درفوق لطمه‌ای بحق دولت مزبور دائر باتخاذ هرگونه رویه که دراین موقع لازم بداند وارد نخواهد ساخت

(ماده ۶) هرگاه یکی از دول متعاهد بر علیه دولت ثالثی مبادرت به تجاوز نماید طرف دیگر میتواند بدون اطلاع قبلی این عهدنامه رانسبت بمتجاوز فسخ بنماید.

(ماده ۷) هریك از دول متعاهد متقبل میشوند که در حدود سرحدات خود ازتشکیل ویاعملیات دستجات مسلح وازایجاد هرگونه هیئت و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجوده و یا اختلال نظم وامنیت هر قسمتی از خاك متعاهد دیگر (سرحدی یا غیرسرحدی) ویا برای واژگون ساختن طرزحکومت طرف دیگر جلوگیری نمایند.

(ماده ۸) نظر باینکه دول متعا هد میثاق عمومی تحریم جنك مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ را برسمیت شناخته اند و به موجب میثاق مزبور تسویه یاحل هرگونه اختلاف یا تنازع قطع نظر از کیفیت یا منشاء آن که ممکن است بین آنها بروز نماید باید فقط بوسائل مسالمت آمیز بعمل آید این مقررات را تایید نموده و اعلام میدارند که بهر طریق مسالمت آمیزی که برای این منظور فعلا بین دول متعاهد موجود و یا درآتیه موجود شود متوسل خواهند شد.

(ماده ۹) هیچ یك ازموادااین عهدنامه نمیتواند بهیچوجه تعهداتی راکه‌دول متعاهد بموجب میثاق جامعه ملل متقبل شده‌اند تضعیف نمایند

(ماده ۱۰) این عهد نامه که بزبان فرانسه نوشته شده ودرچهار

نسخه بامضاء رسیده و هریك ازدول متعاهد دریافت یك نسخه آنرا اعتراف مینمایند برای مدت پنجسال منعقد میگردد .

در انقضاء این مدت عهد نامه مزبور بجز در موردی که یکی از دول متعاهد با اطلاع قبلی شش ماه فسخ آنرا اعلام نماید برای پنج سال دیگر به خودی خود تجدید خواهد شد و این عمل مرتبا تکرارمیشود تا آنکه یك یا چند دولت متعاهد فسخ آنرا با اطلاع قبلی ششماهه اعلام دارند .

این عهد نامه در صورتی هم که بتوسط یکی از دول متعاهد فسخ شود بین دول دیگر معتبر خواهد بود .

این عهد نامه بتوسط هر یك از دول متعاهد بر طبق مقررات قانون اساسی آن ممالك بتصویب خواهد رسید و در جامعه ملل به توسط دارالانشاء ثبت خواهدشد وازرئیس دارالانشاء تقاضا خواهد شد که آنر باطلاع سایر دول عضو جامعه برساند

اسناد تصویب آن بتوسط هریك از دول متعاهد بدولت ایران تسلیم خواهد گردید بمحض اینکه اسناد تصویب ازطرف دو دولت متعاهد تسلیم شد این عهدنامه بین آن دودولت بموقع اجرا گذارده خواهد شد وراجع بدولت ثالث وقتی بموقع اجرا گذارده میشود که دولت مزبور اسناد تصویب آنرا تسلیم نماید و به همین قسم در مورد دولت چهارم نیز رفتار خواهد شد

بمحض تسلیم هریك از اسناد تصویب مراتب بفوریت به توسط دولت ایران بتمام امضاء کنندگان این عهد نامه اشعار خواهد شد

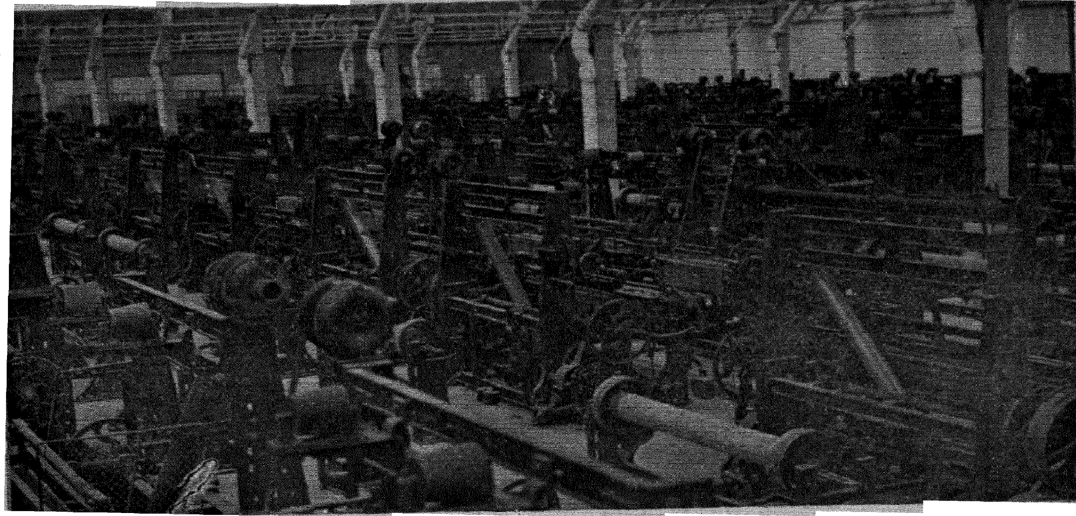
**در کاخ سعدآباد ( تهران ) ۱۷ تیرماه ۱۳۱۶**

*

**

روز دو شنبه ۲۸ تیر ماه جناب آقای ابو القاسم فروهر بکفالت وزارت داخله منصوب و به پیشگاه شاهنشاهی معرفی شدند .

**امرداد** — روز پنجشنبه ۷ امرداد آقای موسی اسفندیاری بریاست اداره کل صناعت بحضور شاهنشاهی معرفی شدند .



یک قسمت از منظرهٔ داخلی کار خانه عظیم حریر بافی چالوس

روز شنبه ۹ امرداد آقای عدل بمعاونت وزارت خارجه منصوب ومعرفی شدند.

روز شنبه ۱۶ امرداد کارخانه حریر بافی چالوس با حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد مفتوح شد.

روز شنبه ۳۰ امرداد آقای مهدی فرخ بریاست اداره کل صناعت منصوب و بحضور همایونی معرفی شدند.

**شهریور ماه** ـ قبل از ظهر شنبه بیستم شهریور یازدهمین دورهٔ قانون گذاری از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح شد.

دو ساعت و یك ربع بظهر والا حضرت همایون ولایتعهد و در ساعت ۱۰ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با تشریفات مخصوص به عمارت مجلس شورای ملی نزول اجلال فرمودند.

حسب المعمول طبقات اعیان و رجال وصاحبمنصبان عالی رتبهٔ لشکری و کشوری و اصناف مختلفه و نمایندگان سیاسی خارجه در جایگاه مخصوص خود قرار گرفتند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد بتالار جلسهٔ مجلس شورای ملی تشریف فرما شده باورمایشات ملوکانه یازدهمین دورهٔ قانون گذاری را افتتاح و بکاخ شاهنشاهی مراجعت فرمودند.

## نطق ملوکانه هنگام گشایش یازدهمین دورهٔ تقنینیه

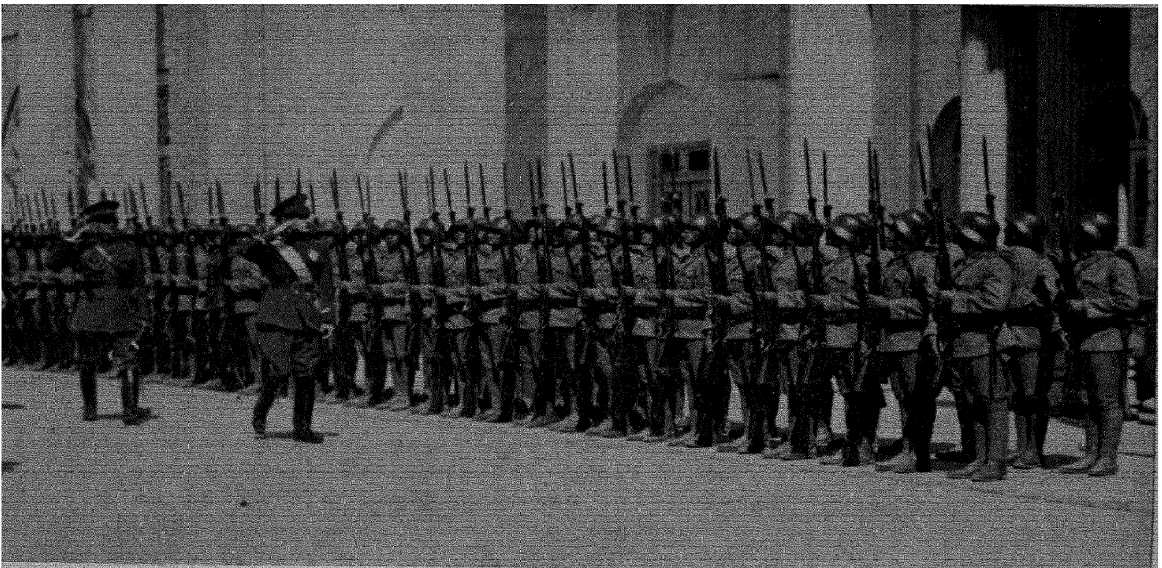
« با کمال خرسندی یازدهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی را »
« افتتاح میکنیم، دورهٔ گذشته چنانکه انتظار میرفت باحصول مقاصد »
« مهمه بپایان رسید ـ اصلاحات پیش دنبال شده و کارهای تازه »
« تری انجام گرفت که برای ترقی تربیتی و اقتصادی و اخلاقی »
« جامعه بسیار لازم و مؤثر بود. »
« درسیاست خارجی که پایه آن بردوستی واحترام متقابله است »
« روابط ما با دول خارجه عموما و همسایگان خصوصا نیکو و »
« استوار بوده است »

« چون اوضاع عمومی چنان ایجاب میکرد که ما نیز بیش ازپیش »
« در تحکیم بنیان صلح بکوشیم و وسائل حل مسالمت آمیز »
« اختلافات را توسعه دهیم بنابراین پس از رفع اختلاف سرحدی »
« با عراق دولت ما قرار دادی را که در طرح آن قبلا توافق »
« حاصل شده بود بادول دوست و همسایه خود افغانستان و ترکیه »
« وعراق بنام پیمان سعد آباد منعقد نمود مانند این پیمان که در »
« شرق بی سابقه بود یگانگی ما و دول مزبور را که از چندسال »
« پیش رو باستحکام داشت کاملا استوار و پایدار کرده و دراین »
« هنگام که امور عالم دچار آشفتگی است مددی بزرگ به بقای »
« صلح خواهد نمود- درامور داخلی سیاست دولت من تعقیب »
« روش دورهٔ پیشین و تکمیل اصلاحات است یعنی تقویت بنیه »
« اقتصادی و بهبودی زندگانی مردم بوسیله توسعه فلاحت وآبادی »
« و استفاده از منابع ثروت طبیعی که در کشور بحد وافر »
« وجود دارد و تعمیم تربیت بدنی که موجب نیرومندی روح و »
« جسم است برای حصول این مقاصد هیئت دولت و نمایندگان »
« مجلس و همه علاقمندان به ترقی کشور باید بکوشند که بیش »
« از پیش فروغ حیات بخش تمدن در تمام شئون کشور بتابد »
« از خداوند متعال کامیابی عموم خدمتگذاران کشور را دراین »
« راه خواستاریم »

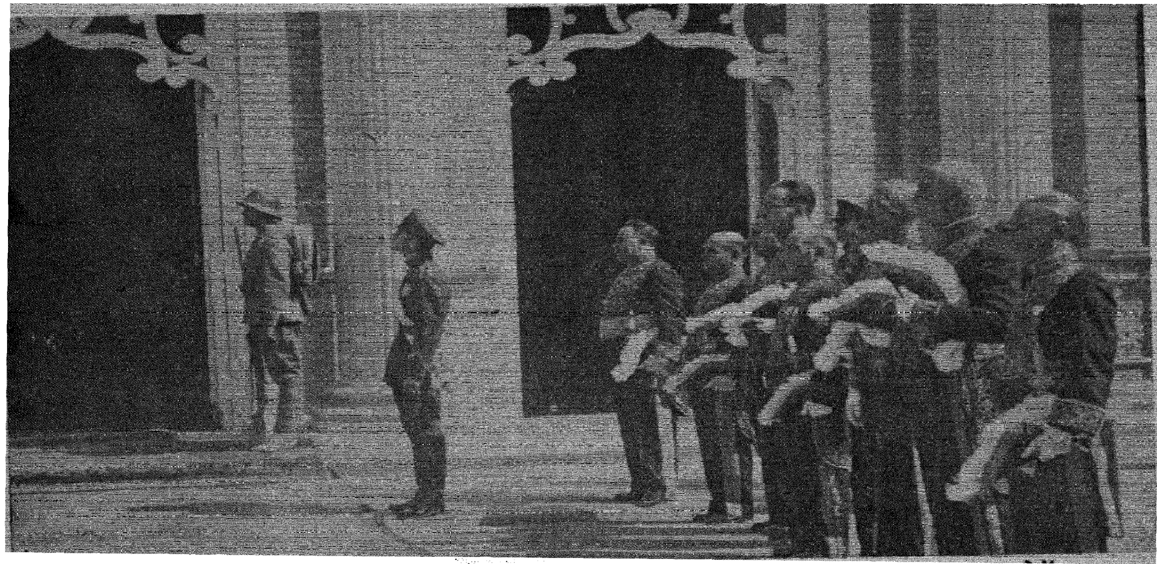
## مجلس یازدهمین گردش قانون گذاری - یکساعت

قبل از ظهر مجلس بریاست سنی آقای اسفندیاری و منشی گری آقایان نقابت و مؤید ثابتی وابوالفضل تولیت و عیسی مشار تشکیل و هیئت رئیسهٔ موقتی بشرح ذیل انتخاب شد :

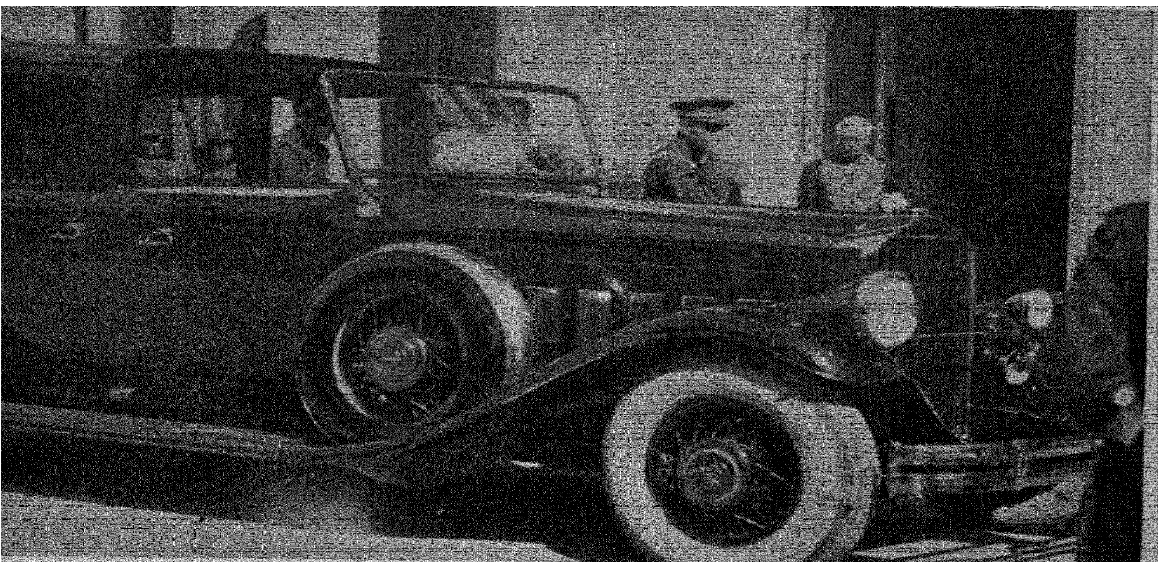
آقای اسفندیاری بسمت ریاست - آقایان بیات و دکتر طاهری بنیابت ریاست - سپس شعب ششگانه برای رسیدگی باعتبارنامه‌ها تعیین و جلسه ختم گردید .



تشریف فرمائی والا حضرت همایون ولایتعهد بمجلس شورای ملی



والاحضرت همایون ولایتعهد و هیئت دولت درانتظار مقدم مبارك شاهنشاهی



تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بمجلس شورای ملی



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد هنگام مراجعت از مجلس شورای ملی

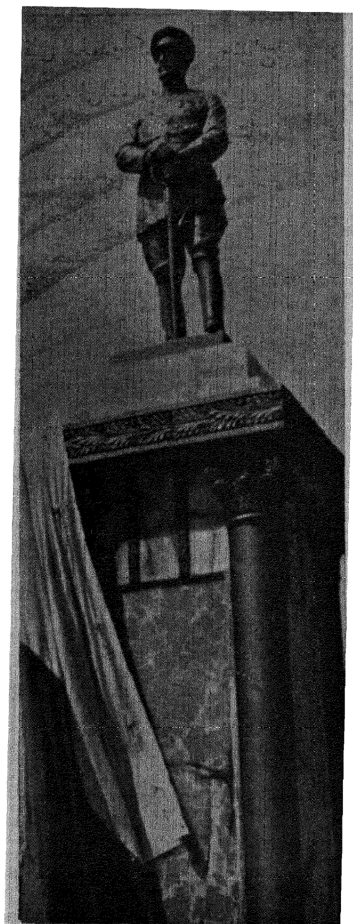
| آقایان نمایندگان | محل انتخاب | آقایان نمایندگان | محل انتخاب |
|---|---|---|---|
| آقای ابراهیم افخمی | زنجان | « جواد فخر طباطبائی | بروجرد |
| « ابراهیم سمیعی | رشت | « حبیب‌الله لاریجانی | تهران |
| « ابوطالب کازرونیان | شیراز | « حبیب‌الله نوبخت | فسا |
| « ابوالفضل تولیت | قم | « حریری طلوع | تهران |
| « ابوالقاسم اعتصام‌زاده | بجنورد | « دکتر حسن ادهم | تهران |
| « ابوالقاسم نراقی | کاشان | « حسن اسفندیاری | تهران |
| « ابوالحسن ثقةالاسلامی | تبریز | « حسن توانا | کرمان |
| « ابوالحسن رضوی | آباده | « حسن علوی | سبزوار |
| « احمد اعتبار | بروجرد | « حسین افشار | رضائیه |
| « احمد بهبهانی | تهران | « حسین جلائی | اصفهان |
| « احمد صفاری | لاهیجان | « حسین رهبری | زنجان |
| « احمد قوامی | شیراز | « حسین فاطمی | اصفهان |
| « اسمعیل عراقی | عراق | « حسین معتصم سنگ | ساری |
| « اسمعیل ملایری | بیجار | « حسین معینی | گرکانرود |
| « اسدالله زوار | کاشمر | « حسینعلی دولتشاهی | گلپایگان |
| « اسکندر مقدم | مراغه | « حسینقلی قزل‌اباغ | سمنان |
| « امیر ابراهیمی | رفسنجان | « حمدالله بیات‌ماکو | خوی |
| « باقر شاهرودی | قزوین | « حمزه تاش | بابل |
| « جبرائیل بوداغیانس | ارامنه جنوب | « حیدری | مه‌آباد |
| « جعفر اصفهانی | تبریز | « خانبابا طباطبائی | نائین |
| « جعفر پناهی | هرآباد | « خلیل حریری | خیاو |
| « جعفر خواجه نوری | فیروزآباد | « دبستانی | کرمان |
| « جواد آزادی | لارستان | « دهستانی | کردان |
| « جواد شجاع | خرم‌آباد | « ربیع مصدق جهانشاهی | تبریز |

| آقایان نمایندگان | محل انتخاب | آقایان نمایندگان | محل انتخاب |
|---|---|---|---|
| آقای رضا طهرانچی | تهران | آقای علی مولوی | سرآب |
| « سلطانی شیخ الاسلامی | بهبهان | « علی وکیلی | طهران |
| « سلیم ایزدی | کاشان | « علیقلی هدایت | فسا |
| « دکتر سنك | ساری | « عیسی لیقوانی | تبریز |
| « سهراب ساکنیان | ارامنه شمال | « عیسی مشار | زابل |
| « شکرالله صفوی | بوشهر | « غلامحسین فرشی | تبریز |
| « صادق خواجوی | دماوند | « غلامحسین کاشف | طهران |
| « دکتر ضیاء | تربت | « غلامحسین ملك | شیراز |
| « ضیاءالدین نقابت | خرم شهر | « فتح الله گودرزی | خرم آباد |
| « طالش رحمت سمیعی | رشت | « فرج الله آصف | سنندج |
| « دکتر طاهری | یزد | « قاسم اهری | قراچه داغ |
| « عباس مسعودی | تهران | « قاسم غنی | مشهد |
| « عبدالله شهدوست | درجز | « کاظم جلیلی | یزد |
| « عبد الله ناهید | سقز | « کاظم مزدهی | بندر پهلوی |
| « عبدالحسین اورنك | همدان | « کیخسرو شاهرخ | زردشتیان |
| « عبدالحسین نیك پور | طهران | « لطفعلی معدل | جهرم |
| « عبدالرحیم شباهنك | طهران | « دکتر لقمان نهورای | کلیمیان |
| « عبد العلی میرزائی | مشهد | « محسن صدر | محلات کمره |
| « عطاء الله پالیزی | کرمانشاه | « محسن مهدوی | شهرضا |
| « عطاء الله روحی | کرمان | « محسن همراز | گرکان |
| « عطاءالله سمیعی | فومن | « محمد حبیبی | سنندج |
| « علی اقبال | مشهد | « محمد جرجانی | گنبدقابوس |
| « علی اکبر دبیر سهرابی | قوچان | « محمد طباطبائی | ساوه |
| « علی زنگنه | کرمانشاه | « محمد محیط | ایوان کی |

| آقایان نمایندگان | محل انتخاب | آقایان نمایندگان | محل انتخاب |
|---|---|---|---|
| آقای محمد وکیل | سنندج | « مرآت اسفندیاری | سیرجان |
| « محمدتقی اسفندیاری | بابل | « مراد ابراهیمی ریگی | ایرانشهر |
| « محمدتقی ذوالقدر | نیشابور | « مرتضی امین | تبریز |
| « محمد تقی رفیعی | تبریز | « مرتضی‌قلی بیات | سلطان آباد |
| « محمدتقی شانگهای | شیراز | « ملکزاده آملی | بابل |
| « محمدتقی معتضدی | سبزوار | « دکتر ملکزاده | بم |
| « محمدجواد ارگانی | دشت‌میشان | « ملك مدنی | دولت آباد |
| « محمدحسن مسعودی | فردوسی | « مهدی دادور | طهران |
| « محمدرضا اردبیلی | اردبیل | « مهدی نمازی | شیراز |
| « محمد رضا پارسا | خوی | « موسی جوان | حضرة‌عبدالعظیم |
| « محمد علی اوحدی | اصفهان | « موسی فتوحی | مراغه |
| « محمد علی تربیت | تبریز | « موسی مرآت | کرمانشاه |
| « محمد علی منصف | بیرجند | « مؤید احمدی | شهر کرد |
| « محمدقلی تاج بخش | شاهرود | « موید ثابتی | مشهد |
| « محمود عزیزی | بوشهر | « منصورعلی قراگزلو | همدان |
| « محمود ناصری | شوشتر | « نصرةالله اسکندری | تبریز |
| « مجد ضیائی | زنجان | « نواب | یزد |
| « مجید موقر | دزفول | « دکتر نیرومند | نجف آباد |
| « مخبر فرهمند | ملایر نهاوند | « هدایت‌الله پالیزی | کرمانشاه |
| « مختار مشیر | عباسی | « هدایت‌الله مکرم | قزوین |

***

عکس آقایان نمایندگان دوره یازدهم درین سال فراهم نشد که درین سالنامه گراور شود ، هرگاه در سال آینده عکس اجتماعی آقایان بدست آید در سالنامهٔ ۱۳۱۸ چاپ خواهد شد



مجسمهٔ شاهنشاهی درمیدان مجلس

پس از افتتاح مجلس شورای ملی عموم مدعوین بمیدان مقابل مجلس حضور یافتند ومراسم نصب مجسمهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ازطرف آقای رئیس الوزراء و شهردار تهران بعمل آمد.

صبح شنبه ۲۷ شهریور اولین جلسهٔ یازدهمین دورهٔ قانون گذاری تشکیل و پس از تصویب اعتبار نامهٔ اکثریت نمایندگان آقای اسفندیاری بریاست مجلس انتخاب شدند.

در جلسه یکشنبه ۲۸ شهریور مجلس آقایان بیات و دادور بنیابت ریاست مجلس انتخاب شدند و آقایان مؤید احمدی و پالیزی و آزادی و نبیل سمیعی بمنشی گری منتخب گردیدند

آقایان ارباب کیخسرو ومرآت اسفندیاری و ثقةالاسلامی نیز بمباشرت انتخاب شدند.



در برابر مجسمه شاهنشاهی
آقای شهردار ایراد نطق میکنند

**مهر ماه** - درجلسه صبح پنجشنبه اول مهر مجلس شورای ملی آقای محمود جم رئیس الوزراء هیئت دولت‌را بشرح ذیل بمجلس شورای ملی معرفی کردند :

آقای مجید آهی وزیر طرق - آقای علی‌اصغر حکمت وزیر معارف - آقای عنایت‌الله سمیعی وزیر خارجه آقای متین‌دفتری وزیر عدلیه آقای محمود بدر وزیر مالیه آقای سرلشکر فضلی کفیل وزارت جنگ - آقای فروهر کفیل وزارت داخله - آقای علاء رئیس اداره کل تجارت آقای فرخ رئیس اداره کل صناعت و معادن - آقای احمد حسین عدل کفیل اداره کل فلاحت ؛

در همین جلسه نیز باتفاق آراء رای اعتماد بدولت داده شد .

عصر دو شنبه پنجم مهر مؤسسه انحصار دخانیات و کارخانه توتون و سیگارت در حضور مبارك شاهنشاهی مفتوح شد

درجلسه پنجشنبه هشتم مهر مجلس شورای ملی قانون تشکیل دو وزارتخانهٔ تجارت و صناعت بتصویب رسید و آقایان علاء و فرخ بوزارت تجارت و صناعت معرفی شدند - آقای ابوالقاسم فروهر نیز حسب‌الامر مبارك شاهنشاهی بوزارت داخله ارتقاء یافتند .



جناب آقای حسن اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی



## اعلیحضرت شاهنشاهی و والاحضرت همایونی هنگام گشایش مؤسسه انحصار دولتی دخانیات

در جلسه چهارشنبه ۱۴ مهر مجلس شورای ملی انتخاب هیئت رئیسه مجلس تجدید و آقای اسفندیاری بریاست انتخاب شدند ـ آقایان بیات و دادور نیز بنیابت ریاست انتخاب گردیدند ـ آقایان مؤید احمدی و آزادی و سمیعی و زوار بـه منشی گری و آقایان ارباب کیخسرو و مرآت اسفندیاری و مخبر فرهمند بکارپردازی مجلس شورای ملی انتخاب شدند

## نصب نخستین سنگ بنای کارخانه های آهن

ساعت سه بعد از ظهر پنجشنبه ۲۲ مهرماه در پشت کوه بی بی شهربانو که محل کارخانهای آهن خواهد بود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نخستین سنگ بنای کارخانهای ذوب آهن رابدست مبارك نصب فرمودند

این نقطه جلگه وسیعی در دامنهٔ کوه های بی‌بی شهربانو واز متعلقات امین آباد است ، تا مرکز امین آباد دو کیلومتر و تا

ایستگاه ری کمی بیشتر فاصله دارد .

قسمتی که کارخانه‌ها در آن ساخته میشود ودرمرکز آن اولین سنگ ساختمان نصب‌شد بقدر کفایت وسعت دارد بطوریکه ساختمان های کارخانه درطول دو کیلومتر وعرض سیصد متر ساخته خواهد شد و این فقط برای ساختمانهای خودکارخانه است و بناهای‌دیگر برای کارگران و مستخدمین و سایر احتیاجات در خارج از این مساحت ساخته خواهد شد .

در یك سمت این محل در نزدیك قسمتی که محل نصب اولین سنك بنا بود . پوش سلطنتی وچادرهای مخصوص برای هیئت دولت و مدعوین برپا شده بود .

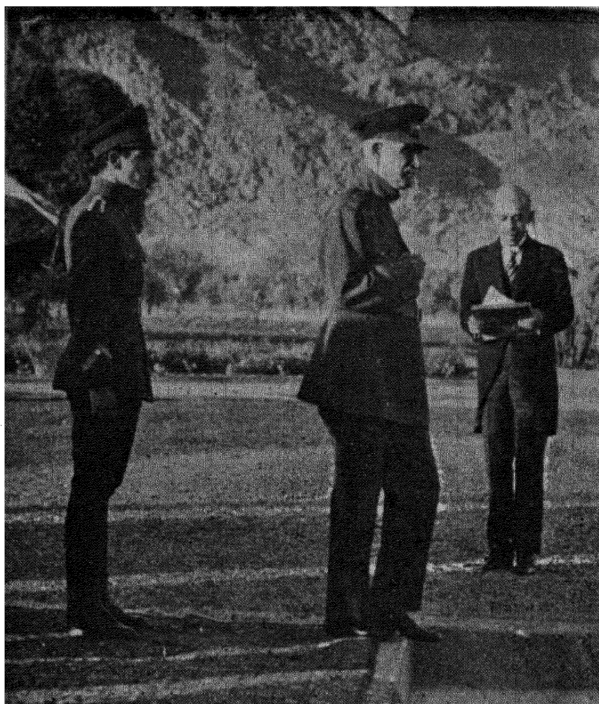
ساعت چهار و نیم بعد ازظهر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد تشریف فرما شدند

درپوش سلطنتی‌هیئت دولت و رئیس‌مجلس شورای‌ملی شرفیاب شده گزارش ها و توضیحات لازمه از طرف آقای رئیس‌الوزراء و آقایان‌وزیرصناعت‌ووزیرمالیه‌بعرض‌همایونی‌رسید وسپس‌اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی ووالا حضرت همایون ولایتعهد بمحل نصب سنك تشریف‌فرما شدندوآقای وزیرصناعت‌مراتب ذیل را به پیشگاه‌مبارك شاهنشاهی معروض داشتند :

در این موقع که وسائل تاسیس کارخانجات ذوب آهن از هر حیث‌فراهم گردیده از پیشگاه مبارك‌ملوکانه استدعادارد‌با نصب‌اولین سنك بنای کارخانه که متضمن لوحة نماینده سر فرازی ایرانیان و یادکار این‌عهد فرخنده خواهدبود کارکنان وزارت صناعت‌راقرین افتخار و مباهات فرمایند .

سپس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به محل نصب اولین سنك تشریف‌فرما شده لوحه‌ای که‌برای‌نصب‌در زیر‌بنا‌بود تقدیم گردید و اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی‌لوحه‌مزبوررادرمحل آن‌نصب‌فرمودند .

برلوحه فلزی مذکور شرح صفحهٔ مقابل نگاشته شده بود .



**اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ووالاحضرت همایون ولایتعهد هنگام استماع عرایض وزیر صناعت و معادن**

**بنام ایزد دانا**

**هنگام شاهنشاهی پادشاه ایرانیان رضا شاه پهلوی سر دودمان پهلوی کارخانهای آهن‌سازی بفرمان او آغاز گردید واین نبشته به یادگار بزمین سپرده شد ۰**

**مهر ماه ۱۳۱٦ خورشیدی**

پس از نصب نخستین سنك بنا جناب آقای رئیس الوزراء شرح ذیل را بعرض مبارك رسانیدند :

از دست و زبان که بر آید          کز عهده شکرت بدر آید

**اعلیحضرتا** اهالی ایران هرقدر بخواهند از توجهاتیکه هر روز از طرف قرین الشرف همایونی نسبت به آبادی و اصلاح کشور میشود تشکر نمایند از عهده آن برنمی آیند ازیمن تربیت شاهانه هر روز نوید تازه باین کشور میرسد و کارهائی انجام میشود که هر یك از آنهـا جزو آمال و آرزوهای دیرینهٔ علاقمندان این کشور بوده و امیـدی بحصول آن نداشتند چند روز پیش کارخانه توتون و سیگارت مفتوح وبکار افتاد امروز نخستین سنك بنای کارخانه مهم ذوب آهن بـدست مبارك نصب میشود مطابق گزارش واصله فردا راه آهن شمال ایران بشهر قم خواهد رسید اگر فدوی جان نثار بخواهد کارهائی که بامرشاهانه دربن چندسال اخیرشده شماره نماید ازعهده ذکر یك بر هزار آن برنخواهد آمد .

**اعلیحضرتا** احساسات و آرزوی ایرانیان را به این دو کلمه ادا مینمایم « **شاه زنده باد** »

سپس جناب آقای اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی مراتب ذیل را بعرض پیشگاه همایونی رسانیدند ؛

**اعلیحضرتا** عموم چاکران متشکر ومفتخریم که آنچه بنای سعادت دراین کشور بر پا میشود بدست مبارك واز برکت وجود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است .

امروز همگی بخود تبریك میگوئیم که چنین موسسه مهمی از توجهات عالیه شاهنشاهی بوجود آمده است ومسلما این نقطه باسعادت درسایه همایونی یکی ازشهرهای عالی صنعتی شده وخدمات بزرگ باین کشور خواهد کرد همه چاکران ازخدا خواسته و ازصمیم قلب میگوئیم « **زنده و پاینده باد شاهنشاه عظیم الشان** »

موکب شاهنشاهی ووالا حضرت همایون ولایتعهد درساعت پنج بعد از ظهر بشهر مراجعت فرموده و این مراسم بـا شکوه که طلیعه دیگری از افتخارات این عصر همایون است با شعف بپایان رسید .

صبح سه شنبه ۲۷ مهر آقای شوئیکی ناکایاما مأمور فوق العاده و وزیر مختار جدید دولت ژاپون در قصر گلستان بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند

**ابانماه** - صبح دو شنبه دهم ابان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت همایون ولایتعهد برای حضور دراسب‌دوانی دشت گرگان از تهران عزیمت مازندران فرمودند .

**آذرماه** - صبح دوشنبهٔ ۱۵ آذر آقای سردار احمد علیخان سفیرکبیر جدید دولت افغانستان به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و معرفی شدند



**جناب آقای سفیر کبیر افغانستان**

جناب آقای سردار احمدعلی خان سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاه افغانستان در کشورشاهنشاهی بعدازانجام یك‌سلسله خدمات برجسته به میهن محبوب‌خود در آخر سال ۱۹۲۹ میلادی بسمت وزیر مختار دولت پادشاهی درپاریس تعیین وپس از ۱۷ ماه نیز بهمان سمت به لندن منتقل گردیدند ، بعد از تقریبا دو سال و نیم توقف در انگلستان در آخر سال ۱۹۳۳ به کابل احضار و بوزارت معارف انتخاب شدند ـ معظم له قریب سه سال ونیم پست وزارت معارف

## یاد داشتهای دیگر

# جشن گشایش راه آهن شمال

**عصر جمعه سی ام بهمن** یك جشن بزرگ و پر افتخاری در شهر تهران منعقد شد که چنین جشنی در تاریخ ایران و این شهر بی نظیر بود اهالی تهران وساکنین پایتخت شاهنشاهی از وصول بیك آرزوی محال ویك رؤیای شیرین غرق مسرت بودند و بشاهنشاه عظیم القدر خود که یك چنین خیال محالی را بصورت وجود آورده و این حاصل پربهای ارادهٔ عالیهٔ همایونی را باهالی ایران ارزانی میفرمودند با هلهله وهوراو کف زدنهای ممتد تهنیت ودرود میسرودند

شاهنشاه بزرگ ایران و والاحضرت اقدس همایون و لایتعهد برای گشایش راه آهن شمال بتالار ایستگاه تهران نزول اجلال فرمودند ، والاحضرت شاهپورها نیز تشریف فرما بودند

جمعیت مدعوین عبارت از هیئت دولت ، رجال واعیان ، افسران ارشد ارتش، نمایندگان مجلس ورؤسای ادارات وخانمهایشان بترتیب در جایگاه خود قرار داشتند

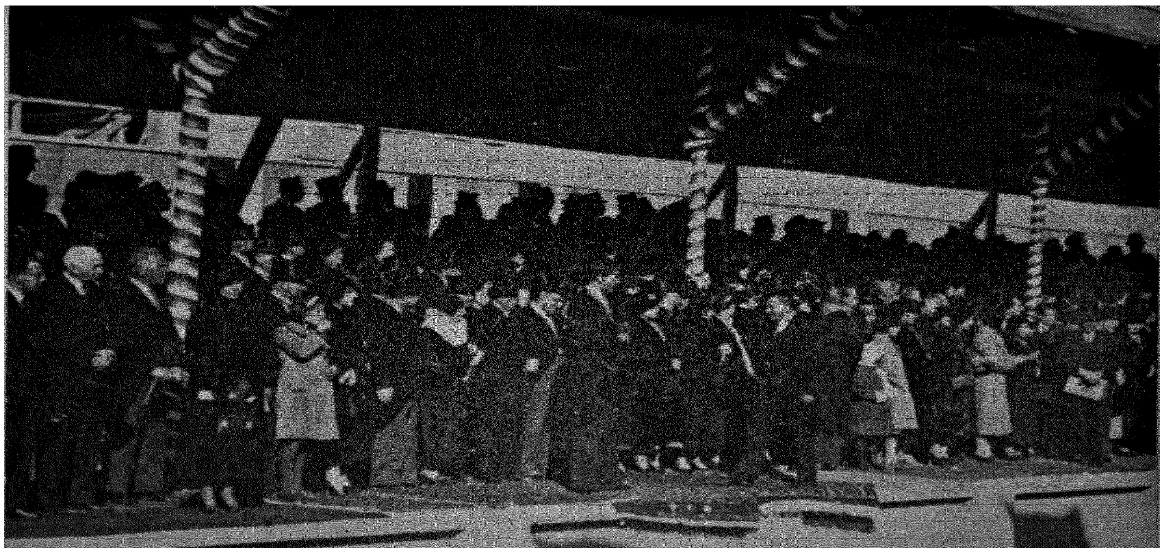
اعلیحضرت شاهنشاهی و والاحضرت همایونی پس از چند لحظه توقف بجایگاه مخصوص سلطنتی تشریف فرما شدند و پرچم شاهنشاهی برفراز ایستگاه راه آهن ایران باهتزاز درآمد، دراینموقع آقای آهی وزیر طرق گزارش ذیل را بخاکپای مبارك معروض داشت :

خوشبختانه به نیروی عزم وارادهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ساختمان قسمت مهم راه آهن سراسر ایران بپایان رسیده و امروز قطارهائی که از بندرشاه و مازندران برای شرکت در آئین انجام

---

را عهده دار بوده ودرتاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۱۶ بسمت سفیر کبیر در دربار دولت شاهنشاهی انتخاب گردیدند

روز یکشنبه ۲۱ آذر آقای سلطان حسین رخشانی به ریاست اداره کل فلاحت منصوب و بحضور شاهنشاهی معرفی شدند .



منظرهٔ ایستگاه راه‌آهن تهران هنگام افتتاح راه آهن شمال

ساختمان خط شمال بطهران وارد شده‌اند با اعلام این حقیقت مسرت بخش بر شادمانی و تشکرات اهالی پایتخت و عموم مردم کشور شاهنشاهی میافزایند. گذشته از ساختمان خط شمال که بطول ٤٦١ کیلومتر ودویست متر تمام شده است بیش از ٣٣٦ کیلو متر هم در قسمت جنوب ریل گذاری شده که جمعا زیاده از ٧٩٧ کیلو متر از تمام مسافت ١٣٨٧ کیلو متر بین بندرشاه تا بندر شاهپور ساخته و همه جهت قریب ٥٤٠ کیلومتر باقی است که ساختمان آنهم با کمال جدیت و نظم درجریان میباشد.

در این هنگام بمورد میداند بشرف عرض پیشگاه مبارك برساند که تا کنون آنچه تنها بمصرف ساختمان این خط رسیده است صرفنظر از قسمت بهره برداری وخرید وسائل نقلیه راه آهن معادل مبلغ ٨١٠٠٥٨٨٠٠٠ ریال که حساب آن بکیلومتر باقتضای اختلاف قطعات ازقرار هر کیلومتری حداقل ٦٠٢٤٢٠ ریال درقطعات ١٧ و ١٩ بوده وحداکثر کیلومتری ٥٠٦٠٠٠٠ ریال در قطعات شش تا یازده میباشد

شماره پلهای بزرگ این خط که طول هریك از ١٥ متر زیادتر است ١٠٨ عدد و بطول ٤٦٠٠ متر میباشد و ٩٤ تونل عمده نیز در این خط ساخته شده که جمعا بطول ٢٣٤١٠ متر میباشد، ایستگاه طهران که هنوز ناتمام است دارای ٢٠ دستگاه بناهای مختلف مهم برای کارخانها وتاسیسات دیگر خواهد بود، برای خطوط فرعی تنها در محوطه ایستگاه ٣١ کیلومتر ریل گذاری میشود که قسمت عمده آن ساخته شده وبزودی همه باتمام خواهد رسید. جمع مخارج ساختمانها و کلیهٔ ماشین آلات مختلف ایستگاه طهران معادل هشتاد ملیون ریال است.

در پرتو توجهات خاصه شاهانه بزودی درنتیجهٔ اتصال خط آهن شمال و جنوب وجود شاهراه بزرگی که از دیر زمانی ملت ایران برای تجدید حیات واستوار ساختن پایهٔ زندگی و اقتصادی خویش

به آن نیازمند بوده است موجب ترقیات بیشتر کشور ومایهٔ فزونی سپاسگذاری عموم ملت شاه پرست ایران خواهد بود .

خدمتگذاران صدیق وزارت طرق در ضمن تقدیم عرض تبریك وتهنیت با کمال شکر گذاری منتهای آرزوومایه نیکبختی خودمیدانند که در اطاعت فرمان مبارك مجری نیات مقدسه خسروانه باشند .

برای میمنت وبهروزی آیندهٔ راه آهن ایران از پیشگاه مبارك ملوکانه و والاحضرت همایون ولایتعهد استدعا دارد بدست مبارك آخرین مهره خط شمال‌را مستحکم وبقطع نوار، عبورقطارهای‌شمال را اجازه فرمایند .

## آخرین مهره خط آهن شمال

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درجواب این گزارش از وصول راه آهن شمال بطهران ابراز مسرت و خوشوقتی فرمودند وسپس بداخل‌خط تشریف‌فرما شدند تا آخرین پیچ ومهرهٔ‌خط آهن‌شمال‌را بدست مبار کشان محکم فرمایند .

دومهرهٔ طلا و نیز یك قیچی طلا در جعبه‌زیبائی از چرم مکلل بتاج سلطنتی قرار داده شده ودر یك‌سینی طلا بدست آقای وزیر طرق بود ،جعبه را پیش آوردند، اعلیحضرت همایون شاهنشاهی یکی از دو مهره را بدست مبار کشان روی پیچ‌آخرین خط شمال قرار دادند و با آچار مخصوص آن رامحکم فرمودند .

سپس آقای‌وزیرطرق‌جعبه‌را حضور والاحضرت‌همایون ولایتعهد بردند ومهرهٔ دیگررا والاحضرت همایونی‌درطرف دیگرهمان‌خط بدست مبار کشان با آچار مزبور محکم فرمودند .

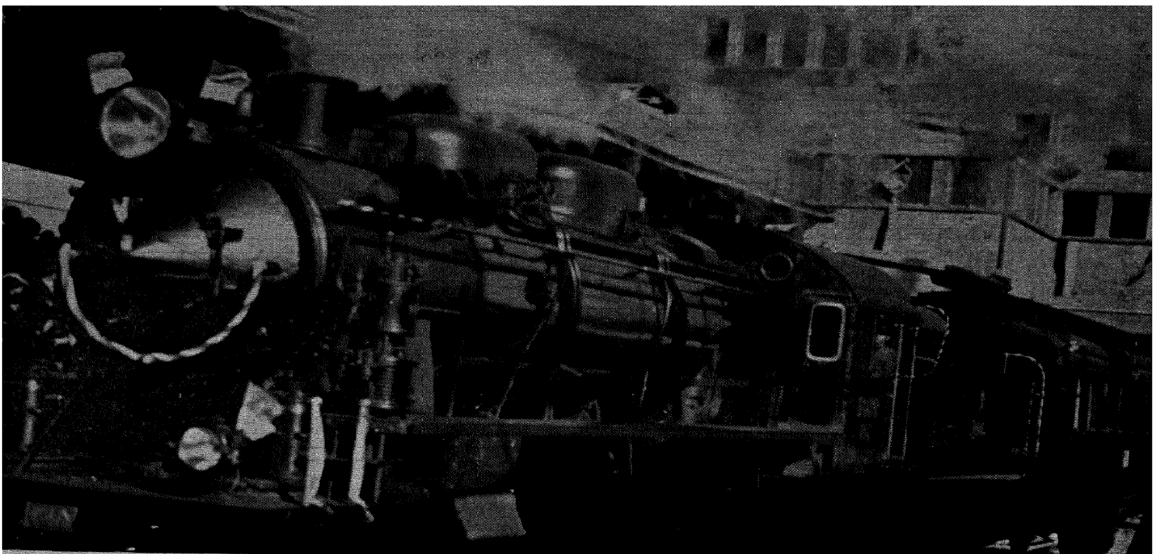
عموم حاضرین و مدعوین در تمامی این مدت با وجد و مسرتی بی‌پایان به کف زدن مشغول بودند و نور شادمانی در سیمای همه میدرخشید .

## گشایش خط آهن شمال

بفاصله چند متراز‌محلی که شاهنشاه ایران آخرین‌مهرهٔ‌خط آهن شمال را نصب و محکم فرمودند نوار سه رنگی در پیرامون خط آهن کشیده شده بود .



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی هنگام نصب
آخرین مهرهٔ راه آهن شمال



ورود راه آهن شمال برای اولین بار بایستگاه تهران وعبور از پیشگاه مبارک شاهنشاهی



منظرهٔ زیبای ایستگاه راه آهن تهران

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بمحل مذکور تشریف فرما شده نوار عبور را قطع فرمودند . درین موقع ترن که در بیرون ایستگاه منتظر بود آهسته آهسته وسوت زنان پیش آمد و از پیشگاه مبارك شاهنشا[illegible] بین کف زدن ها و زنده باد گفتن های مسرت آمیز حضار عبور کرد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از انجام تشریفات و آئین گشایش راه آهن مجدداً بتالار پذیرائی [illegible]

# در روز سوم اسفند

مشاهدهٔ شکوه و عظمت میدان جلالیه در پرتو تلألو سر نیزهٔ سپاهیان رشید و در زیر قدمهای بلند ومحکم وخوش آهنگ آنها در مقابل امواج خروشان بخشها و گروهها و دستجات مختلفهٔ ارتش شاهنشاهی که درسایهٔ ارادهٔ تاجدار کامکار ایران برای تامین قدرت وعظمت کشور وسر بلندی وسعادت ملت بوجود آمده است

بقدری مسرت انگیز میباشد که هر فرد حساس میهن دوستی را بسوی خود میکشاند و این منظرهٔ پرابهت شور و غروری در دماغ افراد میهن پرست ایجاد میکند که در عین حال مزید فرّ و اقبال موجد این دستگاه عظیمرا از خداوند مسئلت مینمایند

دراینسال میدان جلالیه ازهرسال باشکوه‌تر و شورانگیزتر بود هیئت دولت ونمایندگان ملت،رجال واعیان واشراف وخانمهایشان همچنین‌سفرا ووزراء ومیهمانان خارجی‌ازیکساعت بعدازظهر حضور یافتند وبترتیب در جایگاه مخصوص خود قرار گرفتند

---

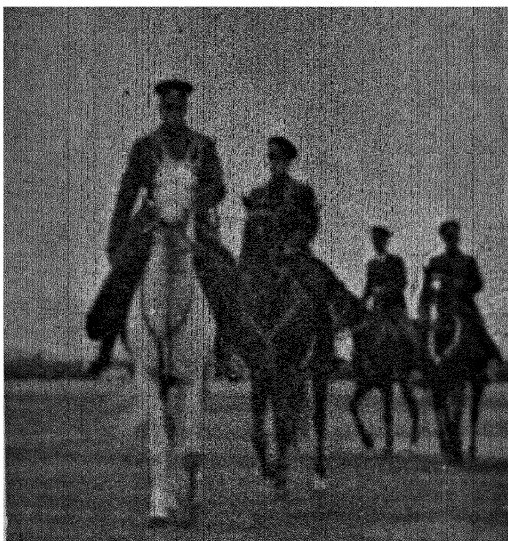
فرما شدند وپس از چند لحظه عازم مراجعت گردیدند .

درجاوی درب بزرگ ایستگاه رؤسای وزارت‌طرق ومهندسین ساختمان راه آهن و مدیران کامپساکس‌حاضر بودند .

آقاي وزیر هیئت رئیسه وزارت طرق را حضور مبارك ملوکانه معرفی و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نسبت بهریك ابراز تفقد و مرحمت و رضایت فرمودند سپس مهندسین عالی مقام ساختمان راه آهن و مدیران کامپساکس حضور مبارکشان معرفی شدند .

اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی آنهارانیز مشمول‌عنایات‌شاهانه‌قرار دادند وازحسن انجام وظیفه آنان نیزاظهارمسرت ورضایت‌فرمودند .

ساعت چهار و ربع بعد از ظهر موکب ملوکانه و والا حضرت ولایتعهد و والاحضرت شاپورها در میان کف زدنهای مسرت آمیز حضار وهلهله وشادمانی‌عمومی بقصرسلطنتی مراجعت فرمودند .



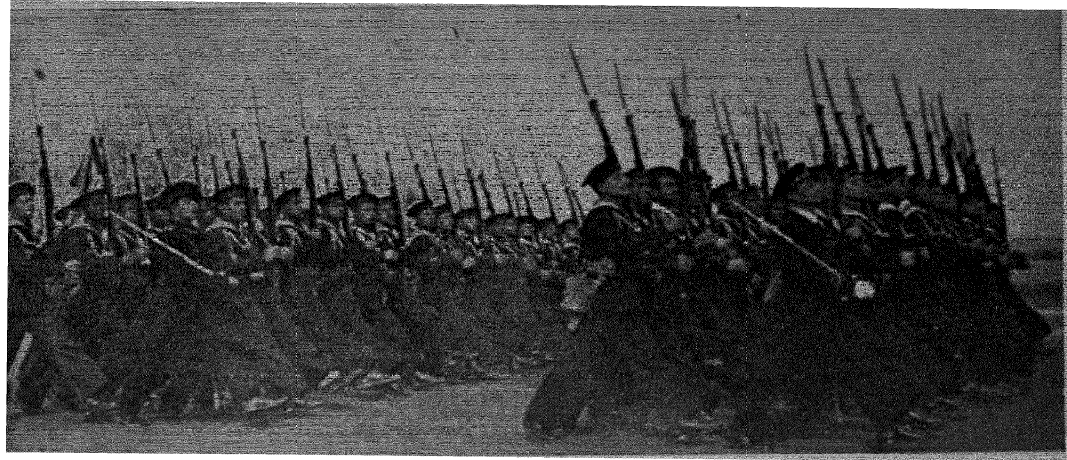
## شاهنشاه بخش‌های ارتش را سواره بازدید میفرمایند

در شمال میدان جلالیه افسران ارشد ارتش ـ دانش آموزان دبیرستانها ودانشکده‌ها ـ دختران وپسران پیشاهنگ، دستجات پیاده سوار ، توپخانه ـ زره‌پوشها و تانکها بترتیب برای زیارت شاهنشاه ایران صف آرائی کرده بودند

قریب‌دوساعت بعداز ظهر والاحضرت شاهپورها شاهپورعلیرضا شاهپور عبدالرضا ـ شاهپور حمید رضا ـ شاهپور غلامرضا ـ شاهپور محمود رضا وسپس والا حضرت همایون ولایتعهدتشریف فرماشدند ودرانتظار مقدم مبارك پدرتاجدار خود توقف‌فرمودند ، دربن‌هنگام موکب مسعود ملوکانه از دور نمایان گشت و نوای مهیج سلام شاهنشاهی بلندشد، اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی سواره برای سان ارتش حرکت فرمودند و والاحضرت‌همایون ولایتعهد نیزدر رکاب



مبارك همایونی بودند، دراینوقت صدای هورای سپاه وهلهلهٔ محصلین و پیشاهنگان غریو نشاط انگیزی برپا کرده و میدان جلالیه را از انعکاس وطنین خودعظمت وابهت بی‌پایانی بخشیده بود ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون ولایتعهد از برابر صفوف منظم و دستجات مجهز ارتش عبور فرمودند و بجایگاه مخصوص سلطنتی تشریف فرما شدند و بلافاصله رژه شروع شد ـ بدوا قریب هشت‌هزارنفر دوشیزگان وپسران پیشاهنگ



ومحصلین دبیرستانها و دانشکده‌ها بترتیب از پیشگاه مبارك ملوکانه گذشتندوسپس رژهٔ دستجات پیاده ونیروی دریائی ودستجات مختلفه ارتش شاهنشاهی شروع گردید، قسمتی از نیروی هوائی‌نیز درین هنگام میدان‌جلالیه رازیر شهپر خود گرفته با نظم و ترتیب جالب‌توجهی ازپیشگاه‌جلال شاهنشاهی میگذشتند.

رژهٔ مهیج‌وتماشائی‌ارتش نیرومند شاهنشاهی (پادگان مرکز) یکسره تاساعت پنج بعد ازظهر ادامه داشت



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت همایون
ولایتعهد و والاحضرت شاهپورها
هنگام مراجعت از جلالیه

# جشن سالیانه ورزش بافتخار مولود مسعود والاحضرت همایون ولایتعهد

عصر روزدوشنبه سوم ابان درورزشگاه شماره یك جشن بزرگی بشرکت طبقات جوان و دانش آموزان و دختران و پسران پیشاهنگ بافتخار مولود مسعود **والاحضرت همایون ولایتعهد** منعقد شد - هیئت دولت و نمایندگان و رجال و اعیان و افسران ارشد ارتش وجمع کثیری ازمحترمین دربن‌جشن حضور یافته‌بودند

سه ساعت بعد از ظهر والا حضرت شاهپور ها تشریف فرما شده در انتظار موکب مسعود والاحضرت همایونی توقف فرمودند هیئت دولت و افسران ارشد ارتش‌نیز شرفیاب و منتظر بودند

پس‌از چندلحظه والاحضرت‌همایون ولایتعهد بالباس پیشاهنگی تشریف‌فرما شده در جایگاه مخصوص توقف فرمودند- والاحضرت شاهپورها وهیئت دولت نیزشرفیاب شدند ، دربنموقع آقای سمیعی رئیس دربار شاهنشاهی و رئیس انجمن پیشاهنگی و آقای وزیر معارف که بلباس پیشاهنگی ملبس بودند برنامهٔ جشن‌را به پیشگاه همایونی تقدیم داشتند وجناب آقای سمیعی خیر مقدم عرض کردند سپس موزیك پیشاهنگی مراسم رژه را اعلام داشت

بدواً دوشیزگان و پسران پیشاهنگ با صفوف منظم و جالب توجه‌خود ازپیشگاه والاحضرت همایونی عبور کرده سپس ورزش کاران دیگر که هردسته بلباس مخصوصی‌ملبس‌بودند عبور کردند و پس از ورزش اجتماعی عده کثیری از نو آموزان که بسیار جالب توجه بود مسابقه های مختلف بین دبیرستانها شروع شدوچهار ساعت بعد از ظهر خاتمه یافت

دربنموقع‌جناب آقای‌وزیرمعارف گزارش‌سالیانهٔ‌ورزش‌را بشرح صفحهٔ مقابل‌بعرض پیشگاه‌والاحضرت همایونی رساندند :



بمناسبت این جشن فیروز و روز مسعود از پیشگاه مبارك اجازه میخواهد گزارش مسابقه‌های ورزشی را بطور خلاصه بعرض برساند .

مسابقه‌های ورزشی مطابق اصول جدید از چهارده سال قبل شروع گردید ولی مسابقه‌های منظم ابتدا درسالهای ۱۳۰۳و۱۳۰۴ حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از طرف وزارت جنك شروع شد برای ترویج شنا وفوتبال انجمنهائی تاسیس گردید که خدمات ذی قیمت نمودند وانجمن ترویج ورزش نیز درسال ۱۳۰۱ مسابقه های شنا وفوتبال ایجاد نمود .

از سال ۱۳۱۳ مسابقه های بیشتر ومنظم تری بین دبیرستانها ودانشکده‌ها معمول گشت .

آقای وزیر معارف هنگام عرض گزارش

درسال ۱۳۱٤ مسابقه فوتبال بین دانشکده ها ومسابقه فوتبال و والیبال ودو وپرش میان دبیرستانها برقرار شد

سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱٦ در تاریخ ورزش ایران اهمیت شایانی دارد



والاحضرت همایون ولایتعهد در یکی از مسابقه ها

وآن شرکت والا حضرت همایون ولایتعهد در مسابقه دانشکده ها وشرکت والا حضرت شاهپور درمسابقه دبیرستانهاست .

بااین اقدام عملا مشهودشد که وجود مبارك والاحضرت همایونی تاچه درجه بورزش و هنرهای پهلوانی علاقمند هستند بهمین جهت درطهران و ولایات شوق وعشق فوق العاده دراین قسمت بین طبقه جوان کشور بظهور رسید اینك مرور نتیجه کوششهای سال گذشته را ملاحظه میفرمایندا کنون آمار مربوط بهمسابقه‌های ورزشی سال گذشته را به عرض میرساند :

عده ورزشکارانی که از دانشکده‌ها درمسابقه‌های رسمی شرکت جسته اند ۲٤۱ نفر

عـده ورزشکارانی که ازبزرگسالان دبیرستانها در مسابقه های رسمی شرکت نموده اند ٤۷۱ نفر

عده ورزشکارانی که‌ازخردسالان‌دبیرستانهادر مسابقه‌ها ی‌رسمی شرکت کرده اند ۵۰۲ نفر



والاحضرت همایون ولایتعهد و والاحضرت شاهپورها هنگام اعطاء جوائز

# از کشورهای دیگر در سال ۱۹۳۷

**اسپانی** ـ در سال ۱۹۳۷ با آنکه حوادث گوناگون سیاسی درجهان بوقوع پیوست و حتی در خارج از اروپا خصوصا درخاور دور وقایعی روی داد که مدتی مدید توجه همهٔ محافل سیاسی و دولتهای بزرك اروپا را بخود معطوف داشت ـ باز میتوان گفت تقریبا یگانه باقی‌ماندهٔ حوادث سال ۱۹۳۶ یعنی جنك اسپانی بطور کلی درجهٔ اول را در وقایع سال ۱۹۳۷ حائز بود .

سال ۱۹۳۶ را جنگ اسپانی با پیشرفت کلی شورشیان به پایان رسانید و در آنموقع تقریبا نیمی ازاسپانیا در دست شورشیان فرانکو بود واین شورش که در ژوئیه ۱۹۳۶ بدست ژنرال‌فرانکو بوقوع پیوسته بود تسلط خودرا بر بیشتر اسپانیا محرزمیکرد .

البته درپایان سال گذشته ونخستین روزهای سال۱۹۳۷ چنانکه گزارش سال پیش حکایت‌میکند جمهوریخواهان پیشرفتهائی کرده و موفقیت هائی حاصل داشتند ولی بطور کلی باز دست شورشیان

---

جامهای فیروزی که‌درنتیجه‌مسابقه‌های مزبورامسال‌اعطامیشود :

| | |
|---|---|
| برای دانشکده‌ها | ۵ |
| برای بزرگسالان دبیرستانها | ۶ |
| برای خردسالان دبیرستانها | ۵ |
| برای دسته های ورزشی آزاد | ۱ |
| عده مدالهائی که اعطاء میشود | ۱۴۳ |

این بود خلاصه ونتیجه مسابقه های ورزشی سال تحصیلی گذشته

وزارتمعارف و انجمن تربیت بدنی و پیشاهنگی امیدوار هستند که‌تحت‌توجهات‌عالیه‌والاحضرت همایونی در سال تحصیلی جدید پیشرفتهای‌نمایان ومحسوسی حاصل‌شود ودانش‌آموزان وجوانان کشورثابت کنند که‌درسایه توجهات اعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی قومی زنده وبرومند می باشند .

قوی تر و پیشرفت آنها مهمتر بود بطوریکه امروز میتوان گفت سه پنجم تمامی خاك اسپانیا در تصرف شورشیان است یعنی تمامی سواحل اسپانیا باستثنای قسمت محدودی از سواحل مدیترانه که از آلمریا تا مرز فرانسه ممتد است بوسیله شورشیان بازرسی میشود .

بطور کلی نتیجه تمامی جنك اسپانیارا که تقریبا مدت هیجده ماه از آن میگذرد میتوان درچند سطر ذیل خلاصه کرد ؛

بر اثر این جنگها از تمامی خاك اسپانی فقط در حدود دو پنجم یعنی دو بخش بزرك درتحت تصرف حکومت جمهوریخواه ونیروی سرخ باقی مانده است یکی از این دو قسمت کاتالونی است ویکی دیگر اراضی وسیعی است که بین مادرید و والانس و آلمریا واقع شده است ، این دو بخش بزرك را یك قطعه زمین خیلی وسیع بهم متصل میکند که از «تروئل» تا مدیترانه امتداد دارد .

این دو بخش شامل دومرکز بزرك سیاسی سوق‌الجیشی نیروی سرخ یعنی والانس وبارسلن است که والانس راحکومت جمهوری خواه پس از محاصره و مخاطرهٔ مادرید مرکز و حکومت نشین قرار داده و زارتخانه و ادارات مرکزی را بدانجا منتقل کرده و بارسلن مرکزحکومت کاتالونی‌است که یك‌نوع اتحادی با حکومت والانس دارد .

. چنانکه میدانیم مبدأ شورش اسپانی و مرکز سوق الجیشی شورشیان در مراکش بوده و چون شورش آغاز یافت شورشیان درحملات نخستین تمامی استان « اندلس » را متصرف شدند و یك دستهٔ دیگر از شورشیان در شمال کشور بحملات پرداختند و پی در پی شهر های « ناوار » و « ارآگون » و کاستیل قدیم را به تصرف در آوردند و از طرف دیگر در سمت مغرب شهر کالیس نیز بانها پیوست ، سپس شورشیان کمال جدیت را بخرج دادند که این دو قسمت را بیکدیگر متصل ساخته و پیروزی های خود سروصورتی بدهند بدین جهت حملاتی شروع کرده باتصرف

« باداجوز » این منظور را تامین نموده وبعد برای آنکه نیروی سرخ از سواحل اقیانوس اطلس رانده و نیز حمله از طرف شرق بغرب میسر شود در همان ماه های نخستین شهر ایرون را باجنگی سخت و بزرگ و فتحی درخشان و « سن سباستین » را با حملاتی شدید متصرف شدند و در جبههٔ شمال موقع و وضع خوبی بدست آوردند ·

در آن اوقات بود که حوادث تولد و ( طلیطله ) و محاصرهٔ مهم القصر ( الکازار ) پیش آمد و توجه بدان قسمت نیروی ژنرال فرانکو را از ادامهٔ پیشرفت درجبههٔ شمال باز داشت زیرادر القصر عدهٔ زیادی از جوانان شجاع و افسران دانشکدهٔ افسری محصور مانده با شجاعت عجیب و فدا کاری و استقامت بیمانندی با نیروی سرخ برابری میکردند، البته این قسمت برای ژنرال فرانکو گران تمام شد ولی نیروی او توانست با موفقیت رو بشهر تولدو آورده محصورین را نجات داده وشهر معروف و تاریخی مذکور را متصرف شود .

در آن موقع احتمال کلی میرفت که فتح « تولدو » آخرین ضربت را بنیروی جمهوری خواهان وارد آورده باشد و از این پس فتح مادرید و یکسره کردن کار اسپانی جمهوریخواه آسان شود · باین جهت نیروی شورشیان متوجه مادرید گردید ، در مراحل نخستین خوب پیشرفت کرد و خیلی زود بحدود مادرید رسید ولی درآنجا خودرا با مقاومت سخت مواجه دید ، تیپ بین - المللی را که دران اوان سر و صورتی بخود گرفته بود در سرراه خود دید و کمک های نیروی سرخ و ایستادگی دلیرانه و حملات نیروی جمهوری خواه را سد راه موفقیت خود یافت و بزودی پی برد که در تصور خود کاملا براه اشتباه رفته است

ازین موقع وضع جنگ اسپانیا دگرگون شد وبر همه معلوم گردید که کار این جنگ باین زودیها پایان نخواهد یافت زیرا

نیروی سرخ مادرید را خوب نگهداشت و تا امروز هم مادرید به خوبی مقاومت کرده است .

در آغاز سال ۱۹۳۷ بیشتر حملات شورشیان متوجه مادرید بود و درین اثنا بارسلن را نیز بمباران کردند . بطور کلی ماه اول سال مذکور مثل این بود که جمهوری خواهان جان تازئی گرفته اند زیرا غالبا غلبه با آنها بود تا آنکه در ماه فوریه شورشیان بر فعالیت خود دو چندان افزودند و مخصوصا بیشتر مساعی خودرا متوجه جنوب ساختند و بتصرف « مالاکا » همت گماشتند و این در همان موقع بود که جمهوریخواهان نیز درطرف شمال ابراز فعالیت و پیشرفت هائی کردند که حاصل آن محاصره « اویدو » بود .

شهر مالاکا درهشتم فوریه پس ازوارد آمدن تلفات زیاد بطرفین سقوط کرد و بتصرف شورشیان درآمد ودر همان اوقات شورشیان برشدت حملات خود بمادرید افزودند ، مادرید بسختی وشاید سخت تر ازموقع محاصره تحت فشار شورشیان قرار گرفت ، بسیاری ازمحافل درآنموقع احتمال میدادند وبلکه یقین داشتند که کار مادرید خاتمه یافته است ولی ژنرال « میاجا » فرمانده نیروی جمهوریخواهان درهمان موقع با کمال خونسردی اظهار میداشت « من چندان تشویشی ازین فشار ندارم وحتی اگر شورشیان همه خطوط ارتباطیهٔ مادرید را باهمه جاقطع کنند جادهٔ مشرق باز وآزاد خواهد بود ومامغلوب نخواهیم شد »

روزهای بعد بازشورشیان دست قویتر داشتند حتی روابط تلفونی مادرید با بسیاری نقاط ازجمله لندن نیز قطع شد معهذا چنانکه بزودی خواهیم دید پیشگوئی ژنرال میاجا درین مورد کاملا درست در آمد همچنانکه پیشگوئی دلیرانهٔ کلنل آراندا درمورد « اویدو » درست بود .

کلنل آراندا که اکنون ژنرال است هنگامی که نیروی جمهوریخواهان

درنیمه دوم فوریه حملات فاتحا نه خود را به « اویدو » شدت داد و در ۲۴ آن ماه شهر مذکور را متصرف شد با نیروی خود مدافع اویدو بود ودر همان گیرودار در تلگراف خود بژنرال کیودولانو فرمانده شورشیان نوشته بود « من زخم بر داشته ام و پسر بزرگم کشته شد، دو پسر دیگرم سخت مجروح هستند ولی اویدو هرگز مغلوب نخواهد شد . . . » چنانکه بالاخره تسلط جمهوریخواهان بر اویدو موقتی بود وارانداً با موفقیت درین قسمت نام خودرا در ردیف فاتحین ثبت کرد .

در ماه مارس ۱۹۳۷ حمله شورشیان بر مادرید باز بیش از پیش شدت یافت جنگهای سخت و خونینی دراین قسمت روی داد داوطلبان خارجی هم درین جنك واردشده سخت کوشیدند وبالاخره رقم عدم موفقیت این حملات در گوادالاخارا ثبت شد زیرا در آن جبهه جمهوریخواهان فتح نمایانی کردند ودر همان جنك وفتح بود که عدهٔ بیشماری ایتالیائی بقتل رسید وسروصدای بسیار درمحافل سیاسی عالم براه افتاد

ازین پس دیگر حملات سختی بمادرید بعمل نیامد ومادرید آرام وثابت قدم بر جای ماند پس از مارس تقریبا جنك مهمی در اسپانی بوقوع نپیوست وزدو خوردها وحوادث مختلفه حتی وقایعی از قبیل حمله بکشتی آلمانی وبمباران موحش المریا توسط کشتی دویچلاند درمقابل جنگهای پیشین بقدری کوچك وبی تاثیر بود که باید گفت مدت ششماه تقریبا متارکه در جنك روی داده بود

در ماههای آخر سال مجددا جنك اسپانی جوش وخروش بسیاری بخود گرفت شورشیان تقریبا تمامی فعالیت خود را در جبهه شمال تمرکز دادند ، حملات سخت وانتظام کامل آنها در امورسوق الجیشی پی درپی بیلبائو وسانتاندر وخیخون را بدست آنها افکند همه جبهه های فرعی جبههٔ شمال منحصر بیك جبهه شد ودر آن یك جبهه هم در پیرامون خیخون آخرین مدافعین استوری از پیروان جمهوریخواهان که در کوهستان پناهنده و محصور بودند تسلیم

شدند و در اوائل ماه آخر سال جبهه شمال نیز از میان رفته تمامی سواحل شمال اسپانی بدست ملیون افتاد وفقط یك جبهه باقی ماند که از مرز فرانسه تا مدیترانه در جنوب امتداد دارد .

اما در ماه آخر جمهوریخواهان درقسمت تروئل که هم در آغاز این قسمت تذکر دادیم از لحاظ ارتباط و سوق الجیشی دارای اهمیت بسیاری است و والانس را به کاتالونی مرتبط میسازد حملات سخت کرده بر نیروی شورشیان غالب آمدند ، شهر را بر اثر فتح بزرگی متصرف شدند ، فقط یك عده از ساخلو شهر در بعضی از ساختمانها محبوس ماندند و عدهٔ مذکور بقدری استقامت کردند که نیروی کمکی شورشیان تحت فرماندهی ژنرال آراندا فاتح اویدو و چند ژنرال و افسران دیگر به تروئل رسیدند ، حملاتی سخت وخونین کردند، چندین حمله و مقاومت جمهوریخواهان را در هم شکستند . در یك جنك خیلی موحش . در پشت دروازه و درون شهر کشتهٔ بیشمار دادند تا ارتباطی باپادگان ( ساخلو ) محصور بر قرار ساختند ولی عمر این فیروزی دوام نیافت باز جمهوریخواهان حمله کردند . باز موفق شدند . شورشیان را که با وجود سرمای ۱۲ درجه زیر صفر میجنگیدند مغلوب کردند و بالاخره در تعقیب همراهی و موافقت جالب توجهی که در مورد تخلیه شهر با مردم غیر نظامی و زنان و کودکان و بیماران کردند و در تعقیب تسلیم سرهنك فرمانده پادگان محصور وتمام آنها و تسلیم چند سرهنك و فرمانده دیگر شهر تروئل بتصرف جمهوریخواهان در آمد و ماه ژانویه با این فتح بر آنها نمودار شد ولی البته جنك درین قسمت مثل زدوخوردهای کوچك و بزرك پیرامون مادرید در آغاز سال جدید ۱۹۳۸ ادامه داشت .

فعلا ژنرال فرانکو در نظر دارد در صورتیکه بتواند از هنگامهٔ تروئل موفق بیرون آید بزودی در پیرامون مادرید برای پایان دادن بمقاومت پانزده ماههٔ آن و تسخیر شهر مذکور نیروی

خودرا تمرکز دهد و یا آنکه قسمت جنوبی جبال پیرنه را کاملا تسخیر کند و مانع ارتباط فرانسه وقوای سرخ شود وموفقیت خود را ازین راه تامین کند .

در گیر و دار این احوال کمیتهٔ عدم مداخله درامور اسپانی که در سال گذشته درلندن تشکیل شده بود بیکار نماند کمیسیونهای فرعی آن با همه موانعی که پیش میامد بکار های خود ادامه میداد ومیکوشید که دولتهای دیگر در امور اسپانی مداخله نکرده داو طلبان خود را احضار کنند و دو طرف جنگ را در اسپانیا بحال خود گذارند چه همهٔ محافل مطلع و دقیق مطمئن بودند که اگر دیگران مداخله نکنند کار جنگ اسپانی و این جدال خونین زود خاتمه خواهدیافت وصلح در آنجا بزودی ظهور خواهد کرد .

روز چهارم نوامبر ۱۹۳۷ کمیته در اقدامات خود به نتیجهٔ مهمی رسید باین معنی که دولت های عضو کمیته باتفاق آراء در خصوص احضار داو طلبان خارجی موافقت و تصویب کردند که دو کمیسیون مامور بازرسی وضع داو طلبان خارجی در خاك شورشیان وخاك جمهوری خواهان اسپانیا شده و باز رسی سواحل که پس ازوقایع ساحلی ماههای پیش و کناره گیری ایتالیا و آلمان از بازرسی معلق مانده بود دوباره برقرار شود ونیز رئیس کمیته ازطرف کمیته مامورشد که باحکومت سالامانك یعنی حکومت شورشیان و حکومت والانس ( جمهوری خواهان ) وارد مذاکره شود شاید بتواند موافقتی بین آنها بوجود آورد

البته در پیرامون حوادث اسپانی وقایع مختلف زیاد است که اگر بخواهیم بطوراشارهاز آنهاسخنی بمیان آوریم مطلب خیلی طولانی خواهد شد ولی در آن میانه بیك نکتهٔ دیگر نیز میپردازیم که تا حدی جالب توجه است و در آیندهٔ اسپانی مؤثر تواند بود و آن اینست که دولت انگلیس چند نفر نماینده تجارتی مامور خاك شورشیان کرده است که آنرا میتوان مقدمهٔ شناسائی عملی حکومت

شورشیان ازطرف انگلیس دانست . فرانسه نیز که درسال ۱۹۳۷ اتحادی بیش از پیش محکم و قوی با انگلستان داشته وبا او درهمهٔ امور مهم سیاسی تشریك مساعی و همکاری دارد در برقرارساختن روابط تجارتی واقتصادی باشورشیان از پیروی انگلیس سرباز نزده است

ازطرف دیگر گذشته از آلمان و ایتالیا و ژاپون که حکومت شورشیان را برسمیت شناختند بعضی دولتهای دیگر اروپائی و غیر اروپائی نیز در پایان سال در صدد شناختن حکومت مذکور بوده اند تا وقایع سال جاری باین صحنهٔ بزرك چه صورتی بدهد و کار اسپانیا پس از این مدت جنگ بکجا بیانجامد .

**چین و ژاپن** - داستان چین و ژاپون که جنگ خونین بین آن دو در اثنای سال ۱۹۳۷ در ماه ژوئیه در گرفت داستان تازه ئی نیست ، سالیان دراز است که بین این دو کشور کشمکش ها و زدو خورد هائی بوقوع می پیوندد منتها درتمامی این گیر و دار ها ژاپن قویتر و چین ضعیفتر بوده است زیرا قرنهاست که ژاپن در راه ترقی و تکامل افتاده و خودرا همدوش بزرگترین کشور های عالم ساخته ولی چین ، آن سرزمین وسیع و عجیب و مملو از اختلاف پیوسته بعهد قدیم نزدیکتر از عهد جدید بوده و ازاین گذشته کمتروحدتی در آن وجود داشته چنانکه در هر ناحیهٔ آن فرمان روایان مستقلی حکومت میکنند و هر گوشهٔ آن را سرداری بدست دارد.

البته از قرنها پیش ژاپن داعیهٔ کشور گشائی داشته و چنانکه تاریخ آن نشان میدهد مکرر نیروی ژاپن باده ها و بلکه صد ها هزار نفر بچین حمله میکرده است ولی در این نوبت میتوان گفت که فکر و روح کشور گشائی موجب جنگ چین و ژاپن نشده ، احتیاجات اجتماعی و اقتصادی ازقبیل زیادی نفوس و نداشتن خاك کافی برای سکونت آنها و دسترس نداشتن بمواد خام و موادلولیه

و نداشتن وسایل تهیهٔ آن در داخله کشور و بیم در خطر افتادن منافع ژاپن در چین موجب آن شده است.

چند سال پیش ژاپن منچوری را از چین منتزع کرد و دولت مستقلی تحت نظارت خود تشکیل داد ولی این اقدام منافع اورا کاملا تامین نمیکرد و پیوسته برای تامین منافع و مصالح اقتصادی خود لازم میدانست که از اراضی شمالی چین بهتر بتواند استفاده کند

در دو سه سال اخیر ژاپون جدیت داشت که بوسائلی غیر ازجنگ و فتح و غلبه بتامین منافع مذکور موفق شود ولی چندین سبب که اوضاع داخلی چین و نفوذ بین الملل سوم در ردیف اول آن بود مانع پیشرفت این منظور گردید.

درماه های اول سال پیش بود که «اریتا» وزیر خارجهٔ سابق ژاپن هنگامی که نطق مبسوط خود را در تفسیر عهد نامه ضد کمونیست آلمان و ژاپن ایراد میکرد در ضمن آن اظهار داشت «در آسیای شرقی کمینترن (بین الملل سوم) در نهایت شدت شروع بداخل کردن چین در آئین اشتراکی نموده وسعی میکند مناسبات چین و ژاپن را بوسیله عملیات یك جبههٔ تودهٔ ضد ژاپونی اخلال کند در منچوکوئو و در خود ژاپن اثرات توسعه عملیات و تبلیغات اشتراکی ظاهر شده و در مقابل این اقدامات ماهرانه و مجدانه بین الملل سوم دولت ما مجبور شد سیاست داخلی کافی تر و وسائل دفاع شدید تری برای حفظ مرام ملی و ابقای ثبات در آسیای شرقی اتخاذ کند» همین سیاست وهمین وسایل بزودی منجر بوقایع چین شمالی گردید.

بطور کلی چین شمالی در سال ۱۹۳۷ از ماه های اول سال پیش از پیش مغشوش بوده و پیوسته حوادث مختلفی که گاه با ژاپن و گاه با منچوکوئو گاه با مغول و گاه با شوروی تماس داشته در آنجا بوقوع می پیوست و ضمنا بدست احزاب و محافل مخالف در نقاط مذکور و حتی در نقاط دیگر چین تحریکات ضد

ژاپونی بعمل میامد تا آنجا که ژاپون کاملا بر مراقبت و توجه
خود افزود و در اوایل اوریل (سرجیاما) وزیر جنگ ژاپون
سرتیپ ها وفرماندهان لشکررا جمع آورده راجع باهمیت مسئلهٔ چین
و تیرگی روابط روس و ژاپون (که چندی بعد منجر بحوادث
سرحدی روس و منچوکو و ورود کشتی های شوروی و تصرف
بعضی از جزائر ژاپن و اقدامات مجدانه ژاپن و بالاخره تخلیه انها
درماه ژوئیه گردید) با آنها مذاکراتی بعمل آورده و از اینکه
ملت ژاپن ازاوضاع کنونی بخوبی آگاه نیست اظهار تأسف کرده
اشعار داشت « نقشهٔ دفاع ژاپن باید کشور را برای مقابله باوضعیت
وخیم کنونی آماده کند و با تکثیر تسلیحات خود ومنچوکوئودر
شرق اقصی درتسلیحات موازنه ئی بوجود آورد »
بنا بر این ژاپن خودرا کاملاً مهیا ساخته و با گوش وچشم باز
مواظب کوچکترین جریانات چین بود ، از طرف دیگر در نواحی
شمالی چین اغتشاشات و هرج ومرج های داخلی وتحریکات مختلفه
موجب آن میشد که حوادثی بوقوع بپوندد چنانکه در اواخر آوریل
در « دایرن » از نقاط سرحدی چین و ژاپن دو کشتی بزرك ماهی
گیری ژاپونی را یك کشتی چینی مورد شلیك قرارداده خسارات و
تلفاتی وارد ساخت و موجب اعتراض ژاپن بر چین شد ویك ماه بعد
پس از چندین حادثهٔ کوچك دیگر یك کشتی ژاپونی ٥٧٦ تن
ظرفیت را درساحل پرت‌ارتورما مورین دریائی چین توقیف کردند
و در اراضی سرحدی زدوخورد های مختلفی بعمل آمد تا بالاخره
این وقایع وموضوعی که ذیلا بان اشاره میشود موجب شدت‌اختلاف
و اشتعال نایرهٔ جنگ شد .

یك علت عمدهٔ بروز اختلافات شدید این بود که ژاپنی هامعمولا
بموجب ماده نهم یاد داشت متحدین مورخه سال ۱۹۰۰ اجازه
داشتند توسط پادگان خود همه ساله در جنوب پکن نمایشات و
مانور هائی بدهند درین سال هم مانور های بزرك ارتشی خود را

بعمل آوردند ولی چینی ها پنداشتند که نیروی ژاپون باین وسیله «لو کوچیائو» را مورد حمله قرارداده است

بنا بر این پادگان چین متوقف اوانك پینك فوراً با عملیات ژاپونیها مقابله کرده بزد و خورد و حملات متقابله پرداختند

البته این سوء تفاهمی بیش نبود و بفاصله اندك مدتی مرتفع و جنك متارکه شد و براثر مذاکراتی مقرر گردید که نیروی هردو کشور تامسافت‌معینی ازحدود پکن دور باشندولی‌این‌رفع سوء‌تفاهم واین قرار غائله را برطرف نساخت بلکه دربخشهای دور و نزدیك حوادث و مخاصماتی پی‌درپی صورت گرفت و بیش از پیش برخشم زمامداران ژاپون وتیرگی مناسبات دولتین ووخامت اوضاع شمال چین افزود

ضمنا مذاکراتی هم بین طرفین جریان یافت و یادداشتهائی هم مبادله شد ولی هر دو کشور بر سر حرفهای خود باقی ماندند ، و چون این‌حرفها بجائی‌نرسید زمامداران ژاپون معتقد شدند که این مطالب و اقداماتی که گفته میشد از طرف نیروی چین بعمل آمده است ناشی ازیك مبارزه نیرومند ضد ژاپونی است و ژاپن حق دارد و بلکه موظف است که منافع خودرا حفظ کند

عمل حفظ منافع موجب آن شد که رفته رفته اینجا وانجا جنك و زد و خورد شروع شود گاه با موافقتی متارکه روی میداد ولی بالاخره در ماه ژوئیه دولت تانکن تصمیم گرفت که اگر وقایع و زد و خورد های مهمی در شمال چین روی دهد جداً برعلیه ژاپن وارد جنگ شود و ازطرف دیگر در همان تاریخ ژاپونی ها معتقد شدند که چین شرایط متارکه های پیشین را نقض کرده و از لحاظ عدم اعتماد به چین بتمام قنسولهای خود مقیم چین دستورهای لازمه‌رااصادر کردو بلافاصله آتش‌جنك‌سخت‌درحوالی پکن‌شعله ورشد

بعد از دهۀ اول ماه ژوئیه جنگ درگرفت و تا نوزدهم ماه مذکور بمحاصره پکن پیوسته سرایت و پیشرفت آن بسرعت

«تین تسن» وشهر های کوچك دیگر را گرفته وازماه اوت به بعد محاصرهٔ شانگهای و حوادثی که در آن بوقوع پیوست و وقایعی که موجب اعتراض دولتهای مختلف خصوصا انگلیس و امریکا گردید پیش آمد و در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر در فاصله مدت کمی شانگهای و نانکن سقوط کرد و از آن پس نقشهٔ ژاپن حرکت ازشمال بجنوب و پیوستن جبههٔ جنوب بجبههٔ شانگهای بود

ناگفته نماند که دولتهای اروپائی در این مورد بیکار نماندند در تعقیب پیمان نه دولتی که تمامیت چین را سابقا تضمین کرده بود بموجب مقررات همان پیمان اقدام بتشکیل انجمنی مرکب از نه دولت امضاء کننده قرار های مذکور و دولتهای دیگر بعمل آمد مخصوصا کشور امریکا که ادامه بیطرفی را صلاح خود نمیدید در تشکیل این کنفرانس پیشقدم شد، همچنین انگلیس و فرانسه جدیت کامل درراه آن مبذول داشتند و کنفرانس مذکور در ۱۵ نوامبر بدون آنکه ژاپن در آن وارد شود دربرو کسل تشکیل شد. مذاکرات مفصلی بعمل آمد . نطقهای بلیغی ایراد شد ، بالاخره حاصلی از آن برای جلوگیری از جنگ بدست نیامد و حتی چندی بعدسر گرمی دول اروپائی بمسائل اوروپا موجب آن شد که یك چند قضایای خاور دور بدون توجه و دخالت دولت های اروپائی ادامه یابد

دربن اثنا ژاپون اقدام بتشکیل یك حکومت موقتی برای شمال چین، در شهر پکن کرده و آن را برسمیت شناخت و حکومت مرکزی چین و زمامداری مارشال چیان کای شك را فاقد تاثیر و رسمیت شمرده بتقویت حکومت موقتی مذکور پرداخت که آن حکومت نفوذ خود را تا شانگهای هم بسط داد و نیز در پایان سال گفت و شنود هائی برای مذاکره صلح و میانجیگری آلمان و دیگران بین ژاپون و مارشال کای شك بعمل آمد ولی مارشال مذکور و میهن پرستان چینی همچنانکه در آغاز جنگ نیز گفته

بودند پیوسته این کلام را بر زبان داشتند که با هیچ پیشنهاد متار که و صلحی که بتمامیت و استقلال خاك چین لطمه وارد آورد موافقت نخواهند کرد

بطور کلی دولت ژاپن پس از آنکه حکومت موقتی چین تشکیل یافت منظور ومقصود خودرا بدین گونه معرفی کرد که استقلال و تمامیت چین را محترم خواهد شمرد و می خواهد چین و منچو کوئو و ژاپون، سه دولت کاملا متحد باشند و در همه جا همکاری و تشریك مساعی کامل داشته باشند - یك نکته دیگر که باید بدان اشاره شود اینست که چینی ها درین جنگ اخیر و برای دفاع از میهن خود دارای وحدتی شده اند که شاید نظیر و مانند آنرا در تمامی تاریخ چین نتوان یافت و در سایهٔ همین وحدت مقاومتی سخت و دلیرانه و حیرت انگیز میکنند که کاملا موجب نگرانی ژاپونیها شده است و بعلاوه با رویهٔ جنگ غافلگیر وحملات ناگهانی بادیه نشینان و اهالی بومی نقاط مختلف خسارتهای مهم بنیروی ژاپن وارد میسازند ولی ژاپن با همهٔ این احوال و با آنکه نگرانی بسیار از داخلهٔ کشور و تزلزل امور اقتصادی ومالی خود دارد بجنك ادامه داده وتصمیم گرفته‌است بازهم تا اوضاع بدینگونه باقی است ادامه دهد

تا پایان سال گذشته و آغاز سال جدید ۱۹۳۸ نیروی ژاپن بر بسیاری ازنقاط چین تسلط داشت وسواحل چین باستثنای قسمتی ازسواحل جنوبی بطور کلی درمحاصرهٔ نیروی‌ژاپن قرار گرفته‌بود .

**پایان کار حبشه** - قضیه حبشه‌چنانکه‌در گزارش‌سال پیش‌نگاشتیم درین سال یك قضیهٔ‌خاتمه یافته محسوب میشد وما فقط ازلحاظ اینکه پایان کاران نا گفته نماند وقایع بعدی را باجمال ذکر میکنیم ؛

پس‌از آنکه تصرف حبشه بمرحلهٔ قطعی‌رسید ومارشال گرازیانی بنیابت سلطنت در آنجا تعیین شد و کار سلطنت نجاشی خاتمه یافت و ایتالیائی‌ها بکار عمران حبشه پرداختند باز هم در بعضی نواحی

مختلف آن وقایعی روی میداد و طغیانهای کوچکی از طرف بومیان ظاهر میشد که نیروی ایتالیا آنها را هم منهزم یا مطیع میساخت در بیستم ژانویه حرکت دستجات ایتالیائی را توسط مارشال گرازیانی مرحلهٔ قطعی عملیات نظامی باید شمرد ، این مارشال چهار ستون ایتالیائی که بالغ بر بیست هزار نفر بود مامور سرکوبی راس استا کرد ، راس استا در آنموقع باده هزار نفر در قسمت شرقی ناحیهٔ مارگریت ظهور کرده بود

البته نمیتوان گفت که تمامی خاك حبشه در دست ایتالیاست و بدست ایتالیائیها اداره میشود ، بلکه هنوز هم در بعضی قسمتهای دور دست کوهستانی آن ایتالیا نفوذ قطعی نیافته ولی مسلم است که آن قسمتها نیز امن خواهد شد .

یکی از وقایع مهم حبشه از آن پس سوء قصد بمارشال گرازیانی نایب السلطنه در موقعی بود که مشار الیه بمناسبت تولد شاهزاده‌ئی از خاندان سلطنت در ایتالیا باحضور جمعیت زیادی از محترمین بین فقرا و مساکین هدایائی تقسیم میکرد در آنموقع بومیان فرصت یافته نارنجکی پرتاب کردند و نایب السلطنه مجروح شد و متعاقب آن اغتشاشی بوقوع پیوست که با اقدامات شدیده و اعدام یك عده متهمین غائله رفع شد ولی همین جراحت و بعلاوه هوای ناساز گار حبشه صحت مزاج نایب السلطنه‌را مختل ساخت و ناچار منجر بکناره گیری او وانتصاب دوك داوست بنیابت سلطنت حبشه گردید ، تا ماههای آخر سال نیز گاه گاه وقایعی در حبشه روی داد که حتی نیروی ایتالیا مجبور از تخلیه بعضی نقاط شد ولی بطورکلی کار حبشه خاتمه یافته و بعضی دول دیگر نیز الحاق آن را بایتالیا برسمیت شناختند .

**فلسطین** ـ یکی از قضایای مهم سال ۱۹۳۷ قضیه فلسطین و مخالفت اعراب و یهود ومداخلات واقدامات انگلیس است که خلاصهٔ مفیدی از آن ذیلا نگاشته میشود :

صرف نظر از حوادث دیرین فلسطین ومخالفت بین یهود واعراب

که بسالهای پیش مربوط است ازهنگامی که اقدامات ضد سامی در بعضی کشورها شروع شده وعدهٔزیادی از یهودیان فلسطین مهاجرت کردند تزاحمی در آنجا ایجاد شده اعراب بمخالفت بر خاستند زدوخوردها واغتشاشاتی بین اعراب ویهود بوقوع پیوست اعتصابهائی در نقاط مختلفهٔ آن سرزمین در گرفت وجریاناتی پیش آمد که رفته رفته در ماههای اول سال وخامتی باوضاع فلسطین بخشید و سر و صدائی براه انداخت که در لندن منعکس شده تاثیر بسیار بخشید و درماه مارس یك کمیسیون مخصوص سلطنتی بفلسطین اعزام شد تا بازرسیها و بازجوئی های دقیقی بعمل آورد و گزارش خودرا بضمیمه نقشهٔ اصلاح امور آنجا پیشنهاد کند ضمنا چون حوادث آنجا بیش از پیش رو بوخامت میرفت نیروئی بانجا اعزام ودراوائل ژوئن یك کشتی جنگی نیز بحیفا روانه شد وزدو خوردهائی در فلسطین روی داد که گاه بین اعراب و یهود و گاه بطرفیت پاسبانان انگلیسی بود

کمیسیون مخصوص سلطنتی در فلسطین بازرسی های کامل کرده ضمن گزارش خودطرحی راجع به تقسیم فلسطین بین اعراب و یهود تقدیم داشت که مورد توجه و تصویب قرار گرفت ولی این تقسیم از طرف اعراب که قسمت کوچکتر بانها تعلق میگرفت مورد موافقت ورضایت قرار نگرفت و دربعضی محافل انگلیسی نیز مورد اعتراض شدتا آنجا که اواخر سپتامبر « ادن » وزیرخارجه انگلستان درین خصوص نطق مبسوطی در مجلس انگلیس ایراد کرده موضوع تقسیم فلسطین را شرح داد ضمنا پیشنهاد کرد که هیئت مخصوصی هم برای رسیدگی های دقیقتر روانهٔ فلسطین گردد

اما مخالفت اعراب نسبت باین قسمت رفته‌رفته بوخامت انجامیده در روز های آخر ماه سپتامبر آندروز « کمیسر انگلیس درجلیله» وماك اواند رئیس انگلیسی شهربانی فلسطین بدست اعراب بقتل رسید و کشتارها وحوادث خونین دیگری پی در پی وقوع یافت بطوری

که دولت قیم ( انگلیس ) تصمیم گرفت باین حوادث خاتمه دهد و سپس دولت انگلیس اعلامیه مفصلی در تمامی فلسطین انتشار داد و ضمن آن اشعار داشت که بر حسب اختیارات حکمران کل فلسطین و بموجب مقررات مصوبه شورای دفاع فلسطین در سال ۱۹۳۷ کمیتهٔ عالی عرب و تمام کمیته های فلسطین جزو تشکیلات غیر قانونی اعلام وحکم توقیف جمعی از روسای بزرگ تشکیلات مذکور و تبعید آنها صادر میشود و آن عده عبارت بودند ازجمال افندی ـ الحسینی ـ احمد حامی پاشا ـ فؤاد افندی صبحا ـ یعقوب افندی حسینی دکتر حسین فکری افندی الخالدی که همه از پیشوایان بزرگ عرب بودند ونیز حاج امین افندی الحسینی مفتی اعظم ازریاست شورای عالی عرب و ریاست کمیته کل اوقاف منفصل و مورد تعقیب قرار گرفت و گفتند که مشارالیه علاوه بر تحریکات مستقیم در اوضاع اخیر تصرفاتی دراموال وقف کرده است ونیز رئیس حزب عرب ومنشی کمیته عالی اعراب و شهردار اورشلیم ورئیس تشکیلات جوانان اعراب منفصل و درین میانه یك عده دستگیر شدند ، جمال افندی الحسینی فرار کرد ومفتی اعظم درمسجدعمر متحصن گردید ، نیروی انگلیس مسجد را محاصره کرد واورا تحت مراقبت گرفت ولی مفتی روز ۱۵ اکتبر بالباس مبدل موفق بفرارشد وازانجا یکسره به بیروت رفت و ناپدید گردید و پس از یك چند بلا تکلیفی دولت فرانسه باشرط اینکه اقدامات سیاسی نکند بوی اجازه داد که در لبنان بماند ولی مفتی پیش از آن اعلامیه‌ای در فلسطین منتشر کرده بود که بموجب آن همه اعراب دعوت بمبارزه برعلیه تعدیات وارده میشدند ، درین اوقات درنقاط مختلفه فلسطین گذشته از حوادث و اغتشاشات مختلفه بین اعراب و نیروی انگلیس زدوخورد هائی هم که صورت جنگ داشت بوقوع پیوست وسال ۱۹۳۷ درآنجا باین ترتیب بپایان رسید .

**آلمان** - دولت آلمان درسال ۱۹۳۷ مکرر با اقداماتی توجه تمامی ملل دنیا را بخود معطوف ساخت که در میان آنها از همه

مهم تر باید اولا تحکیم روابط و اتحاد کامل اورا با ایتالیا (در مقابل اتحاد وتشریك مساعی کامل فرانسه وانکلیس) و ثانیا دعاوی مستعمراتی او شمرد.

بهبودی روابط ایتالیا وآلمان که از سالهای پیش شروع شده بود درین سال به اوج ترقی خود رسید علاوه بر تشریك مساعی و هم فکری و همکاری در مورد قضایای اسپانیا ومطالب مربوطه که قسمتی را درمورد کنفرانس مدیترانه اشاره خواهیم کرد در مسائل بین المللی ومسائل داخلی خودنیز همفکر وهمقدم بودند

نطقهای پیشوای ایتالیا و نطق هیتلر در کنگره نورمبرك این وحدت نظر را کاملا فاش وثابت ساخت و سپس مسافرت موسولینی بالمان در ۲۵ سپتامبر وتوقف چند روزه او در آنجا و مذاکرات باپیشوای آلمان آخرین وبالاترین مرحلهٔ تحکیم روابط دو کشور بود ، این مسافرت و ملاقات بطوریکه گفته شد چند نتیجه بخشید که عبارت بود از برسمیت شناختن امپراطوری ایتالیا در حبشه - همکاری ایتالیا وآلمان برعلیه اقدامات و عملیات بین الملل سوم - برسمیت‌شناختن حکومت شورشیان‌اسپانی - موافقت‌ایتالیا بااسترداد مستعمرات آلمان - ادامهٔ عدم مداخلهٔ در جنگ اسپانی و نداشتن قصد تصرف هیچ قسمت از خاك اسپانی از طرف هر دو دولت — تشریك مساعی دو کشور درکلیه مسائل سیاسی بین المللی خصوصا مسائل مربوط بحوزهٔ دانوب و موضوع اتریش و بطورکلی تشریك مساعی معنوی دو کشور

البته هریك ازاین مسائل درماههای بعد اثراتی بخشید وبمرحلهٔ عمل رسید ، آلمان پادشاه ایتالیارا امپراطور ایتالیا وحبشه خطاب کرد . دولت ایتالیا در پیمان ضد کمونیزم که در سال ۱۹۳۶ بین آلمان وژاپون برعلیه بین‌الملل سوم و تبلیغات باشویسم منعقد شده‌بود شرکت جست و پیمان سه‌طرفه درماه دسامبر بامضا رسیدو چندی پس از آن ایتالیا مثل آلمان رسما جامعهٔ ملل را ترك گفت

هر دو کشور حکومت شورشیان اسپانی را به رسمیت شناخته سفیر و نماینده بخاك شورشیان فرستادند و درین اثنا آلمان دعاوی مستعمراتی خودرا که از مدتی پیش گفت و شنودی راجع بان داشت پیش کشیده سخنهائی‌را که از آغازسال ۱۹۳۷ شروع شده بود قوت داده ودرتعقیب اشاره موسولینی درنطق خود باینکه باید مستعمرات آلمان مسترد شود فن ریبن تروپ رسما از طرف آلمان در لندن مسئلهٔ دعاوی مستعمراتی آلمان را طرح کرد و سپس لرد هالیفاکس از انگلستان ببرلن مسافرت کرد اگرچه نتیجه این مسافرت مخفی ماند ولی مسلما قسمت عمدهٔ آن بمسئله مستعمرات مربوط بودوبعد بازهم‌مسافرتهای شوتان‌ودلبوس‌رئیس‌الوزراء ووزیر خارجه‌فرانسه بانگلستان ومسافرت دلبوس از آنجا بطرف اروپای مرکزی و عبور از آلمان و مذاکره بافن نورات وزیرخارجه آلمان تماسی باین‌قضیه داشت ولی بطورکلی باید گفت که آلمان درین‌سال حاصلی ازین‌دعاوی واقدامات‌خودنگرفت‌وشاید باین زودی هم موفق‌نشود زیرا انگلستان بحث درین مسئله‌را زود دانسته ومعتقد است که این مطلب بایدباجلب نظر تمام‌دول‌رسیدگی شود چه اینکه بسیاری از دولتها حاضر نمیشوند دست ازمستعمرات کنونی خود بردارندو آنهارا باین‌عنوان که پیش‌ازجنگ بین‌المللی بالمان تعلق داشته است باو بازپس دهند

ضرری ندارد که در پایان همین قسمت اشاره کنیم که مسافرت دلبوس وزیر خارجه فرانسه درماه اخیر باروپای مرکزی وپیمودن خط سیری که اگر روی نقشهٔ جغرافیا کشیده شود کاملا خطی‌دائره مانند در پیرامون المان تشکیل میدهد ومذکراتی که بازمامداران ووزرای کشورهای‌لهستان، یوگواسلاوی، رومانی،چکواسلواکی وغیره بعمل‌آورد تاثیری مهم‌هم درسیاست اروپا وهم در نظریات ونقشه‌های سیاسی آلمان داشت ولی‌البته نمایان شدن این‌تاثیرات ازمسائلی است که درماه‌ها وبلکه‌سالهای بعد صورت خواهد گرفت

**انجمن نیون** ـ در سال ۱۹۳۷ چندین کنفرانس و انجمن بین چند دولت تشکیل گردید که هر یك منظوری اقتصادی یا اجتماعی یاسیاسی‌را تعقیب کرده نتایجی نیز کما بیش دادند ولی از این میان دو انجمن نسبت بدیگران اهمیت بسیار داشت یعنی یکی بلحاظ جلب توجه همه دنیا اهمیت داشت و آن کنفرانس نه دولت یا کنفرانس بروکسل بود که برای رسیدگی بقاضایـای چین تشکیل یافت وما شرح آن وبی نتیجه ماندن آنرا درقسمت وقایع چین وژاپن نگاشتیم ودیگری که شاید ازلحاظ بین المللی وروابط بین دولتهای بزرك اهمیت‌خاصی داشت کنفرانس‌نیون یا کنفرانس دولتهای مجاوردریای مدیترانه‌بود،این کنفرانس درتعقیب حوادثی که درگیر و دار جنك اسپانیا در دریای مدیترانه روی داده و امنیت کشتیهای تجارتی و غیر تجارتی بعضی دول را تهدید میکرد

بر اثر اقدام وابتکار انگلیس و فرانسه ومذاکرات وتصمیمات قبلی و دعوت آنها تشکیل یافت و منظور آن چنانکه دلبوس وزیر خارجه‌فرانسه‌ضمن‌نطقی گفته‌بود : تقویت‌مبانی‌حقوق‌بین‌المللی‌راجع بکشتی رانی در مدیترانه بود و البته خوانندگـان میدانند که این کشتی رانی و امنیت آن از لحاظ اروپائی چقدر اهمیت دارد و راهزنی هائی کـه در دریای مدیترانـه روی داده و این امنیت را متزلزل میساخت چقدرزیان بخش‌وخطرناك بود ،مذاکرات فرانسه و انگـلیس دربن خصوص از اواخر اوت و اوایل سپتامبر ۱۹۳۷ شروع شد و ازآغاز دو دولت مذکور دو نکته را در نظر داشتند یکی اینکه آیا ممکن است بجریان حوادث واقعه دردریای مدیترانه که کارهای کمیته عدم مداخله درجنك اسپانی را بی نتیجه گذارده وامنیت مدیترانه را متزلزل‌میساخت خاتمه داد ودیگر آنکه هنگامی کـه وقوع حوادث اخیر در مدیترانه و سواحل اسپانی اصول عدم مداخله در اسپانی را منهدم سازد فرانسه و انگلیس چه رویه رابابد اتخاذ وتعقیب کـنند .

بالاخره شب پنجم سپتامبر درمقدمات کنفرانس موافقت بین فرانسه وانگلیس حاصل ودعوتنامه برای ایتالیا ، شوروی ، آلمان ، رومانی چکواسلوا کی ، آلبانی ، بلغارستا ن ، مصر و تر کیه ارسال و از آلمان هم بمناسبت شر کت درامر بازرسی بین المللی دعوت شده دولتهای مجاور دریای سیاه هم بمناسبت ذینفع بودن درمسئله عبور از مدیترانه بشر کت درین انجمن دعوت شدند .

درتعقیب‌ارسا ل دعوتنامه یونان ،مصر، رما نی،تر کیه، بلغارستان اتحاد جماهیرشوروی دعوت را پذیرفتند . اما ایتالیا نپذیرفت زیرا درهمان اوقات بود که دولت شوروی یادداشت شدیداللحنی بایتالیا فرستاده و برضد حملاتی که در دریای مدیترانه به کشتی های او وارد آمده بود سخت اعتراض کرد و زیر دریا ئی های ایتالیا را به ارتکاب این حملات متهم ساخت و ایتالیا در جواب آن یادداشت اتهامات را وارد ندانست و شوروی باز آنرا تایید کرد و خسارت و جبران طلبید و ایتالیا که از آغاز هم قصد شر کت در کنفرانس نداشت باین بهانه متوسل شد کـه شوروی باین وسیله میخواهـد مانع ازحضورایتالیا در کنفرانس ومانع ازحصول موفقیت کنفرانس شود و باین جهت ایتالیا حاضر بشر کت در کنفرانس نیست

آلمان نیز همینطور پاسخ داد یعنی هردو پاسخ خودرا با جلب نظر و توافق یکدیگر تنظیم کردند .

چون چنین شد برحسب پیشنهاد هائی که داده شد مقرر گردید کنفرانس بدون توجـه باین رد دعوتها تشکیـل شود و همین طور هم عمل شد ؛ روز دهم سپتامبر اولین جلسه کنفرانس در « نیون » که شهر کوچکی‌درشمال مارسی میباشد تشکیل یافت و پس از نطقها و گفت و شنودها و مذاکرات پیمانی تهیه شد وروز ۱۲ سپتامبر بامضاء رسید که خلاصه مفاد پیمان بشرح ذیل بود :

در مقدمهٔ پیمان قید شده بود که امضا کنندگان آن بدولت جمهوریخواه اسپانیا یا شورشیان عنوان متخاصم اطلاق نمیکنندو

کشتی های طرفین حق ندارند در وسط دریا رفت و آمد کرده کشتی ها را مورد بازرسی قرار دهند ولو آنکه طبق مقررات جنگ دریائـی رفتار کنند و خلاصهٔ مقررات قرار داد عبارت بود از : هر کشور تامین امر بازرسی در آبهای ساحلی خویش را عهده دار خواهد شد . امضا کنندگان قرار داد متعهد میشوند در تمام قسمت های دریای مدیترانه امر بازرسی را تامین کنند . هر زیر دریائی که طبق قواعد مشروحه در اعلامیه منتشره از لندن درسال ۱۹۳۶ رفتار نکند راهزن دریائی محسوب خواهد شد . هر زیر دریائی که یکی از کشتی های تجارتی را مورد حمله قرار دهـد بوسیله کشتی جنگی دولتی کـه کشتی تجارتی متعلق بان میباشد غرق خواهد شد ولو آنکه زیر دریائی مزبور طبق قواعد انسانیت مشروحه در اعلامیه ۱۹۳۶ لندن رفتار کرده باشد - امر نظارت مخصوصا از طرف ناوگان فرانسه و انگـلیس عملی خواهد شد و برای اجرای این امر دولتین رزم ناو و ناو شکن بکار خواهند برد این قرار داد ضمیمه ئی نیز داشته و طبق آن راه هائی کـه باید کشتی ها از آن عبور کنند و ازحمایت بین المللی استعانت جویند تعیین گردید سپس قرار گذاشتند که مفاد قرارداد بایتالیا نیز اعلام و در خواست همکاری ازوی شود ایتالیا درجواب این اعلام اظهار

# تشکیلات دربار شاهنشاهی

۱۵۰۱
۱۲ر۱۰ر۱۶

جناب آقای حسین سمیعی رئیس دربار شاهنشاهی
« « نظام قراگزلو رئیس تشریفات سلطنتی
آقای جهانگیر مراد رئیس باغات سلطنتی
« سر گرد کاوسی رئیس دائره شکاربانی
« یوسف شکرائی رئیس دفتر دربار شاهنشاهی
« امیر دولو رئیس دائرهٔ چادر خانه
« توفیقی رئیس سرایدار خانه
« ابو الفتح اتابای رئیس گاراژ و اصطبل

## دفتر مخصوص شاهنشاهی

جناب آقای حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی
آقای رحیم هیراد رئیس رمز دفتر مخصوص شاهنشاهی

## پیشکاری ولایتعهد

جناب آقای دکتر مؤدب نفیسی پیشکار ولایتعهد
آقای علی ایزدی متصدی دفتر

## اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

آقای حسن سهیلی رئیس اداره حسابداری دربار شاهنشاهی
« حسین شیبانی رئیس دائره املاک شاهنشاهی
« نور الدین (فتح اعظم) رئیس دائره حسابداری
« عبدالله نعیما رئیس دفتر اداره حسابداری

---

داشت که به بازرسی در قسمت محدود دریای « تیرنین » که در ضمیمه قرارداد ذکر شده رضایت ندارد و تساوی می خواهد .
بعداً فرانسه و انگلیس ازایتالیا رسما دعوت کردند که در بازرسی دریای مدیترانه شرکت کند .

البته این کنفرانس چنانکه در آغاز گفتیم نتایج مطلوبی بخشید ودر تعقیب همین کنفرانس ونتایج حاصله از آن بود که یکچند اسپانی یعنی هردوطرف جنگجوی آن خودرا تقریبا تنها یافتند !.



جناب آقای محمود جم رئیس الوزرا

## تشکیلات دفتر ریاست وزرا

۱۴۱۹۱
۱۶ر۱۰ر۲۵

جناب آقای یحیی دیبا معاون ریاست وزراء

آقای ابراهیم دادمرز رئیس دفتر ریاست وزراء

آقای عبدالحمید ملك الکلامی - آقای محیی الدین صفا حائری - آقای برومند - آقای فتح الله معیری - آقای غلامحسین حامد - آقای علی روحانی - آقای ابوالقاسم قلمزن - آقای سید رضا نصر - آقای تقی قوام زاده - آقای شکرالله حجازی - آقای احمد منصف تهرانی - آقای ابوالقاسم هدایت - آقای شمس الدین وکیلی - آقای صمد هوشیار

# تشکیلات وزارت معارف

۱۱۱۱۷
۱۶ر۱۰ر۲۲



(تشکیلات مرکزی وزارت معارف عبارتست از :
حوزه وزارتی - مدیریت کل ادارات حسابداری - اوقاف تعلیمات مرکز و امتحانات کارگزینی - تعلیمات عالیه بازرسی - دفتر وزارتی - تربیت بدنی و پیشاهنگی - تعلیمات ولایات - دبیرخانه شورای معارف - باستان شناسی تعلیمات اکابر - موسسه مردم شناسی انطباعات ودائرهٔ آمار )

جناب آقای حکمت وزیر معارف

جناب آقای دکتر ولی‌الله نصر مدیر کل وزارت معارف
آقای محمد برزین رئیس اداره حسابداری
« ابوالقاسم فیوضات « « کل اوقاف
« ابراهیم شمس آوری « « تعلیمات مرکز وامتحانات
« حسن فرزان « « کارگزینی
« دکتر مهدی وکیل « « تعلیمات عالیه ودبیرخانه دانشگاه تهران
« محمد یزدانفر کفیل اداره بازرسی
« حسین فرهودی رئیس اداره دفتر وزارتی
« توماس گیبسن « « تربیت بدنی وپیشاهنگی
« مهدی ایرانی « « تعلیمات ولایات
« حبیب‌الله مظفری « « دبیرخانه شورای عالی معارف

# تشکیلات وزارت خارجه

۴۳۷۴۲
۳۲۳۳

جناب آقای مصطفی عدل معاون کل جناب آقای محسن رئیس مدیر کل امور سیاسی جناب آقای موسی نوری اسفندیاری مدیر کل امور اداری ـ آقای جعفر پاکنظر رئیس دفتر وزارتی ـ آقای ابوالحسن بهنام مدیر شعبه رمز وعضو مقدم اداره دفتر وزارتی آقای عبد الحسین انصاری رئیس تشریفات ـ آقای مسعود معاضد رئیس اداره امور قنسولی ـ آقای محمود صلاحی رئیس کارگزینی ومحاکمات اداری ـ آقای مهدی فروبار عضو مقدم



جناب آقای سمیعی وزیر خارجه

آقای حسین کی استوان بازرس وزارتی ـ آقای علی معتمدی رئیس اداره یکم سیاسی ـ آقای رضا صفی نیا عضو مقدم ـ آقای دکتر حسین قدیمی مدیر دائره جامعه ملل ـ آقای عبد الصمد علی آبادی

---

| | |
|---|---|
| آقای دکتر فرهمندی | رئیس اداره باستان شناسی |
| « اسدالله فخیم | کفیل اداره تعلیمات اکابر |
| « پرفسور هاز | رئیس مؤسسه مردم شناسی |
| « عبدالله رهنما | کفیل اداره کل انطباعات |
| « فتحعلی خواجه نوریان | رئیس دایره آمار |

مدیر دفتر محرمانه - آقای حسین پاشا نوائی رئیس بایگانی آقای حسن زندی عضو مقدم اداره دوم سیاسی ـ آقای محمدحسین نجم عضو مقدم اداره مستشاری - آقای حسین زنجانی عضو مقدم اداره سوم سیاسی - آقای سیف الدین بهمن مدیر دائره تنظیمات آقای عبد الحسین صدیق اسفندیاری مدیر دائره اقتصادیات ـ آقای عبد الرحیم ارفع مدیر دایره گذرنامه - آقای حسن کریمی مدیر دائره ثبت احوال - آقای غلامعلی صمصامی مدیر دایره احوال شخصیه ـ آقای غلامعلی اردلان عضو مقدم اداره اطلاعات

## نمایندگان و مأمورین دولت شاهنشاهی درخارجه

سفیر کبیر شاهنشاهی در کابل جناب آقای علی اکبر بهمن
« « « در آنکارا « « خلیل فهیمی
« « « در مسکو « « انوشیروان سپهبدی
وزیر مختار شاهنشاهی درلندن « « علی سهیلی
« « « در برلن « « نادر آراسته
« « « در رم « « محمد ساعد مراغه
« « « در بروکسل « « تقی نبوی
« « « در بالکان « « محمد علی مقدم
« « « در استکهلم « « اسد بهادر
« « « در بغداد « « مظفر اعلم
« « « در ورشو « « حمید سیاح
« « « در قاهره « « جواد سینکی
نماینده دائمی « درجامعه ملل (ژنو) « « عبدالله بهرامی

## دبیرستانها ودانشسراهای شهرستانها که در سال ۱۳۱۶ ساختمان آنها بپایان رسیده ورسما افتتاح شده است .

۱ ـ دبیرستان فردوسی بندر پهلوی ۲ ـ دبیرستان خسروی خوی
۳ ـ دبیرستان سعدی اصفهان ٤ ـ دانشسرای دختران کرمان

ضمنا برای دانشسرای پسران مشهد عمارت جدیدی خریداری شده وساختمان سالن دانشسرای دختران تبریز هم در سال جاری بپایان رسیده است .

| | | |
|---|---|---|
| مستشار سفارت شاهنشاهی | در توکیو | آقای علیمحمد شیبانی |
| شارژدافر | « در برن | « نصرالله انتظام |
| مستشار و شارژدافر | « در پاریس | « ضیاء الدین قریب |
| ژنرال قنسول شاهنشاهی | در استانبول | « عباسقلی قریب |
| « « | « در بیروت | « عبدالرحیم میر فندرسکی |
| « « | « در تفلیس | « جلال الدین کیهان |
| « « | « در بادکوبه | « حسن پیرنظر |
| « « | « در هندوستان | « غلامرضا نورزاد |
| متصدی ژنرال قونسونگری | در هامبورگ | « ابوالقاسم پورولی |
| « « | « در هرات | « محسن شاهرخی |
| « « | « در عشق آباد | « ابوالقاسم اعتصامی |
| قنسول شاهنشاهی | در بمبئی | « علی اصغر کیوانی |
| « | « در کراچی | « باقر فهیمی |
| « | « در چخانسور | « مهدی اعتصام |
| « | « در بغداد | « زین العابدین خاکسار |
| « | « در کربلا و نجف | « غلامحسین رسته |
| « | « در سلیمانیه | « رحمت الله معتمدی |
| « | « در خانقین | « محمود ارفع منفرد |
| « | « در ازمیر | « اسمعیل مجدی |

**تعلیمات اکابر** - در سال تحصیلی جاری علاوه بر تاسیس ۱۷۰۰ کلاس اکابر ۲۱ باب دبیرستان شبانه نیز برای تکمیل تحصیلات کسانی که موفق بادامه تحصیلات خود نشده اند در نقاط مختلف کشور تشکیل گردیده و بعلاوه از اول مهرماه برای تعقیب تحصیلات کسانی که دارای گواهینامه شش ساله ابتدائی نیستند اقدام بتاسیس ۱۱۸ کلاس پنجم و ششم ابتدائی شده دراین کلاسها درآخر آبان ۱۳۱۶ - ۲۳۰۵ نفر شاگرد از طبقات مختلف تحت تعلیمات ۱۵۹ آموزگار در مرکز و کلیه حوزه‌های معارفی مشغول تحصیل میباشند.

| | |
|---|---|
| » » در فلسطین | » هاشم مکرم نورزاد |
| » » در نخجوان و ایروان | » عبدالله ممتاز |
| » » در باطوم | » فریدون رادمیر |
| » » در بصره | » محمد فهیمی |
| » » در طرابوزان | » محسن وافی |
| ویس‌قنسول‌شاهنشاهی‌در دمشق | » محسن اتابکی |
| » » » در کویته | » عباس رفعت |

## سفرا و وزراء مختار خارجه در تهران

| | |
|---|---|
| سفیر کبیر ترکیه | S. Exc. M. Mehmet Enis Aka gen |
| سفیر کبیر شوروی | S. Exc. M. Alexei Tchernikh |
| سفیر کبیر افغانستان | S. Exc. Sardar Ahmad Ali Khan |
| وزیر مختار لهستان | S. Exc. M. Stanislas Hempel |
| وزیر مختار نروژ | S. Exc. M. le Dr Andreas Tos.rup Urbye |
| وزیر مختار لیتوانی | S. Exc. M. Jurgis Baltrusaitis |
| وزیر مختار دانمارك | S. Exc. M. Ove Engell |
| وزیر مختار فنلاند | S. Exc. M. le Baron Aarno Yrjo-Koskinen |
| وزیر مختار اتریش | S. Exc. M. Charles Buchberger |
| وزیر مختار عراق | S. Exc. M. Khalid Suleyman |
| وزیر مختار آلمان | S. Exc. M. le Dr. Hans Smend |
| وزیر مختار هلند | S. Exc. M. P. A. van Buttingha Wichers |
| وزیر مختار رمانی | S. Exc. M. Grégoire Constantinesco |
| وزیر مختار مصر | S. Exc. M. Abdol Rahman Azzam Bey |
| وزیر مختار سوئد | S. Exc. M. Hugo Von Heidenstam |
| وزیر مختار انگلیس | S. Exc. M. Horace James Seymour |
| وزیر مختار بلژیك | S. Exc. M Egbert Graeffe |
| وزیر مختار فرانسه | S. Exc. M. Albert Bodard |
| وزیر مختار ایتالیا | S. Exc. M. Luigl Petrucci |
| وزیر مختار ژاپون | S. Exc. M. Shoichi Nakayama |

# تشکیلات وزارت عدلیه

۲۱۸۹۰
۱٦۱۰ر۱٦۱۰ر۱٦

جناب آقای محمد سروری
معاون وزارت عدلیه

## دفاتر اختصاصی

آقای محمود بهرامی رئیس کل دفتر وزارتی - آقای تقی بهنام رئیس دارالانشاء آقای محمد مجلسی رئیس بازرسی کل کشور و دفتر محرمانه - آقای داود دبیرنیا رئیس دفتر کل بازرسی و تشکیلات و کلاء

## اداره امور قضائی

آقای جواد عامری مدیر کل امور قضائی - آقای محمد علی بوذری رئیس اداره نظارت - آقای حبیب‌الله



جناب آقای متین دفتری وزیر عدلیه

آموزگار رئیس قسمت رویه قضائی - آقای حسین معینی رئیس بازرسی آقای کریم رستگار رئیس دفتر شکایات - آقای عزیز الله سلجوقی رئیس دبیرخانه - آقای جمال الدین اخوی رئیس اداره حقوقی آقای غلامحسین وثیقی رئیس مشاورهٔ حقوقی - آقای علی سیاسی رئیس اداره فنی - آقای دکتر جلال عبده معاون و رئیس مطبوعات و کتابخانه و رئیس پارکه وکلاء

## اداره کل امور اداری

آقای کاظم مظاهر مدیر کل امور اداری

آقای باقر شریفی رئیس اداره بازرسی امور ادارات ـ آقای محمود مقومی رئیس اداره حسابداری ـ آقای محمدمهریار رئیس اداره کارگزینی

## دیوانعالی تمیز

جناب آقای نصرالله تقوی رئیس

آقای شفیع جهانشاهی رئیس شعبه دوم ـ آقای حسن فلسفی رئیس شعبه سوم ـ آقای محمد قمی فاطمی رئیس شعبه چهارم آقای عبدالحسین صدری رئیس شعبه پنجم ـ آقای صادق بروجردی شگرف ـ آقای حسین رضوی مستشاران شعبه ( ۱ ) آقای محمود دفتری مستشار شعبه (۲) آقای محمدعلی بامداد و آقای عبدالرحیم رهنما مستشاران شعبه ( ۳ ) آقای اسدالله ممقانی و آقای مرتضی نجم آبادی مستشاران شعبهٔ (٤) آقای محمد جوان و آقای حسن مشگان طبسی مستشاران شعبه ( ۵ ) آقای ابوالحسن حائری زاده و آقای علی هیئت و آقای دکتر جلال قاضی مستشار

**محکمهٔ انتظامی** ـ آقای محمد عبده رئیس

آقای عبدالمهدی طباطبائی و آقای مهدی آشتیانی عضو

**پارکه تمیز** ـ جناب آقای محمد رضا وجدانی مدعی العموم آقای محمدرضا ایروانی ـ آقای علی حائری شاه باغ ـ آقای ابوتراب مولوی ـ آقای دکتر محمود افشار ـ آقای احمد زنجانی و آقای دکتر حسن عظیما وکیل عمومی

**محکمه استیناف مرکز** ـ آقای عبدالعلی لطفی رئیس آقای غلامرضا گرگانی رئیس شعبه ( ۲ ) اقای علی اکبر موسوی زاده رئیس شعبه ( ۳ ) اقای احمد هدایتی رئیس شعبهٔ ( ٤ ) اقای حسین نقوی رئیس شعبه ( ۵ ) اقای باقر طلیعه رئیس شعبه ( ٦ ) آقای مرتضی قمی دادبان رئیس شعبه ( ۷ ) آقای مرتضی ویشکائی رئیس شعبه ( ۸ )

**پارکه استیناف مرکز** ـ آقای رضی عمید مدعی العموم استیناف

# تشکیلات وزارت طرق

## ۱ - حوزهٔ وزارتی

جناب آقای مجید آهی وزیر طرق
« « دکتر محمد سجادی معاون کل

## ۲ - ادارات مرکزی

آقای محسن مدحت رئیس اداره دفتر وزارتی
« مهندس عباس ورنوس کفیل مؤسسه راه آهن دولتی ایران
« « تیمور ملك اصلانی رئیس ادارهٔ باز رسی
« « جعفر افشار رئیس ادارهٔ کل طرق
« اسکندر پاسدار کفیل ادارهٔ حسابداری
« مهندس پرویز بهمن رئیس اداره نظارت ساختمان راه آهن
« نصرت‌الله دولتداد کفیل ادارهٔ بنادر
« محمود دره رئیس ادارهٔ کار گزینی
« پاسیار ۲ اشرفی کفیل ادارهٔ پاسبانی راه آهن

**دیوان جزا** - آقای ضیاء الدین کیا نوری رئیس - آقای کاظم شهیدی رئیس شعبه (۲) آقای یوسف جوادی مدعی‌العموم

**محاکم بدایت مرکز** - آقای احمد امامی رئیس - آقای حسن خشکبانی رئیس شعبهٔ (۲) - آقای احمد اشتهاردی رئیس شعبه (۳) - آقای امرالله‌سپهبدی مبصر رئیس‌شعبه (٤) - آقای دکتر حسن‌امامی رئیس شعبه (۵) - آقای مهدی وحدت رئیس‌شعبه (٦) آقای یحیی طباطبائی‌رئیس شعبه (۷) - آقای عمادالدین‌مطهری رئیس شعبه (۸) - آقای عبدالله معقول رئیس‌شعبه (۹) - آقای موسی گودرزی رئیس شعبه (۱۰)

**پارکه بدایت طهران** - آقای‌غلامعلی فرهت مدعی العموم آقای دکتر محمد حسین ادیب پزشك قانونی

**محکمه شرع** - آقای سید محمد رضا افجهٔ رئیس

**محاکم صلح** - آقای مرتضی سرمد رئیس

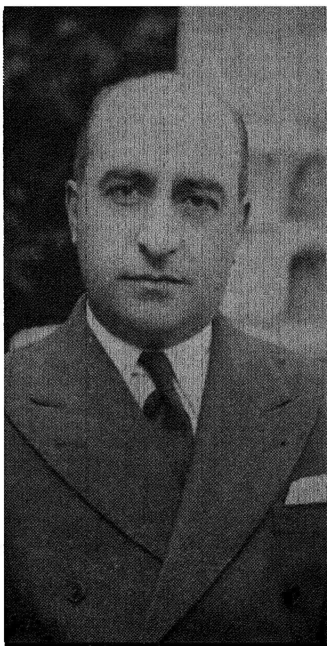
# تشکیلات وزارت مالیه

۴۷۴۹۷
۱۶/۱۰/۱۹

جناب آقای اللهیار صالح معاون
» » عباسقلی گلشائیان
مدیر کل ـ جناب آقای محمد
علی وارسته مدیر کل
آقای عبد الحسین بهنیا
رئیس اداره دفتر وزارتی
آقای حسن روستا کفیل
اداره کل بازرسی ـ آقای
دکتر مرتضی آزموده کفیل
اداره آمار و اطلاعات
آقای علی اکبر وثیقی کفیل
اداره حقوقی

## ۲ ـ خدمات اختصاصی وزارت مالیه

آقای منوچهر منوچهریان
رئیس اداره کارگزینی
آقای عبد الحمید حمیدی
رئیس اداره حسابداری



جناب آقای محمود بدر وزیر مالیه

آقای عبد العظیم فروغان رئیس اداره کارپردازی

## ۳ ـ ادارات وصول

| | |
|---|---|
| آقای دکتر علی امینی | کفیل اداره کل گمرک |
| « نصرالله جهانگیر | رئیس « نفت و امتیازات |
| « منوچهر نیک پی | « « مالیات غیر مستقیم |
| « غلامحسین فروهر | کفیل « مالیات بر درآمد |

آقای مصطفی قلی رام رئیس انحصار تریاك
« فضل الله صهبا « اداره درآمد معادن
« سید نورالدین استوان کفیل « خالصجات کل کشور
« دکتر تقی بهرامی رئیس « خالصجات خوار
« حبیب الله شیبانی « « خالصجات ورامین
« محمد نجم آبادی « « نظارت وصول درآمد

## ۴ - ادارات حسابداری کشوری

آقای شمس الدین سبکبار رئیس اداره خزانه داری کل
« موسی شیبانی « « بودجه
« عبدالله عون جزایری کفیل « حسابداری معوقه

## ۵ - ادارات قضائی

جناب آقای شمس الدین جلالی رئیس دیوان کل محاسبات
« « مصطفی کاظمی مدعی العموم دیوان محاسبات
آقای حسن ناصر رئیس دیوان محاکمات
« محمد رضا منصور مدعی العموم دیوان محاکمات

## ۶ - سایر خدمات عمومی کشوری

آقای لقمان نفیسی رئیس اداره تثبیت نرخ غله
« محمود نریمان کفیل کمیسیون ارز
« محمد علی گرکانی رئیس اداره تقاعد کشوری
« احمد هرمزد « اداره خرید جنس ارتش
« ابوالفتح اعتصامی « « صادرات و واردات
« سید منیرالدین احمدی « « تعویض املاك
« ابوالحسن آق‌اولی « « ضرابخانه
« اسدالله داودی « « وارسی و تعقیب قاچاق

## ۷ - بازرسهای دولت در بانکها

آقای عبدالحسین هژیر بازرس دولت در بانك ملی ایران
« دکتر تقی نصر « « در بانك فلاحتی وصنعتی ایران

# تشکیلات وزارت داخله

۱۷۷۵۱
۲۳ر۱۰ر۱۶

مدیر کل وزارتداخله ورئیس اداره کل مرکزی جناب آقای احمدفریدونی ـ کفیل اداره کل امور کشور آقای حسین نواب ـ کفیل اداره کل باز رسی ـ آقای فتح‌الله کلانتری رئیس اداره کل امور شهر داریها آقای مهندس غلامعلی میکده ـ رئیس اداره کار گزینی آقای فخر الدین وفا رئیس اداره دفتر وزارتی آقای محمد علی شکوه کفیل اداره حسابداری آقای علی اصغرمقدم ـ کفیل ادارهٔ عمران واسکان آقای محمد علی قوامیان ـ کفیل اداره تابعیت و آمار آقای دکتر محسن نصر ـ کفیل اداره‌سیاسی آقای دکتر فتح‌الله جلالی کفیل اداره تبلیغات آقای علی اصغر حجازی



جناب آقای فروهر وزیر داخله

روز ۳ شنبه پنجم بهمن آقای بهرامی شهردار طهران بریاست اداره کل آمار وثبت احوال وآقای سرتیپ هوشمند بجای ایشان به شهرداری تهران منصوب ومعرفی شدند ـ بدین جهة چاپ تشکیلات ادارات نامبرده بسالنامهٔ ۱۳۱۸ موکول میشود .

# تشکیلات وزارت تجارت

جناب آقای حسین علاء وزیر تجارت

» » صادق وثیقی معاون

آقای عبدالعزیز کلانتری رئیس اداره دفتر وزارتی - آقای ناصرقلی آقاخانی رئیس اداره بازرسی - آقای احمد ناصر رئیس دائره کارگزینی - آقای ابوالحسن ابتهاج رئیس اداره نظارت بر شرکتها - آقای احمد معزی رئیس اداره پروانه ورود - آقای هادی انصاری رئیس دبیرخانه پروانه ورود - آقای محمد رضا خرازی رئیس دائره درخواست و سهمیه - آقای عبدالله نصر رئیس دائره ثبت تصدیقات صدور - آقای هادی سیاح سپانلو رئیس اداره آمار عهود و اطلاعات تجارتی - آقای فرخ دین پارسای رئیس دائره نشریات و تبلیغات تجارتی - آقای تقی اعتصام رئیس اداره صادرات وواردات - آقای جلیل وافی رئیس دائره شوروی وتهاتر آقای اسدالله شاهین‌نوری رئیس اداره‌حسابداری - آقای ابوالقاسم صدر رئیس اداره سنگ و اندازه آقای علی اکبر بهپور رئیس دائره اطاقهای تجارت و ثبت تجار و علامات صنعتی و تجارتی

## مأمورین خارجه

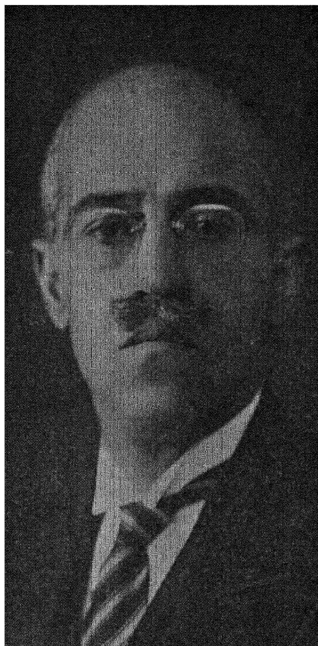
آقای علیمحمد اویسی نماینده تجارتی ایران درشرق (مرکز بمبئی)

آقای محمود عامری نماینده تجارتی ایران در امریکا

## مأمورین داخله

آقای عبدالله نجات نماینده در گمرک طهران- آقای حسن فاطمی نماینده در گمرک خرمشهر - آقای محسن نجم آبادی نماینده در گمرک مشهد - آقای اسدالله آزمون نماینده در گمرک زاهدان

# تشکیلات وزارت صناعت و معادن $\frac{۳۱۲۰۷}{۷۵۸۷}$



جناب آقای فرخ وزیر صناعت و معادن

جناب آقای محمد علی مجد معاون ـ آقای یحیی نجم آبادی مدیر کل اداره امور مرکزی ـ آقای دکتر محمد موتمن، دفتر ودار الترجمه - آقای نصر الله شیبانی باز رسی ـ آقای خسرو افخمی ، کار گزینی آقای یحیی نجم آبادی امتیازات و امور حقوقی ـ آقای دکتر ابوالقاسم شیخ تعلیمات

## اداره کارخانها

آقای منصور خمسی کار خانهای قند - آقای سعدالله درویش ، چغندر کاری ـ آقای نصر الله شریفی ، کارخانهای نساجی ـ آقای مهندس رضا شهیدی، کارخانهای سیمان ـ آقای عیسی یانس، رنگرزی فنی ـ آقای محمدحسین بیگلری، کارخانهای امور فلاحتی وشیمیائی ـ آقای مهدی عزیز بیکلو، صنایع ملی و آمار ـ آقای علیقلی سیاهی فنی و نظارت ساختمانها .

## اداره حسابداری

آقای مصطفی ناصر کفیل حسابداری صنایع و دانشکده و هنرستان

## تشکیلات وزارت پست و تلگراف ۱۵۵۹

۱۸ر۱۰ر۱۶

جناب آقای محمد حکیمی معاون وزارت پست و تلگراف
آقای حجازی رئیس اداره باز رسی ـ آقای محمود محمود رئیس اداره کار پردازی ـ آقای محمد ناصری رئیس اداره حسابداری ـ آقای حسن فرشید رئیس اداره دفتر وزارتی ــ آقای ابراهیم نجومی رئیس اداره آمار ــ آقای ونسان در استپانیان رئیس اداره مرکزی تلگراف آقای بشیر فرهمند رئیس اداره اطلاعات آقای محمد حسن پاکدامن رئیس اداره کارگزینی ـ آقای حسن حجازی رئیس اداره مرکزی پست ـ آقای دکتر داریوش رئیس اداره تلگراف بی سیم ـ آقای دکتر کورس رئیس اداره امور تلفن ـ آقای قاسم اشراقی رئیس اداره سیم کشی و تعمیرات ـ آقای اسمعیل نجومی رئیس اداره تلگراف تهران ـ آقای عیسی پارسا رئیس اداره پست تهران .

---

و بودجه وزارت خانه ـ آقای غلامحسین قویمی کفیل حسابداری کارخانهای قند ـ آقای مصطفی ناصر موقتاً کفیل حسابداری سایر کارخانهای دولتی ـ آقای حسین فرزین کفیل حسابداری سیمان آقای علی اکبر الهامی کفیل حسابداری معادن ـ آقای اواکیان کفیل حسابداری اداره نوغان ـ آقای عزت الله علائی کار پردازی معادن ـ آقای هاشم صبح کار پردازی هنرستانها و وزارتخانه

**اداره معادن**ـ آقای مهندس علی زاهدی اداره کل معادن ـ آقای عباس زاهدی بهره برداری ـ آقای حبیب الله شهردار ذوب فلزات آهن و مس ـ آقای مصطفی معتمدی اکتشافات ـ آقای ابو الحسن فهیمی متصدی دار التجزیه و غیره .

**مؤسسات صنعتی و معادن ولایات** ـ آقای تقی رهبر سواحل بحرخزر، شاهی ـ آقای جواد عبیدی خراسان، مشهد ـ آقای کاظم سیاح سیانلو اصفهان ویزد و کرمان ـ آقای رضا فهیمی فارس و بنادر، شیراز .

# تشکیلات اداره کل فلاحت

۲۹۲۳۸
۱۶ر۱۰/۲۰



## تشکیلات مرکزی

معاون فنی اداره آقای، احمد حسین عدل ـ معاون اداری آقای محمود غفاری ـ رئیس اداره دفتر کل آقای ابو الحسن خطیبی ـ کفیل اداره باز رسی آقای حسین اعتماد مقدم ـ رئیس اداره کار گزینی آقای عبدالله عدل اسفندیاری ـ رئیس اداره حسابداری آقای ابو القاسم حسابی ـ رئیس اداره آمار و ترجمه آقای حسین مدحت ـ رئیس اداره اطلاع و انتشار آقای دکتر مرتضی گل سرخی رئیس اداره دام پزشکی آقای دکتر عبدالله حامدی

جناب آقای رخشانی رئیس کل فلاحت

رئیس اداره آبیاری وسدسازی امور فلاحتی ولایات آقای محمد بیات
« پنبه وتفتیش صحی نباتات ودفع آفات نباتی آقای محمد حسین فرشی
« « چغندر کاری و املاك استیجاری آقای مصطفی زاهدی
کفیل « دفع ملخ وسن آقای نیکلا پطروسیان
رئیس « تشویق وتبلیغات فلاحتی آقای علی اکبر هروی
کفیل « معرفة الجو آقای هادی تاج بخش

## تشکیلات اداره کل فلاحت در حومه تهران ـ مؤسسات ومدارس

علمی وفنی ودار التجزیه‌های فلاحتی کرج ) آقای ابراهیم مهدوی کفیل
مؤسسه سرمسازی ومطالعات دام‌پزشکی حصارك آقای دکتر لوئی دلپی
رئیس اداره دام پروری ( حیدر آباد ) آقای دکتر اوبدر که
« کارخانجات شیمیائی وسمسازی کرج آقای آرمناك کاراپتیان
« مؤسسه چغندر کاری واملاك استیجاری کرج آقای حسین درویش
« مؤسسه چغندر کاری واملاك استیجاری ورامین آقای علیرضا قره گزلو

## تشکیلات فلاحتی اداره کل فلاحت در ولایات

کفیل اداره فلاحت خوزستان آقای علی اسکوئی
رئیس « فلاحت فارس آقای جعفر مدنی
رئیس « فلاحت آذربایجان شرقی آقای مجید گنجوی
رئیس « فلاحت آذربایجان غربی آقای علیمحمد سبحانی
کفیل « فلاحت خراسان آقای محمد ثائبی
رئیس « فلاحت مازندران و کجور آقای جلیل هاشم زاده فلاح
رئیس « فلاحت لاهیجان ورشت آقای ابوطالب سمیعی
رئیس « فلاحت گرگان ودشت آقای غلامحسین پیر زاده
رئیس « فلاحت شاه آباد غرب وپشتکوه آقای جعفر صفائی
رئیس « فلاحت وخالصجات سیستان آقای حسن دیبائیان
کفیل « فلاحت اصفهان اقای رسول رضی زاد
رئیس « فلاحت مکران آقای محمد علی وثوق
رئیس « فلاحت لرستان وبروجرد آقای عماد اشرف
رئیس « فلاحت تنکابن آقای کاظم فاطمی
رئیس « فلاحت کرمان آقای سیف‌الله اقلیدی
رئیس « فلاحت همدان آقای حسن شیبانی
رئیس « فلاحت عراق آقای ابراهیم باربد
رئیس « فلاحت قزوین و سیادهن آقای یوسف امیر پرویز
کفیل « فلاحت آستارا آقای محمدحسن تیمورپور
کفیل « فلاحت ولایات ثلاث آقای حاجی والا نژاد
رئیس « فلاحت ساوه و زرند آقای محمود شایسته

# از تشکیلات اداری شهرها و شهرستانها



**خراسان ـ مشهد :ـ**
آقای نیر الدین پیر زاده پیشکار مالیه خراسان ـ آقای غلامعلی هدایت رئیس استیناف خراسان ـ آقای عبد الله آقا زاده رئیس شعبه ۱ ـ آقای محسن گنابادی رئیس شعبه ۲ ـ آقای علی فاضل کاشانی رئیس بدایت ـ آقای حسن نبوی رحیم زاده رئیس شعبه ۲ بدایت ـ آقای جواد شجیعی رئیس شعبه۳ ـ آقای محمد اخوت مدعی العموم استیناف آقای امیر امیر شاهی

**مشهد ـ آقای صفر علی حقیقی برنده جایزه اول سالنامه ۵۰۰ ریال**

مدعی العموم بدایت ـ آقای صادقی نژاد کفیل معارف خراسان ـ آقای محمد ارجمند کفیل پست و تلگراف خراسان ـ **(فروشنده منحصر سالنامه پارس کتابخانه زوار)**

**آذربایجان شرقی ـ تبریز :ـ** آقای شمس الدین نخعی پیشکار مالیه آذربایجان شرقی ـ آقای باقر رسا خور کامی رئیس استیناف ـ آقای نصیر الدین خواجوی رئیس شعبه ۲ ـ آقای سعید سراج میر رئیس شعبه ۳ ـ آقای عباس طباطبائی رئیس بدایت ـ آقای محمد نجمی رئیس شعبه ۲ ـ آقای مهدی زاور رئیس شعبه ۳ آقای حسین جهانگیر مدعی العموم استیناف ـ آقای موسی سرابندی

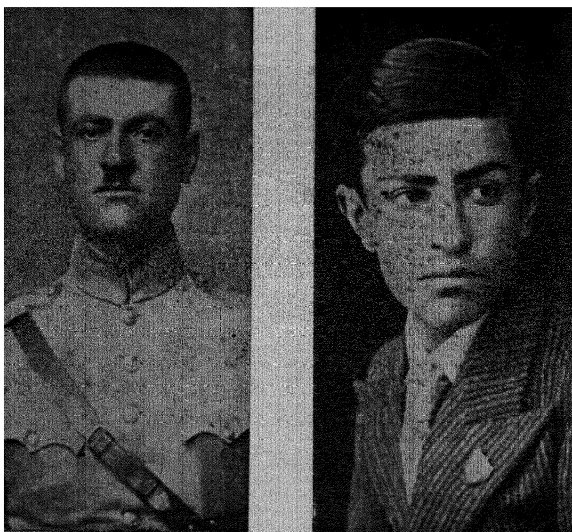
مدعی العموم بدایت ـ آقای حسن ذوقی رئیس معارف و اوقاف آقای والی زاده جوانشیر رئیس پست و تلگراف ( **فروشندگان سالنامه پارس :** کتابفروشی سروش ـ آقای عبد الله موزع ـ کتابفروشی فرهودی ـ کتابفروشی علمیه ـ آقای حاجی اسمعیل کتابفروش ـ آقای حاجی محمود حقیقت ـ کتابفروشی امید کتابفروشی خورشید هلال ـ کتابفروشی ادبیه ـ کتابفروشی سعادت ـ شرکت چاپ کتاب )

**آذربایجان غربی ـ رضائیه :** آقای فضل‌الله فخیم پیشکار مالیه آذربایجان غربی ـ آقای صالح صالح رئیس بدایت ـ آقای حسین فتحی مدعی العموم ـ آقای باقر شهنائی کفیل معارف و اوقاف ـ آقای جعفر نبوی کفیل پست و تلگراف ( **فروشندگان سالنامه پارس** : آقای حاجی یحیی فرمانی ـ آقای سید باقر حجازی کتابفروشی تمدن ـ آقای ربیع انصاری ) .

**فارس ـ شیراز** ـ آقای رکن الدین احمدی پیشکار مالیه فارس ـ آقای حشمت‌الله قضائی رئیس استیناف فارس ـ آقای سلیمان ضیاء ابراهیمی رئیس بدایت ـ آقای سراج الدین صدوقی رئیس شعبه ۲ ـ آقای علی انصاری جابری مدعی العموم استیناف ـ آقای حسین معظمی مدعی‌العموم بدایت ـ آقای علی ریاضی رئیس معارف و اوقاف ـ آقای محمد علی سیروس رئیس پست و تلگراف

**( فروشنده منحصر سالنامه پارس کتابخانه معرفت )**

**اصفهان** ـ آقای مهدی منصور پیشکار مالیه ـ آقای مرتضی نهاوندی رئیس استیناف ـ آقای فتح الله فرزاد رئیس بدایت ـ آقای محمدصادق ابراهیمی رئیس شعبه ۲ ـ آقای محمدحسن برهانی رئیس شعبه ۳ ـ آقای محمد مهدی شاهرخ مدعی العموم استیناف آقای تقی برزین مدعی العموم بدایت ـ آقای سید تاج الدین امام زاده رئیس معارف و اوقاف ـ آقای عبد الحسین درخشان کفیل پست و تلگراف ـ( **فروشندگان سالنامه پارس :** کتابفروشی



اصفهان ـ آقای محمد هاشمی
برنده جایزهٔ دوم سالنامه

ابادان ـ آقای داراب نیکزاد
برنده جایزه دوم سالنامه

اقبال ـ کتابفروشی سعدی ـ کتابفروشی فردوسی ـ کتابفروشی کمالی

**گیلان ـ رشت** : ـ آقای حسن مشیری رئیس مالیه گیلان آقای صدرالدین نخعی رئیس بدایت ـ آقای اسدالله مصباح مرجانی رئیس شعبه ۲ ـ آقای حسین توکلی رئیس شعبه ۳ ـ آقای علی اصغر دادرس مدعی العموم ـ آقای محمد ملکزاده رئیس معارف و اوقاف گیلان ـ آقای محمد مخاطب رفیعی کفیل پست وتلگراف

(**فروشندگان سالنامه پارس**، کتابفروشی احمدی ـ کتاب فروشی ارشادیه ـ کتابفروشی اقبال ـ شرکت سهامی دبیرستان آقای خلیل دیبائی ـ آقای داود حقیقت ـ کتابفروشی توکل ـ کتاب فروشی کاوه ـ کتابفروشی اخلاقی ـ کتابفروشی تجدد )



یکدسته از دوشیزکان دانش اموز دانشسرای شاهدخت مشهد آمادهٔ ورزش

**مازندران - ساری**ـ آقای حسن علیزاده رئیس مالیه مازندران ـ آقای عبد الرسول هاشمی رئیس بدایت ساری ـ آقان حسین بیدار مدعی‌العموم . آقای مهدی رهبر کسروی رئیس معارف واوقاف مازندران آقای مصطفی سیروس پور رئیس پست و تلگراف مازندران

( **فروشندگان سالنامه پارس** ـ دواخانه نظامی ـ کتاب فروشی زمانی )

**اهواز** ـ آقای اسمعیل میر سپاسی رئیس مالیه اهواز آقای یوسف جمال ناظر امور مالی خوزستان ـ آقای فتح الله وزیر زاده اخگر رئیس استیناف خوزستان ـ آقای محمد رشیدی گودرزی رئیس بدایت ـ آقای احمد معاون زاده مدعی‌العموم بدایت ـ آقای علی اکبر مهران رئیس معارف و اوقاف خوزستان ـ آقای ابو الحسن پیروز رئیس پست و تلگراف خوزستان ـ ( **فروشنده سالنامه پارس** کتابفروشی صافی )

**کرمانشاه** - آقای حسن جمهری رئیس مالیه ـ آقای فضل‌الله اشتیانی رئیس استیناف ـ آقای احمد عاصم رئیس شعبه ۲ ـ آقای علی مصطفوی رئیس بدایت ـ آقای علینقی هبة الله رئیس شعبه ۲ بدایت ـ آقای محمدعلی ممتاز مدعی‌العموم استیناف ـ آقای عباس علی فرید مدعی العموم بدایت ـ آقای ابراهیم پارسا رئیس معارف واوقاف ـ آقای احمد بهرامی رئیس پست وتلگراف ( **فروشنده سالنامه پارس** کتابفروشی ناصری ) .

**کرمان** ـ آقای جواد گنجهٔ رئیس مالیه ـ آقای عبد الحمید غیاثی رئیس استیناف ـ آقای اسدالله نظامی نراقی رئیس بدایت آقای جلال دادگری مدعی العموم استیناف ـ آقای عبد العطوف ریاحی مدعی العموم بدایت ـ آقای ید الله مایل تویسرکانی رئیس معارف واوقاف ـ آقای محمدمهدی ظهیراوبهی رئیس پست وتلگراف **فروشندگان سالنامه پارس** ـ آقای خدایار خسرو آبادیان آقای اسکندر فروهری ) .



**آقای دکتر محمود زوین**

که پس از تکمیل تحصیلات و فراغت از تحصیلات طبی در دانشکدهٔ طب طهران واخذ مدال درجه اول برای تکمیل رشته های مختلف طبی مخصوصاً قسمت جراحی باروپا اعزام شده بودند اخیراً بطهران معاودت کرده‌اند - آقای دکتر محمود زوین در مدت هفت سال تحصیلی در دانشکده ها و مریض خانهای لیون و پاریس قسمت های مختلف طبی را با موفقیت کامل تحصیل و تکمیل کرده و دراکثر مراحل ادوار تحصیلی خود رتبه اول را حائز بوده است، امید واریم امثال ایشان حاصل زحمات خود رادر طریق خدمت بکشور خود خالصانه تقدیم کنند و نیز هم‌میهنان بتوانند از وجود این قبیل عناصر مفید مستفید شوند.

---

**همدان** - آقای مجید زاده رئیس مالیه - آقای صادق نراقی پور رئیس بدایت - آقای ساسان خواجه نصیری مدعی العموم — آقای ابوالقاسم شکرائی رئیس معارف واوقاف - آقای علی‌نویدی کفیل پست وتلگراف ( **فروشندگان سالنامه پارس** : دواخانه اتحاد - آقای ضیاء خرازی - آقای حاجی اسدالله کتاب فروش - آقای سیدعلی خوانساری - آقای عباس مروج - آقای محمد کاظم کاغذچی - سیگارفروشی هاشمی محیط ).

**بروجرد** - آقای علی‌اکبر امیروفائی رئیس مالیه - آقای حسین برتو رئیس بدایت - آقای عمادالدین منصوری مدعی‌العموم - آقای غلامحسین فرخ‌زاد رئیس معارف واوقاف - ( **فروشندگان سالنامه پارس** :

آقای سید احمد ضیائیان ـ آقای مرتضی اخوان احمدی )

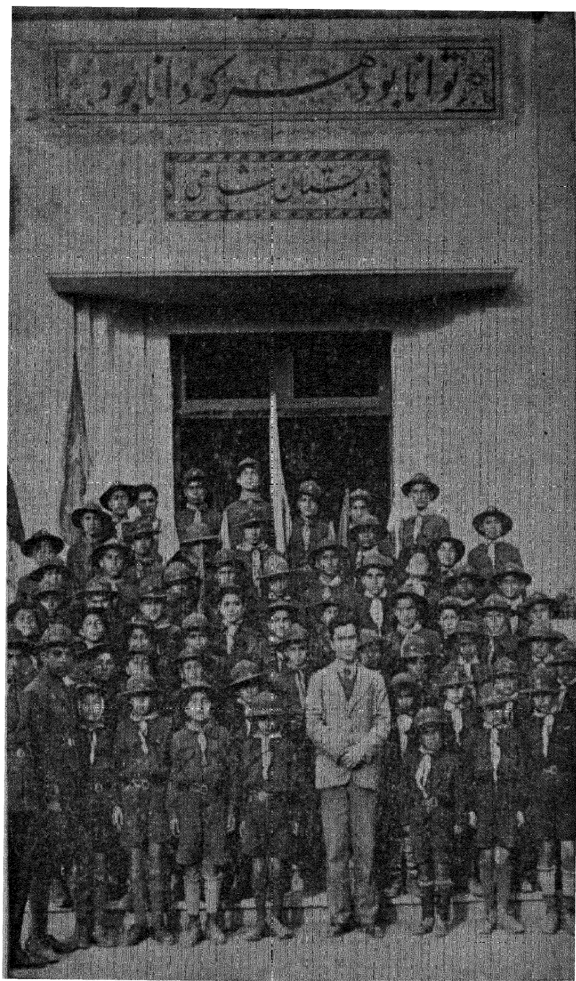
**عراق** ـ آقای عبدالله سعید وفا رئیس مالیه ـ آقای ابوالقاسم فقیه زاده رئیس بدایت ـ آقای محمد جودی مدعی العموم ـ آقای احمد دیانی رئیس معارف و اوقاف ـ آقـای غلام علی ملك نصری رئیس پست وتلگراف ـ ( **فروشندگان سالنامه پارس :** کتاب‌فروشی توکل ـ کتابفروشی فردوسی )

**یزد** ـ آقای عبدالله وزیری تبـار رئیس مالیه ـ آقای حسین عاصمی رئیس بدایت ـ آقای مهدیقلی شاهرخی مدعی‌العموم ـ آقای محمدمهدی راد سرشت رئیس معارف ـ اسدالله مخبرحکمت رئیس پست و تلگراف ( **فروشندگان سالنامه پارس :** کتابفروشی گل بهار ـ آقای سید علی محمد صحاف ـ آقای سروش سروشی آقای کیخسرو کدخدا )

**قم ومحلات** ـ آقای موسی امیری رئیس مالیه ـ آقای حسین معصومی رئیس بدایت قم ـ آقای حسن داودی مدعی‌العموم ـ آقای اسد الله سرمدی رئیس معارف و اوقاف ـ آقـای غلام علی اربابی رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشنده سالنامه پارس :** آقـای شیخ مهدی کتابفروش )

**کاشان** ـ آقای مرتضی فرساد رئیس مالیه ـ آقای محمد علیم مروستی رئیس بدایت ـ آقای یوسف کسرائی مدعی‌العموم ـ آقای رضا فرجاد آزاد رئیس معارف و اوقاف ـ آقای عزت‌الله فرهور رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشندگان سالنامه پارس :** دواخانه خرم ـ آقای رضا مدنی )

**گرگان** ـ آقای جواد ازیر رئیس مالیه ـ آقای غلامعلی لاریجانی رئیس بدایت ـ آقای ابوالقاسم قرشی مدعی‌العموم ـ آقای حشمت‌الله دهش رئیس معارف واوقاف ـ آقای محمد شامبیاتی رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشندگان سالنامه پارس:** آقای حاج اسمعیل علائی آقای ولی‌الله مهدی‌نژاد خرازی ـ آقای اسمعیل داودی اداره مالیه )




**دسته پیشاهنگان دبستان شاهی**

**کردستان** ـ آقای محمود آسا رئیس مالیه ـ آقای حسین صدر ـ الاشرافی رئیس بدایت ـ آقای محمد باقر جناب مدعی العموم ـ آقای حسین شکیبا رئیس معارف واوقاف ـ آقای عزیزالله حکمت رئیس پست و تلگراف ـ( **فروشنده سالنامه پارس:** آقای لطف‌الله فلسفی)

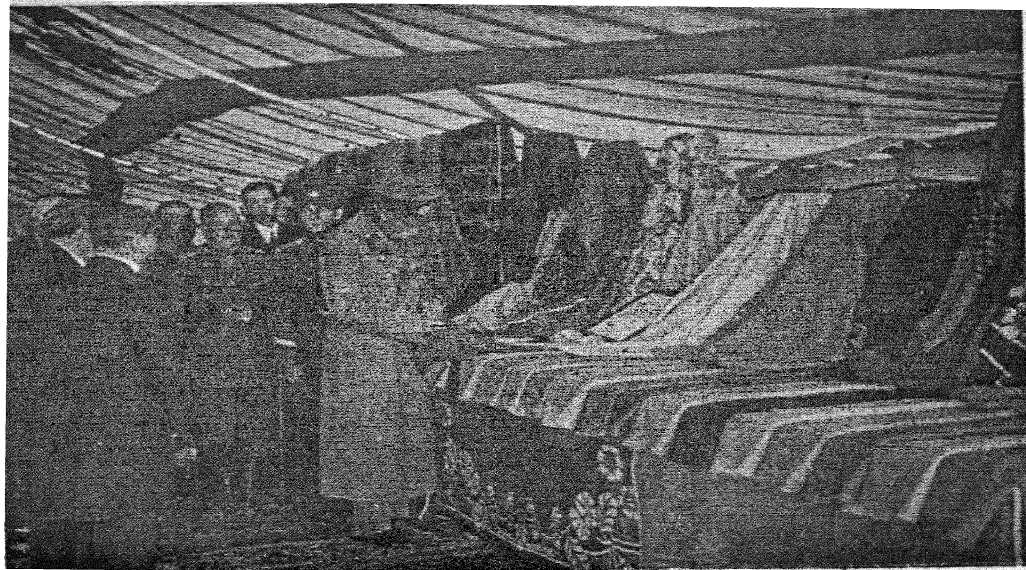
**شاهرود** ـ آقای محمد آجودانی رئیس مالیه ـ آقای حسین میراحمدی رئیس بدایت ـ آقای علی اصغر کشاورزمدعی العموم ـ آقای محمدحسین قدوسی رئیس معارف واوقاف ـ آقای غلامعلی باختری رئیس پست و تلگراف ـ **فروشندگان سالنامه پارس:** آقای حاجی محمد کاظم اخیانی ـ آقای غلامحسین وعباس برادران بقائی )

**بوشهر** ـ آقای احمد ظلی رئیس مالیه ـ آقای کاظم دست غیب رئیس بدایت ـ آقای احمد جدی مدعی العموم ـ آقای علی نقی صحت زاده رئیس معارف و اوقاف ـ آقای احمد فرزانگان رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشنده سالنامه پارس :** ـ کتاب فروشی رهنمائی )

**بندر عباس** ـ آقای عزیز الله مینا کفیل مالیه ـ آقای محمد امین رئیس بدایت ـ آقای علی صدیق ساوجی مدعی العموم ـ آقای امیر بشیر فرهمند رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشنده سالنامه پارس :** ـ آقای مهدی ناظم پور )

**ملایر** ـ آقای عبدالله کامکار کفیل مالیه ـ آقای نصرالله دولت آبادی رئیس بدایت ـ آقای غلامحسین معظمی مدعی العموم ـ آقای محمد باقر جدلی رئیس معارف و اوقاف ـ آقای احمد صدری رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشنده سالنامه پارس :** ـ آقای حاج شیخ حسن کتابفروش )

**زنجان** ـ آقای مصطفی مستوفی رئیس مالیه ـ آقای اسد الله نهاوندی رئیس بدایت ـ آقای یعقوب وکیلی مدعی العموم ـ آقای حسینعلی اکبرنیا رئیس معارف و اوقاف ـ آقای حسن آگاه رئیس پست و تلگراف ـ ( **فروشنده سالنامه پارس** ـ کربلائی عبدالعلی سیگار فروش )



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از محصول کارخانه کازرونی در اصفهان تمجید میفرمایند

## یکی از کارخانجات بزرگ ایران

کارخانهٔ ریسندگي و بافندگي اصفهان که در سال ۱۳۰٤ بهمت و مجاهدت شادروان مرحوم حاجي محمدحسین کازرونی تأسیس شده امروز بصورت یك شهر بزرگ صنعتي در آمده و دارای دو هزار نفر مزدور و صنعتگر هنرمند میباشد و سالیانه متجاوز از یك میلیون متر پارچه و پتو در دسترس هم میهنان خود میگذارد .

عکس صفحه مقابل هنگام تشریف فرمائي ذات مبارك شاهنشاهي به غرفه مخصوص کارخانه وطن ( در خارج شهر اصفهان ) میباشد که پارچه های بافت کارخانه مورد توجه مخصوص ملوکانه قرار گرفته و بدقت ملاحظه و تشویق میفرمایند .

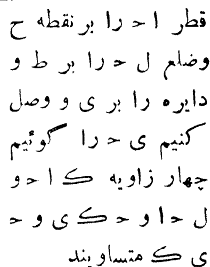
# تناسب مکعبات بهندسهٔ مقدماتی

## یکی از مکاشفات آقای ذوالفنون در علوم ریاضی

مسئلهٔ مهم تناسب مکعبات مدتها نظر علماء بزرگ ریاضی و مهندسین اقدمین را مانند موسی بن یونس و عبد الجلیل سجزی و ابوسهیل کوهی و ابن هیثم مصری بخود جلب کرده و عدهٔ کثیری از حکماء متاخرین نیز مانند کالوا ایطالیائی و هادامار فرانسوی توانسته بودند فقط بقطع مخروطات یعنی قطع زائد ومکافی (هیپربل وپارابل) بعضی از آنها را حل کنند چنانکه هادامار فرانسوی حکیم معاصر در کتاب خوده مسائل زیادی را که ازجمله مسئله تناسب مکعبات میباشد مینویسد « این گونه مسائل بهندسه مقدماتی یعنی بخط مستقیم و دایره حل نمیشود » اخیراهم توسط مسیولنك معلم ریاضی دانشسرای عالی کتبا از هادامار فرانسوی استفسار شده و ایشان درجوابی که توسط مسیولنگ ارسال داشته است نظریه خود را تایید کرده و چنین مینویسد که « حل تناسب مکعبات بهندسه مقدماتی ممتنع است »

خوشبختانه همانطور که عصر کنونی برای ملت ایران دو باره مظاهر تمدن قدیم این مملکت را زنده کرده است امروز توسط آقای ذوالفنون که یکی از علماء بزرگ ریاضی ایران میباشند این مشکل غیر قابل حل نیز کشف شده ویك درس نوینی بمعارف دنیا میدهد . ما با کمال مسرت خوشوقتیم که سالنامه پارس میتواند در پرتو انوار درخشندهٔ معارف امروزه ایران ناشر یك چنین کشف مهم و درس نوینی باشد که قطعا در محیط معارف دنیا و تمدن امروزهٔ بشر اثر بزرگی خواهد داشت اینك موضوع مذکور با قضایا و اشکال آن بشرح ذیل طبع می شود :

**قضیه اول** — چون در دایره مرسومه بر مرکز ه و دو قطر عمودی ا ح و ب د محاط کنیم مستطیل ا ک ح ل را واز رأس زاویه ک عمود ک ی را بر قطر ا ح مرور دهیم تاقطع کند

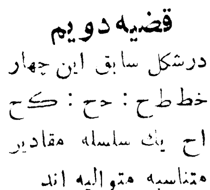


قطر ا ح را بر نقطه ح
وضلع ل ح را بر ط و
دایره را بر ی و وصل
کنیم ی ح را گوئیم
چهار زاویه ک ا ح و
ل ح ا و ح ک ی و ح
ی ک متساویند

**برهان** - دوضلع
ل ح و ا ک متوازیند
و ا ح قاطع هردو پس
دو متبادله ک ا ح ول
ح ا متساویند و همچنین دو قوس ی ح و ک ح متساوی و متقابلاند
بدو زاویه ک ی ح و ی ک ح پس این دو زاویه متساویند ودو
زاویه ک ا ح و ک ی ح چون متقابلاند باقوس مشترك ب ح متساویند
و چون این تساویها را جمع کنیم چنین میشود

ک ا ح = ل ح ا = ح ک ی = ح ی ک فهو المطلوب

## قضیه دویم

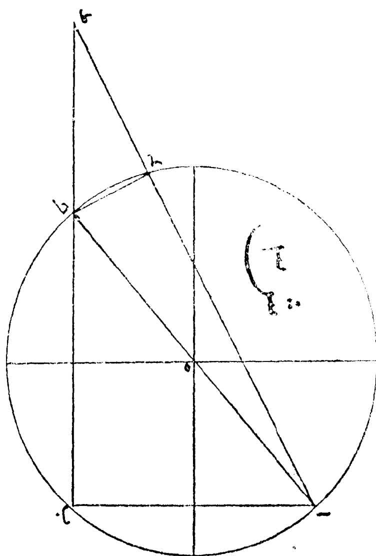


درشکل سابق این چهار
خط طح : حح : کح
اح یك سلسله مقادیر
متناسبه متوالیه اند

**برهان** - درمثلث
قائم الزاویه ط ح ک خط
ح ح عمود است بر ط
ک وتر زاویه قائمه و
واسطه هندسی است بین
دو قطعه طح و ح ک
پس نسبت طح به حح مثل نسبت حح به کح و همچنین درمثلث

قائم الزاویه ا ک ح خط ک ح عمود است بر ا ح وتر زاویه قائمه وواسطه هندسی است بین دوقطعه ح ح و ا ح پس نسبت ح ح به ک ح مثل نسبت ک ح به ا ح و چون این دو جمله را ترکیب کنیم این تناسب حاصل میشود

$$\frac{ط ح}{ح ح} = \frac{ح ح}{ک ح} = \frac{ک ح}{ا ح}$$ و هوالمطلوب



**قضیه سوم** ـ در مثلث منفرج الزاویه ا ح ط تنصیف کنیم ضلع ا ح را بر ه و رسم کنیم برمرکز ه بشعاع ه ا دایرهٔ ا ب ح د راتاقطع کند ا ط را بردو امتداد ط ح را برب ووصل کنیم اب وحد را گوئیم ا ب عموداست برب ط وزاویه ا ب ط قائمه است وهمچنین ح د عمود است بر ا ط و زاویه ا د ح قائمه است

**برهان** ـ درمثلث ا ب ح خط ا ح وتر مقابل بزاویه ب قطر دایره است پس زاویه ب قائمه است و بر این قیاس در مثلث ا ه ح

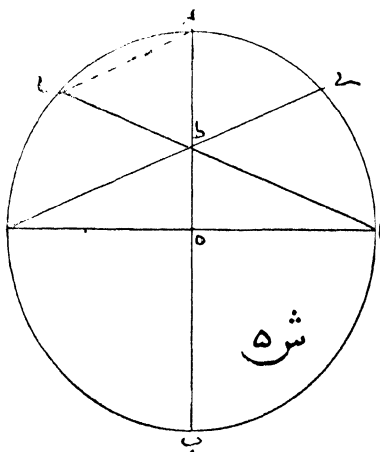
توضیح آنکه وجودیکی ازاین سه شرط کافی است بروجود دو شرط دیگر اول آنکه ا ب عمود باشد بر ب ط دویم ح د عمود باشد بر ا ط سوم ا ح قطر دایره باشد و هوالمطلوب

**قضیه چهارم** ـــ عوددهیم شکل سابق را و رسم کنیم در

دایره قطر ر ح راموازی
خـط ب ط تا تنصیف کند
عمود ا ب را بر نقطه ی و
خط ا ط را بر نقطه م و
وصل کنیم ب م را و امتداد
دهیم تا تلاقی کند دایره را
بر نقطه ل و همچنین وصل
کنیم ل د را وامتداد دهیم
تا تلاقی کند ب ط را
ک گوئیم هر یك از سه
مثلث ا م ی و ل م د و ب
م ط متساوی الساقین اند
مثلث ل ک ب قائم الزاویه
ومتشابه است بامثلث ا ب ط

**برهان** — قطر ر ح بموازی ب ط چون تنصیف نموده قطر
ا ح را بمرکز ه لا محاله تنصیف کند ا ط را بنقطه م و عمود ا ب
را بنقطه ی وعمود است بر ا ب وا م و ب م دو مایل متساوی البعد ند
از موقع عمود پس متساوی اند و مثلث ا م ب متساوی الساقین است
و چون م ط مساویست با م ا پس مساوی است با م ب و مثلث ب م
ط متساوی الساقین استودوزاویه ب ا د و ب ل د چون مشترك اند بر
قوس ب ح د متساویند و همچنین دو زاویه ا ب ل و ا د ل مشترك
اند بر قوس ا ل متساویند ودرمثلث ا م ب دوزاویه ا و ب متساوی اند
پس دو زاویه ل و د نیز متساویند و مثلث ل م د متساوی الساقین
است و قطر ر ح بر مرکز ه و رأس مثلث مرور نموده پس عمود
است بر وتر ل د و منصف آن است بنا بر این خط ل ن عمود است
بر قطر ر ح وموازیش ب ط و مثلث ل ن ب قائم الزاویه است و
در دو مثلث قائم الزاویهٔ ا ب ط و ل ن ب ثابت شد کـه دو زاویه

اول بحکم اشتراك بر قوس ب ح د متساویند و دو زاویه ب و ط در مثلث متساوی الساقین ب م ط متساویند بنا بر این این دو مثلث متشابه اند




## قضیه پنجم

دایره ئی بر مرکز ه و دوقطر عمودی ا ح و ب د مرسوم است واز نقطه ا طرف قطر ا ح رسم کنیم خطی مثل ا ح کیف اتفق ووصل کنیم ح د را و از نقطه ح طرف دیگر همان قطر خط ح ی را موازی ح د رسم کنیم گوئیم زاویه ی ط ا حادثه بین دو خط ا ح و ح ی مساوی است با نصف قائمه

**برهان** ـ چون خط ح ی موازیست با ح د دو متقابله ی ط ا و د ح ی مساویند ولی زاویه محیطیه د ح ا بازاویه مرکزی ده ا مشترکند در قوس ا ی د بنابراین مقیاس زاویه ا ح د نصف قائمه است پس زاویه ا ط ی نیز نصف قائمه است و هو المطلوب

**تنبیه** ـ نظر باحتیاج ما در قضایای بعد باین دوخط و برای تعیین و تشخیص اصطلاحاً خط ا ح را خط اول وخط ح ی را خط ثانی گوئیم

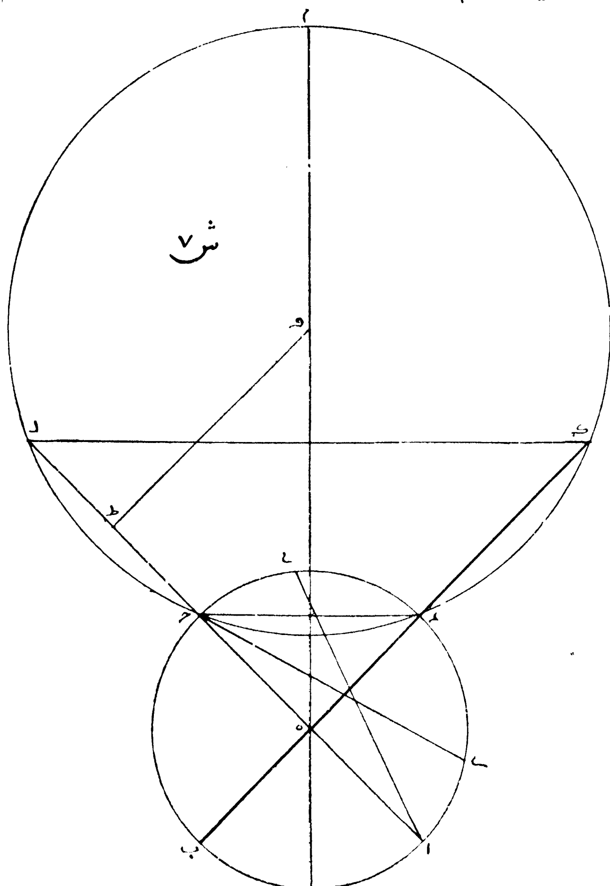
**قضیه ششم** ـ دایره ئی بر مرکز ه ودوقطرعمودی ا ح و ب د وخط اول ا ح و خط ثانی ح ی مرسوم است تنصیف کنیم زاویه قائمه مرکزی د ه ح را بخط غیر محدود ه م و بشعاع ح ی رسم

کنیم قوسی تا قطع کند ه م را بر نقطه ن ووصل کنیم ن ح را ورسم کنیم برمرکز ن بشعاع ن ح دایره ح د م را گوئیم اولا این دایره بر دو نقطه ح و د یعنی بر دو طرف قطر ح ا و د ب مرور نموده و ثانیاً شعاع این دایره مساویست باخط ثانی ح ی

**برهان**ـ درمثلث قائم‌الزاویه‌ دهح خط ه ن عمود است بر وتر د ح و تنصیف نموده آنرا بر ر بنابر این دوخط ن ح و ن د دو مایل

متساوی البعدند از موقع عمود و متساویند پس این دایره بر دو نقطه ح و د مرور نموده و ثانیا خط ن ح شعاع مشترکی است بین این دایره و قوس ی ن و مساویست با ح ی پس شعاع این دایره مساویست باخط ثانی وهوالمطلوب

**قضیه هفتم** - در شکل قضیه سابق قطر ب د را امتداد دهیم



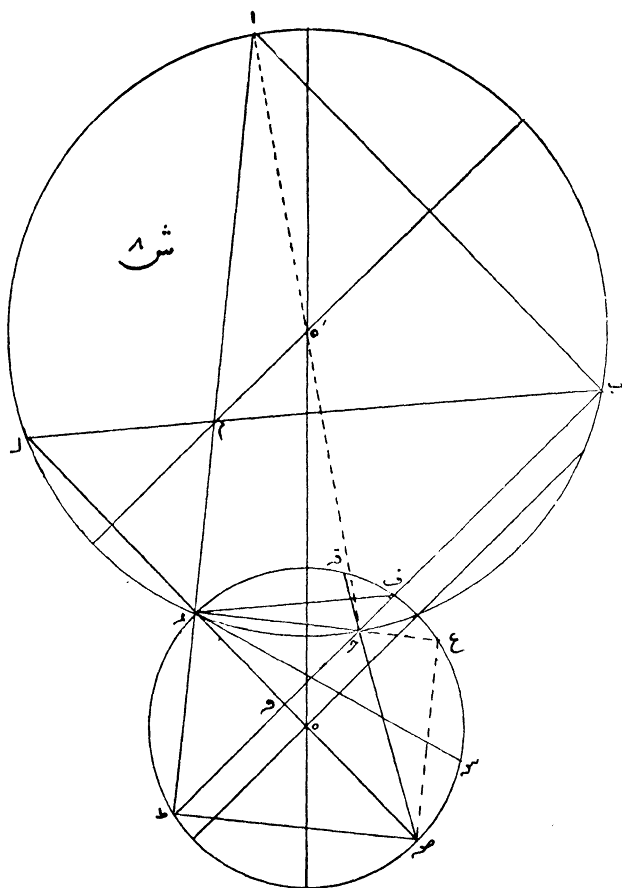

تا تلاقی کند دایرهٔ ح د م را بر نقطه ک و قطر ا ح را تا تلاقی کند

دایره را بر نقطه ل ووصل کنیم ک ل را وفرود آوریم عمود ن ط را بر منصف وتر ح ل گوئیم اولا دوقوس د ک و ح ل متساویند و دوخط ک ل و د ح متوازی و ثانیاً مثلث قائم الزاویه ن ط ه متساوی الساقین است

**برهان** - اولا درمثلث قائم الزاویه د ه ح زاویه د مساویست بازاویه ح ومقیاس زاویه د مساویست بانصف قوس د ح بعلاوه قوس د ک و مقیاس زاویه ح مساویست با نصف قوس د ح بعلاوه ح ل وچون این دوجمله را که متساویند درقوس مشترك د ح حذف کنیم دوقوس د ک و ح ل متساوی باشند وثانیا در مثلث ن ط ه زاویه ط قائمه است و زاویه ه نصف قائمه پس زاویه ن نصف قائمه ومساوی باشد بازاویه ه ومثلث متساوی الساقین است وهوالمطلوب

**قضیه هشتم** - دایرهٔ ص ط د برمرکز ه وخط اول ص ه وخط ثانی د س مرسوم است و بشعاع خط ثانی رسم میکنیم قضیه ۶ دایره ا ب ح رابرمرکز ه تاقطع کند خط اول رابر نقطه ح وفرود آوریم برقطر ص د عمود ح ن را وامتداد دهیم از طرفین تا تقاطع کند دایره ص ط درابردونقطه ف وط و دایره ا ب ح رابردونقطه ب و ح و وصل کنیم اب و ب ل و ا ح و ح د و همچنین قطر ر ح را موازی ب ط - توضیح - اوضاع خطوط و زوایا و مثلثات متساوی الساقین ا م ب و د م ل و ب م ط وزوایای قائمه ا ب ط و ح د ا ول ن ب که در دایره ا ب ح است در قضیه چهارم مبرهن شده حال میخواهیم روابط این اوضاع رابامستطیلی که دردایره ص ط د محاط میشود بنمائیم بعبارهٔ اخری میخواهیم دوقضیه اول و چهارم را باهم ترکیب کنیم چون امتداد دهیم خط د ح را تا تلاقی کند دایره را برع ووصل کنیم ص ع و ص ط را گوئیم ذو اربعة الاضلاع د ط ص ع قائم الزوایا و متوازی الاضلاع است ( مستطیل )

**برهان** - زاویه ا د ح برقطر ا ح از دایره ا ب ح قائمه است (قضیه ۴) پس ع د عمود است بر دط وزاویه ص ط د وهمچنین زاویه




ـه ع د چون بر قطر صه د واقعند هر دو قائمه اند و خط صه ط عمود
است بر ط د و موازیست با ع دو خط صه ع عمود است بر ع د
موازیست با ط د و مقیاس زاویه ح د صه مساویست با نصف مجموع دو
وس ح د و د ل و قوس ح دل مقابل است بزاویه محیطیه ب از مثلث متساوی
ساقین ب م ط قضیه ٤ پس زاویه ع د صه مساویست با زاویه ط ب م

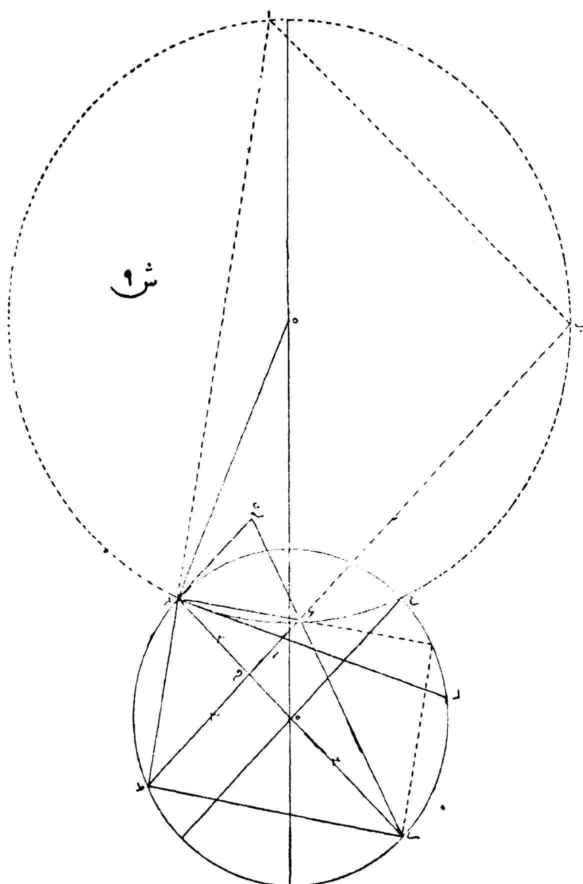
و زاویه ب ط م و بحکم توازی مساویست با زاویه د ص ط و چون
قوس ف د مساویست با قوس د ط زاویه ط ف د مساویست بازاویه
ف ط د مساویست بازاویه ط ب م بنابر این خط ف د موازیست
با خط ب م وهمچنین دردومثلث ص ن ط و ب ن ل زاویه ن درهر
دوقائمه است وزاویه ن ص ط مساویست بازاویه ن ب ل و زاویه
ن ط ص مساویست بازاویه ن ا ب پس این دومثلث متشابه اند

**تنبیه** - روابط اوضاع خطوط وزوایای این دودایره مارادلالت
کند براهی که سلسله مکعبات را بهر نسبت که بخواهیم بتوانیم
رسم کنیم ازاین جهت ماین شکل را مرآت المکعبات نام نهیم

**اصل موضوع** - صدر مقاله خامسه اقلیدس « واذا تناسب ثلث
مقادیر علی الولاء کانت نسبت الاول الی الاخیره هی نسبته الی الثانی
مثناة بالتکریر و کذالک فی الاربعه مثلثة و علی قیاسه المقادیر-
المتسقه فی النسبة »

**ترجمه** - هرگاه متناسب شد سه مقدارمتوالی نسبت اول بثالث
مساوی است بانسبت مربع اول بمربع ثانی و مربع ثانی بمربع ثالث
و اگر چهار مقدار متناسب متوالی باشد پس نسبت اول بچهارم
مساویست بانسبت مکعب اول بمکعب ثانی ومکعب ثانی بمکعب ثالث
ومکعب ثالث بمکعب رابع وبراین قیاس هرقدرسلسله مقادیرمتناسبه
متوالیه متزاید شود ( رجوع شود بتصاعد هندسی )

**قضیه نهم** - در تناسب مکعبات - عمود ع د را برنقطه د
طرف قطر د ی از دایره مرسومه برمرکز ه چنان رسم کنیم که
نسبت عمود ع د بقطر د ی مثل نسبت مفروضه م به ن باشد وصل
میکنیم ی ع را تا دایره را بنقطه م قطع کند وفرض میکنیم ی م
خط اول و رسم کنیم خط ثانی د ل را (قضیه پنج) و رسم کنیم بر
مرکز ه بشعاع ه د مساوی خط ثانی د ل دایره ا ب ح را تا مرور
کند بردونقطه د و ح (قضیه ٦) وقطع کند خط اول ی م را برنقطه
ح و ازاین نقطه فرود آوریم عمود ح ن را بر ی ح و امتداد دهیم




تا تلاقی کند دایره را بر نقطه ط و وصل کنیم ی ط و ط در او امتداد دهیم د ح را تا ک و وصل میکنیم ی ک را تا رسم شود مستطیل ی ط د ک (قضیه ۸) گوئیم نسبت مکعب ح ن (۱) بمکعب دن (۲) مساویست با نسبت مکعب د ن (۲) بمکعب ط ن (۳) و مساوی است با نسبت مکعب ط ن (۳) بمکعب ی ن (٤) و مساوی است با نسبت ح ن

(۱) به ی ن (٤). و مساوی است با نسبت مفروضهٔ م به ن

**برهان** - اولاً در مستطیل د ط ی ک (قضیه ۲) در مثلث قائم الزاویه ح د ط خط د ن عمود است بر وتر ح ط و واسطه هندسی است بین دو قطعه ح ن و ط ن پس نسبت ح ن به د ن مثل نسبت د ن است به ط ن $\frac{ح ن}{د ن} = \frac{د ن}{ط ن}$

و همچنین در مثلث قائم الزاویه د ط ی خط ط ن عمود است بر وتر د ی و واسطه هندسی است پس نسبت د ن به ط ن مثل نسبت ط ن است به ی ن $\frac{د ن}{ط ن} = \frac{ط ن}{ی ن}$ و چون این دو جمله را جمع کنیم یك سلسلهٔ متناسبهٔ متوالیه میشود باینصورت $\frac{ح ن}{د ن} = \frac{د ن}{ط ن} = \frac{ط ن}{ی ن}$

وثانیا در دو مثلث قائم الزاویه ع د ی و ح ن ی زاویه د و ن درهر دو مثلث قائمه است و زاویه ی مشترك پس این دو مثلث متشابه اند ونسبت د ن به ن ی مثل نسبت ع د است به د ی مثل نسبت مفروضه م به ن $\frac{ح ن}{ن ی} = \frac{ع د}{د ی} = \frac{م}{ن}$ وچون درجمله تناسب سابقه ح ن جمله اول و ی ن چهارم است وبنا براصل موضوع که نسبت اول بچهارم مساویست با نسبت بین مکعبات ان مقادیر متوالیا نتیجه چنین میشود که نسبت ح ن به ی ن مساوی است با نسبت مکعب ح ن بمکعب د ن و مساویست با نسبت مکعب دن بمکعب ط ن و مساویست با مکعب ط ن بمکعب ی ن و مساویست با نسبت مفروضه م به ن

**تعریف** — نسبت بین دو مقدار عبارت است از مقداری که چون آنرا درمقدار اول ضرب کنیم حاصل ضرب مقدار اکثر باشد و چون مقدار اکثر را بر آن قسمت کنیم خارج قسمت مقدار اقل خواهد بود — فرض میکنیم آن دو مقدار را ک و ل و قدر نسبت بین آن ع پس چنین میشود باینصورت ک × ع = ل $\frac{ل}{ع} = ک$

**قضیه دهم** — در هر سلسله از مقادیر متناسبه متوالیه که نسبت اول بچهارم مفروض باشد اولا حاصل ضرب مکعب اول در قدر نسبت مکعب ثانی باشد و در مربع نسبت مکعب ثالث و در مکعب نسبت مکعب رابع وثانیاً مکعب حاصل ضرب دو مقدار مطلقا مساویست با حاصل ضرب دو مکعب آن دو مقدار

**برهان** ، فرض میکنیم آن چهار مقدار متناسبه متوالیه عبارت باشند از ک(۱) و ل(۲) و م(۳) و ن(٤) ومقدار نسبت را نیز ع فرض میکنیم

**بنابر قضیهٔ نهم**

$$\text{ک}^{3} \times \text{ع} = \text{ل}^{3}$$
$$\text{ل}^{3} \times \text{ع} = \text{م}^{3}$$
$$\text{م}^{3} \times \text{ع} = \text{ن}^{3}$$

و هرگاه مقادیر را نسبت بمقدار اول بسنجیم چنین میشود

$$\text{ک}^{3} \times \text{ع} = \text{ل}^{3}$$
$$\text{ک}^{3} \times \text{ع} \times \text{ع} = \text{م}^{3}$$
$$\text{ک}^{3} \times \text{ع} \times \text{ع} \times \text{ع} = \text{ن}^{3}$$

یا آنکه

$$\text{ک}^{3} \times \text{ع} = \text{ل}^{3}$$
$$\text{ک}^{3} \times \text{ع}^{2} = \text{م}^{3}$$
$$\text{ک}^{3} \times \text{ع}^{3} = \text{ن}^{3}$$

و ثانیا چون ن ـ ع × ک و بنابر تساوی اخیر $\text{ک}^{3} \times \text{ع} = \text{ن}^{3}$

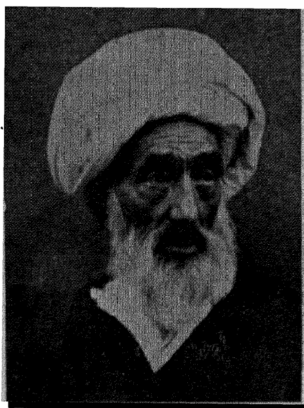
لازم میاید که مکعب حاصل ضرب دومقدار مساوی باشد باحاصل ضرب دومکعب آن دومقدار وهو المطلوب **حبیب الله «ذوالفنون»**

* * *

**دفتر سالنامه پارس منتظر وصول نظریهٔ اهل علم است وبه بهترین نظریه وانتقاد یك جائزهٔ قابل داده میشود**

## فروردین ـ محرم

| ایام | فروردین | محرم | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| ۲ شنبه | ۱ | ۱۸ | ۳۲ | ۱۰ |
| عید نوروز ـ سلام رسمی ۳ روز تعطیل | | | | |
| ۳ شنبه | ۲ | ۱۹ | ۳۰ | ۱۰ |
| ٤ شنبه | ۳ | ۲۰ | ۲۸ | ۱۰ |
| ٥ شنبه | ٤ | ۲۱ | ۲٥ | ۱۰ |
| جمعه | ٥ | ۲۲ | ۲۳ | ۱۰ |
| شنبه | ٦ | ۲۳ | ۲۱ | ۱۰ |
| ۱ شنبه | ۷ | ۲٤ | ۱۹ | ۱۰ |
| ۲ شنبه | ۸ | ۲٥ | ۱٦ | ۱۰ |



مستخرج معظم آقای ذوالفنون

## تحویل شمس بافق طهران

یکساعت و ٥٤ دقیقه قبل ازظهر دو شنبه ۱۸ محرم

***

**تحویل در ولایات** ، آذربایجان یکساعت و ۳٤ دقیقه و ۲۰ ثانیه ـ اصفهان یکساعت و ٥٦ دقیقه ـ بروجرد و ارستان یکساعت و ٤۳ دقیقه ـ خوزستان یکساعت و ٤٤ دقیقه و ٤۰ ثانیه ـ خراسان دو ساعت و ۲۸ دقیقه ـ رشت یکساعت و ٥۹ دقیقه و ۲۰ ثانیه ـ فارس یکساعت و ٥۰ دقیقه و ۲۰ ثانیه ـ کرمان دو ساعت و ۱٤ دقیقه و ۱۳ ثانیه ـ کرمانشاه یکساعت و ۳٥ دقیقه و ۲۰ ثانیه ـ عراق عرب یکساعت و ۲٥ دقیقه

## فروردین ـ محرم

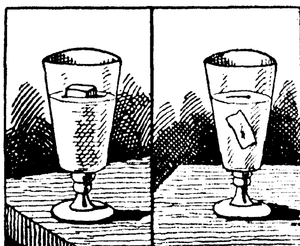
| ایام | فروردین | محرم | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۳ شنبه | ۹ | ۲۶ | ۱۰ ۱۴ |
| ۴ شنبه | ۱۰ | ۲۷ | ۱۰ ۱۱ |
| ۵ شنبه | ۱۱ | ۲۸ | ۱۰ ۹ |
| جمعه | ۱۲ | ۲۹ | ۱۰ ۷ |
| شنبه | ۱۳ | ۱ صفر (سیزده عید ـ تعطیل) | ۱۰ ۴ |
| ۱ شنبه | ۱۴ | ۲ | ۱۰ ۲ |
| ۲ شنبه | ۱۵ | ۳ | ۹ ۵۹ |
| ۳ شنبه | ۱۶ | ۴ | ۹ ۵۷ |

## یاد داشتهای سودمند

### مسائل تفریحی

هر گاه طبیعت قند و کیفیت ساختمان ان را در نظر بگیریم باید قبول کنیم که در آب حل میشود ولی میتوانیم با تفنن عامی قندرا درروی آب بگذاریم که بخلاف طبیعت خود با آب مقاومت کند و روی آب بایستد و آب نشود!

هر گاه قندرا در کمی محلول کلودیوم فرو برید در آب فرونمیرود و آب نمیشود!



همچنین این قبیل تفننات منحصر بقند نیست و در باره اشیاء دیگر نیز میتوان اعمال کرد مانند میخی که بخلاف طبیعت خود بر روی آب ایستاده و فرو نمیرود

باید باملایمت ورق کاغذسیگاری روی آب گیلاس قراردهید و بلافاصله میخ کوچکی روی آن بگذارید بتدریج کاغذ مذکور رطوبت کشیده در آب فرومیرود ولی میخ

## فروردین ـ صفر

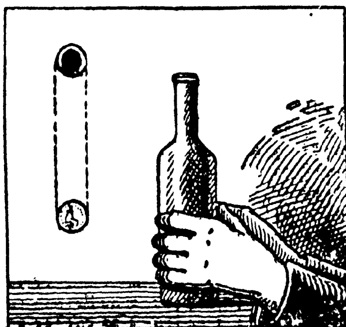
| ایام | فروردین | صفر | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ٤ شنبه | ۱۷ | ٥ | ٥٤ | ۹ |
| ٥ شنبه | ۱۸ | ٦ | ٥۲ | ۹ |
| جمعه | ۱۹ | ۷ | ٤۹ | ۹ |
| شنبه | ۲۰ | ۸ | ٤۷ | ۹ |
| ۱ شنبه | ۲۱ | ۹ | ٤٤ | ۹ |
| ۲ شنبه | ۲۲ | ۱۰ | ٤۲ | ۹ |
| ۳ شنبه | ۲۳ | ۱۱ | ۳۹ | ۹ |
| ٤ شنبه | ۲٤ | ۱۲ | ۳۷ | ۹ |

## یاد داشتهای سودمند

براثر هوای مختصری که بین آن و کاغذ وجود داشته بر روی آب ایستاده فرو نمیرود. همچنین هرگاه سنجاق نازکی را باچربی آلوده کنید و با هستگی روی آب بگذارید آن نیز فرو نخواهد رفت

***

یك شیشه خالی که دهانه آن مساوی با محیط دائره یك پول سیاه یاسفید باشد روی میز بگذارید و پول سیاه سبك وزن بر روی دهانهٔ آن قرار دهید وچند قطره آب روی آن بچکانید که هوای خارج نتواند داخل شیشه شود آنوقت روی صندلی نشسته شیشهٔ مذکور را در وسط دو دست بگیرید حرارت دستها هوای داخل شیشه



را گرم میکند ووقتی میخواهد ار سوراخ

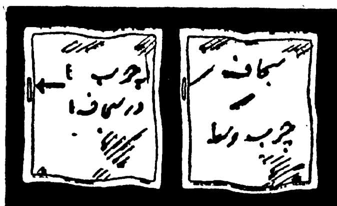
| فروردین ـ صفر | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ایام | فروردین | صفر | اذان صبح د | س |
| ۵ شنبه | ۲۵ ـ ۱۳ | | ۳۴ | ۹ |
| جمعه | ۲۶ ـ ۱٤ | | ۳۲ | ۹ |
| شنبه | ۲۷ ـ ۱۵ | | ۳۰ | ۹ |
| ۱ شنبه | ۲۸ ـ ۱٦ | | ۲۸ | ۹ |
| ۲ شنبه | ۲۹ ـ ۱۷ | | ۲٦ | ۹ |
| ۳ شنبه | ۳۰ ـ ۱۸ | | ۲٤ | ۹ |
| ٤ شنبه | ۳۱ ـ ۱۹ | | ۲۲ | ۹ |

## یاد داشتهای سودمند

شیشه خارج شود پول سیاه را به حرکت میاورد و تا زمانی که هوای سرد برحرارت دستهای شما غلبه نکرده است این بازی شعبده امیز دوام خواهد داشت

***

دستمالی را بگیرید و بقدر چند سانتیمتر از سجاف حاشیه آن بشکافید و یك چوب کبریت در آن پنهان کنید سپس چوب کبریتی در وسط دستمال نهاده در برابر دوست خودتان از هرطرف روی هم نهاده تا کنیدوضمن تا کردن متوجه باشید که چوب کبریت داخل سجاف دستمال در کدام



طرف قرار گرفته آن جهة دستمال را که چوب مذکور محسوس است به رفیق خود بدهید و بگوئید آنرا بافشاردست از وسط بشکند وسپس دستمال را باز کنید با کمال تعجب ملاحظه میشود چوب کبریتی که در وسط دستمال بوده و رفیق شما تصور

سر بلندی و افتخار بکمال است نه بمال و جمال

## اردیبهشت ـ صفر

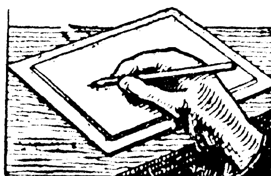
| ایام | اردیبهشت | صفر | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۵ شنبه | ۱ | ۲۰ | ۱۹ | ۹ |
| اربعین ـ تعطیل | | | | |
| جمعه | ۲ | ۲۱ | ۱۷ | ۹ |
| شنبه | ۳ | ۲۲ | ۱۵ | ۹ |
| ۱ شنبه | ٤ | ۲۳ | ۱۳ | ۹ |
| تاجگذاری | | | | |
| ۲ شنبه | ۵ | ۲٤ | ۱۰ | ۹ |
| ۳ شنبه | ٦ | ۲۵ | ۸ | ۹ |
| ٤ شنبه | ۷ | ۲٦ | ۵ | ۹ |
| ۵ شنبه | ۸ | ۲۷ | ۳ | ۹ |
| شهادت امام رضا (ع) | | | | |

## یاد داشتهای سودمند

کرده است که آنرا شکسته سالم ودست نخورده باقی مانده است .

***

هر گاه بخواهید مطالب عاشقانه یا شوخی را بنحوی بطرف خود برسانید که دیگران از آن مطالع نشوند باید کاغذ را در آب پاکی بزنید و سپس روی صفحهٔ مسطحی از قبیل سنگ یا آئینه پهن کنید



و یك ورق کاغذ خشك دیگر روی آن بیاندازید و بامداد محکم بفشار روی کاغذ خشك مطلب رابنویسید درنتیجه کلمات روی ورقهٔ مرطوب منقوش میشود بعد ورقه راخشك کنید هر وقت آن صفحه رادر آب فرو برند مطلب آن قابل قرائت میشود

***

دستمال سفرهٔ خودرا چهارتا کرده روی میز بگذارید سپس چاقوئی وسط دستمال نهاده یك لای آن را بطور سه گوش بر روی دو

مصاحبی اختیار کن کـه از او نکوگویند نه از وی دوری جویند

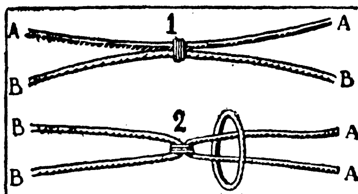
| اردیبهشت ـ صفر | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ایام | اردیبهشت | صفر | اذان صبح د | اذان صبح س |
| جمعه | ۲۸ | ۹ | ۱ | ۹ |
| شهادت امام حسن ـ تعطیل | | | | |
| شنبه | ۲۹ | ۱۰ | ۵۹ | ۸ |
| رحلت حضرت رسول (ص) | | | | |
| ۱ شنبه | ۳۰ | ۱۱ | ۵۷ | ۸ |
| ۲ شنبه | ۱ | ۱۲ | ۵٤ | ۸ |
| ربیع الاول | | | | |
| ۳ شنبه | ۲ | ۱۳ | ۵۲ | ۸ |
| ٤ شنبه | ۳ | ۱٤ | ۵۰ | ۸ |
| ۵ شنبه | ٤ | ۱۵ | ٤۸ | ۸ |
| جمعه | ۵ | ۱٦ | ٤٦ | ۸ |

## یاد داشتهای سودمند

لای سمت دیگر دستمال بر گردانید بقسمی که لا اقل یك سانتیمتر حدود دو لای مذکور بزرگتر باشد درینموقع دستمال را از طرف سه لای تاشده لوله کنید همینکه لوله مذکور را دوباره باز کنید چاقو بجای آنکه در لای دستمال باشد بر روی دستمال ظاهر میشود

***

دو رشته نخ محکم را بطوریکه در نقشهٔ نمرهٔ ۲ ملاحظه میشود بهم به بندید که بصورت




نقشه نمرهٔ ۱ در آید و معلوم نباشد که هر دو سر از وسط یکی است و از دیگری جداست درینحال از دوستان خود خواهش کنید که هر یك حلقه انگشتری خود را بهر یك از دو سر نخ مذکور که میخواهند بیاندازند و پشت هر حلقه هم بطوریکه در نقشهٔ نمرهٔ ۳ ملاحظه میشود نخ را گره بزنند و دو نفر آنها هر یك یك سر نخ را در دست بگیرند شما دستمالی روی نخ انداخته در زیر

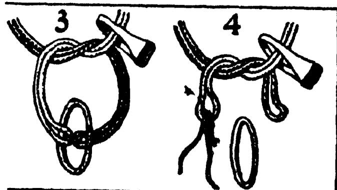
بغیر اهل فضل و معنی دل مبند که تو نیز چنان شوی

## اردیبهشت - ع ۱

| ایام | اردیبهشت | [illegible] | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| شنبه | ۱۷ | ۶ | ٤٤ | ۸ |
| ۱ شنبه | ۱۸ | ۷ | ٤۲ | ۸ |
| ۲ شنبه | ۱۹ | ۸ | ٤۱ | ۸ |
| ۳ شنبه | ۲۰ | ۹ | ۳۸ | ۸ |
| ٤ شنبه | ۲۱ | ۱۰ | ۳٦ | ۸ |
| ۵ شنبه | ۲۲ | ۱۱ | ۳٤ | ۸ |
| جمعه | ۲۳ | ۱۲ | ۳۲ | ۸ |
| شنبه | ۲٤ | ۱۳ | ۳۰ | ۸ |

## یاد داشتهای سودمند

دستمال نخی را که در وسط دو رشته بسته اید باز کنید مانند نقشهٔ نمرهٔ ٤ نخ از وسط ازاد شده حلقه ها یکی بعد از دیگری از نخ




خارج میشود درحالتیکه دوسر نخ را دوستان شما هنوز محکم در دست نگاهداشته اند!

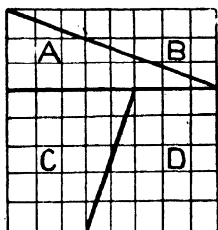
$$۸ \times ۸ = ٦۵ \;!$$

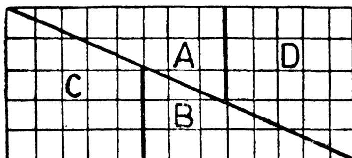
آنچه تا کنون خوانده وشنیده شده ۸×۸ میشود ٦٤ ولی بموجب حساب نقشه ذیل ۸×۸ میشود ٦۵ ! باید مربعی رسم کنیم که هرضلع آن چهار سانتیمتر باشد و آن را به ٦٤ خانهٔ میلیمتری قسمت کنیم وبعد مربع مذکورا بدو مثلث a و b که در قسمت بالای نقشه قرار گرفته ودوچهار ضلعی c و d قسمت کنیم بدین ترتیب دیگر مربعی وجود ندارد بلکه این مجموعایك مستطیلی شده است دراینموقع اگر خانهای جدول را که ۸×۸ بوده شماره کنیم خواهیم دید که ٦۵ خانه است و دراولین نظر هیچگونه اشکالی هم بر آن

| اردیبهشت - ع ۱ | | | |
|---|---|---|---|
| ایام | اردیبهشت | ربیع ۱ | اذان صبح |
| | | | س / د |
| ۱ شنبه - ۲۵ | ۱۴ | ۲۸ | ۸ |
| ۲ شنبه - ۲۶ | ۱۵ | ۲۶ | ۸ |
| ۳ شنبه - ۲۷ | ۱۶ | ۲۴ | ۸ |
| ٤ شنبه - ۲۸ | ۱۷ | ۲۲ | ۸ |
| مولود حضرت رسول - تعطیل | | | |
| ۵ شنبه - ۲۹ | ۱۸ | ۲۰ | ۸ |
| جمعه - ۳۰ | ۱۹ | ۱۸ | ۸ |
| شنبه - ۳۱ | ۲۰ | ۱۶ | ۸ |

## یاد داشتهای سودمند

وارد نیست وچنان ظاهر میشود که حقیقة باید ۶۵ = ۸×۸ باشد در صورتیکه این فقط ناشی




از یك اشتباه علمی است که هر قدر هم مقیاس بزرگتر شود فاحش تر خواهد شد!

## باغ وحش اقلیدس

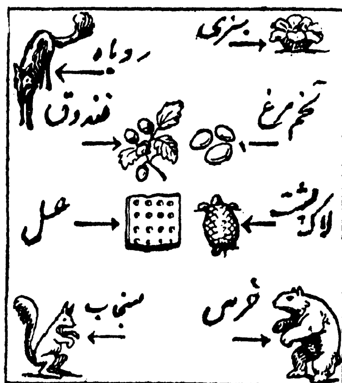
قارئین محترم اطلاع دارند که اقلیدس یکی ازفحول علماء هندسه در یونان باستان بوده نقشه ذیل از تفریحات و تفننات خود اقلیدس میباشد که روزی یکی از دوستانش بچه‌خرسی باو تقدیم میکند وسپس روباهی آورده و بعد لاك‌پشت و سنجابی هم بانها ضمیمه میکند یعنی چهار حیوان ناساز گار را یك جا باقلیدس میدهد در ینموقع اقلیدس برای نگاهداری

## خورداد - ع ۱

| ایام | خورداد | ربیع | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| ۱ شنبه | ۱ | ۲۱ | ۱٤ | ۸ |
| ۲ شنبه | ۲ | ۲۲ | ۱۲ | ۸ |
| ۳ شنبه | ۳ | ۲۳ | ۱۰ | ۸ |
| ٤ شنبه | ٤ | ۲٤ | ۹ | ۸ |
| ۵ شنبه | ۵ | ۲۵ | ۸ | ۸ |
| جمعه | ٦ | ۲٦ | ٦ | ۸ |
| شنبه | ۷ | ۲۷ | ۵ | ۸ |
| ۱ شنبه | ۸ | ۲۸ | ۳ | ۸ |

## یادداشتهای سودمند

آنها در فضای مربعی چهار منزل در جوار هم برای حیوانات مذکور آماده کند که




هر یك با خوراك خود در کنار دیگری جای گیرد بدون آنکه آسیبی بدیگری برساند

این نقشه برای اقلیدس فقط دو انحنا بود حال این دو انحنا را بر طبق نقشهٔ ذیل در نظر بگیرید در عین حال غذای حیوانات را هم متوجه باشید که تخم مرغ مخصوص روباه وسبزی برای لاك پشت وعسل برای خرس و فندق برای سنجاب است ·

حیوانات را با خوراکشان درمحلی قرار دهید که هم نزدیك هم باشند وهم نتوانند بیکدیگر دست یافته آسیبی برسانند ·

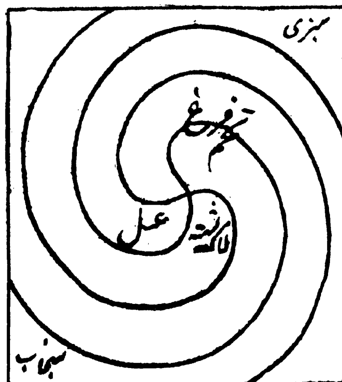
بی مطالعه و دقت بکاری اقدام مکن که هرچه باشد موجب ندامت شود

## خورداد ـ ع ۲

| ایام | خورداد | ربیع | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۲ شنبه | ۹ | ۲۹ | ۲ | ۸ |
| ۳ شنبه | ۱۰ | ۱ | — | ۸ |
| **ربیع الثانی** | | | | |
| ٤ شنبه | ۱۱ | ۲ | ۵۹ | ۷ |
| ۵ شنبه | ۱۲ | ۳ | ۵۷ | ۷ |
| جمعه | ۱۳ | ٤ | ۵٦ | ۷ |
| شنبه | ۱٤ | ۵ | ۵۵ | ۷ |
| ۱ شنبه | ۱۵ | ٦ | ۵٤ | ۷ |
| ۲ شنبه | ۱٦ | ۷ | ۵۲ | ۷ |

## یادداشتهای سودمند

ذیلا نقشه اقلیدس بنظر خوانندگان میرسد و ممکن است راه های دیگری هم داشته




باشد که خوانندگان ما خواهند یافت .

### بازی ورق

یکدسته ورق را دو قسمت کنید یکی از طاق و یکی از جفت بد بنظر یق که تمام خالهای جفت را با صور تهای تمام رخ یك دسته کنید و تمام خالهای طاق را باصورت های نیم رخ یکدسته دیگر و هر دو دسته را بگذارید نزد رفیق خود و از اطاق خارج شوید و بگوئید که یك ورق از هر دسته که بخواهند بردا شته بدسته دیگری بگذارند وسپس داخل شوید وملاحظه کنید کدام ورق طاق یا جفت است که بدسته دیگر

بکاری که مربوط بتو نیست دخیل مشو که زیان خواهی برد

| یاد داشتهای سودمند | خورداد ـ ع ۲ |
|---|---|

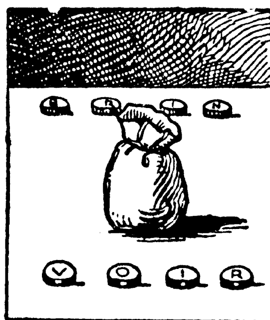
| ایام | خورداد | ربیع ۲ | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۳ شنبه | ۱۷ | ۸ | ۵۱ | ۷ |
| ۴ شنبه | ۱۸ | ۹ | ۵۰ | ۷ |
| ۵ شنبه | ۱۹ | ۱۰ | ۵۰ | ۷ |
| جمعه | ۲۰ | ۱۱ | ۴۹ | ۷ |
| شنبه | ۲۱ | ۱۲ | ۴۸ | ۷ |
| ۱ شنبه | ۲۲ | ۱۳ | ۴۷ | ۷ |
| ۲ شنبه | ۲۳ | ۱۴ | ۴۷ | ۷ |
| ۳ شنبه | ۲۴ | ۱۵ | ۴۶ | ۷ |

داخل شده همان ورق را نشان بدهید موجب حیرت دوستان شما خواهد شد .

## بازی با حروف

برای هر بازی کننده یك سری ازمجموع حروف الفبا . لازم است که درظرفی ریخته درمقابل بازی کنندگان قرار دهند .

هریك ازآنها یك حرف ازظرف حروف برمیدارند و مکلفند که آن را حرف اول کلام با معنائی قرار دهند و برای تشکیل آن کلمه با سرعت حروف دیگران را از



ظرف حروف بر داشته کلام را در مقابل خود بنویسند ـ هر کس زود تر و بهتر و کم حرف تر و پر معنی تر کلام خودرا انتخاب کند و بنویسد بازی را برده است

این سر گرمی درعین حال سرعت انتقال

## خورداد ـ ع ۲

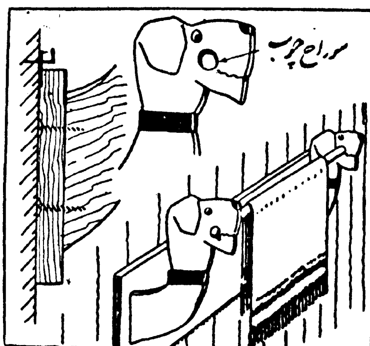
| ایام | خورداد | ربیع ۲ | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| ٤ شنبه | ۲۵ | ۱٦ | ٤٦ | ۷ |
| ٥ شنبه | ۲٦ | ۱۷ | ٤٦ | ۷ |
| جمعه | ۲۷ | ۱۸ | ٤٦ | ۷ |
| شنبه | ۲۸ | ۱۹ | ٤٥ | ۷ |
| ۱ شنبه | ۲۹ | ۲۰ | ٤٥ | ۷ |
| ۲ شنبه | ۳۰ | ۲۱ | ٤٥ | ۷ |
| ۳ شنبه | ۳۱ | ۲۲ | ٤٥ | ۷ |

## یادداشتهای سودمند

وقریحه اطفال و ذوق اشخاص‌را تحریك و تقویت میکنند .

### جای دستمال بچگانه

برای ایجادمسرت دراطفال وسایل عدیده باید بکار برد از جمله آنست که برای‌جای دستمال و حولهٔ اطفال در اطاق یك تخته بعرض ۲۰ یا ۳۰ سانتیمتر وطول درگاه اطاق یا روشوئی بوسیله حلقه و میخ باید




آویخت و بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود ازهرحیوانی که دوست‌دارند یامقبول باشد سر چوبی بسازند ودرطرفین تخته آویخته با میخ نصب کنند و در حالیکه سوراخی از دهان حیوانات باز کرده باشند یك چوب گردی از آن بگذرانند و در دو سرچوب

## تیرماه - ع ۲

| ایام | [illegible] | [illegible] | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۴ شنبه | ۱ | ۲۳ | ۴۵ | ۷ |
| ۵ شنبه | ۲ | ۲۴ | ۴۵ | ۷ |
| جمعه | ۳ | ۲۵ | ۴۵ | ۷ |
| شنبه | ۴ | ۲۶ | ۴۵ | ۷ |
| ۱ شنبه | ۵ | ۲۷ | ۴۵ | ۷ |
| ۲ شنبه | ۶ | ۲۸ | ۴۶ | ۷ |
| ۳ شنبه | ۷ | ۲۹ | ۴۶ | ۷ |
| ۴ شنبه | ۸ | ۳۰ | ۴۶ | ۷ |

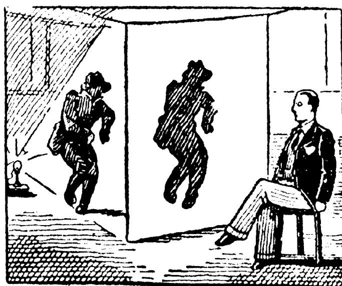
## یاد داشتهای سودمند

مذکورهم میتوان یک‌چوب کرد یا کلولهٔ فلزی نصب کرد و حولهٔ اطفال را بر روی آن آویخت که موجب مسرت وسر گرمی ودرعین حال دلبستگی اطفال بنظافت باشد

### سینمای بچگانه

این بازی سابقا درخارجه هم معمول بوده وباید آن را مقدمهٔ پیدایش سینما دانست درین بازی شخص بازی کننده باید بادقت مراقب بازی باشد.

یك پارچهٔ سفیدی دروسط اطاق به‌نحوی باید آویخت که اطاق را بدوقسمت منقسم کند ویکی از بازی کن ها باید طوری در



پشت این پرده بنشیند که تمام صفحه‌پارچه را مشاهده کند درعین آنکه نتواند پشت پرده را به بیند

نکوئی با بدان کردن چنانست که بد کردن بجای نیک مردان

| تیر ماه - ج ۱ | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ایام | ۱۳۱۷ | [illegible] | اذان صبح د | اذان صبح س |
| ۵ شنبه | ۹ | ۱ | ۴۷ | ۷ |
| جمعه | ۱۰ | ۲ | ۴۷ | ۷ |
| شنبه | ۱۱ | ۳ | ۴۸ | ۷ |
| ۱ شنبه | ۱۲ | ۴ | ۴۹ | ۷ |
| ۲ شنبه | ۱۳ | ۵ | ۵۰ | ۷ |
| ۳ شنبه | ۱۴ | ۶ | ۵۰ | ۷ |
| ۴ شنبه | ۱۵ | ۷ | ۵۱ | ۷ |
| ۵ شنبه | ۱۶ | ۸ | ۵۲ | ۷ |

## یادداشتهای سودمند

در پس پرده بازی کن دیگر به نحوی قرار خواهد گرفت که بین آن وپرده شمع یاچراغی روشن باشد شخصی که در پشت پرده نشسته باید آن بازی کننده را ازسایهٔ او که درروی پرده منعکس میشودتشخیص دهد که کیست واین تشخیص کارسهلی نیست چه اینکه بازی کنندهٔ مذکور سعی خواهد کرد نیم رخ خودرا تغییرداده باحرکات مختلف اسباب اشتباه بیننده را فراهم کند مخصوصاآنکه بازی کن مذکور بازرنگی وچابکی خودرا بابازی کنهای دیگری که در کنار اطاق منتظرندبنوبت بازی کنندعوض میکنند بنابر این تشخیص بازی کننده بسیار مشکل است واین یك بازی سر گرم کننده و شیرینی خواهد بود

### مکالمه بچگانه

برای سر گرمی وتفریح اطفال پرستاران و مادران مهربان وخوش ذوق باید وسایل مختلف فراهم کنند ازجمله آنکه باطفال بیاموزند که با مبادلهٔ کلامهای مختلف مدتی خود را مشغول کنند و در یك نقطه نشسته باشندمثلا کلامی انتخاب کنند که باحروف سه یا چهار کلام دیگر قابل مبادله باشد بدینطریق که حروف آخر کلام اول

گناهکار واقعی را بعقوبت خودگذار که بنای گناهکاری نگذاری

## تیر ماه - ج ۱

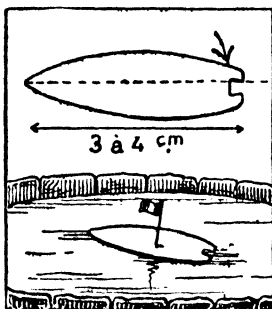
| ایام | | | اذان صبح | |
|---|---|---|---|---|
| | | | د | س |
| جمعه - ۱۷ - ۹ | | | ۵۲ | ۷ |
| شنبه - ۱۸ - ۱۰ | | | ۵٤ | ۷ |
| ۱ شنبه - ۱۹ - ۱۱ | | | ۵٦ | ۷ |
| ۲ شنبه - ۲۰ - ۱۲ | | | ۵۷ | ۷ |
| ۳ شنبه - ۲۱ - ۱۳ | | | ۵۸ | ۷ |
| وفات حضرت فاطمه | | | | |
| ٤ شنبه - ۲۲ - ۱٤ | | | — | ۸ |
| ۵ شنبه - ۲۳ - ۱۵ | | | ۱ | ۸ |
| جمعه - ۲٤ - ۱٦ | | | ۲ | ۸ |

## یادداشتهای سودمند

حرف اول کلام دوم وحرف آخر کلام دوم حرف اول کلام سوم وحرف آخر کلام سوم را حرف اول کلام چهارم قرار دهند درصورتیکه حرف آخر کلام چهارم حرف اول کلام اولی باشد مثل : **بزم - مال - لب** که درتبدیل سه کلمه حاصل میشود بهمین طریق ممکن است ساعتها اطفال خود را باخنده و مسرت سر گرم کنید بدون آنکه ناچار باشید پیوسته آنها را ازحرکات غیر ارادی خودشان بازدارید وموجب کدورت خاطر آنها شوید

### کشتی بچگانه

باید از یك ورق کاغذی که بااوراق نازك قلع توام باشد (مثل لفاف قوطی چای) یك




زرورق کوچکی برید که طول آن از ۳ تا ٤ سانتیمتر باشد وسپس ظرفی راازآب

اگر بیگناهی را گرفتاردیدی درخلاصیش بکوش تادر خلاصی تو بکوشند

## تیر ماه - ج ۱

| ایام | تیر ماه | ج ۱ | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| شنبه | ۲۵ | ۱۷ | ٤ | ۸ |
| ۱ شنبه | ۲٦ | ۱۸ | ٦ | ۸ |
| ۲ شنبه | ۲۷ | ۱۹ | ۷ | ۸ |
| ۳ شنبه | ۲۸ | ۲۰ | ۸ | ۸ |
| ٤ شنبه | ۲۹ | ۲۱ | ۱۰ | ۸ |
| ۵ شنبه | ۳۰ | ۲۲ | ۱۱ | ۸ |
| جمعه | ۳۱ | ۲۳ | ۱۲ | ۸ |

## یادداشتهای سودمند

پر کنید و آن را در آن ظرف بگذارید واطفال کو چك خود را سر گرم کنید درشکافی که آخر این کشتی قرارمیدهید و در نقشه مشاهده میشود باید یك قطعه کافور که از دو تا سه میلیمتر قطر آن باشد بدان نصب کرد در نتیجه کشتی را آهسته آهسته در آب حرکت میدهد و هر وقت خواستید از حرکت کشتی جلو گیری کنید بدون آنکه دست بکشتی زده باشید سوزنی را با چربی آلوده کنید و درمقابل کشتی در آب فرو برید کشتی فوراً متوقف میشود و برای آنکه ثانیاً حرکت کند مسیر آنرا تغییر بدهید . و چنانکه مشاهده میشود ممکن است بیرق کوچکی هم برآن مزید کنید و با موم بزورق متصل نمائید .

### کشتی دیگر

کشتی دیگری نیز بشکل ذیل برای سر گرمی اطفال میتوان ساخت ولی باید در جریان آب انداخت یا اگر درآب را کد باشد آب را درعقب کشتی بحرکت آورد طریق ساختمان آن این است که قطعهٔ ئی از چوب کاج باید گرفت که درآب نپوسد

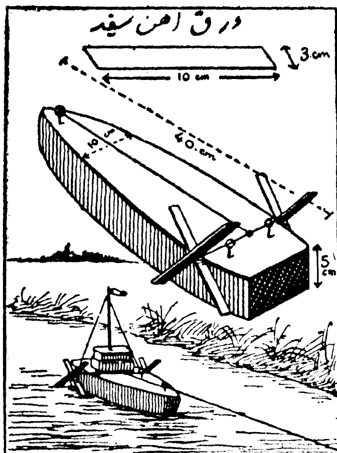
با دشمن دوست دوستی مکن که دوست خودرا دشمن خویش ساخته ئی

## امرداد ـ ج ۱

| ایام | | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|
| شنبه ـ ۱ ـ ۲۴ | | ۱۴ | ۸ |
| ۱ شنبه ـ ۲ ـ ۲۵ | | ۱۶ | ۸ |
| ۲ شنبه ـ ۳ ـ ۲۶ | | ۱۸ | ۸ |
| ۳ شنبه ـ ٤ ـ ۲۷ | | ۲۰ | ۸ |
| ٤ شنبه ـ ٥ ـ ۲۸ | | ۲۲ | ۸ |
| ٥ شنبه ـ ٦ ـ ۲۹ | | ۲٤ | ۸ |
| جمعه ـ ۷ ـ ۱ | | ۲٦ | ۸ |
| **جمادی الثانی** | | | |
| شنبه ـ ۸ ـ ۲ | | ۲۸ | ۸ |

## یادداشتهای سودمند

و بطریقی که در نقشه ملاحظه میشود بهر اندازه که محل نظر است برید و با میخ




های ریز بهم وصل کرد در جلو و طرفین کشتی نیز دو حلقه به پیچ نصب میکنند که رشتهٔ از آنها گذرا نیده در کنار آب بدرخت یا حائل دیگری به بند ند .

### اسب آقا کوچولو

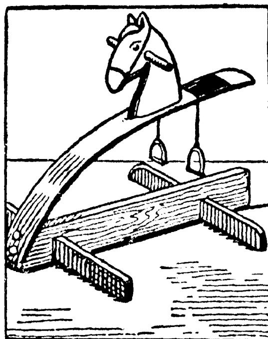
هر آقا کوچولوئی که ذوق اسب سواری دارد و حتماً سفا نه بچها تی نمی تواند اسب داشته باشد باید در حضور خودش اسبهائی بسازید که وسیله سر گرمی کم خرجی برای طفل فراهم کرده باشید

## امرداد ـ ج ۲

| ایام | امرداد | ج ۲ | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| ۱ شنبه | ۹ | ۳ | ۳۰ | ۸ |
| ۲ شنبه | ۱۰ | ٤ | ۳۲ | ۸ |
| ۳ شنبه | ۱۱ | ٥ | ۳٤ | ۸ |
| ٤ شنبه | ۱۲ | ٦ | ۳٦ | ۸ |
| ٥ شنبه | ۱۳ | ۷ | ۳۸ | ۸ |
| جمعه | ۱٤ | ۸ | ٤۱ | ۸ |
| جشن مشروطیت ـ تعطیل | | | | |
| شنبه | ۱٥ | ۹ | ٤۳ | ۸ |
| ۱ شنبه | ۱٦ | ۱۰ | ٤٥ | ۸ |

## یادداشتهای سودمند

اسب را بطریق ذیل باید ساخت ؛
قبلا باید یك تیغهٔ فنری یا یك قسمت فنر شکسته بی‌مصرف ساعت یا بالاخره یکقطعه



فنر محکم فراهم کرد ـ در یك سر فنر باید دو سوراخ قرار داد که به یك تخته میخ شود بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود
قطعه چوبی که فنر مذکور بدان نصب میشود باید قدری بلند تر از تیغهٔ فنر باشد ولی دو قطعه ضامین کوچکتر خواهد بود که به تخته اصلی میخ شده است و نیز به طوریکه در نقشه ملاحظه میشود سوراخی از بنا گوش اسب باید باز کرد که یك چوب مدور از آن گذشته و در دوطرف سر اسب بجای افسار بدست اطفال بدهند دو رکاب نیز به رشتهٔ بسته و روی فنر

کسانیکه بخدا متوسل هستند از هیچ پیش آمدی ناراضی نخواهند بود

## مرداد - ج ۲

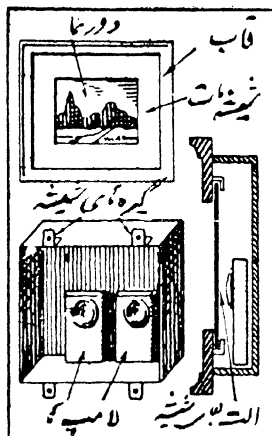
| ایام | | | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۱ شنبه | ۲۵ | ۱۹ | ٦ | ۹ |
| ٤ شنبه | ۲٦ | ۲۰ | ۸ | ۹ |
| مولود حضرت فاطمه (ع) | | | | |
| ٥ شنبه | ۲۷ | ۲۱ | ۱۰ | ۹ |
| جمعه | ۲۸ | ۲۲ | ۱۲ | ۹ |
| شنبه | ۲۹ | ۲۳ | ۱٤ | ۹ |
| ۱ شنبه | ۳۰ | ۲٤ | ۱٦ | ۹ |
| ۲ شنبه | ۳۱ | ۲٥ | ۱۸ | ۹ |

## یاد داشتهای سودمند

فاصله که لازم باشد روی چوب نصب کرده طفل را بر آن سوار میکنند در عین حال برای جلب نظر و توجه اطفال این اسب را هر روزی یا هر هفته وماهی میتوان بیک رنگ قشنگی در آورد

### شهر فرنگ خانگی

اگر بخواهید برای اطفال خود یك جعبه شهر فرنگ همیشه درخانه آماده داشته باشید بطریقی که درنقشه ذیل ملاحظه میشود یك جعبهٔ کوچکی بسازید که اضلاع آن ۳ یا ٤ سانتیمتر قطر داشته باشدو کاملا جفت ومحکم




باشد صفحهٔ مقابل آن راشیشه مات بگذارید

مشاجره با نا اهل و جاهل دل را مجروح میکند

| شهریور - ج ۲ | | | |
|---|---|---|---|
| ایام | شهریور | ۱۰ ر ۲ | اذان صبح د س |
| ۳ شنبه - ۱ | - ۲۶ | ۲۱ | ۹ |
| ٤ شنبه - ۲ | _ ۲۷ | ۲۳ | ۹ |
| ۵ شنبه - ۳ | _ ۲۸ | ۲۵ | ۹ |
| جمعه - ٤ | _ ۲۹ | ۲۷ | ۹ |
| شنبه - ۵ | _ ۳۰ | ۳۰ | ۹ |
| ۱ شنبه - ٦ | - ۱ | ۳۲ | ۹ |
| رجب | | | |
| ۲ شنبه - ۷ | - ۲ | ۳۵ | ۹ |
| ۳ شنبه - ۸ | - ۳ | ۳۷ | ۹ |

## یادداشتهای سودمند

و دروسط جعبه دو چوب بکف جعبه نصب کنید که آلت بندی شده و بتوانید شیشه عکس را دروسط آن قرار دهید

دروسط تخته عقب این جعبه دو لامپ کوچك الکتریك با ید نصب کرد که سیم آن ازداخل جعبه وصل شده ودارای تکمهٔ کوچکی باشد که در خارج جعبه کار گذارده شده است تاهروقت شیشه عکس را برای تماشا درجای خود میگذارید یافیلم عکس را بین دو شیشه قرار داده در جای خود میگذارید چراغ را روشن کنید تا منظره از شیشه و فیلم بشیشه مات مقابل منعکس شده اسباب سر گرمی اطفال باشد

این لامپ ها را با قوه های خشك و چراغهای جیبی هم میتوان نصب و بسهولت استفاده کرد

## بازی با مهره

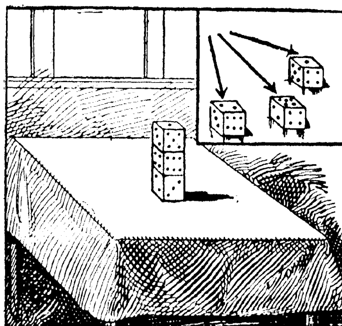
بطوریکه در نقشه ذیل ملاحظه میشود یك بازی مشغول کننده را با ورزش مخصوصی میتوان توام کرد بدینطریق که سه مهره را روی میز روی هم قرار میدهند و از دور با یك قطعه پول سفید یا پول سیاه مهره زیرین را میزنند که دو مهره دیگر

## شهریور - رجب

| ایام | شهریور | رجب | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| شنبه | ۹ | ۴ | ۴۰ | ۹ |
| ۵ شنبه | ۱۰ | ۵ | ۴۲ | ۹ |
| جمعه | ۱۱ | ۶ | ۴۵ | ۹ |
| شنبه | ۱۲ | ۷ | ۴۷ | ۹ |
| ۱ شنبه | ۱۳ | ۸ | ۵۰ | ۹ |
| ۲ شنبه | ۱۴ | ۹ | ۵۱ | ۹ |
| ۳ شنبه | ۱۵ | ۱۰ | ۵۵ | ۹ |
| ۴ شنبه | ۱۶ | ۱۱ | ۵۷ | ۹ |

## یادداشتهای سودمند

روی میز پرا کنده شود هر گاه شماره مهره‌ها رقم ۱۰ را نشان دهد بازی کننده باخته و نوبت بدیگری میرسد و یا نتواند با قطعه پول مهرهٔ زیرین را بزند باز بازی



نوبت دیگری است و الا هرچند عددی که متوالی یا متناوب روی مهره‌ها ظاهر شود بحساب برد بازی کننده محسوب میشود تا شماره آن بصد برسد درعین حال هر کس زودتر بحد نصاب رسید بازی را برده است

میز بازی باید در گوشه اطاق قرار گیرد که از دوجهة بتوان بازی کرد بدون آنکه پول یامهره ها بزمین بریزد این یك بازی فوق‌العاده شیرین و مشغول کننده است که در عین حال هم ورزش ملایمی است

بگفتار و کردار خود مغرور مشو که غرور منادی بدبختی است

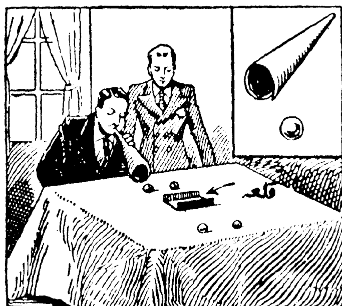
## شهریور - رجب

| ایام | شهریور | رجب | اذان صبح دقیقه | اذان صبح ساعت |
|---|---|---|---|---|
| ۵ شنبه | ۱۷ | ۱۲ | — | ۱۰ |
| جمعه | ۱۸ | ۱۳ | ۲ | ۱۰ |
| شنبه | ۱۹ | ۱۴ | ۵ | ۱۰ |
| ۱ شنبه | ۲۰ | ۱۵ | ۷ | ۱۰ |
| ۲ شنبه | ۲۱ | ۱۶ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۳ شنبه | ۲۲ | ۱۷ | ۱۲ | ۱۰ |
| ۴ شنبه | ۲۳ | ۱۸ | ۱۴ | ۱۰ |
| ۵ شنبه | ۲۴ | ۱۹ | ۱۷ | ۱۰ |

## یادداشتهای سودمند

### بیلیارد بادی

بطوریکه در نقشه‌ذیل ملاحظه میشود بازی بیلیارد را بادهان وتنفس هم میتوان انجام داد مثلا هر بازی کننده نی یك بوق مقوائی دارد و وبایك نفس قوی وشدیدمهرهٔ خودرا که آن نیز از مقوایافلز سبك مجوفی ساخته شده بجانب مهرهٔ طرف میراند تا آنجا که بانفس دوم گلوله‌طرف راازروی‌میز بیاندازد ومهرهٔ خودرا بداخل تخته‌ئی که باد وضاع




باریك وسط میز قرار گرفته جای دهد - بازی کننده نباید مستقیما گلوله خصم رااز میز بیاندازدمگر بواسطه گلولهٔ خودهمچنین بازی کننده فقط میتواند برای منظور خود بدور میز حرکت کند ولی نمیتواند روی میز خم شود یا بدست خود تکیه کند مهره

شهریور - رجب

| ایام | شهریور | رجب | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| جمعه | ۲۵ | ۲۰ | ۱۰۱۹ |
| شنبه | ۲۶ | ۲۱ | ۱۰۲۱ |
| ۱ شنبه | ۲۷ | ۲۲ | ۱۰۲۳ |
| ۲ شنبه | ۲۸ | ۲۳ | ۱۰۲۵ |
| ۳ شنبه | ۲۹ | ۲۴ | ۱۰۲۷ |
| ۴ شنبه | ۳۰ | ۲۵ | ۱۰۲۹ |
| ۵ شنبه | ۳۱ | ۲۶ | ۱۰۳۱ |

## یاد داشتهای سودمند

هائی که ازروی میز رانده شودتاپایان بازی دوباره روی میزنخواهدآمد مگر وقتی که خارج از اصول بازی از روی میز بخارج پرتاب شده باشد در اینصورت صاحب مهره حق داردمهرهٔ مذکور را دوباره روی میز بکار بیاندازدو برنده بالاخره کسی است که توانسته باشد مهره های طرف را از روی میز ریخته و مهره های خودرا درجعبهٔ وسط میز جای داده باشد

## راه پررنج و پرخطر

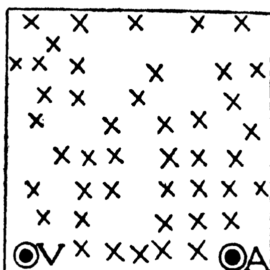
در یکی از روزهای خوب بهاری عازم دیدار یکی ازدوستان خوب خودهستیدولی میخواهید دست خالی بدیدن این دوست نرفته باشید و چون خیلی هم مشکل پسند است باید برای تهیهٔ یك هدیهٔ پسندیده و مقبولی تمام مغازه های شهر را جستجو کنید از نقطهٔ (V) که منزل شماست تانقطه (A) که منزل دوست شماخواهدبود دربین فاصله بطوریکه در نقشه ملاحظه میکنید این علامتها × همه مغازه های آراسته و قشنگی است که اشیاء خوب و مطلوب در آنها یافت میشود بنا برین از نقطه حرکت تا منزل دوست خودتان تمام این مغازه‌ها را گردش میکنید درصورتیکه

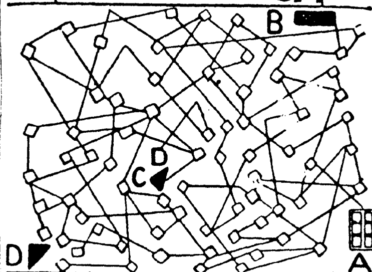
## مهر ماه ـ رجب

| ایام | ماه قمری | ماه شمسی | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| جمعه ـ ۱ | ـ ۲۷ | | ۱۰۳۳ |
| مبعث ـ سلام رسمی ـ تعطیل | | | |
| شنبه ـ ۲ | ـ ۲۸ | | ۱۰۳۵ |
| ۱ شنبه ـ ۳ | ـ ۲۹ | | ۱۰۳۸ |
| ۲ شنبه ـ ٤ | ـ ۱ | | ۱۰٤۰ |
| شعبان | | | |
| ۳ شنبه ـ ۵ | ـ ۲ | | ۱۰٤۱ |
| ٤ شنبه ـ ٦ | ـ ۳ | | ۱۰٤٤ |
| ۵ شنبه ـ ۷ | ـ ٤ | | ۱۰٤۷ |
| جمعه ـ ۸ | ـ ۵ | | ۱۰۵۰ |

## یاد داشتهای سود مند

برای انجام منظور دوبار از یك راه عبور نکنید هدیهٔ مطلوب را بدست خواهید آورد




***

شب مهتاب وفرح افزائی است بادوست خود بگردش میروید وسابقه‌دارید که درخط سیر شمایك نقطه‌خطرناکی (علامت b درنقشه) وجود دارد که باید از آن دوری کنید پس ازمحل (a) که اول خط سیرشما ست دربن راه وارد میشوید و دوست خود تا نرا تا نقطهٔ (d) مشایعت میکنید و بعد تنها از

زندگی را دربیست وچهارساعت روزوشب منظم کن تا ازآن لذت بری

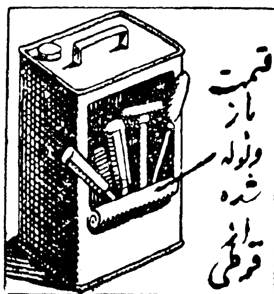
| ایام | مهر ماه | شعبان | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| شنبه | ۹ | ۶ | ۵۲ | ۱۰ |
| ۱ شنبه | ۱۰ | ۷ | ۵۴ | ۱۰ |
| ۲ شنبه | ۱۱ | ۸ | ۵۶ | ۱۰ |
| ۳ شنبه | ۱۲ | ۹ | ۵۹ | ۱۰ |
| ٤ شنبه | ۱۳ | ۱۰ | ۱ | ۱۱ |
| ۵ شنبه | ۱٤ | ۱۱ | ۳ | ۱۱ |
| جمعه | ۱۵ | ۱۲ | ٦ | ۱۱ |

## یادداشتهای سودمند

خط(c)داخل میشو یدو بمنزل خود که علامت d نقطه مقابل a میباشد مراجعت میکنید بدون آنکه از آن راه خطرناك عبور کرده باشید

## ساختمان جعبهٔ ابزار

برای صاحبان اتومبیل یا میکانیسین ها لازم است که همواره یك جعبهٔ کوچك برای ابزارهای دستی خود در دسترس داشته باشند بنا براین برطبق نقشه ذیل یك ظرف روغنی




را باز کرده داخل آن را با حلبی خانه بندی میکنند که هر نوع ابزار دستی کوچکی را میتوان در آن نهاد و در موقع ضرورت بسهولت وسرعت از آن استفاده کرد

## قالب گیری اشیاء سربی وقلعی

قبلا باید شیئی را که در نظر است ازموم ساخت و در یك قوطی حلبی قرار داد

سرانجام امور را از آغاز بنگر تادر آخر کار دچار پشیمانی نشوی

## مهر ماه ـ شعبان

| ایام | مهر ماه | شعبان | اذان صبح س | اذان صبح د |
|---|---|---|---|---|
| شنبه | ۱۶ | ۱۳ | ۱۱ | ۸ |
| ۱ شنبه | ۱۷ | ۱۴ | ۱۱ | ۱۰ |
| ۲ شنبه | ۱۸ | ۱۵ | ۱۱ | ۱۲ |
| مولود حضرت حجة ـ تعطیل | | | | |
| ۳ شنبه | ۱۹ | ۱۶ | ۱۱ | ۱۴ |
| ۴ شنبه | ۲۰ | ۱۷ | ۱۱ | ۱۷ |
| ۵ شنبه | ۲۱ | ۱۸ | ۱۱ | ۱۹ |
| جمعه | ۲۲ | ۱۹ | ۱۱ | ۲۰ |
| شنبه | ۲۳ | ۲۰ | ۱۱ | ۲۲ |

## یاد داشتهای سودمند

ودور آن‌را بادوغ آب گچ نرم وماسه نرم مخلوط پر کرد و سپس شیئی مومی را از وسط آن بر داشت درصورتیکه خارج کردن آن ازوسط دوغ آب مذکور مشکل باشد بایدقوطی‌راروی آتش گرفت همینکه گرم شود موم آب و از آن خارج میشود سپس برای امتحان ممکن است دوباره باموم آب




کرده قالب را پر کرد اگر شیئی بطور دلخواه قالب شده بود آنوقت باسرب یاقلع آب کرده قالب راپر کنید و شیئی مطلوب را بدست آورید

### ترمیم مجسمهٔ گچی

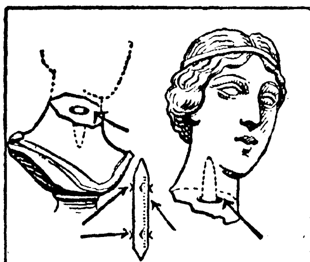
بطوریکه درنقشه ذیل مشاهده میشود یك میخك چوبی باید آماده کرد که مقداری

## مهر ماه ـ شعبان

| ایام | مهر ماه | شعبان | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۱ شنبه | ۲۴ | ۲۱ | ۱۱۲۵ |
| ۲ شنبه | ۲۵ | ۲۲ | ۱۱۲۷ |
| ۳ شنبه | ۲۶ | ۲۳ | ۱۱۲۹ |
| ۴ شنبه | ۲۷ | ۲۴ | ۱۱۳۲ |
| ۵ شنبه | ۲۸ | ۲۵ | ۱۱۳۴ |
| جمعه | ۲۹ | ۲۶ | ۱۱۳۶ |
| شنبه | ۳۰ | ۲۷ | ۱۱۳۸ |

## یادداشتهای سودمند

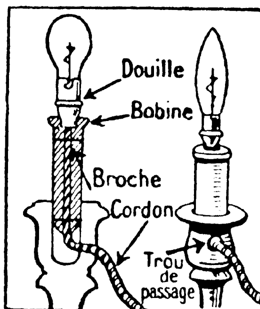
میخ ریز بان فرو کرده باشید و سوراخی در قسمت شکستگی مجسمه باز کنید که چوب



مذکور را در آن سوراخ بگذارید سپس بادوغ آب گچ آن سوراخ را پر کنید در حالتیکه کمی صمغ عربی در گچ داخل کنید

### شمعدانهای الکتریکی

درغالب خانها شمعدانها وسه شاخهاوچار ها وچهل چراغهای زیادی یافت میشود که




دراین عصر بصورت سابق قابل استفاده نیست

کسب معاش کن بقدرامکان نه بحد طمع که درطلب بسیار از نصیب کم نیز باز مانی

## ابانماه ـ شعبان

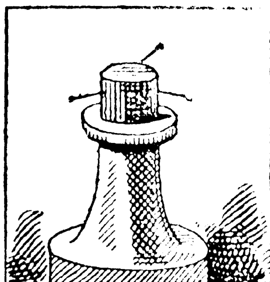
| ایام | روز ماه قمری | روز ماه شعبان | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۱ شنبه | ۱ | ۲۸ | ۱۱۴۰ |
| ۲ شنبه | ۲ | ۲۹ | ۱۱۴۲ |
| ۳ شنبه | ۳ | ۱ | ۱۱۴۴ |
| رمضان | | | |
| ۴ شنبه | ۴ | ۲ | ۱۱۴۶ |
| مولود والاحضرت ولایتعهد تعطیل مدارس | | | |
| ۵ شنبه | ۵ | ۳ | ۱۱۴۸ |
| جمعه | ۶ | ۴ | ۱۱۵۰ |
| شنبه | ۷ | ۵ | ۱۱۵۲ |
| ۱ شنبه | ۸ | ۶ | ۱۱۵۴ |

## یادداشتهای سودمند

هر گاه بترتیب بالا آنها را بمشعل های الکتریکی مبدل کنند بسیار زیبا و تماشائی وقابل استفاده و بس گرانبها خواهد بود بدینصورت که باید گذراندسیم الکتریك را ازجای شمع وسر پیچ لامپ بدان وصل کرد وبجای شمع لامپهای سفید یا الوان در آن نهاد که هنگام شب فروغ وشکوه مخصوصی بسالن پذیرائی می بخشد

### تشخیص ادویه درتاریکی

غالبا دواسازها وعکاسها و گراورسازها در تاریك خانه شیشه های عدیدة با ادویهٔ مختلفه دارند که هنگام استعمال اکثر دچار اشتباه میشوند که گاه گادبی نهایت خطرناك و مضر واقع میشود یك دستور خیلی ساده



این مخاطرات را بکلی دور میکند و آن این است که برروی چوب پنبه های سرشیشه

## بانماه ـ رمضان

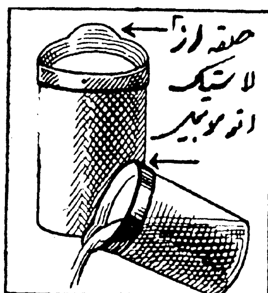
| ایام | ماه | رمضان | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۲ شنبه | ۹ | ۷ | ۵۶ | ۱۱ |
| تغییر سلطنت | | | | |
| ۳ شنبه | ۱۰ | ۸ | ۵۷ | ۱۱ |
| ۴ شنبه | ۱۱ | ۹ | ۵۹ | ۱۱ |
| ۵ شنبه | ۱۲ | ۱۰ | ۱ | ۱۲ |
| جمعه | ۱۳ | ۱۱ | ۳ | ۱۲ |
| شنبه | ۱۴ | ۱۲ | ۵ | ۱۲ |
| ۱ شنبه | ۱۵ | ۱۳ | ۶ | ۱۲ |

## یادداشتهای سودمند

پونز یا میخ سر پهن وسر گرد وسنجاقهای بلوری و زنجیر دار فرو برند و هریك را بحافظه بسپارند که متعلق بکدام دو است و چون زیاد نیست بزودی علائم مذکور ملکه شده درموقع استعمال اشتباه وخطری ایجاد نخواهد شد

### ریختن مایعات ازشیشه

گاه گاه برای ریختن مایعات از شیشهٔ بشیشه دیگر ایجاد زحمت میشود ومقداری از آن نیزازدست میرود با یك قطعه لاستیك را حلقه وار ببرید ونوکی بدان داد وبانخی محکم بدهانه شیشه بست درینصورت مایع را




بشیشه دیگر میتوان ریخت بدون آنکه قطرهٔ از آن بریزد وهرقدرهم مایع فاسد کننده باشد لاستیك رابزودی خراب نخواهد کرد

تبسم وخلق خوش نمك گفتار وکردار است هیچگاه ترش‌رو وبی‌نمك مباش

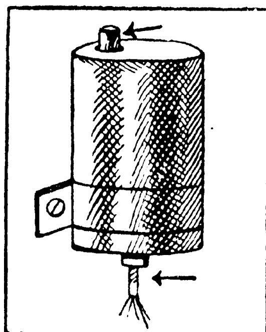
## آبانماه ـ رمضان

| ایام | آبان ماه | رمضان | اذان صبح (س د) |
|---|---|---|---|
| ۲ شنبه | ۱۶ | ۱۴ | ۱۲ ۸ |
| ۳ شنبه | ۱۷ | ۱۵ | ۱۲ ۱۰ |
| ٤ شنبه | ۱۸ | ۱٦ | ۱۲ ۱۲ |
| ۵ شنبه | ۱۹ | ۱۷ | ۱۲ ۱۳ |
| جمعه | ۲۰ | ۱۸ | ۱۲ ۱۵ |
| شنبه | ۲۱ | ۱۹ | ۱۲ ۱۷ |
| ضربت خوردن حضرت امیر ـ تعطیل | | | |
| ۱ شنبه | ۲۲ | ۲۰ | ۱۲ ۱۸ |
| ۲ شنبه | ۲۳ | ۲۱ | ۱۲ ۲ |
| شهادت حضرت امیر ـ تعطیل | | | |

## یادداشتهای سودمند

### صابون مایع

هر گاه بخواهید بالای روشوئی خود وسیلهٔ داشته باشید که صابون مایع را بمقدار لازم دردست شما بگذارد و بسهولت دست و صورت خود را شستشو دهید ممکن است یك قوطی حلبی بشکل ذیل بسازید که در زیر آن یك لوله قرارداشته باشد که بمجرد اشاره دست وفشار بداخل قوطی صابون از



آن خارج شود ـ این قوطی را ممکن است با زنجیر در بالای روشوئی نصب کنید و هر چند روز یکمرتبه مقداری صابون در آن بریزید .

### تشخیص تخم مرغ تازه

نقشهٔ ذیل آلتی است برای امتحان تخم

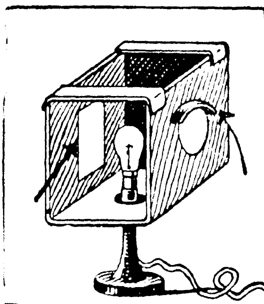
دوست هم اسرار تو را فاش خواهد کرد زنهار بهیچکس اظهار راز مکن

## بانماه ـ رمضان

| ایام | ماه ایران | رمضان | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۳ شنبه | ۲۴ | ۲۲ | ۱۲۲۱ |
| ۴ شنبه | ۲۵ | ۲۳ | ۱۲۲۳ |
| روز عزا ـ تعطیل | | | |
| ۵ شنبه | ۲۶ | ۲۴ | ۱۲۲۴ |
| جمعه | ۲۷ | ۲۵ | ۱۲۲۶ |
| شنبه | ۲۸ | ۲۶ | ۱۲۲۷ |
| ۱ شنبه | ۲۹ | ۲۷ | ۱۲۲۸ |
| ۲ شنبه | ۳۰ | ۲۸ | ۱۲۳۰ |

## یادداشتهای سودمند

مرغ تازه که ترکیب شده از یك مقوای ضخیم ۵۰ در ۲۰ سانتیمتر و تا شده ـ درته این مقوا سوراخی است برای قرار دادن یك لامپ الکتریك و روی یك پایه کوچك چوبی قرار گرفته است یك چراغ کوچك ده شمعی برای این کاو کاوی است در یك طرف مقوا سوراخ بیضی شکلی برای جای دادن تخم مرغ باز میکنند ودر



طرف دیگر یك قطعه حلبی سفید براق نصب میکنند که نور را منعکس کند بالاخره تخم مرغ را در سوراخ مذکور نهاده چراغ را روشن میکنند وباین واسطه می توانند تخم تازه را از کهنه و فاسد تمیز دهند البته این امتحان در جای کم نوری بعمل آید نتیجه بهتر خواهد بود

مال پرستان را بخیال خود گذار که دوست پرست نخواهد شد

## آذرماه - رمضان

| ایام | آذرماه | رمضان | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ۳ شنبه | ۱ | ۲۹ | ۳۱ | ۱۲ |
| ٤ شنبه | ۲ | ۳۰ | ۳۲ | ۱۲ |
| ٥ شنبه | ۳ | ۱ | ۳٤ | ۱۲ |
| **شوال** عید فطر - تعطیل | | | | |
| جمعه | ٤ | ۲ | ۳٥ | ۱۲ |
| شنبه | ٥ | ۳ | ۳٦ | ۱۲ |
| ۱ شنبه | ٦ | ٤ | ۳۷ | ۱۲ |
| ۲ شنبه | ۷ | ٥ | ۳۸ | ۱۲ |
| ۳ شنبه | ۸ | ٦ | ۳۹ | ۱۲ |

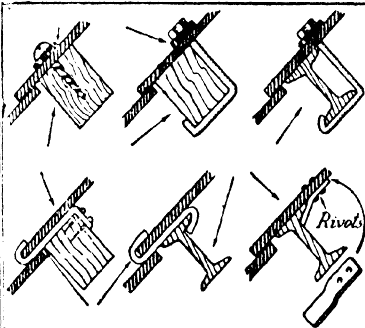
## یاد داشتهای سودمند

### پوشش کرکره ئی

از آهن های کرکره ئی که برای درب غالب مغازه ها ساخته میشود برای پوشش بام و سقف گاراژ ها و انبار نیز میتوان استفاده کرد

نهایت اینکه باید زیر کار سبکی از چوب داشته و با میخ ها و پیچ های محکمی نصب کنند که هر وقت بخواهند بتوانند بسهولت از بامی ببام دیگر و از محلی به محل دیگر نقل دهند. در اینصورت از شیروانی های معمولی نیز محکم تر و باصرفه تر خواهد بود

نقشه ذیل چندین قسم طریقه نصب آهن




های مذکور را نشان میدهد که هم میتوان بر روی چوب قرارداد و هم برروی حائل های آهنی انداخت .

برای فرزندان خود فقط علم و کمال بگذارید که ملك و مال زوال پذیر است

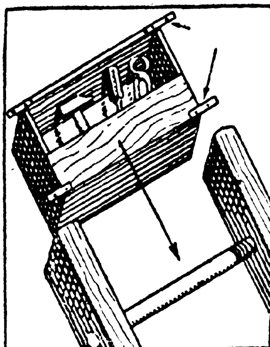
## در ماه ـ شوال

| ایام | روز ماه | روز ژانویه | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ٤ شنبه | ۹ | ۷ | ۱۲٤۰ |
| ٥ شنبه | ۱۰ | ۸ | ۱۲٤۱ |
| جمعه | ۱۱ | ۹ | ۱۲٤۲ |
| شنبه | ۱۲ | ۱۰ | ۱۲٤۳ |
| ۱ شنبه | ۱۳ | ۱۱ | ۱۲٤٤ |
| ۲ شنبه | ۱٤ | ۱۲ | ۱۲٤٥ |
| ۳ شنبه | ۱٥ | ۱۳ | ۱۲٤٦ |

## یاد داشتهای سودمند

### جعبهٔ ابزار در نرد بام

وقتی که کارگر بر روی نردبام ایستاده و بر روی دیوار یا لب بام برای سیم کشی یا رنگ کاری یا نجاری یا کتیبه سازی کاری دارد باید ابزار هایش در دسترس باشد بنا بر این بر طبق نقشه ذیل جعبه کوچکی تدارك میکنند و ابزار را در آن



میگذارند و بعد بقسمی که نقشه نشان میدهد آنرا در وسط دو پایهٔ نرد بام در هر یك از خانهای آن که نزدیکتر بدست باشد قرار میدهند همینکه به پله دیگر خواستند بالا بروند یا پائین بیایند جعبه را از جای خود برداشته بهر جا که بخواهند دوباره نصب میکنند

عیب کس مگوی وگر گوئی آشکار مکن که خود اسباب دشمنی بی‌سبب است

## آذر ماه ـ شوال

| ایام | آذر | شوال | اذان صبح (س د) |
|---|---|---|---|
| ۴ شنبه | ۱۶ | ۱۴ | ۱۲۴۶ |
| ۵ شنبه | ۱۷ | ۱۵ | ۱۲۴۷ |
| جمعه | ۱۸ | ۱۶ | ۱۲۴۸ |
| شنبه | ۱۹ | ۱۷ | ۱۲۴۸ |
| ۱ شنبه | ۲۰ | ۱۸ | ۱۲۴۹ |
| ۲ شنبه | ۲۱ | ۱۹ | ۱۲۴۹ |
| ۳ شنبه | ۲۲ | ۲۰ | ۱۲۵۰ |
| ۴ شنبه | ۲۳ | ۲۱ | ۱۲۵۰ |

## یاد داشتهای سودمند

### فرش سمنتی در مقابل دربهای بزرگ

سطح مقابل دربهای بزرگ عمارات ییلاقی را میتوان بطریق ذیل سمنت کرد که هیچگاه برف و باران منظرهٔ ان را خراب نکند و در موقع عبور اسباب زحمت نباشد

سطحی را که برای اینکار درنظر گرفته میشود باید حفر کرد و خاك آن قطعه را بعمق ۲۰ سانتیمتر برداشت و سپس بفواصل مختلف میخ ها ی آهنی در وسط گودال مذکور فرو کرد و بعد ازماسه وشن درشت

و یك چهارم سمنت مخلوطی ساخت و در آن ریخت و آن را با یك کوبهٔ چوبی یا آهنی کوبید و سپس با ماسهٔ ریز و دو چهارم سمنت بقطر چهار سانتیمتر روی آن یك صفحه نازکی کشید و ماله زد در همین حال هم باید بدان شیب داد که آب باران و برف روی آن باقی نماند

درمصائب تحمل و توکل داشته باش که آنچه رفته باز نگردد

## آذرماه ـ شوال

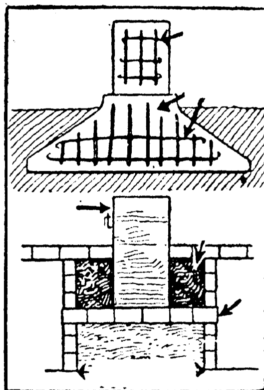
| ایام | آذرماه | شوال | اذان صبح س د |
|---|---|---|---|
| ۵ شنبه | ۲۴ | ۲۲ | ۱۲ ۵۰ |
| جمعه | ۲۵ | ۲۳ | ۱۲ ۵۱ |
| شنبه | ۲۶ | ۲۴ | ۱۲ ۵۱ |
| ۱ شنبه | ۲۷ | ۲۵ | ۱۲ ۵۱ |
| ۲ شنبه | ۲۸ | ۲۶ | ۱۲ ۵۱ |
| ۳ شنبه | ۲۹ | ۲۷ | ۱۲ ۵۱ |
| ۴ شنبه | ۳۰ | ۲۸ | ۱۲ ۵۱ |

## یاد داشتهای سودمند

### سمنت کاریهای ارزان و محکم

کسانیکه میخواهند بنا های کوچك و سبکی ایجاد کنند وپی‌ریزی های بزرگی نداشته باشند بطریق ذیل میتوانند پایه‌های بنا را بر مبانی مستحکمی قرار دهند.

بطوریکه در نقشهٔ ذیل ملاحظه میشود سطح زمین را بیك نسبت لازمی که کمتر از یکمتر عمق نخواهد بود حفر میکنند و با مخلوطی از شن درشت و ماسه و یك چهارم سمنت پر میکنند در حالیکه مقداری آهن کهنه و زنگ زده که بهتر از آهن صیقلی و نو با سمنت ترکیب خواهد شد



در آن قرار داده باشند این پی مانند آنست

هنگام ناخوشی ازمراجعه بطبیب خوب و خرید دوا از دواخانه معتبر غفلت نکنید

## دی ماه ـ شوال

| ایام | ماه قمری | ماه فرانسه | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۵ شنبه ـ ۱ | ۲۹ | | ۱۲۵۱ |
| جمعه ـ ۲ | ۳۰ | | ۱۲۵۱ |
| شنبه ـ ۳ | ۱ | | ۱۲۵۱ |

ذیقعده

| ایام | ماه قمری | ماه فرانسه | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۱ شنبه ـ ۴ | ۲ | | ۱۲۵۱ |
| ۲ شنبه ـ ۵ | ۳ | | ۱۲۵۱ |
| ۳ شنبه ـ ۶ | ٤ | | ۱۲۵۱ |
| ٤ شنبه ـ ۷ | ۵ | | ۱۲۵۱ |
| ۵ شنبه ـ ۸ | ٦ | | ۱۲۵۰ |

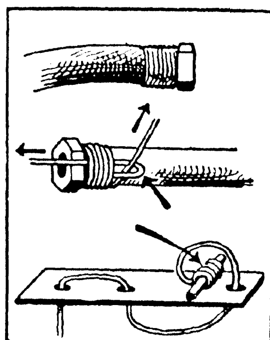
## یادداشتهای سودمند

که پنج متر زمین را حفر کرده با مقدار کثیری آهك شفته ریزی نموده باشند مخصوصاً در زمین های خاکی و سست این عمل بینهایت مفید است .

### تعمیر لوله های سوراخ شده

هر گاه لوله آهنی سوراخ شده باشد و اصلاح اساسی آن بسهولت میسر نشود و همچنین نخواهند لوله مذکور را عوض کنند ممکن است بطریق ذیل لوله را بهم وصل کنند .

یك قطعه آهن روی سوراخ میگذارند و بتونه میکنند سپس با یك مفتول آن قطعه آهن را با لوله بهم می پیچند بطوریکه انتهای مفتول در آخرین پیچ زیر رشته



های مفتول قرار گیرد . و برای اینکه مفتول بسهولت دور لوله به پیچد باید یك

دی ماه ـ ذیقعده

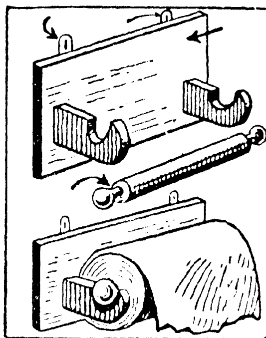
| ایام | ذیقعده | دی ماه | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| جمعه | ۹ | ۷ | ۱۲۵۰ |
| شنبه | ۱۰ | ۸ | ۱۲۵۰ |
| ۱ شنبه | ۱۱ | ۹ | ۱۲۴۹ |
| ۲ شنبه | ۱۲ | ۱۰ | ۱۲۴۹ |
| ۳ شنبه | ۱۳ | ۱۱ | ۱۲۴۸ |
| ۴ شنبه | ۱۴ | ۱۲ | ۱۲۴۷ |
| ۵ شنبه | ۱۵ | ۱۳ | ۱۲۴۷ |

## یادداشتهای سودمند

قطعه تخته را بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود سه سوراخ کرده و مفتول را به طریقی که ترسیم شده از آن بگذرانند که مانند گیره آهنی مفتول را محکم نگاه دارد و مجال دهد که رشتهٔ آن دور لوله محکم پیچیده شود هرگاه این عمل را با دقت انجام دهند میتوان مطمئن شد که لوله مذکور مدت دیگری هم قابل استفاده است.

## سهل و نظیف و ارزان

غالب کسبه اجناس خودرا در کاغذهای کثیف می پیچند و این عمل هم دور از نظافت است و هم وقت کاسب را برای پیچیدن اجناس واشیاء تلف میکند، مطابق نقشهٔ ذیل دو میخاك چوبی باید ساخت و



در یك صفحه چوب کوبید و سپس یکقطعه

## دی ماه ـ ذیقعده

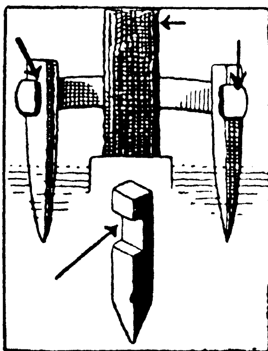
| ایام | دی ماه | ذیقعده | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| جمعه | ۱۶ | ۱۴ | ۱۲۴۶ |
| شنبه | ۱۷ | ۱۵ | ۱۲۴۵ |
| ۱ شنبه | ۱۸ | ۱۶ | ۱۲۴۵ |
| ۲ شنبه | ۱۹ | ۱۷ | ۱۲۴۴ |
| ۳ شنبه | ۲۰ | ۱۸ | ۱۲۴۳ |
| ۴ شنبه | ۲۱ | ۱۹ | ۱۲۴۲ |
| ۵ شنبه | ۲۲ | ۲۰ | ۱۲۴۱ |
| جمعه | ۲۳ | ۲۱ | ۱۲۴۰ |

## یاد داشتهای سودمند

چوب دیگر تراشید و صاف کرد و دو سر آنرا بقدری که باید درین دو شاخه قرار گیرد نازکتر کرد وروی میخکها استوار ساخت و کاغذ های نازك بدور آن بپیچید و در دسترس خود گذارد تا در موقع احتیاج همینکه سر کاغذ را بگیرند چوب بخودی خود میچرخد و کاغذ بقدری که لازم است باز میشود. در عین حال هم با صرفه تر و ارزانتر از کاغذ های دیگر است و هم وقت کاسب را کمتر تلف میکند و مشتری نیز راغب تر میشود.

### شمع های چوبی

گاه گاه شمع هائی برای نگهداری بعضی سقفهای شکسته یا طاقهای بزرگ



در وسط یك انبار یا یك گاراژ میز نند بهجرد

یکی از این دو اخانه‌های نامی درمیدان (مخبرالدوله) همیشه تا پاسی از شب دائر است

## دی ماه ـ ذیقعده

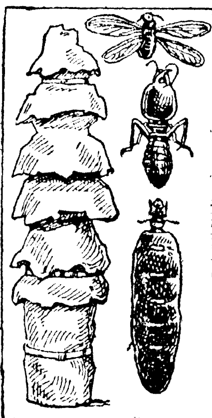
| ایام | دی ماه | ذیقعده | اذان صبح دی س |
|---|---|---|---|
| شنبه | ۲۴ | ۲۲ | ۱۲۳۹ |
| ۱ شنبه | ۲۵ | ۲۳ | ۱۲۳۸ |
| ۲ شنبه | ۲۶ | ۲۴ | ۱۲۳۷ |
| ۳ شنبه | ۲۷ | ۲۵ | ۱۲۳۶ |
| ۴ شنبه | ۲۸ | ۲۶ | ۱۲۳۵ |
| ۵ شنبه | ۲۹ | ۲۷ | ۱۲۳۴ |
| جمعه | ۳۰ | ۲۸ | ۱۲۳۲ |

## یادداشتهای سودمند

مختصر تکان سختی از پا درمیرود وخطرناك میشود خوب است درین موقع با میخهای چوبی وتسمهٔ آهنی شمع مذکور را مهار کنند بطریقی که در نقشه ملاحظه میشود میخهای چوبی یا آهنی را ۲۰ سانتیمتر در زمین میفشانند و بوسیله یك تسمهٔ اهنی بشمع متصل میکنند بدینطریق دیگر اسباب خطر نیست و محکم بجای خود باقی خواهد ماند

### لانهٔ بزرگ

لانهٔ که در سمت چپ کلیشه ملاحظه میشود



۵ متر ارتفاع دارد یعنی ۱۰۰۰ برابر طول حشره ایست که آنرا ساخته. برج مشهور ایفل فقط ۱۸۷ برابر طول قامت معمار خود میباشد واگر برج ایفل را بهمان نسبتی که بین لانهٔ فوق وحشرهٔ مزبور برقرار است بنا میکردند میبایست ۱۶۰۰ متر باشد

## بهمن ـ ذیقعده

| ایام | بهمن | ذیقعده | اذان صبح د س |
| --- | --- | --- | --- |
| شنبه | ۱ | ۲۹ | ۱۲ ۳۱ |
| ۱ شنبه | ۲ | ۱ | ۱۲ ۳۰ |
| ذیحجه | | | |
| ۲ شنبه | ۳ | ۲ | ۱۲ ۲۸ |
| ۳ شنبه | ٤ | ۳ | ۱۲ ۲۷ |
| ٤ شنبه | ٥ | ٤ | ۱۲ ۲٦ |
| ٥ شنبه | ٦ | ٥ | ۱۲ ۲٤ |
| جمعه | ۷ | ٦ | ۱۲ ۲۳ |
| شنبه | ۸ | ۷ | ۱۲ ۲۱ |

## یاد داشتهای سودمند

### کار فیل



بشر فیل ها را بمعاونت خود گرفته و چنانکه در این گراور ملاحظه میشود حمل چوبهای بزرگ وسنگین را در نقاطی که وسائط نقلیه نمیتواند عبور کند بعهده او گذارده است

### مار گیران

هرجا که مارگیران بازی میکنند در هندوستان ، افریقای شمالی یاجای دیگر مانند آنست که همه از یك شخص تعلیم گرفته اند ، ایشان دارای زنبیلهائی هستند که شاگردانشان حمل مینمایند ویك نی ، یك تنبك ، یك چوب دست با خود دارند .

افسونگر در روز بازار در میدان عمومی معرکه بر پا میکند واز نی خود

یك ورزش مختصردرهر صبح نشاط وفروغ حیاترا درشما تجدید میکند

## بهمن - ذیحجه

| ایام | بهمن | ذیحجه | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۱ شنبه | ۹ | ۸ | ۱۲۲۰ |
| ۲ شنبه | ۱۰ | ۹ | ۱۲۱۸ |
| ۳ شنبه | ۱۱ | ۱۰ | ۱۲۱۷ |
| عید قربان - تعطیل | | | |
| ٤ شنبه | ۱۲ | ۱۱ | ۱۲۱۵ |
| ۵ شنبه | ۱۳ | ۱۲ | ۱۲۱۳ |
| جمعه | ۱٤ | ۱۳ | ۱۲۱۲ |
| شنبه | ۱۵ | ۱٤ | ۱۲۱۰ |

## یاد داشتهای سودمند

صداهائی که هرلحظه شدید تر میشود خارج مینماید ویکی از معاونین تنبك اورا بصدا درمیاورد مردم بشکل دایره بدور او جمع میشوند.

نا گهان مار گیر زبیل خودرا نشان داده و بدور سرش میچرخاند مار سر خودرا بیرون آورده مانند اینکه می خواهد خودرا بروی مار گیر اندازد



واین شخص بانی خود لحنی آهسته وشیرین مینوازد ودر اثر آن مار بی حرکت میشود آنگاه مار گیر بچپ وراست خودرا حرکت میدهد و مار

ورزش برای اشخاص بی سابقه فقط درروز های اول قدری مشکل بنظر میرسد

| بهمن ـ ذیحجه | | |
|---|---|---|
| ایام | ذیحجه | اذان صبح (س د) |
| ۱ شنبه ـ ۱۶ ـ ۱۵ | | ۱۲ ۸ |
| ۲ شنبه ـ ۱۷ ـ ۱۶ | | ۱۲ ۶ |
| ۳ شنبه ـ ۱۸ ـ ۱۷ | | ۱۲ ۵ |
| ۴ شنبه ـ ۱۹ ـ ۱۸ | | ۱۲ ۳ |
| عید غدیر ـ سلام رسمی ـ تعطیل | | |
| ۵ شنبه ـ ۲۰ ـ ۱۹ | | ۱۱ ۱ |
| جمعه ـ ۲۱ ـ ۲۰ | | ۱۱ ۵۹ |
| شنبه ـ ۲۲ ـ ۲۱ | | ۱۱ ۵۷ |
| ۱ شنبه ـ ۲۳ ـ ۲۲ | | ۱۱ ۵۶ |

## یادداشتهای سودمند

نیز مثل او حرکت میکنند مار گیر خودرا بعقب میکشاندمار نیز اورا تعقیب میکند و هر دو بدینوجه دور دایره که از تماشاچیان خالی است میگردند تا اینکه مار داخل زنبیل بشود

### نوع دیگر

ماری را آزاد میکنند مار گیر اورا گرفته و بدور گردنش گردانده و خودرا برای گزیدن او حاضر میکند آنگاه بازو و بینی و گردنش را تسلیم مار مینماید وخونی که از زخمهایش جاری میشود قطع نمیکند برای اینکه پول هنگفتی از تماشا چیان بدست آرد عملیات فوق بالاخص در اعیاد هندوها انجام میگیرد

### حفظ درختهای میوه در زمستان

در فصل زمستان باغبانها باید برای حفظ درختهای میوه بدستور ذیل عمل کنند غالبا روی پوست درخت را شته میگیرد وشیره درخت را میمکد و درخت را خشك مینماید و همچنین روی بعضی درختهای دیگر را خزه و مواد دیگر پوشانیده و

باید همت کرد و چند روزی پی در پی بورزش و گردش صبحانه پرداخت

| [ب]همن ـ ذیحجه | | | |
|---|---|---|---|
| ایام | بهمن | ذیحجه | اذان صبح د س |
| ۲ شنبه | ۲٤ | ۲۳ | ۱۱۵٤ |
| ۳ شنبه | ۲۵ | ۲٤ | ۱۱۵۲ |
| ٤ شنبه | ۲٦ | ۲۵ | ۱۱۵۰ |
| ۵ شنبه | ۲۷ | ۲٦ | ۱۱٤۸ |
| جمعه | ۲۸ | ۲۷ | ۱۱٤٦ |
| شنبه | ۲۹ | ۲۸ | ۱۱٤٤ |
| ۱ شنبه | ۳۰ | ۲۹ | ۱۱٤۲ |

## یادداشتهای سودمند

زمینه را برای نفوذ حشرات آماده میکنند
باید پوستهای کهنه درخت را پاك کرده
و بعد با آب آهك غلیظی بشویند این عمل
بسیار خوب است ولی برای بعضی حشرات
چندان مؤثر نیست و باید محلول مؤثری
برای دفع آنها بکار برد محلول ذیل را با
دقت کامل باید تهیه کرد .

سولفات دو کویر ۲ کیلوگرم - آهك
مرده ۳ کیلوگرم - شیری که سرشیر و
کرهٔ آن گرفته شده باشد یك لیتر - آب صد
لیتر - اول سولفات را در ۳۰ یا ٤۰ برابر وزن
خودش آب حل کنید . برای این عمل
باید ظرف چوبی یا گلی بکار برد زیرا
ظروف فلزی در تحت تاثیر سولفات خراب
شده محلول را هم فاسد مینماید - سولفات
اگر نرم باشد فوراً آب میشود اگر درشت
باشد باید در کیسه ریخته روی اب نگاهداشت
تا حل شود بعد باید آب آهك را درست
کرد اگر آهك سنك باشد باید ابتدا آنرا
کشت بدینطریق که روی آن کم کم آب
میریزند تا حرارتش تمام و بشکل گرد

اگر یکهفته مرتباً ورزش کنید دیگر همیشه برای شما توفیق اجباری است

## اسفند ـ ذیحجه

| ایام | اسفند | ذیحجه | اذان صبح د س |
|---|---|---|---|
| ۲ شنبه | ۱ | ۳۰ | ۱۱۴۰ |
| ۳ شنبه | ۲ | ۱ | ۱۱۳۸ |
| **محرم ۱۳۵۸** | | | |
| ۴ شنبه | ۳ | ۲ | ۱۱۳۶ |
| کودتای ۱۲۹۹ ـ تعطیل | | | |
| ۵ شنبه | ۴ | ۳ | ۱۱۳۴ |
| جمعه | ۵ | ۴ | ۱۱۳۲ |
| شنبه | ۶ | ۵ | ۱۱۳۰ |
| ۱ شنبه | ۷ | ۶ | ۱۱۲۸ |
| ۲ شنبه | ۸ | ۷ | ۱۱۲۶ |

## یادداشتهای سودمند

شود سپس دولیتر آب و یك لیتر شیر بی کره روی آن میریزند پس از آن آب آهك را آهسته و با احتیاط در حالتیکه ظرف محلول سولفات را دائما حرکت میدهند روی سولفات میریزند پس از صاف کردن محلول مایه آبی رنگی حاصل میشود که بایدفورا آن را استعمال کرد که اگر بماند یا پس از ساخته شدن رنگ آن سبز باشد فاسدشده قابل دفع حشرات نیست هرگاه درخت خیلی کثیف باشد باید مایع را خیلی غلیظ‌تر تهیه کرد .

مثلا ۳ کیلو سولفات دو کویر و پنجکیلو آهك را در ۱۰۰ کیلو آب حل و مصرف نمایند محلول دیگری که برای دفع حشرات مفید است و بوسیله علمای فن تجربه شده نیز ذیلا نگاشته میشود

سولفات دو کویر ۲ کیلو ـ آهك مرده کوبیده ٤ کیلو ـ نفط یا روغن اتومبیل ده لیتر ـ آب ۹۰ لیتر

ساختن این محلول خیلی دقیق است واحتیاط زیاد لازم دارد اول باید سولفات

## اسفند ـ محرم

| ایام | | | اذان صبح | |
|---|---|---|---|---|
| ۳ شنبه ـ ۹ ـ ۸ | | | ۱۱ | ۲۲ |
| ٤ شنبه ـ ۱۰ ـ ۹ | | | ۱۱ | ۲۰ |
| تاسوعا ـ تعطیل | | | | |
| ۵ شنبه ـ ۱۱ ـ ۱۰ | | | ۱۱ | ۱۹ |
| شهادت سیدالشهداء ـ تعطیل | | | | |
| جمعه ـ ۱۲ ـ ۱۱ | | | ۱۱ | ۱٦ |
| روز عزا ـ تعطیل | | | | |
| شنبه ـ ۱۳ ـ ۱۲ | | | ۱۱ | ۱٤ |
| ۱ شنبه ـ ۱٤ ـ ۱۳ | | | ۱۱ | ۱۲ |
| ۲ شنبه ـ ۱۵ ـ ۱٤ | | | ۱۱ | ۱۰ |

## یادداشتهای سودمند

را در ۵۲ لیتر آب حل کرد بعد درظرف دیگر آب آهك رابقدر ٤ کیلو آهك در ۵ لیتر آب گرم ترتیب داد وموقعیکه آب آهك گرم است نفت وروغن را کم کم در آن ریخت و دائما با چوب آنرا بهم زد دراینوقت جسم جامدخاکستری رنگی آماده میشود که باید آنرا پس از مخلوط کردن تمام روغن و نفط مقرره با آب نرم وحل کرد و بعد این محلول را روی محلول سولفات ریخته دائما آن را تکان داد و بهم زد طریقه دیگر نیز آنست که محلول فورمول را گرفته دو در صد با آب حل کرد و با اسباب مخصوص روی درخت پاشید .

این عمل باید در آواخر زمستان انجام شود ـ برای درخت سیب باید در اول زمستان محلول اولی را بکار برد و بعد مجددا در بهار چند روز قبل از گل دادن نیز آن را استعمال کرد ولی در دفعه دوم بایدمقدار سولفات دو کوپر آن کمتر باشد برای درختهای هسته‌دار مخصوصا گلابی

کانچه با برگ، درختان میکند     با تن و جان شما آن میکند

## اسفند ـ محرم

| ایام | اسفند | محرم | اذان صبح د | اذان صبح س |
|---|---|---|---|---|
| ۳ شنبه | ۱۶ | ۱۵ | ۸ | ۱۱ |
| ۴ شنبه | ۱۷ | ۱۶ | ۵ | ۱۱ |
| ۵ شنبه | ۱۸ | ۱۷ | ۳ | ۱۱ |
| جمعه | ۱۹ | ۱۸ | ۱ | ۱۰ |
| شنبه | ۲۰ | ۱۹ | ۵۹ | ۱۰ |
| ۱ شنبه | ۲۱ | ۲۰ | ۵۶ | ۱۰ |
| ۲ شنبه | ۲۲ | ۲۱ | ۵۴ | ۱۰ |
| ۳ شنبه | ۲۳ | ۲۲ | ۵۲ | ۱۰ |

## یاد داشتهای سودمند

باید در اول زمستان یکمرتبه آن را با محلول اولی شست و بعد یکدفعه دیگر با همان محلول در بین باز شدن جوانه‌ها و شکفته شدن گلها درخت را شستشو داد ولی در دفعه دوم باید مقدار سولفات نصف دفعهٔ اولی باشد

### هرس کردن درخت مو

قبلا باید دانست که درخت مو وقتیکه برگهای آن میریزد مرکب از سه‌قسمت است ، ـ تنه ، شاخهای اصلی ، سرشاخه ،این سرشاخه ها دارای دکمه هائی هستند که شاخه‌های بارور درخت‌مورا تشکیل‌میدهند برای انکه درخت‌مو میوه زیادوخوب بدهد باید شاخه های کهنه یکساله را از نزدیکی شاخهٔ اصلی برید و این عمل در اواخر زمستان لازم است برای بریدن سرشاخه باید باستثناء گره کوچك ته‌شاخه دو گره دیگر را هم گذاشت و از ان به بالا قطع کرد زیرا گره بالائی محل دادن میوه و گره پائینی محل روئیدن سر شاخه سال جدید و باقی زیادی است علاوه بر هرس کردن مواعمال دیگری

مخصوصاً کسالتهای تابستان و پائیز را باید در صبحهای زمستان و بهار جبران کرد

## اسفند - محرم

| ایام | اسفند | محرم | اذان صبح د | س |
|---|---|---|---|---|
| ٤ شنبه | ٢٣ | ٢٤ | ٥٠ | ١٠ |
| مولود شاهنشاهی - سلام خاص تعطیل | | | | |
| ٥ شنبه | ٢٤ | ٢٥ | ٤٧ | ١٠ |
| جمعه | ٢٥ | ٢٦ | ٤٥ | ١٠ |
| شنبه | ٢٦ | ٢٧ | ٤٣ | ١٠ |
| ١ شنبه | ٢٧ | ٢٨ | ٤٠ | ١٠ |
| ٢ شنبه | ٢٨ | ٢٩ | ٣٨ | ١٠ |
| ٣ شنبه | ٢٩ | ٣٠ | ٣٦ | ١٠ |

**تحویل آفتاب ببرج حمل ۱۳۱۸**

دو ساعت و نیم بغروب روز سه شنبه ۳۰ اسفند

## یادداشتهای سودمند

هم هست که اجرای ان برای تربیت درخت و میوه خوب و لازم است یکی قطع حلقوی پوست درخت است باین معنی که چون شیره نبات در موقع خامی از مغز درخت بالا رفته و پس از پخته شدن در مجاورت آفتاب و برگها از بالا گرفته بتوسط پوست بپائین درخت سرازیر میشود اگر از زیر پائین ترین خوشه قدری از پوست بریده شود شیرهٔ که بمنزله غذای درخت است بدون اینکه به تنه درخت وریشه برگردد و هدر برود در خوشه‌ها مانده و انها را بهتر میپروراند این عمل باید در سر شاخه های یکساله قبل از گل دادن انجام یابد در هر صورت باید حلقه پوست از جائی بریده شود که پائین تر از ان خوشه دیگری نباشد و نیز برای تهیه انگور خوب باید از هر خوشه چند دانه انگور را بکنند تاجا برای دانه های دیگر باز شده بهتر برسند دیگر آنکه برگها را از روی خوشه عقب برند تا هم از حمله حشرات محفوظ باشد وهم از نور خورشید استفاده کند

بهترین مواقع ورزش صبحهای زمستان و بهار است که جسم و جانرا تقویت میکند

# جدول تطبیق ظهر تهران

## با ایالات ایران و پایتختهای ممالک دنیا

| پایتختهای ممالک و شهر های بزرگ | وقت: ساعت | وقت: دقیقه | وقت: ثانیه | خط نصف النهار: درجه | خط نصف النهار: دقیقه |
|---|---|---|---|---|---|
| **ایران** | | | | | |
| تهران | ۱۲ | — | — | ۵۱ | ۲۰ |
| مشهد | ۱۲ | ۳۴ | — | ۵۹ | ۵۰ |
| گرگان | ۱۲ | ۱۲ | ۴۸ | ۵۴ | ۳۲ |
| ساری | ۱۲ | ۷ | — | ۵۳ | ۵ |
| رشت | ۱۱ | ۵۳ | — | ۴۹ | ۳۵ |
| تبریز | ۱۱ | ۴۰ | ۲۰ | ۴۶ | ۲۵ |
| اصفهان | ۱۲ | ۲ | — | ۵۱ | ۵۰ |
| شیراز | ۱۲ | ۵ | ۲۵ | ۵۲ | ۴۰ |
| کرمان | ۱۲ | ۲۰ | ۴۰ | ۵۶ | ۳۰ |
| شوشتر | ۱۱ | ۵۰ | ۴۰ | ۴۰ | ۰ |
| کرمانشاه | ۱۱ | ۴۱ | ۲۰ | ۴۶ | ۴۰ |
| ترکیه ـ آنقره | ۱۰ | ۴۶ | | ۳۳ | ۱۸ |
| عراق ـ بغداد | ۱۱ | ۳۳ | | ۴۵ | |
| عربستان ـ مکه | ۱۱ | ۱۶ | | ۴۰ | ۵۰ |
| افغانستان ـ کابل | ۱۳ | ۱۰ | | ۶۹ | ۳۴ |
| کلکته | ۱۴ | ۳۰ | | ۸۹ | ۱۴ |
| کراچی | ۱۳ | ۳ | | ۶۷ | ۳۰ |
| بمبئی | ۱۳ | ۳۶ | | ۷۳ | ۱۸ |
| چین ـ پکن | ۱۶ | ۳۰ | | ۱۰۶ | ۴۵ |
| ژاپون ـ توکیو | ۱۷ | ۵۴ | | ۱۰۴ | ۲۰ |

| پایتختهای ممالک و شهرهای بزرگ | وقت: ساعت | وقت: دقیقه | خط نصف النهار: درجه | خط نصف النهار: دقیقه |
|---|---|---|---|---|
| سیبریه روسیه ایرکوتسک | ۱۵ | ۳۱ | ۱۰۴ | ۳۰ |
| قفقازیه ـ بادکوبه | ۱۱ | ۵۳ | ۵۰ | ۱۰ |
| ترستان ـ بخارا | ۱۲ | ۵۱ | ۶۴ | ۴۲ |
| شامات ـ بیروت | ۱۰ | ۵۶ | ۳۵ | ۵۸ |
| فرانسه ـ پاریس | ۸ | ۴۳ | ۲ | ۲۰ |
| انگلیس ـ لندن | ۸ | ۳۴ | — | ۶ |
| آلمان ـ برلن | ۹ | ۲۸ | ۱۳ | ۵۶ |
| ایطالي ـ رم | ۹ | ۲ | ۱۳ | |
| بلژیک ـ بروکسل | ۸ | ۵۱ | ۴ | ۲۹ |
| سوئیس ـ برن | ۹ | ۰۵ | ۸ | ۸ |
| هلند ـ لاهه | ۸ | ۵۰ | ۴ | ۲۳ |
| سوئد ـ استکهلم | ۹ | ۴۵ | ۱۸ | |
| نروژ ـ اسلو | ۹ | ۱۹ | ۱۱ | ۳۴ |
| اسپانی ـ مادرید | ۸ | ۴۸ | ۳ | ۵۵ |
| پرتقال ـ لیسبون | ۹ | ۱۰ | ۹ | ۲۳ |
| اطریش ـ وین | ۹ | ۴۰ | ۱۶ | ۴۴ |
| روسیه ـ مسکو | ۱۱ | ۰۶ | ۳۸ | ۸ |
| یونان ـ آتن | ۱۰ | ۰۹ | ۲۴ | ۴ |
| آمریکا شمالی نیویورک | ۳ | ۳۰ | ۷۴ | ۱۰ |
| « مرکزی ـ پاناما | ۳ | ۱۵ | ۷۹ | ۳۵ |
| « جنوبی ـ برزیل | ۵ | ۳۹ | [illegible]۳ | ۱۶ |
| افریقا ـ مصر | ۱۰ | ۴۱ | ۳۲ | |

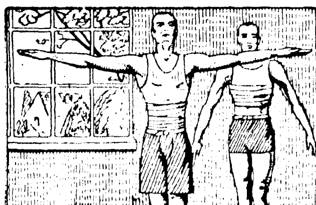
# حفظ قوای جوانی

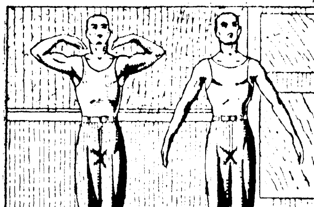
زنان ومردان چهل ساله را میتوان گفت که تازه جوان هستند زیرا درین مرحله از عمر جوانی و نشاط و تمام قوای حیوتی بحد کمال میرسد و لذت بخش تراز دوران بلوغ تجلی میکند بنا برین مخصوصا خانمها و آقایان چهل ساله بیشتر از جوانهای نو رسیده ازین دورهٔ عمر استفاده میکنند بشرط آنکه بتوانند این مواهب گرانبها را در جسم وجان خود حفظ کنند تادرسن شصت و هفتاد سالگی هم از قوهٔ جوانی و بنیهٔ حیوتی خود استفاده کرده باشند که درینصورت میتوانند مطمئن شوند تا پایان عمر طبیعی هم فروغ حیات در چشم و چهره آنها باقی و نمایان خواهد بود

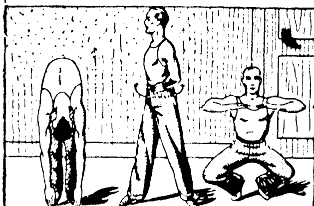
بنا بر این لازم است که خوانندگان چهل سالهٔ سالنامه پارس دقیقاً بدستورات ذیل توجه کنند :

آنچه باید دانست آنست که بطور عادی بنیهٔ زندگی و قوهٔ سعی و کوشش از چهل سالگی به بعد رو بضعف میگذارد و باید تمام موجبات حفظ بنیهٔ حیوتی را در همین اوقات فراهم ساخت که قدری با سیر عادی و طبیعی مقاومت کند ، بزرگترین چیزی که قبل از هر چیز محل توجه است قلب میباشد که تاثیر سن در آن بیش از سایر اعضاء رئیسه نفوذ میکند .

کارگران مخصوصامتخصصین فنی بمرورازقوای بعضی ازعضلات خود میکاهند و بعضی دیگر میفزایند مثلا آهنگران بازوی محکمی دارند وبرزگران مچها وپاهای زورمندهمچنین سایر افرادی که زحمت جسمی دارند هر یک عضو خاصی را قوی کرده واز قوای اعضای دیگر کاسته‌اند تنها یک صنف مخصوصی هستند که ازپا تافرق یک نسبت ضعیف و نا توان میباشند (تشخیص این صنف را بهوش خوانندگان خود حواله میدهیم که بدفتر سالنامه پارس نیزمعرفی کنند ) خلاصه همینکه‌سن بچهل میرسد عدم تعادل محسوس میشود



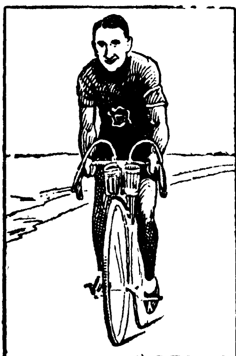


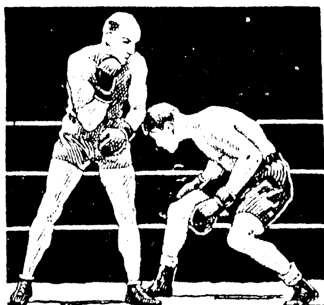




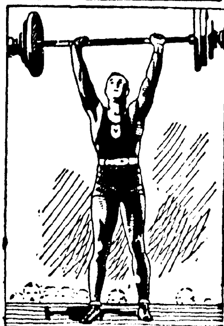
بازو یا ساق پا یا هر یك از اعضاء دیگر که نسبت بسایرین قوتی دارند در مقابل ضعف طبیعی مقاومت میکنند ولی اعضاء دیگر بضعف و سستی تسلیم میشوند مثلا سینه تنگی میکند، ستون فقرات میل بخمیدگی دارد، کمر و زانو هنگام راه رفتن احساس خستگی میکند همین عوارض و تجارب تلخ است که در هر جامعه بطریقی افراد را بورزش و پرورش جسمی و روحی تشویق کرده اند

**اینك دستور :** کسانیکه میتوانند وسایل انجام این منظور را بهتر فراهم کنند قبلا باید چند روزی بماساژ بپردازند و در عین مالش تن باید نفسهای عمیق بکشند سپس صبحها همینکه از خواب برخاستند در جریان هوای لطیفی دهان را ببندند و نفس عمیقی بکشند و از هوای آزاد بقدر پنجدقیقه استنشاق کنند بدین طریق که هوای لطیف را تا هر چند ثانیه که مقدور باشد باید درریه نگاهداشت. هنگامی که نفس میکشید دستها را بهوا بلند کنید و همینکه بیرون میدهید دستها را بطرفین پائین بیاورید و سپس ستون فقرات را بجلو وعقب وراست وچپ حرکت دهید و منحنی کنید بعد









شانه‌هارا بطرفین حرکت دهید همچنین
تهی گاه را بچپ وراست بگردانید و بعد
آرنج و زانو و بازو را بنوبت و گاهی
با هم باز و تا کنید .

این حرکات باید هر یك تا شش مرتبه
تکرار شود و هر صبح باید لا اقل یکربع
ساعت بطول انجامد بعد با آب ولرم استحمام
کنید و چند دقیقه در رختخواب بیارامید
وسپس به‌صرف صبحانه بپردازید وهمه‌روزه
این عمل را تکرار و تمدید کنید .

مثلا به پیچید یك بند محکمی بدور
شکم تادر نتیجه هنگام تنفس عضلات سینه
ورزش کند و روز بعد سینه را ببندید
تاجدار شکم در انقباض و انبساط افتد و
از جریان خون بیشتر استفاده کند ودر
عین حال باید متوجه باشید که همیشه از
دهان نفس بکشید

صبحها و عصر ها تا حدود یکساعت باید پیاده راه رفت و در
چهار وهلهٔ مختلف بدون قید در ساعت مقرر تاحدود ده مرتبه باید

## بخش پزشگی

# معالجات فوری امراض کوچك

## آزمایش در علاج مفلوج

در سالنامهٔ ۱۳۱٦ راجع بعلاج فالج بوسیله زنبور عسل شرحی دستور داده شده بود اینك مشروحهٔ آقای محمد حسن فرهمند دارای‌شناسنامهٔ ۲۰٤ از اهالی آباده که راجع بمعالجه طفل مفلوج خود نوشته در مقدمهٔ بخش‌پزاست شکی‌امسال برای اطلاع‌و استفاده قارئین سالنامه‌چاپ میشود .

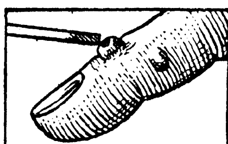
## آقای مؤلف سالنامه پارس

**من لم‌یشکر الخلق لم‌یشکر الخالق** بالاتر وبزرگتر نتیجهٔ که این جانب محمد حسن فرهمند مامور صلحیه‌آباده از خریداری سالنامه پارس و مطالعه آن گرفته ام این است که بعرض میرسانم ؛

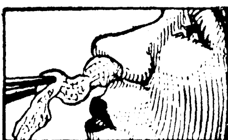
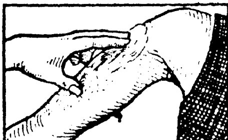
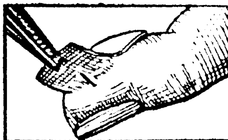
فرزندی دارم بسن ده ساله و فعلا قریب چهار سال است که فالج گردیده و اعصاب او سست و قادر بحرکت نبود چند فقره بشیر از و اصفهان نزد پزشگها برده استعلاج نمودم فایده بدست نیامد عاقبت درسالنامه پارس طرز معالجه اینگونه مرض را بوسیله نیش زنبور عسل دیدم که دستور داده شده بود — قرب چهارصد

---

در هوای خوب نفس عمیق کشید در نتیجهٔ اجرای این دستور مختصر و مفید حالت مزاجی ونشاط طبیعی روز بروز بیشتر و بقیهٔ حیاتی در جسم و جان محسوس ترخواهد شد کم کم باید خود را عادت بدهید بیك دویدن مختصر که تا حدود دویست متر باشدولی باید قدم را متوسط برداشت وهمچنین‌عادت کنید ببازیها وورزش‌ها وپرش‌ها ومخصوصا چیزیکه از همه بیشتر توصیه میشود شنا کردن یا پارو زدن‌است درآب ـ در خاتمه تذکر میدهیم کسانیکه اتومبیل خود را سد راه ورزش و گردش قرار میدهند باید بدانند که از همه بیشتر محتاج باجرای این دستور مفید میباشند





زنبور برای گزیدن و فرو نمودن نیش در بدن آن طفل معصوم آورده و اقدام نمودم قبل از شروع در رختخواب خوابیده و نمی‌توانست باندازه یکقدم ازجا حرکت نماید حالیه که این اقدام را درظرف سه ماه است نمودم با عصادر حیاط منزل که ۵۰ متر است راه میرود و خیلی ازاین نیش مسرورم و لازم دانستم مراتب شکر گزاری خودرا بعرض برسانم .

**دفع زگیل** - هر صبح و عصر یك چوب کبریت را در محلول اسید کرومیك فرو برید و بروی زگیل بزنید پس از چندی زگیل خواهد ریخت

**قرمزی چشم و ورم پیله** - روزی دومرتبه محلول گلسیرین را در یك قاشق قهوه خوری آب مقطر گل سرخ بریزید و بچشم بچکانید اثر نیکو میدهد

**سکسکه** - اگر فواق شدید بود باید شکم را بوسیله تا کردن پاها تا کرد و چندین مرتبه تکرار کنید یا یك قاشق سوب خوری قند پودرشده یکباره بخورید بدون آب ولی باید مراقب بود که دربن حال نفس ناگهانی نکشید والا اگر سرفه عارض شود زحمت شدیدی ایجاد خواهد کرد

**استخوان در گلو** - غالباً برای اطفال چنین دست میدهد که استخوان و تیغی در گلو گیر میکند که نه پائین رفته و نه بالا میاید بیهوده مضطرب و پریشان نشوید باخون



از بیگزادگان ایل اورامان

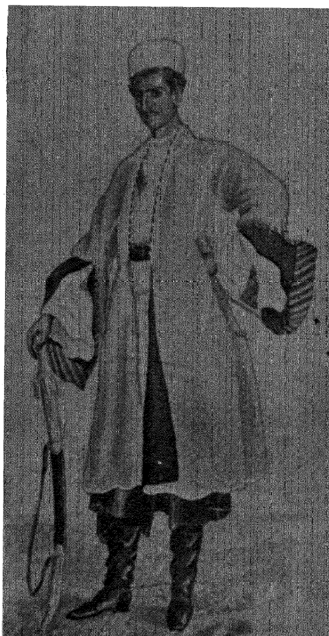
درین سالنامه نیزچند نمونه ازالبسهٔ قدیم چاپ میشود

سردی باید بدفع آن پرداخت بهترین معالجه برای رفع آن اینست که یك پرمرغ را دردهان ببرید و تحریك کنید تاحالت‌قی دست‌دهد و اگر باز خارج نشود یاپائین نرودیك قاشق سرکهٔ قوی غرغره کنید و سرکه‌رادربیخ گلوقدری نگاهدارید قطعاً رفع میشود

**آفتاب‌زدگی** - برای اشخاصی که درهوای خشك‌وآسمان صاف زیراشعه‌شدید آفتاب‌حرکت‌میکنند ومدتی مداومت میدهند یك نوع سوختگی براثراشعه بنفش ظاهر میشود باید فقط یك پرده نازکی کرهٔ‌تازه‌روی آن کشیدیا وازلین استریلیزه مالید

**تیغ‌دردست‌وپا** - غالبا در باغ یامزارع تیغی کوچك بدست یا پا فرو میرود و بسیار زحمت میدهد هرگاه‌سرآن ظاهر باشد باید بوسیله یك‌انبرك کوچك آن‌را بیرون کشیداگرظاهر نباشد یانوك آن خیلی کم بیرون است و بدست نمیاید باید با سریش وآرد لپه خمیری ساخت وازاین خمیر ٤ ساعت روی موضع گذاشت وسپس با انبرك آن را گرفت و کشید تیغ بسهولت خارج میشود

**خراش تیغ خود تراش** - خراشی که روی پوست با تیغ خودتراش ظاهر میشود گرچه خطرناك نیست ولی چون خیلی زیاد


از خوانین زادگان ایل هفتلنگ

خون ازآن جاری‌شود ایجاد وحشت میکند یك ورق کاغذ سیگار باآب دهان تر کنید وبروی آن بگذارید گرچه مبنای علمی ندارد ولی نتیجه خوب و فوری میدهد واگر بعضی نخواهند چنین کنند وتنطور یادوای دیگری بزنند بخلاف انتظار اصلاح خراش مذکور خیلی بطول میانجامد

**خون مرده وسیاه شده**

غالبا دراثر یك تکان یا یك فشار ناگهانی یك خراشهائی درانساج حادث میشود بدون آنکه پوست پاره وجراحت ظاهر شود این عارضه هرگاه خفیف باشد وفقط بقسمت‌های زیر پوست وارد شود اثرش اینست که پوست رنك اصلی خود را از دست داده و بنفش میشود واین بر اثر فاسد شدن خون است دراینموقع برای رفع آن باید کمپرسهائی از آب نمك دار یاتنطور ارنیکا چندین بارروی موضع گذاشت اگر ضربت شدید باشد ویا بقسمت‌های داخلی سرایت کرده باشد دراینصورت باید فوراً بطبیب رجوع کرد

**خون رفتگی**- گاهی دراثر بعضی حوادث بیجهة خون زیادی از انسان خارج میشود مثل خون دماغ این حالت درصورتیکه تکرار نشود چندان قابل توجه نیست و دوایش اینست که یك یا دو قطره ازپروکار وراهن در یك گیلاس آب ریخته و بدماغ بکشند همچنین

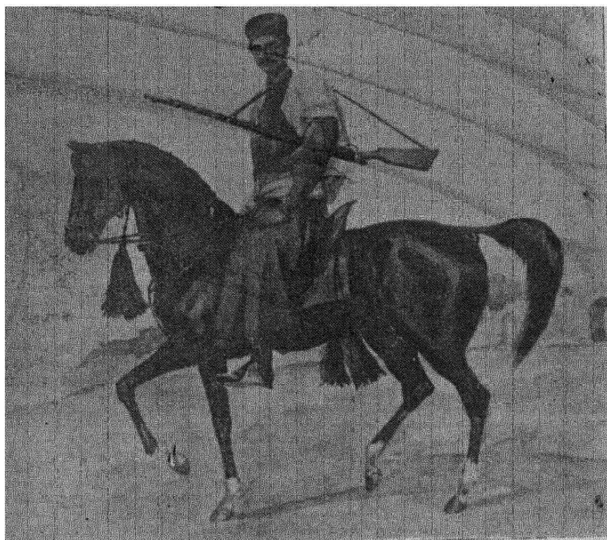
با آب تازهٔ که قدری سر که داخل باشد نیز خون دماغ مختصر موقوف میشود یا یك شیئی سردی روی گردن بین شانه ها بگذارند

**بریدگی** ـ وقتیکه از سوراخ شدن عضوی خون زیاد جاری شد فوراً باید بطبیب رجوع کرد ولی تا آمدن طبیب هم بیکار نباید نشست بلکه باید عضو مجروح و خون آلود را در آب سرد گذاشت وهر قدر ممکن است دقت کرد که خون قلب باین عضو مجروح شده سرایت نکند واز آن جاری نشود بدینطریق که هرگاه شریان پاره باشد باید قدری بالای ان را با یك رشته بست واگر بریدگی رگ باشد باید قدری زیر آن را بست وچنانکه جراحت مختصر باشد آن رافوراً بشوئید با آب پرکار ور آهن یا آب زاج دار و بعد از قطع خون یك قطعه تافته روی زخم بگذارید



از افراد عشایر کلهر

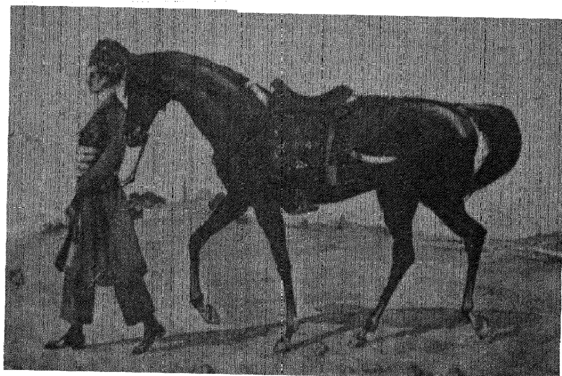
**سوختگی** ـ وقتی شدید باشد و ایجاد گلها و تا ولهائی بکند اولین کاری که باید انجام داد اینست که آن را از هوا محفوظ داشت بدین منظور آن را باید پوشانید با یك ورقه روغن یا کرهٔ تازه و روی آن باید گذاشت پنبهٔ لطیف وسپس با تنظیف پاکی آن را می بندند اگر سوختگی خفیف باشد باید کمپرسهای آب تازه



از افراد ایل خمسهٔ شیراز

فصل بفصل کرد تا درد و سوزش آن بکلی از بین برود

**توجه خون بدماغ** ـ این حالت عبارت از تهاجم قابل ملاحظه خون است بمغز درین حال رشته های خونی مغز متورم میشود و غالباً ایجاد امراض خطرناك میکند که خفیف ترین آنها حالت غش می باشد تا قبل از ورود طبیب باید بوسیله راحت کردن و کندن لباسهای سنگین و ضخیم و تنك جریان خون را آزاد گذاشت و سپس روی تخت خواب باید بخوابد بطوریکه سرش کمی بالا واقع شود و در پیشانیش باید کمی یخ بگذارند یا کمپرس آب سرد مکرر کنند و خیلی لازم است ساق پای مریض را با پارچه آغشته بالکل یا سرکه بمالند بر اثر این اقدامات خون از دماغ منصرف و بطرف اعضای سفلی بدن منحرف و متوجه میشود - یکی از آثار مرض فوق غش است که بعکس حالت فوق جریان خون بدماغ نمیرسد دراین

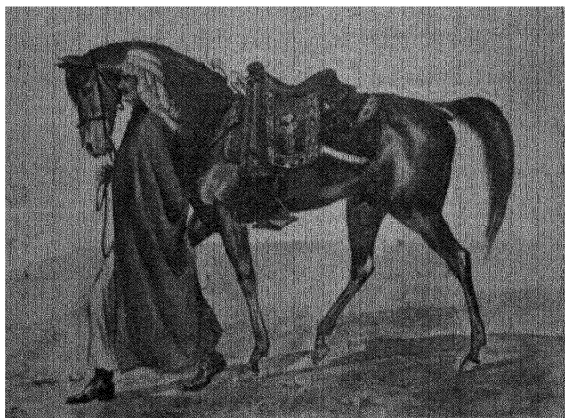


از افراد عشایر کلهر و سنجابی

صورت هم مریض موقتاً از هوش میرود ورنگش پریده وسفید میشود باید صورت مریض را آب تازه پاشید و سرکه یا امانیاك تند یا اتر بدماغش نزدیك کنند و هرگاه هیچیك ازین ادویه دردسترس نباشد قدری گاه گل تازه بدماغش بگذارند

**سکته** - وقتی شدیداً خون متوجه دماغ میشود رشته‌های خونی دراثر فشار شدید هجوم خون بمغز قطع میشود دراینموقع خون دفعةً بمغز ریخته اختلالات عظیمی ایجاد میکند و این حالت را حمله سکته گویند که غالبا منجر بفلج میشود دراینموقع باید سعی کنید که خون بقسمتهای سفلی بدن توجه کند برای این کار لازم است مریض را در جائی بخوابانید که هوا گیر باشد و پیوسته یخ روی سرش بگذارید و با آب سرد کمپرس کنید و زانوهای اورا شدیداً بمالید و نیز بادکش درقسمتهای سفلی بدن بنمائید تا آنکه خون کاملا ازجریان شدید بمغز منصرف شود

**مسموم شدن** - مسمومیت بچند طریق ممکن است ایجاد شود یکی بواسطه مواد مهلك معدنی از قبیل فسفور ـ اسیدسولفوریك وبعضی نمکهای مسی وغیره دیگری توسط نباتات زهرآلود از قبیل



شو کران و بلادن و دیژیتال و بعضی قارچهای خیلی مهلك که غالبا شناخته نمیشودو گاهی هم ممکن است بواسطه غذاهای مانده وفاسد شده پیش آید همچنین غالبا بواسطه تریاك مسمومیت ایجاد میشود و معالجات مربوط بطبیعت سمومات است - تا قبل ازورود طبیب باید حالت قی درمسموم ایجاد کرد تا زهر در خون تحلیل نرود و این خود قدم بزرگی است در راه نجات مریض از مرگ قطعی برای این منظور باید آب ولرم بمریض خورانید وبا پر مرغ گاوی مریض را تحریك کنید اگراین اقدامات ساده تأثیر نکرد باید دوسانتی گرم امتیك در یك گیلاس آب ولرم بمریض خورانید و هر ده دقیقه به ده دقیقه این عمل را تکرار کرد و نیز شیر فراوان وآب البومینز بمسموم بدهند (آب البومینز عبارتست از شش سفیده تخم مرغ در یك لیتر آب)

**خفگی** -خفگی هم بانواع مختلف ظهور میکند مثلا آویختگی از طناب یا خفه شدن در آب یا با دست کسی را خفه کنند یا براثر تنفس مواد سمومی از قبیل اکسید دو کاربون - یا گاز چاه های


از عشایر ساوجبلاغ و سردشت

عفن که سم واقعی است بهر صورت بایستی در اولین دقیقه شخص مسموم را بهوای آزاد بکشند و بعد لباسهایش را بیرون آورند و نحوی بخوابانند که سینه و سر مریض بالا باشد و اگر دسترس به بالش نباشد لباسش را تا کنید و زیر سر و سینه‌اش بگذارید که قدری بالا قرار گیرد چنین مریضی نفس نمیکشد و باید بوسائل ممکنه و تنفس مصنوعی متوسل شد بنا براین بتناوب روی شکم و سینهٔ مریض فشار مختصری بدهند و از بالای سر مسموم دست و بازوهایش را بطرف سرش بلند کنند و سپس پائین بیاورند و پیوسته تکرار کنند در نتیجه کم کم مسموم بحالت تنفس میاید ـ هر گاه این وسایل نتیجه نداد باید باحتیاط هوا داخل ریهٔ مسموم کنند خواه بوسیله دهان خواه بوسیله دم بطوریکه ریه مریض از هوا پر شود در ین حال باید بسینهٔ مریض فشار بدهند تا هوای دمیده شده خارج شود این عمل را آنقدر باید تجدید کرد تا مسموم خود بحال آمده و تنفس کند در عین آنکه اعاده تنفس را در مریض ایجاد میکنند لازم است جریان خون را هم بوسیله مالشهای قوی در تمام اعضاء بدن منظم کنند

مخصوصا درقسمتهای پائین بدن ـ این مالشها باپارچه آغشته بالکل یاسر که انجام میشود درصورت نداشتن الکل یاسر که باید باماهوت پاك کن مالش داد چیزی که درمرض اختناق باید مورد توجه قرار گیرد طول زمان است که نباید پرستاران از آن مایوس شوند زیرا خیلی ازمسمومین بحال نمی آیند مگر پس از چندساعت اهتمام دائمی وخستگی ناپذیر کهچه بسا مسمومین ممکن بوده است معالجه شوندا گرچند ساعت در تحت رسیدگی واقع میشدند

**دقت در امراض مسریه** ـ مدتی چنان متصور بوده است که امراض مسریه از قبیل طاعون و وبا و دیفتری و آبله وسرخك و حصبه سرایت میکنند ازمریضی باشخاص دیگر ولی امروزه ثابت شده است که این امراض خود بخود شیوع پیدا میکنند و ازطریق هوا وآب سرایت میکنند ومیکروب آنها باسرعت نگفتنی درجسم مریض زیاد میشود دراین احوال باید اشخاص خود شان و منزلشان را نظیف و پاکیزه نگاهدارند و دستها و صورت را همیشه باآب فنیك دار بشویند همچنین باید گاه گاهی آب اسید فنیك درمنازل بپاشند مخصوصا در منزلی که مبتلایان بامراض مسریه سکنی دارند ومجاری آبها و مستراح را باید با آب کارور دو زنگ یاسولفات دوفر یااسید فنیك ضد عفونی کرد وازحیث خوراك وغذاخیلی بایددقت کرد که خیلی ساده و بی مخلفات باشد وآب را قطعا بجوشانندوهنگام بروز این قبیل امراض مسریه چیزی که بیشتر توصیه میشوداینست که شخص نباید خود را در بیم و هراس فوق العاده بیاندازد زیرا بطوریکه بتجربه رسیده است غالبا درین قبیل مواقع ترس و ضعف نفس و وسواس اشخاص موجب شده است که هرچه از مرض فرار کرده اند بیشتر بدان نزدیك شده اند .

# طریقهٔ پرستاری از مریض

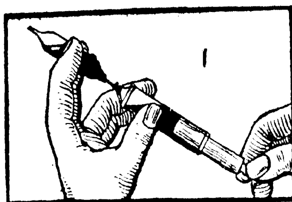
ممکن است شما یکنفر پرستار دیپلمه و تعلیم یافته نباشید ولی در عین حال برای پرستاری یکنفر مریض یا مجروح دستیار یامعاون طبیبی واقع شوید اگر چنین اتفاقی برای شمادست دهد لا اقل بایددستورات ذیل را دیده باشید.

اولین وظیفهٔ شما آنست که یك حصار صحی در اطراف مریض ایجاد کنید بطوریکه از هر حیث وضعیت مریض تحت نظر دقیق شما منظم و مرتب باشد و الا عمل بهترین طبیب واثر بهترین دوا خنثی و بی نتیجه خواهد بود

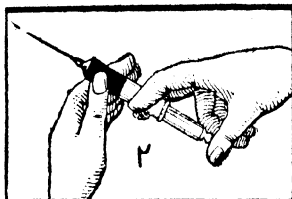


از بیگزادگان سقز و بانه

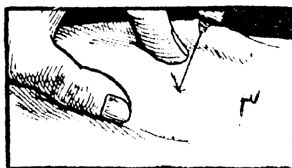
**اطاق مریض** - اولین کار پرستار مخصوصا در مواردیکه مریض رنجوراست اینست که اطاق را از اشیاء زیادی وبی مصرف خالی کنندو هر گونه وسیلهٔ کثافت را از آن محل دورسازدو باصطلاح مریض در این حالت معالجه میخواهد نه مبل و زینت و قشنگی اطاق و پرده های رنگارنگ چه اینکه هزار ها ازین اثاثیه با یکدقیقه رنج مریض برابری نمیکند کسیکه رنج میبرد فقط سلامتی میخواهد و بستگان او نیز جز بسلامتی او بچیز دیگری متوجه نیستند



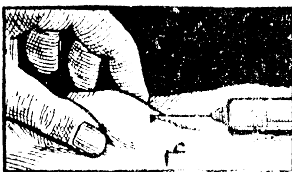

پس اسبابهای زیادی را که اسباب کثافت هوا و پریشانی حال مریض میشود باید فوراً از اطراف مریض دور کرد و کف اطاق باید یا بیفرش یا مفروش از چیزی باشد که قابل شستشو است ازجمله چیزی که قابل




ملاحظه میباشد آنست که دوا ها ولوازم مریض چنانکه معمول است در اطراف مریض جمع نباشد بلکه باید روی یك میز کوچکی




در چند متر فاصله ازمریض قرار داد که پیوسته در دسترس باشد همچنین باید دانست که موقع نظافت اطاق مریض فقط صبح است زیرا دراینموقع مریض هر




قدر رنجور باشد تخفیفی در حالت او حاصل شده و برای انجام این کار ها حوصلهٔ مریض وفا میکند

ونیز گاه گاه باید پنجرهٔ اطاق را باز کرد که نور و هوا داخل شود و این فکر که پنجرهٔ اطاق مریض باید بسته باشد یك موضوع خیلی دور ازمصلحتی‌است زیرا باز کردن پنجره برای‌هیچ مریضی مضر نیست فقط باید ملاحظه کرد که مریض درجریان هوا واقع نشود حتی وقتی‌هم که مقتضی نباشد بایدپنجره را باز کنند ومقابل مریض یك پاراوان بگذارند

در هوای سرد باید اطاق مریض را حتی المقدور باآتش هیزم گرم کرد و اگر مقدور نباشد وبخواهند بازغال گرم کنند باید


یکی از افراد ایل ترکمن

هوای اطاق بوسیله بخار آب تلطیف شود .

**هنگام شب** - شبها اطاق مریض باید یك نور خیلی ملایمی داشته باشد یا چراغهای ابا ژوردار یا شمعهائی که در لاله میگذارند زیرا نور شدید اسباب زحمت ودردسر مریض است - تخت خواب مریض را در اطاق باید طوری قرارداد که از هر طرف بدان دسترس داشته باشند و نیز بهتر آنست که تخت خواب مریض فازی باشد ولی بدون فنر - پوشش مریض بسته به وضعیت احوال مریض است ضمنا باید روی تخت مریض یك پارچهٔ رنگ شده یا مشمع انداخت و هنگامیکه این پارچه ها راعوض میکنند نباید مریض را ازجای خود حرکت داد هرگاه لازم شود که چیز گرمی دررختخواب مریض بگذارند باید شیشه های آب گرم و کیسهٔ آب گرم باشد و الا آجر گرم کرده را در یك پارچه نظیفی پیچیده میگذارند .

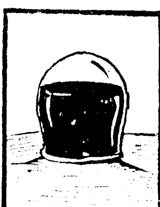
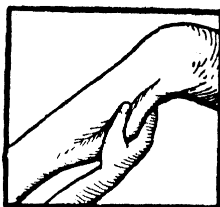
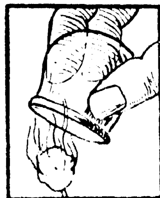
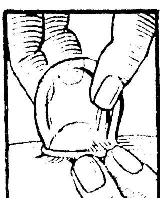
**تنظیفات** - یکی ازوظائف سخت پرستار نگاهداری مریض است همیشه در حال نظافت و درساعات مناسب مخصوصا صبحها باید دست وصورت

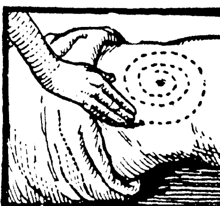
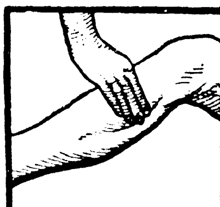
و دهان مریض را بشوید و بسر مریض شانه بزند و بوهای نامطبوع مریض را بوسیلهٔ ادکلن از مریض دور کند البته این تنظیفات تا حدی است که حالت مریض اجازه میدهد

همچنین پرستار تمام حالات مختلف مریض‌را در نظر گرفته و در ۲٤ ساعت یاد داشت کرده بطبیب میدهد مثلا خواب پریشان یا بیخوابی - هذیان - خفقان - غش - سرفه - قی و بهم خوردگی های سخت و هرنوع پیش آمد و تغییر حال که در اثر هریك از ادویه و تزریقات حاصل میشود باید به طبیب اطلاع دهد مخصوصا نبض و حرارت مریض را با کمال دقت یادداشت و حفظ کند چه اینکه یك بالا رفتن ناگهانی تب یا سقوط ناگهانی حرارت و بی نظمی و سرعت نبض کمك فوری طبیب را ایجاب میکند و برای ملاحظات دقیق طبی لازم است که مراتب فوراً به اطلاع طبیب معالج برسد .

**غذای مریض** - هنگامی که مریض‌قادر بغذا خوردن‌است باید با کمال‌مراقبت‌فقط‌غذائی‌را که طبیب تجویز کرده باوبدهندوا گر بیمار بسیارناراحت است وشخصا حال‌غذا خوردن ندارد باید پرستار با کمال ملاطفت و مهربانی و ملایمت غذا را بدهان مریض بگذارد و چیزهائیکه غالبا بمریض تب دار میتوان بسیار داد عبارتست از مواد قندی و لیموناد و شیر و اگر مریض نمیتواند سر را حرکت دهد و بیاشامد میتوان پستانك بکار برد

**درقسمت پانسمان** - پرستاری که اطلاعات‌طبی‌ندارد‌باید‌عینا دستور طبیب رابموقع اجرا گذارد زخم بندی باید خیلی بملایمت‌ودقت انجام‌شود - زخمی که چسبیده باشدباید با پنس‌الکل‌خورده رویش‌راباز کنند وپس از شستشو دوباره دوازده ببندندوبطور کلی بایدخیلی با نظافت و مهارت کار خودرا انجام دهند

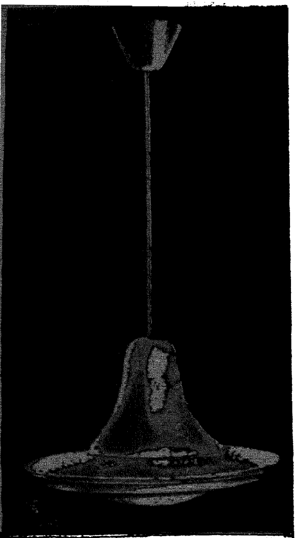

## مالشها و روغن مالی

مالش را خیلی باید باملاحظه و دقت انجام‌داد زیرادست زدن و کشش و مالش همیشه باید در جریان خون باشد و مالش یا بادست خشك یاالکل زده انجام میشودروغن مالی نیز خیلی محل دقت و توجه است که پرستار باید از عمل خود نتیجه بگیرد یعنی بقدری ملایم ودرعین حال مؤثر روغن‌مالی کند که مریض از این عمل نتیجهٔ بر دارد

**خون گرفتن** - برای گذاردن شیشه‌مخصوص بادکش لازم‌است مقداری پنبه باالکل بزنندو روشن کنند ودرشیشه‌مذکور یا استکان بزرك بیاندازند و روی موضع بگذارند که لا اقل تا ده دقیقه باید باقی بماند سپس جای زخم را پودر تلق بزنند و پنبهٔ سوخته بگذارند

« راهنمائی سودبخش »





## تلفن
## برق

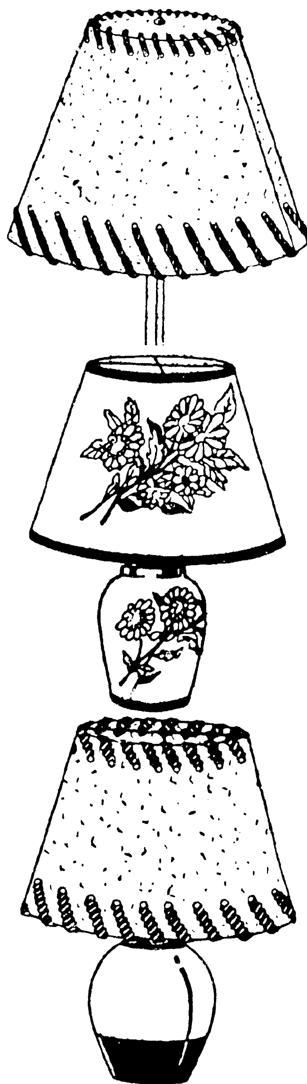
بزرگترین مؤسسه که بتواند

احتیاجات شما را از حیث عالیترین اجناس تلفن و برق و چراغهای الکتریکی ( لوستر ) که از کارخانجات درجه اول آلمان و سوئد تهیه شده وسیمکشیهای زنگ اخبار و برق وتلفن و تعمیرات دستگاه های آنها بنحو کامل باقیمت واجرت مناسب انجام دهد، فقط **کالای تلفنی** خواهد بود که میتوانید با اطمینان کامل بدانجا مراجعه نمائید

**سفارشات از ولایات نیز پذیرفته میشود - نشانی خیابان اکباتان «کالای تلفنی» - تلفن ۴۷۳۱**



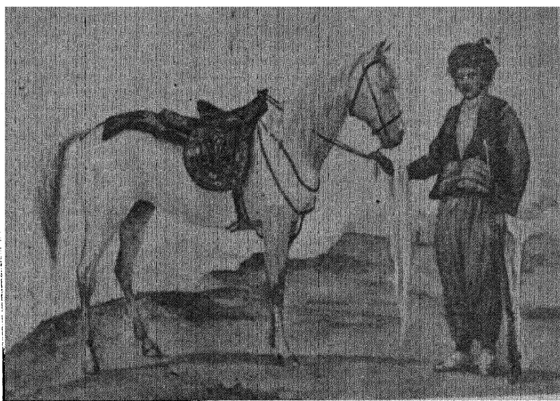
مجلس یکی از اطباء قدیم - بقلم مهدی - موزهٔ سلطنتی



# تزیین اطاقها

لامپهای الکتریك درمنازل امروزه زینت زیبائی است ودر عین حال سلیقه های اختصاصی خانمهارا هم در انظار میهمانان جلوه میدهد هر ظرف کوچك قدیمی و قشنگ یا هر شمعدان کوچك منقشی رامیتوان بمشعل الکتریکی مبدل ساخت با یك زینت جالب تر و زیبا تری که بان بیفزایند

خانمها غالبا در بعضی خانها و خانوادهای خوش سلیقه مشاهده کرده اند که یك چراغ کوچك در یك گوشهٔ میز یك اطاق بزرگرا زینت داده و زیبا و دلپذیر ساخته است در حالتیکه اگر خوب دقت کنند خواهند یافت که این قشنگی و ظرافت و این فروغ و لطافت فقط ناشی از یك مختصر دقت و مراقبت است ، این چراغ یا زینت آن نیست که این درخشندگی و مطبوعیت را بسالن پذیرائی یا اطاق خصوصی یك خانمی بخشیده بلکه کمال ذوق و سلیقه و صنعت قابل تحسین خانه داری این خانم است که طاق و رواق اشیا نهٔعشق



از بیگزادگان مکری و سر دشت

و جمال زندگی را زینت کرده و جلوه داده است

همهٔ خانمها میتوانند باختلاف ذوق و سلیقهٔ خود چراغ روی‌میز خود را با مخارج خیلی قابل زینت کنند بدینطریق که قبلا باندازهٔ حلقهٔ سرپیچ چراغ یك حلقهٔ سیمی اماده میکنند واز همان سیم یك حلقه بزرگتری برای قسمت پائین اباژور بهم میپیچند و این دو حلقه را با سیمهائی که بیك اندازه قطع کرده باشند افقی بهم وصل میکنند و سپس چهار یا هفت تـا دوازده سیم بیك اندازه عمودی به حلقهٔ بزرگ می بندند وسرسیم های مذکور رانیز بحلقهٔسیمیِ دیگری که‌در فوق آن قرار گرفته وصل میکنند آماده کردن این حلقه‌ها و سیم ها هیچگونه زحمتی ندارد یك گاز انبر دستی میخواهد که هم‌قطع میکند وهم بهم می‌پیچد همینکه‌این جسم‌فلزی یا قالب‌اباژور آماده شد از کاغذ پارشمینه یا کاغذهای خان‌بالغی معروف یاقشنگ‌تر ودلفریب‌تر ازهمه پوستهای‌نازکی که روی‌تار یاضرب وغیره‌میکشند باندازه‌مطلوب برش‌میکنیدو بعرض یك یا دوسانتیمتر ازسر تاآخر کاغذ را چین میدهید بعد نصف عرض این چین هارا چسب میزنید که بهم


از کتابچه دوره گرد قدیم ـ آب‌آلو فروش

متصل شود سپس هر لبهٔ کاغذرا بفاصلهٔ پنج سانتیمتر دور تا دورهم پائین وهم بالا را بفواصل کم بامنگنه هائی که جای مادگی باز میکنند سوراخ کنید و یك رشته خوش رنگی که هم رنگ کاغذ نباشد از آن بگذرانید و منگولهٔ قشنگی بسر رشته ها بیفزائید در صورت امکان خانمهائی که در رشته نقاشی هم وارد هستند نقش و نگار های زیبائی بر آن مزیدمیکنند وبا کمال‌قشنگی وفراغت خاطر تجلی وفروغ‌دستر نج خود را بفروغ ملایم و خوش‌رنگ چراغ میفزایند همینکه این آبازور قشنك در گوشهٔ‌اطاق‌نورچراغ‌را منتشر میکندبالاخص وقتی که‌معکوس روی چراغ بگذارند و نوررا بسقف اطاق بیفشانند یك فرح و انبساط مخصوصی درخانم خانه ومهمانان او ایجاد میکند که قابل وصف نیست

مخصوصا توجه خانمها را باین قبیل سرگرمیها جلب میکنیم که از خستگي و افسردگي و بيكاري در خانه شکایت نکنند

# فرزندان ما چه خواهند شد؟


از کلاه نمدی ها و مشهدی های قدیم

این سئوال که در عین حال خیلی پر معنی و بزرك است حتی در طبقات کوچك هم محل توجه میباشد که غالبا از خود میپرسند:

## آیا فرزندان ما چه خواهند شد؟

علماء ومحققین معتقدند که هر گاه فطرت وطبیعت طفل را بشناسیم میتوانیم آن را بهر طریق که مصلحت باشد سوق دهیم. حال باید دید که طبیعت طفل را بچه وسیله میتوان شناخت.

میگویند باید بعلم روانشناسی نظری متوسل شد، با این علم میتوان استعداد و ظرفیت و ذوق و قریحه و تمایل طفل را بکلیات زندگی مخصوصا مشاغلی که مطلوب او است معلوم کرد و بهترین طریقه وصول بدین مقصود بزرگ علائم و آثاری است که علما و محققین بر اثر تجارب عمیقه و تحقیقات دقیقهٔ خود در دسترس ما قرار داده‌اند و آنچه تا کنون در پیرامون اشخاص گفته شده و تا حدی قریب به یقین احوال و اخلاق و خصوصیات فطری و طبیعی آنها را معین کرده اند همه از

روی همین اساس و علائم و آثار است که ما دریبنجا مختصری از آن را برای استفاده قارئین خود درج میکنیم



از مستوفیان و سر رشته داران قدیم

**ترکیبات طبیعی بشر** باقتضای خلقت عبارت از سه رکن اساسی حیوتی است که جسم و عقل و عواطف میباشد و این سه رکن‌اساسی مرکب است از چهار حالت و کیفیت اصلی و طبیعی که یکی صفرائی و دیگری سودائی و سومی دموی و چهارمی بلغمی است و هر یك ازین چهار حالت بمقدار و معیار مشخصی ایجاد استعداد و جوهر حیوتی در نهاد و طبیعت بشر خواهد کرد مثلا ؛

**طبیعت صفرائی** - بکار و تحقیق و کاوش و کوشش متمایل است ـ شخص صفرائی ذوق انشاء وفرماندهی دارد و در تمام امور جنبهٔ عملی و مثبت را پیشه و تعقیب میکند و همیشه صاحب اراده و تصمیم میباشد

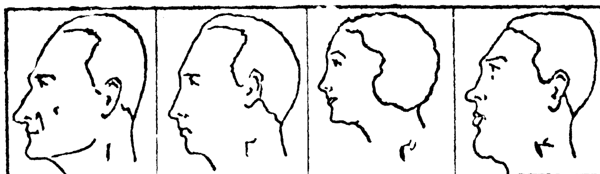
**شخص سودائی مزاج** - مرد کارآمد ولی غیرمنظمی‌است که سستی رای و اراده مانع پیشرفت مقاصد اومیشود وچنین‌شخصی بسیار جبون است و مبانی تفکر و استدلال او نیز همیشه بر بدبینی

و منفیات قرار گرفته و بسیار زود تحت تاثیر واقع میشود

**شخص دموی مزاج** - این شخص بسیار تند و پرهیجان است ولی طرز تفکر و استدلالش کاملا منطقی نیست و پیوسته در انجام آرزوهای خود افراطی و ماجراجو میباشد

**شخص بلغمی** ـ بسیار خون سرد و شکیب و کند و تنبل و بیکاره میباشد و پیوسته امور خود را باخیال اداره میکند و وجودش هیچگاه منشاء ثمری نخواهد شد

بالاخره این چهار حالت درخلاصهٔ ذیل تعریف میشود که طبیعت صفرائی و دموی سرچشمه فعالیت ومظهر سعی وثمر استوسودائی و بلغمی هرقدر کوشش کنند مظهرثمر بزرگی نخواهندشد




## اینک علائم و آثار قابل تشخیص:

چهار حالتی که فوقا بدان اشاره شد در اطفال یکسان نیست و مقدار متفاوت آنها محل توجه است ـ این نقشه علائم دقیقی را که باید در اطفال مورد مطالعه قراردادنشان میدهد این علائم دو نوع است یکی‌از آن همیشه‌در انسان باقی است ودیگری بمرورزمان‌ممکن است تغییر کند

**علائم ثابت و کلیات مزاجی صفرائی** ـ هیکل درشت وسخت، سر مربع یا مربع مستطیل - گردن‌دراز و عضله‌دار ،چشم سیاه . ابروها کشیده و دماغ محدب و نوکدار لبها راست و فشرده انگشتها بزرگ و ماه‌ئی با شست بلند

**علائم قابل تغییر** ـ رنگ پوست‌سبز و کدر، کلام‌و گفتارش‌شمرده شمرده ونگاهش‌نافذ است ، تنفس عمیق‌دارد وخطش خیلی مستقیم و منظم میباشد


ازلباسهای قدیم بعضی از ساکنین نواحی خوزستان

## علائم ثابت درسودائی

هیکل متناسب و سرمثلثی است گردن نازك وپوست چروکیده ـ ابرو کشیده و چشم خاکستری دماغ نازك ونوك‌دار ولبهافشرده لب زیرین افتاده وبزرگتر انگشتها نازك ویهن و گره خورده میباشد

## آثار قابل تغییر

رنك صورت تند و گرفته ـ گفتار مشوش و در هم ـ نظر درخشان و ثابت ـ تنفس در هم و خط قطعه قطعه و غیر منظم است

## علائم ثابت دموی

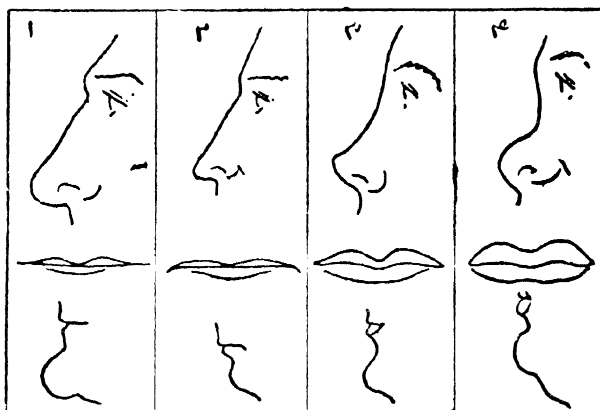
گوشت خیلی محکم سر بیضی یا گرد ، گردن کوتاه‌وقرمز ، ابروقوسی ـ چشم بلوطی ، دماغ کوچك و کشیده و لبهایش محکـم و قرمز است و انگشت کوتاه و نازك

**آثار قابل تغییر** ـ رنك سرخ و گفتارش جاندار است ، نظر ملایم و گرم و تنفس سریع و خط کج و مایل میباشد

**علائم ثابت در بلغمی** ـ گوشت نرم ـ سر گرد ، گردن سفید و خمیری و ابرو قوسی است ، چشم آبی یا سبز دماغ مقعر و نوك کنده است ، لب کلفت و رنك پریده و انگشت کوتاه میباشد

**آثار قابل تغییر** ـ رنگش پریده‌و گفتارش ملایم است نگاهش گیرنده

نیست تنفسش منظم وخطش راست میباشد و کلمات را درشت مینویسد
بطوریکه ملاحظه میشود این طریقه نه تنها آثار و علائم طبیعی
و کمیات و کیفیات جسمی و روحی را مورد مطالعه قرار میدهد
بلکه سایر مشخصات و مکتسبات را هم مورد دقت قرار میدهد مثلا
خط وطرز تحریر و گردش قلم ونوع گفتار و کلام که در تشخیص
وضعیت زندگی تاثیر کلی دارد - درعین حال باید دانست که این عوامل
یکی در دیگری مؤثر واقع می شود مثل امراض که ممکن است خود مرض
ناشی از یك علل روحی باشد و بعداً تغییراتی در اثر مرض حاصل شود
مثلا بچه چون در دورهٔ طفولیت آماده برای هر گونه رشد و
نمو و تغییراتی است هر علائمی که بنظر ما ثابت میاید ممکن است
بمرور ایام در طفل تغییر کند مخصوصا علائمی که طفل را بجهات
مختلفه میکشانند معهذا همینکه موقع آن فرا رسید بخوبی مشهود
است و میتوان از نیم رخ طفل هدف اصلی اورا تشخیص داد - اولا
شغلی را که او برای خود درنظر گرفته میتوان بدست آورد ثانیا
میتوان دانست که طفل درینموقع برای کاری که در ابتدا تصور
میرفت آماده است یا خیر




این نقشه ها مانند چهار صورت اولی ظاهر میکند علائمی را که
شرح داده ایم مثلا از چپ براست علائم اشخاص صفرائی و سودائی

و دموی و بلغمی را نشان میدهد

### ابرو - دماغ - لب تمام - لب نیم رخ چانه



یکی از خوانین ایل عرب

این آثار عینا متعلق باشخاصی است که حالات آنها را شرح دادیم ولی نمیتوان مقطوعا اظهار عقیده کرد و یقین دانست که آنچه گفته شده مسلم و محقق خواهد بود چه اینکه گاه گاه خلاف آن ظاهر شده است و چون تربیت و پرورش و نظامات خاصهٔ اجتماعی و سایر علل وعوامل ممکن است تغییرات بارزی در طبیعت اشخاص ایجاد کند و دامنهٔ استعداد ذاتی را وسعت دهد باید اطفال را از بدو طفولیت زیر نظر گرفت مخصوصا بامراقبت طبیب هریك از نواقص جسمی و روحی طفل را معالجه کرد والدین و آموزگاران غالبا باید از نکات دقیقه این بخش علمی آگاه بوده و بنفع فرزندان و و دانش آموزان خود بکار برند واصلاح جسم و روح فرزندان ومردان آیندهٔ کشوررا محل توجه قراردهند. مخصوصا درسالنامهٔ اینده یك بخش مفصل وروشن تری درقسمت روان شناسی ضمیمه خواهیم کرد که ازین طریق نیز خوانندگان سالنامهٔ پارس به بسیاری از مرموزات طبیعی ومجهولات زندگی آشنا شوند و از آن استفاده کنند

# شکار حیوانات و پوستهای ایران


شال و لباده و عمامهٔ شیر شکری قدیم

در ایران مسئله شکار بیشتر جنبه تفریحی دارد و پوست حیوانات غالبا صادرات مهمی نداشته

بطور کلی مناطقی که حیوانات مختلفه در آن زندگی میکنند سواحل بحر خزر ، فلات مرکزی ، کوههای لرستان و کهکلویه ارس، خوزستان، بلوچستان سواحل خلیج فارس است پوستهای ایران قشنگی و خصوصیات واشتهار پوستهای نواحی شمالی سیبری و کانادا را ندارد زیرا جنس آنها رابطهٔ مستقیمی با شدت سرمای زمستان آن نواحی دارد ودرعین حال هم مواظبت کاملی از پوستهای ایران در گذشته بعمل نمی آمده که ارزش حقیقی خود را بدست آورد از جمله عیوب این است که برای بدست آوردن غالب این حیوانات استعمال سم میکنند که در امریکا و اروپا و سیبری ممنوع است و این سم باعث ریزش موی پوست آنها شده و بر حسب طول مدت پاك کردن امعا واحشاء حیوانات ریزش مو کمتر یا بیشتر میشود، برای بدام آوردن این حیوانات بوسایل دیگری باید متشبث شوند. اگرچه برای شکار چیان زحمت زیادی ایجاد میکند ولی درعوض

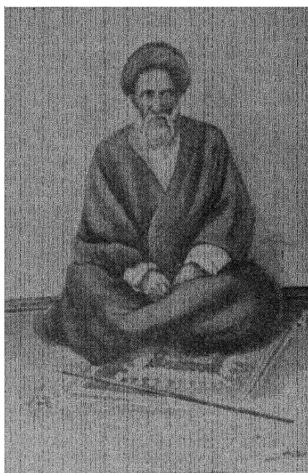
از اضافه قیمت پوست شکار این زحمت جبران میشود و نیز بـاید امعاء و احشاء حیوانات را کاملا خالی کرده استخوان دم آنهارا بیرون کشیده و خـوب خشك کرده از حیوانات طفیلی محفوظ دارند تا بدست تاجر فروشنده تحـویل شود و بطرز علمی عدل بندی و ببازار های خارجه حمل گردد- اکنون برای استفادهٔ شکارچیان وتجار



یکی از دراویش قدیم با کشکول و تبرزین

حیواناتی که پوست آنها در خارجه بمصرف لباس میرسد وارزشی دارد و در ایران بکثرت میتوان یافت ذیلا شرح میدهیم

**روباه** - روباه حیـوان گوشتخواری است از جنس سك و به اشکال عدیده وتقریبا در کلیه نقاط وجود دارد که نمونه‌های آن در ایران ازاینقرار است اول روباه قرمز (کانیس ولپس Canis vulpes) که اسمش رنك اساسی پوست پشت آن را تعیین میکند، شکم این حیوان برنك سفید و گوشهایش سیاه میباشد - دوم نوع دیگری به روباه سیاه یا زغالی ( Renard charbennier ) معروف است ونوع دیگر (ولپس ایپو ملاس Vulpes hipemelas) از روباه مذکور بواسطه شکم سیاهش تمیز داده میشود - سوم روباه زرد است که از حیث جثه متوسط رنك پشت آن زرد و قرمز ، پهلو ها وشکم خاکستری وانتهای دمش مشکی است عده این حیوان از دو حیوان سابق الذکر کمتر است ودرجنوب ایران بیشتر یافت میشود - چهارم


از البسهٔ قدیمی اهل علم

روباه‌خالدار یا (corsac) قد این حیوان کوتاه و پوستش قرمز و پشتش دارای موهائی است که انتهای آنها سفید است رنگ پوست رفته رفته در پهلوها روشن میشود و در زیر شکم بخاکستری کم‌رنگ تبدیل میگردد از توالد وتناسل این حیوان روباه‌های دورگی بوجود میاید که ازیکدیگر امتیاز بارز دارند - پوست روباه بچهار نمره جور و هر ده جلد یك بسته میشود پوست روباه را درصندوق میگذارند و هر صندوقی دویست جلد است .

**سنجاب** ـ درایران سنجاب بکثرت یافت میشود این حیوان موسوم به (Mustela foina) است و گوشتخوار ورنك پوستش خاکستری و گلویش سفید است و بقدر یك گربه کوچك خانگی است درشرق ایران این حیوان از حیث جثه کوچکتر و از حیث رنك سیر تر از آنهائی است که در مغرب فلات ایران دیده میشود

**دله** ( موستلاابتیوم Mustela abetium) حیوان گوشتخوار دیگری است که تقریبا نادر و بنواحی جنگل مازندران و گیلان اختصاص دارد جثه این حیوان مانند سنجاب وازرنك گلویش که زرد کمرنك بنارنجی تغییر می‌یابد با سنجاب امتیازدارد موهایش خیلی نرم است که گاهی خاکستری کمرنك و گاهی پررنك است ولی همیشه برق موهای آن کمتر از سنجاب میباشد

**ذبذب** - ( در تجارت و صنعت ذبذب امریکائی بیشتر مورد استعمال دارد) وقسم دیگر آنها که موهای سخت و خشن دارند و اغلب مختص با یران و آسیای عثمانی است مانند ( ملس کانسانس Meles canescens) برای ساختن ماهوت پاك کن ومسواك وقلم موو فرچه صورت طرف توجه است رنك ذبذب ایران روشن تر و قدش کوچکتر از ذبذب اروپاست

**شغال** - پوستی که بیشتر برای آستر لباس استعمال میشود پوست شغال است که یك قسم از ان (کانیس اورنس -Canis aurens) در ایران فراوان و پوست آن ضخیم و سخت و کم قیمت می باشد پوست شغال درجه اول طهران دوم مازندران و گرگان سوم خراسان چهارم شیراز است . و دویست جلد آن را یك عدل بسته بندی می کنند

**سمور آبی** - ( Loutre ) این حیوان گران قیمت تر و کمیاب تر است اغلب در رودخانها یافت میشود و باسم (لوترا ولگاریس Loutra vulgaris ) نامیده میشود . این حیوان که متعلق با یران است در بازارهای اروپا به لوتر بغداد معروف میباشد مخصوصا درمغرب ایران بکثرت یافت میشود و وجود آن بسته بوجود درباچه ها و مجاری آنهاست پوست آن خاکستری است و پس از دباغی و رنگرزی استعمال میشود .

**پریسك** - بلقب اروپائی (Pérssuasca) است این حیوان در خارجه کمتر معروف است ولی درتمام نقاط شمالی ایران وجود دارد پوستش برای بالا پوش استر مرغوبی است قسمت علیای بدن این حیوان خاکی سیر و دارای گلهای زرد غیر منظمی است رنگ سر آن خاکستری سیر و طوق سفیدی بگردن دارد گوشهایش نیز خاکستری ولی دارای حاشیه سفید است

**گرگ** - ازانواع واقسام گرگهائی که درعالم است نوعی که در اصطلاح علمی (کانیس لو پوس لانیژر Canis Lupus lanijer) خوانده میشود مختص با یران است پوست آن درشت و خاکستری



میرزا و آقا وخان قدیم

رنگ و دارای گلهای سیاه است و برای آستر لباس بکار میرود پوست گرگ طبقه بندی شده هر عدلی ۵۰ جلد بسته میشود.

**موش کور**- این حیوان در اروپا و آمریکا پوستش برای آستر لباس مشتری دارد ولی درایران شکار نمیشود.

این حیوان پستاندار وجونده است که رنگ آن از خاکستری سیر به آبی پررنگ تبدیل میشود وفقط در اراضی بی آب وعلف دیده میشود و نوع ایرانی این حیوان مشتق از اقسام اروپائی است و باصطلاح علمی آنرا تالپا می نامند.

**اقسام گربه** - تمام حیوانات که ازجنس گربه هستند پوستشان برای استر لباس استعمال میشود واز آنها حیوانات ذیل در ایران وجود دارند- گربه صحرائی (لینکس کاراکال Lynx caracal) یافلیس لینکس کاراکال که مختص کویرهای جنوبی است- گربه باطلاقی (فلیس شائوس Felis chaus) که در نواحی باطلاقی گیلان ومازندران زندگی میکنند - گربه کوهی (فلیس کاتوس Flis catus) که

وجودش بسته بجنگلهای شمالی است ـ گربه وحشی یا مانول (فلیس مانول Felis manaul) که در بیابانهـای جنوب شرقی بمعیت گربه بیابانی (فلیس ارناتا Flis ornata) زندگی میکنـد ـ شکارچیان ایرانی عموما این حیوانات را باسم گربه کوهی میشناسند این حیوانات عموما خیلی مهم و قابل استفاده میباشند پوست گربه‌های وحشی هر دویست جلد یك عدل بسته میشود

**حیوانات سبع** ـ بین حیوانات عظیم الجثه و سبع مازندران و جنگلهای نواحی بجنورد یك قسم ببری یافت میشود که علمای طبیعی جنس مخصوصی از آن را به (فلیس تیگریس ویرگاتا Felis tigris virgta) موسوم نموده‌اند گر رنك راه‌های پوست آن جاوه و برق پوست ببرهای سالطـانی بنگاله را ندارد در عوض بواسطه عظمت قد با آن برابری میکند ببر ایران یکی از بزرگترین حیوانات سبع است که تا بحال در دنیا مشاهده شده ـ چیزیکه از همه بیشتر اشتهار دارد **پلنك ایران است** (فلیس پاردوس تولبانوس Felis pardus tulbanus) که در دنیا یکی از قشنك ترین حیوانات جنس خود بشمار میرود ـ یوز پلنك یالدار (سینولورس زوباتوس Cynelurus jubatus) در جنوب ایران کمیاب شده درصورتیکه سابقا خیلی زیاد بوده هر عدلی از این پوست ۵۰ جلد بسته میشود ـ راجع بشیر (فلیس لئو Felis leo) باید گفت که خیلی در ایران کم شده است در حالیکه سابقا فراوان بوده و بیشهٔ قدیمی شیران ایران را در اطراف شیراز دانسته و این شهر را بیشتر بهمین مناسبت شیراز گفته اند ـ پوست حیوانات جنس گربه و سباع دیگری کـه در فوق ذکر شد مخصوصا برای فرشهای زیر تخت خواب بکار میبرند

**خرس** ـ در ایران این حیوان زیاد نیست ولی در مغرب ایران یافت میشود قد آن کوچك و رنکش خاکستری است و به (ورسوس سیریاکوس Vrsus syriacus) یعنی خرس شامی موسوم میباشد و چون طالب زیاد ندارد کمتر شکار میشود

**راسو** -(موستلا ولگاریس Mustela vulgaris) باوجود اینکه درشمال ایران بکثرت یافت میشود اهالی آن را شکار نمیکنند در حالتی که پوست آن سفید و بی لك و فوق‌العاده مورد توجه‌اروپا ست

**موش سلطانی زردرنك** - (اسپرموفیلوس فولوس Spermophillus fulvus ) که‌اسمش حکایت از رنگش میکند وموش خرمائی( کریستوس فائنس Cricetus phaens) که آن راهوستر ایران(Hauster de l'Pers) مینامند پوستش آبی رنك است ـ دوحیوان کوچك دیگر از حیوانات جونده در ایران فراوان است که بانهانیز اهمیتی داده نمیشود در حالتیکه در روسیه و آلمان طالب واهمیت زیاد دارند

**خرگوش** ـ درهمه‌جای ایران فراوان‌است طرف شمال بهترو بزرگتر وطرف جنوب متوسط است و هرعدلی یا نصدجاد بسته‌میشود برای تکمیل این بخش توضیحات مختصری از پوست بره‌نیز داده‌میشود .

**بره** - پوستی که بیش‌ازهمه در بازار خارجه تجارت میشود پوست بره است . پوستهای عراق و پوستهای شیراز گرچه بپایهٔ پوستهای بخارائی نمیرسد ولی خیلی طالب دارد و باصطلاح علمی به (اویس پلاتیورا Ovis platiura) معروف میباشد .

مرغوبیت پوست بخارا که غالبا بلغت آلمانی (پرسیانر Persianer (ایرانی) یا بطریق معمول( کاراکول Caracul) میخوانند بواسطه آنست که با مراقبت مخصوص عمل میاورند . ولی عدم مرغوبیت پوست ایران در اروپا که به اسم پوست شیراز بفروش میرسد در گذشته از آنجهة بوده است که در تربیت نژاد و نگاهداری و مراقبت وعمل آوردن آن توجه‌شایسته مبذول نمیشده ـ درانگلستان مخصوصا پوستهائی که بمصرف کلاه و البسهٔ زنانه‌میرسد پوست بره ایرانیا ( Persian lamb skins ) نامیده میشود . از آن سبب که‌درزمان‌صفویه اقسام پوست از بخارا وسایر نقاط در بنادرجنوب تمرکز یافته باروپا و مخصوصا انگلستان حمل میشد و باسم پوست



کگیرده تماشاسی اثر اقای بهزاد مینیاتور

بره ایران بفروش میرسید - درفرانسه اقسام پوست بره به ( استر خان) یا حاجی ترخان مشهور است و آن نیز بدین سبب است که پس از اختلال امور تجارتی در عهد صفویه حاجی ترخان که یکی از بنادر مهم بحر خزر است برای معاملات تجاری مرکزیت یافت و محصول پوست آسیای وسطی در حاجی ترخان توزیع میشد

درروسیه پوست بره را کاراکل مینامند از آنجهة که قره گل قصبهٔ کوچکی است در ۱۲ فرسنگی بخارا و بهترین پوست بره درین قصبه بدست میآید

قبل ازجنگ بین‌المللی پوستهای ایران درردیف پوستهای بخارا و افغانستان در نژنی گرود (محلی است واقع در منتها الیه رود ولگا ) توزیع میشد و از حیث جنس با پوست درجهٔ دوم بخارائی برابری میکرد بعد از انقلاب روسیه رمه داران اطراف بخارا اغنام تخمی خودرا بترکستان افغان (اندی خوی- میمه- مزارشریف ) که از جهات طبیعی شباهت تام بترکستان روس دارد انتقال دادند چون تجار افغانی ازتجارت پوست اطلاع کافی نداشتند تجار ایرانی و هندی پوستهای آن نقاط را خریداری و حمل اروپا میکردند. مدتی هم شهر پیشاور مرکز معاملات پوست بود

در سنوات اخیر معدودی ازرمه داران ترا کمه بسرخس ایران و قسمت پائین ولایت مشهد مهاجرت کرده از قوچهای تخمی خود برمه داران‌محلی فروختند و گوسفند داران محلی ترتیب‌نگاهداری و تربیت آنها را فرا گرفتند که فعلا در اطراف سرخس سالیانه بیش ازبیست هزار جلد پوست اعلانظیر پوستهای بخارا عمل میاید که ازجلدی ۸۰ ریال ببالا فروش میرود دراطراف مشهد پوست برهٔ معروف به بقنه زیاد عمل می آید ولی خیلی کم بهاست و باب روسهاست که ساکنین نقاط سرد سیر خریداری میکنند ، از این قسم پوست دراطراف خوزستان نیزسالیانه تاحدود پنجاه هزار جلد تحصیل می شود

# شرکتهائی که با مشارکت بانک فلاحتی تشکیل شده

برای تشکیل و یا مشارکت در شرکتهای مهم قدم های بلندی از طرف بانک فلاحتی ایران برداشته شده و ما بنا بتقاضای جمعی ازمشترکین صورت شرکتهای مذکوررا از ترازنامهٔ بانک فلاحتی در این سالنامه چاپ می کنیم.

شرکتهای تشکیل شده به پنج دسته تقسیم میشود

۱ ـ شرکتهای تجارتی ـ ۲ ـ شرکتهای تولید کننده ـ ۳ ـ شرکتهای کمک و مساعدت به برزگران ـ ٤ ـ مؤسسات مالی ۵ ـ شرکتهای صنعتی

## شرکتهای تجارتی

**۱ ـ شرکت سهامی مرکزی** ـ برای توسعه امور تجارت و صناعت و فلاحت کشور از راه تاسیس شرکتها و شرکت در شرکتها و تهیه اعتبار برای شرکتها و خرید و فروش و عقد هر گونه قرار داد راجع بواردات و صادرات و بطور کلی هرقسم معاملات تجارتی تاسیس گردیده حق خرید وفروش قند وشکر داخلی وخارجی وحق خرید وفروش کبریت خارجی با این شرکت است.

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۶۰۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۱۰۰۰۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۵۰۰۰۰۰۰ | » |

پوست بره شیراز سالیانه تا ٤۰ هزار جلد و درداخله جلدی تا پنجاه ریال بفروش میرسد ـ از قم و آشتیان تا ۳۰ هزار جلد بدست میآید و تا ۳۵ ریال بفروش میرسد ـ در طهران سالیانه تا ۲۵ هزار جلد بدست می آید که تا ۳۵ ریال فروش دارد

پوست برهٔ اعلا مال شیراز، اصفهان، قم و طهران جدا جدا رنگ بندی شده و تا ۲۵۰ جلد یك عدل بسته میشود.

**۲ - شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست :** از طرف شرکت سهامی مرکزی برای خرید و فروش و تهیه انواع واقسام پنبه و پشم و پوست تاسیس گردیده

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۴۰۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۷۲۸۵۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۲۵۴۹۷۵۰ | » |

**۳ - شرکت سهامی ابریشم :** انحصاراً عمل صادرات پیله ابریشم و ورود منسوجات ابریشمی را انجام میدهد .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۶۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۳۰۰۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۳۰۰۰۰۰۰ | » |

**۴ - شرکت سهامی تجارتی خراسان :** برای خرید و تهیه اجناس صادراتی و ورود اجناس مورد احتیاج کشور ( مستقیما از خارجه ) تاسیس گردیده حوزه عملیات این شرکت در حدود ایالت خراسان میباشد .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۰۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۷۴۷۱۱۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۲۹۸۸۴۴۰ | » |

**۵ - شرکت سهامی حمل و نقل خراسان :** برای حمل و نقل صادراتی و کمک به احتیاجات داخلی خراسان تشکیل شده و درسال ۱۳۱۵ با تکمیل و توسعه که در سرمایه و تشکیلات آن واقع شد بشرکت سهامی بار تبدیل گردید ( اخیراً منحل شده است )

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۵۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۴۹۹۴۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۱۹۹۷۶۰۰ | » |

**۶ - شرکت سهامی انقوزه ایران :** برای تهیه و ترویج

تجارت و توسعه انواع انقوزه ایران و تسهیل صدور آن بخارجه تاسیس گردیده .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۴۵۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۱۰۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانك | ۵۰۰۰۰ | » |

**۷ - شرکت سهامی فارس و بنادر** : برای خرید مستقیم محصولات ایالات فارس و تهیه و صدور آن به خارجه تاسیس شده است . این شرکت میتواند به تجارت واردات اشتغال ورزد .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۸۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۷۳۷۴۵۰۰ | » |
| پرداختی بانك | ۲۵۸۱۰۷۵ | » |

**۸ - شرکت سهامی تثبیت نرخ غله** : برای خرید غله در ایران و فروش آن در ایران و در صورت اقتضا صدور مازاد آن بخارجه تاسیس و اخیراً باداره صادرات غله تبدیل شده است .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۳۰۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۱۵۰۰۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانك | ۸۰۰۰۰۰۰ | » |

**۹ - شرکت سهامی کالای ایران** : برای تهیه و تولید واصلاح و ترویج و نمایش اجناس ایران و احداث مغازه های بزرك جهة فروش کلیه انواع و اقسام اجناس و محصولات و امتعهٔ ایرانی تاسیس یافته است .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۵۵۳۲۰۰ | » |
| پرداختی بانك | ۵۵۳۲۰۰ | » |

**۱۰ - شرکت سهامی ماشینهای فلاحتی** : برای وارد کردن ماشین آلات فلاحتی و ادوات صنعتی و فلاحتی و تسهیل عمل فروش آنها بدهاقین و ملاکین ایرانی بطور اقساط تاسیس

گردیده این شرکت نیز در خرید و فروش آلات و ادوات فنی که برای ادارات مختلفه دولتی مورد احتیاج واقع میگردد دخالت دارد و اخیراً بشرکت سهامی شیار ضمیمه شده است .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۵۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۴۴۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۴۴۰۰۰۰ | « |

**۱۱ - شرکت سهامی فرس ایران :** برای بهبودی و ازدیاد محصول وتجارت فرش ایران وبخصوص تجارت صادراتی تاسیس یافته است .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۳۰۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۲۹۹۴۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۱۰۴۷۹۰۰۰ | « |

## شرکت های تولید کننده

**۱۲ ـ شرکت تولید کنندگان چای در لاهیجان :** برای تهیه ، خشکانیدن ، مخلوط نمودن ، باربندی و فروش چای تاسیس و بشرکت چای گیلان تبدیل شده است

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۷۵۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۷۴۹۲۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۴۴۹۵۲۰ | « |

**۱۳ ـ شرکت تولید کنندگان چای در لاکان :** تاسیس این شرکت نیز بمنظور عملیاتی است که در شماره ۱۲ شرح داده شده.

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۷۵۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۶۹۴۳۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۴۱۶۵۸۰ | « |

**۱۴ - شرکت چرمسازی خراسان :** برای خرید وفروش پوست و مشتقات آن و همچنین تهیه و تدارك اقسام مختلفه چرم تاسیس شده است .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۳۶۸۸۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۲۳۰۴۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۲۲۰۴۰۰۰ | « |

**۱۵ - شرکت سهامی توتون**: برای ترویج و بسط زراعت توتون و تهیه و بدست آوردن محصول مرغوب ممتاز جهة فروش در بازارهای داخله و خارجه تاسیس گردید (اخیراً منحل شده‌است)

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۳۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۲۹۹۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۱۰۴۶۵۰۰ | « |

**۱۶ - شرکت سهامی خلرشیراز**: برای خرید انگور ایالت فارس و تهیه انواع مشتقات آن برای فروش در بازارهای داخله و خارجه تاسیس گردیده .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۵۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۱۳۹۴۶۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۵۵۷۸۴۰ | « |

**۱۷- شرکت سهامی میکده** : برای تهیه‌هرقسم مشروبات الکلی بمنظورفروش دربازارهای داخله و خارجه تاسیس گردیده .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۲۵۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۱۷۵۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۱۷۵۰۰۰۰ | « |

**۱۸ -شرکت سهامی مشروبسازی نوش** : برای تهیه و صدور انواع واقسام مشروبات الکلی تاسیس گردیده .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۲۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۲۰۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۲۰۰۰۰۰ | « |

**۱۹ ـ شرکت سهامی باده** : برای تقطیر و فروش الکل و همه قسم مشروبات الکلی و اجناس مختلفه مربوط بمشروبات و صادرات محصولات کارخانه الکلی تاسیس گردیده .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۷۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۳۵۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۳۵۰۰۰۰ | » |

**۲۰ -شرکت سهامی نوغان ایران** : برای بسط و توسعهٔ کلیه امور مربوط به تهیه تولید و اصلاح نژاد تخم نوغان تاسیس گردیده . (اخیراً باداره نوغان مبدل وضمیمه وزارت صناعت شده )

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۵۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۱۴۹۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۵۹۶۰۰۰ | » |

**۲۱ - شرکت سهامی فلاحت خوزستان** : این شرکت برای منظورهای ذیل تأسیس یافته است :

الف ـ تحصیل اراضی بایر خوزستان که دولت بطورمجانی بشرکتها و افراد ایرانی برای آبیاری واگذار مینماید .

ب ـ نصب دستگاههای تلمبه برای آبیاری زمینهای مذکور .

ج ـ تهیه محصولات فلاحتی خوزستان جهة صدور .

د ـ اعطاء اعتبارات لازمه برای انجام منظور های فوق باداره کل فلاحت و سایرین .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۴۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۳۰۰۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۳۰۰۰۰۰۰ | » |

**۲۲ - شرکت سهامی فلاحتی کرخه** : برای بهره برداری از اراضی که از طرف وزارت مالیه در خوزستان بملکیت بشرکت واگذار میشود تاسیس گردیده . این شرکت اجازه دارد که بهر نوع عملیات فلاحتی وتجارتی وصنعتی که بطورمستقیم یا غیرمستقیم مربوط بمقصود مذکوراست اشتغال ورزد .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۵۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانک | ۱۰۰۰۰۰ | » |
| پرداختی بانک | ۵۰۰۰۰ | » |

**۲۳ - شرکت سهامی صادرات نمک** : برای استخراج نمک معادن نمکدان واقع در جزیره قشم و استفاده از مواد شیمیائی مستخرجه نمک محلهای مذکور و همچنین فروش آنها در داخله و خارجه تاسیس گردیده .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۵۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۲٤٦۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۹۸٤۰۰ | « |

## شرکتهای کمك ومساعدت به برزگران

**۲٤ - شرکت سهامی محصولات فلاحتی بلوکات طهران**: برای کمك ومساعدت بتولید کنندگان محصولات فلاحتی و برعایا بوسیله فروش اجناس مابه‌الاحتیاج آنها وخرید محصول و درعین حال اعطای اعتبار برای تسهیل عملیات مزبور تاسیس گردیده

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۷۵۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۷۵۰۰۰۰ | « |

**۲۵ - شرکت سهامی معاملات روستائی فارس** : برای تهیه لوازم و مایحتاج زندگانی و فراهم آوردن وسائل لازمه برای پیشرفت امور فلاحتی و زراعتی رعایای حوزه فارس تاسیس یافته بعلاوه این مؤسسه بخرید محصولات زراعتی و فلاحتی محلی و صنایع دستی آنها نیز بقسمی که مناسب بحال زارع بوده باشد اقدام مینماید

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۹۵۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۹۵۰۰۰۰ | « |

**۲٦ - شرکت فلاحتی سیستان** : برای کمك و مساعدت بتولید کنندگان محصولات فلاحتی و برعایا بوسیله خرید مابه‌الاحتیاج آنان و فروش بانها ودر عین حال اعطاء اعتبار برای تسهیل عملیات مزبور تاسیس یافته .

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۶۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۵۹۴۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۵۹۴۰۰۰ | « |

## موسسات مالی

**۲۷ ـ شرکت سهامی صندوق پس انداز :** برای قبول وجوه صرفه جوئی از طبقات مردم و بکار انداختن آن در امریکه کاملا اطمینان بخش باشد تاسیس گردید این شرکت برای مستخدمین دولتی و بلدی خانه های ارزان قیمت تهیه باقساط طویل المدة واگذار مینماید ( اخیراً منحل شده است )

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۱۰۰۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۵۹۱۱۵۰۰ | » |
| پرداختی بانك | ۲۱۰۰۰۰۰ | » |

## شرکتهای صنعتی

**۲۸ شرکت سهامی صنایع دستی شیراز :** منظور از تاسیس این شرکت ترویج صنایع دستی میباشد که برای خانواده‌ها و غیره مواد اولیه و ماشینهائی که مورد احتیاج است تهیه نموده و باقساط استهلاکی به انها داده و در مقابل اشیاء ساخته شده را بقیمت عادله از انها قبول نماید وهمچنین برای تکمیل صنایع قدیمه ایران از قبیل خاتم‌سازی ـ چینی سازی وغیره اقدامات لازمه بعمل آورد . ( اخیرا منحل شده است )

| | | |
|---|---|---|
| سرمایه | ۳۰۰۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۵۰۰۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۲۵۰۰۰ | « |

میزان کل سرمایهٔ شرکتهائیکه بانك فلاحتی وصنعتی ایران تا آخر اسفند ماه ۱۳۱٤ در آنها مشارکت کرده ویا مستقلا تاسیس نموده

| | | |
|---|---|---|
| بالغ است بر | ۲۲٤٤۳۸۰۰۰ | ریال |
| تعهدی بانك | ۱۰۹۶۸۱٤۰۰ | « |
| پرداختی بانك | ۵۲۷۷۶۹۰۵ | « |

## از مجلهٔ بانك ملی ایران — بازار پول

### اسکناسهای درجریان و ذخیره فلزی دربانك ملی ایران

به ریال ( یك ریال طلا = ۰.۷۳۲۲۳۸۲ گرم طلای خالص )

| تاریخ | اسکناسهای صادره | اسکناسهای موجوده در صندوق بانك | اسکناسهای درجریان | موجودی مسکوکات نقره (قران و ریال) | موجودی طلای بانك |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ * | ۶ * |
| ۱۶·۱·۱۵ | ۹۱۲۸۳۳۴۵۰ | ۱۱۸۱۹۵۸۳۰ | ۷۹۴۶۳۷۶۲۰ | ۳۵۳۳۳۶۳۲۵ | ۲۹۷۰۸۸۸۵۸ |
| ۱۶·۱·۳۱ | ۹۱۲۸۳۳۴۵۰ | ۱۰۷۴۳۳۴۹۵ | ۸۰۵۳۹۹۹۵۵ | ۳۵۳۳۵۶۷۴۸ | ۲۹۷۱۵۱۸۵۶ |
| ۱۶·۲·۱۵ | ۹۱۲۸۳۳۴۵۰ | ۱۰۶۲۷۱۳۰۰ | ۸۰۶۵۶۲۱۵۰ | ۳۵۳۴۴۹۳۳۰ | ۲۹۷۱۵۸۲۲۸ |
| ۱۶·۲·۳۰ | ۹۱۴۸۳۳۴۵۰ | ۱۰۵۸۷۵۹۵۰ | ۸۰۸۹۵۷۵۰۰ | ۳۵۳۴۶۲۶۹۵ | ۲۹۷۱۶۶۶۳۷ |
| ۱۶·۳·۱۵ | ۹۱۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۱۲۶۲۰۶۴۵ | ۸۰۲۳۱۲۸۰۵ | ۳۵۳۵۲۲۴۷۵ | ۲۹۷۱۷۸۰۵۴ |
| ۱۶·۴·۳۱ | ۹۸۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۷۶۹۰۰۰۰۰ | ۸۰۸۰۳۳۴۵۰ | ۳۵۳۹۴۵۱۹۳ | ۲۹۷۱۷۸۱۷۱ |
| ۱۶·۴·۱۵ | ۹۹۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۸۱۸۸۱۶۵۰ | ۸۱۳۰۵۱۸۰۰ | ۳۵۴۲۸۴۴۹۷ | ۲۹۷۱۷۸۶۱۲ |
| ۱۶·۴·۳۱ | ۱۰۰۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۸۱۷۲۶۰۵۵ | ۸۲۳۲۰۷۳۹۵ | ۳۵۴۳۰۵۳۹۹ | ۲۹۷۱۷۸۶۱۲ |
| ۱۶·۵·۱۳ | ۱۰۱۱۴۳۳۴۵۰ | ۱۸۳۹۴۲۶۳۴ | ۸۲۷۴۹۰۸۱۶ | ۳۵۴۵۷۱۰۹۹ | ۲۹۷۱۷۸۶۱۲ |
| ۱۶·۵·۳۱ | ۱۰۱۱۴۳۳۴۵۰ | ۱۷۶۵۲۹۸۴۰ | ۸۳۴۹۰۳۶۱۰ | ۳۵۵۰۱۳۸۰۰ | ۲۹۷۱۸۰۲۷۵ |
| ۱۶·۶·۱۵ | ۱۰۱۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۶۱۵۳۷۶۳۰ | ۸۵۳۳۹۵۸۲۰ | ۳۵۵۰۴۳۲۱۰ | ۲۹۷۱۸۰۲۷۵ |
| ۱۶·۶·۳۱ | ۱۰۱۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۵۹۵۷۶۳۳۵ | ۸۵۵۳۵۷۱۱۵ | ۳۵۵۰۶۸۱۷۲ | ۲۹۷۱۹۲۴۳۵ |
| ۱۶·۷·۱۵ | ۱۰۱۴۷۳۳۴۵۰ | ۱۵۰۵۷۷۰۳۵ | ۸۶۴۳۵۶۴۱۵ | ۳۵۵۳۹۳۶۰۰ | ۳۰۶۵۲۸۲۶۳ |
| ۱۶·۷·۲۸ | ۱۰۱۴۹۳۳۴۵۰ | ۱۴۱۲۷۲۹۸۰ | ۸۷۳۶۶۰۴۷۰ | ۳۵۵۴۵۴۱۵۲ | ۳۰۶۶۰۴۰۸۳ |

* ذخیره فلزی موجود در خارجه جزء اعداد فوق منظور نشده است .

# تجارت خارجی ایران

## در سالهای ۱۳۱۳-۱۴-۱۳۱۵-۱۶

( به هزار ریال --- کالای تنها )

آمار تهیه شده طبق اعداد موقتی مندرجه در « مجله گمرك »
بدون رسیده های معاف وبدون فرستاده های شرکت سهامی نفت انگلیس
وایران ومحصول شیلات دریای خزر

## جمع رسیده ها و فرستاده ها ( واردات و صادرات )

| ماه | ۱۳۱۳—۱۴ | ۱۳۱۴—۱۵ | ۱۳۱۵—۱۶ |
|---|---|---|---|
| تیر | ۹۱۹۰۰ | ۹۷۰۰۰ | ۹۳۹۸۰ |
| مرداد | ۷۰۹۰۰ | ۸۱۰۰۰ | ۸۳۸۸۰ |
| شهریور | ۸۰۱۰۰ | ۹۲۶۰۰ | ۱۰۵۹۲۰ |
| مهر | ۸۹۳۰۰ | ۱۱۹۸۰۰ | ۱۲۲۹۰۰ |
| آبان | ۸۸۱۰۰ | ۱۱۳۰۹۰ | ۱۱۷۹۸۰ |
| آذر | ۱۰۹۳۰۰ | ۱۲۸۰۰۰ | ۱۲۴۴۴۰ |
| دی | ۸۵۵۰۰ | ۱۴۱۵۰۰ | ۱۵۶۴۳۰ |
| بهمن | ۱۰۸۰۰۰ | ۱۵۱۶۰۰ | ۱۳۷۱۴۰ |
| اسفند | ۱۰۵۱۰۰ | ۱۵۱۰۰۰ | ۱۸۶۶۰۰ |
| فروردین | ۸۶۱۰۰ | ۹۷۶۰۰ | ۱۵۰۶۹۰ |
| اردیبهشت | ۱۰۲۸۷۰ | ۱۳۵۰۰۰ | ۱۳۰۲۵۰ |
| خرداد | ۹۶۲۰۰ | ۷۵۹۸۰ | ۱۳۲۱۸۰ |
| تیر - خرداد | ۱۱۱۳۳۸۰ | ۱۳۸۴۷۷۰ | ۱۵۴۲۳۹۰ |
| « « ۞ | ۱۱۱۸۰۳۰ | ۱۳۹۸۵۶۷ | |

۞ - اعداد قطعی طبق آمار تجارتی سال اقتصادی ۱۳۱۴ اداره گمرك

| ماه | رسیده ها (بدون رسیده های معاف) ۱۳۱۳ — ۱٤ | ۱۳۱٤ — ۱٥ | ۱۳۱٥ — ۱٦ | فرستاده ها (بدون فرستاده های شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران) ۱۳۱۳ — ۱٤ | ۱۳۱٤ — ۱٥ | ۱۳۱٥ — ۱٦ |
|---|---|---|---|---|---|---|
| تیر | ٤٧١٠٠ | ٥٣١٠٠ | ٥٥٤٨٠ | ٤٤٨٠٠ | ٤٣٩٠٠ | ٣٨٥٠٠ |
| مرداد | ٤٦٤٠٠ | ٤٩٠٠٠ | ٥٠٨٨٠ | ٢٤٥٠٠ | ٣٢٦٠٠ | ٣٣٠٠٠ |
| شهریور | ٤٥٤٠٠ | ٥٤٤٠٠ | ٦٦٩٢٠ | ٣٤٧٠٠ | ٣٨٢٠٠ | ٣٩٠٠٠ |
| مهر | ٤٨٧٠٠ | ٥٨٢٠٠ | ٦٦١٠٠ | ٤٠٦٠٠ | ٦١٦٠٠ | ٥٦٨٠٠ |
| آبان | ٤٣٢٠٠ | ٦١٨٩٠ | ٦٣٤٨٠ | ٤٤٩٠٠ | ٥١٢٠٠ | ٥٤٥٠٠ |
| آذر | ٤٩٨٠٠ | ٧١٧٠٠ | ٥٧٤٨٠ | ٥٩٥٠٠ | ٥٦٣٠٠ | ٦٦٩٦٠ |
| دی | ٤٩١٠٠ | ٨٦٩٠٠ | ٧٧٤٦٠ | ٣٦٤٠٠ | ٥٤٦٠٠ | ٧٨٩٧٠ |
| بهمن | ٦٢٤٠٠ | ٧٨١٠٠ | ٦٤١٤٠ | ٤٥٦٠٠ | ٧٣٥٠٠ | ٧٣٠٠٠ |
| اسفند | ٥٥٠٠٠ | ٨٩٩٠٠ | ٩٣٥٠٠ | ٥٠١٠٠ | ٦١١٠٠ | ٩٣١٠٠ |
| فروردین | ٤٠١٠٠ | ٦٢٢٠٠ | ٩١٢٣٠ | ٤٦٠٠٠ | ٣٥٤٠٠ | ٥٩٤٦٠ |
| اردیبهشت | ٦١٤٧٠ | ٩٧٩٠٠ | ٩٣٥٦٠ | ٤١٤٠٠ | ٣٧١٠٠ | ٣٦٦٩٠ |
| خرداد | ٥٤٤٠٠ | ٣٩٠٨٠ | ٨٣١٤٠ | ٤١٨٠٠ | ٣٦٩٠٠ | ٤٩٠٤٠ |
| تیر ـ خرداد | ٦٠٣٠٧٠ | ٨٠٢٣٧٠ | ٨٦٣٣٧٠ | ٥١٠٣٠٠ | ٥٨٢٤٠٠ | ٦٧٩٠٢٠ |
| | ٦٠٤٣٦٠ | ٨٠٢٩٤٩ | | ٥١٣٦٧٠ | ٥٩٥٦١٨ | |

اضافه (+) کسر (—)

| ماه | ۱۳۱۳—۱۴ | ۱۳۱۴—۱۵ | ۱۳۱۵—۱۶ |
|---|---|---|---|
| تیر | ۲۳۰۰ — | ۹۲۰۰ — | ۱۶۹۸۰ — |
| مرداد | ۲۱۹۰۰ — | ۱۶۴۰۰ — | ۱۷۸۸۰ — |
| شهریور | ۱۰۷۰۰ — | ۱۶۲۰۰ — | ۲۷۹۲۰ — |
| مهر | ۸۱۰۰ — | ۳۴۰۰ + | ۹۳۰۰ — |
| آبان | ۱۷۰۰ + | ۱۰۶۹۰ — | ۸۹۸۰ — |
| آذر | ۹۷۰۰ + | ۱۵۴۰۰ — | ۹۴۸۰ + |
| دی | ۱۲۷۰۰ — | ۳۲۳۰۰ — | ۱۵۱۰ + |
| بهمن | ۱۶۸۰۰ — | ۴۶۰۰ — | ۸۸۶۰ + |
| اسفند | ۴۹۰۰ — | ۲۸۸۰۰ — | ۴۰۰ — |
| فروردین | ۵۹۰۰ + | ۲۶۸۰۰ — | ۳۱۷۷۰ — |
| اردیبهشت | ۲۰۰۷۰ — | ۶۰۸۰۰ — | ۵۶۸۷۰ — |
| خرداد | ۱۲۶۰۰ — | ۲۱۸۰ — | ۳۴۱۰۰ — |
| تیر - خرداد | ۹۲۷۷۰ — | ۲۱۹۹۷۰ — | ۱۸۴۳۵۰ — |
| « » ✿ | ۹۰۶۸۹ — | ۲۰۷۳۳۱ — | |

# بهاء کالای گوناگون در نیمهٔ سال ۱۳۱٦ طهران

صورت ذیل که‌ازمجله بانك ملی ایران اقتباس شده فقط برای یکبار بمنظور نمونه عمده فروشی اجناس و ارزاق طهران درسالنامه پارس چاپ میشود

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱٦ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱٦ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| **۱ - ماکولات** | | | |
| **غلات و حبوبات** | | | |
| ۱ - گندم | ۱۰۰ کیلو گرام | ۹۰،— | ۹۰،— |
| ۲ - آرد گندم معمولی | » » | ۹٦،۸۰-۹٤،- | ۹٦،۸۰-۹٤،- |
| اعلا تا نمره ٦۵ | » » | --۱۰۰،—<br>۱٦۵،۹۰ | -۱۰۰،-<br>۱٦۵،۹۰ |
| فروش شهرداری | » » | ۹٤،۳۵ | ۹٤،۳۵ |
| ۳ - جو | » » | ٦۳،۳۵ | ٦٦،٦۵ |
| ٤ - لوبیا فرنگی | » » | ۱۱۰ — | ۱۱٦،٦۵ |
| سفید و قرمز | » » | ۱۵۸،۳۵۱۲۵، | ۱٦۰-۱۲٦،٦۵ |
| چشم بلبلی | » » | ۱۲۰،— | ۱۳۳،۳۵ |
| ۵ - نخود شاهرود | » » | — | — |
| اردبیل | » » | ۱۳۰،— | ۱۳۰،— |
| ریزه نخود چی | » » | ۱۰۰،— | ۱۰۰،— |
| ٦ - نخود فرنگی مازندران | » » | ۸٦،٦۵ | ۸٦،٦۵ |
| ۷ - لپه تبریز | » » | ۱۳٦،٦۵ | ۱۵۰،— |
| زنجان | » » | ۱۱۰،— | ۱۰٦،٦۵ |
| طهران | » » | ۱۰٦،٦۵ | ۱۰۰،— |
| ۸ - عدس خمسه | » » | ۸۳،۳۵ | ۸۳،۳۵ |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| ورامین | ۱۰۰ کیلو گرام | ۶۶٫۶۵ | ۶۶٫۶۵ |
| قزوین | « « | ۱۱۶٫۶۵ | ۱۰۶٫۶۵ |
| اردبیل | « « | ۱۴۰٫— | ۱۳۳٫۳۵ |
| ملایر | « « | ۹۰٫— | ۹۰٫— |
| ۹ ـ خشخاش | « « | ۸۳٫۳۵ | ۱۰۰.۹۰۰ |
| ۱۰ ـ کنجد مازندران | « « | ۲۳۳٫۳۵ | ۲۲۳٫۳۵ |
| شیراز | « « | — | — |
| ۱۱ ـ بهدانه رشت | « « | ۱۶۶۶٫۶۵ | ۱۴۰۰٫— |
| مازندران | « « | ۲۰۰۰٫— | ۲۰۰۰٫— |
| ۱۲ ـ زیره سبز | « « | ۱٫۵۰ | ۱٫۶۵ |
| سیاه | « « | ۷٫۳۵ | ۷٫۳۵ |
| ۱۳ ـ تخم کدو کرمانشاه | ۱۰۰ « | ۳۳۳٫۳۵ | ۳۳۳٫۳۵ |
| شیراز | « « | ۳۳۳٫۳۵ | ۳۳۳٫۳۵ |
| تبریز | « « | ۳۳۳٫۳۵ | ۳۳۳٫۳۵ |
| مازندران | « « | ۳۶۶٫۶۵ | ۴۰۰٫— |
| ۱۴ ـ تخم کرچک | « « | ۶۰٫— | ۷۳٫۳۵ |
| ۱۵ ـ پنبه دانه | « « | ۵۶٫۶۵ | ۵۳٫۳۵ |
| **مواد غذائی ـ حیوانی** | | | |
| ۱ ـ گوشت گوسفند | « « | ۳۰۰٫— | ۳۰۰٫— |
| ۲ ـ « گاو | « « | ۱۶۰٫— | ۱۶۰٫— |
| ۳ ـ روغن همدان | « « | ۱۲۳۳٫۳۵ | ۱۱۸۳٫۳۵ |

| کالا های گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱٦ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱٦ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| کرمانشاه | ۱۰۰ کیلوگرم | ١٣١٦،٦٥ | ١٢٣٣،٣٥ |
| شیراز | » » | ١٢٠٨،٣٥ | ١١٦٦،٦٥ |
| ٤ ـ تخم مرغ زنجان | ۱۰۰۰ عدد | ١٤٥،— | ١٧٠،— |
| رشت | » » | ١٤٠،— | ١٦٥،— |
| ٥ ـ پنیر | ۱۰۰ کیلوگرم | ٥٣٣،٣٥ | ٥١٦،٦٥ |
| ٦ ـ ماهی دودی | ۱۰۰۰ عدد | ٣٥٠٠،ـ | ٣٥٠٠،ـ |
| ٧ ـ عسل | ۱۰۰ کیلوگرم | ٥٣٣،٣٥ | ٦٠٠؛— |
| ٨ ـ خاویار تازه | ۱ » | ٤٠،— | ٤٠،— |
| فشرده ( پرسه ) | » » | ٣٥،— | ٣٥،— |
| **موادغذائی ـ نباتی** | | | |
| ١ ـ قند کله بلژیکی | ۱۰۰ » | ٤١٤،٤٠ | ٤١٤،٠٠ |
| کله روسی | » » | ٤١٤،٤٠ | ٤١٤،٤٠ |
| قالبی کرج | » » | ٣٩٥،— | ٣٩٥،— |
| کله کهریزك | » » | ٤٩٠،— | ٤٩٠،— |
| ٢ ـ برنج صدری ( مازندران ) | » » | ١٦٦،٦٥ | ١٦٦،٦٥ |
| ( رشت ) | » » | ١٨٣،٣٥ | ١٨٣،٣٥ |
| گرده | » » | ١٣٣،٣٥ | ١٣٣،٣٥ |
| چمپا | » » | ١١٠،— | ١١٠،— |
| دمسیاه | » » | -٢١٦،٦٥ ٢٨٣،٠٥ | -٢١٦،٦٥ ٢٨٣،٢٥ |
| ٣ ـ چای هندی معمولی «دلاور» | ۱ » | ٣٤،— | ٣٢،— |
| اعلا « کلکته » | » » | ٤٢،-،٣٩،- | ٣٨،— |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| ژاپونی «شیزواکا» | ۱ کیلوگرم | — | — |
| ژاپونی «فرموزا» | « « | — | — |
| ایرانی | « « | ۲۲_۱٤۰_ | ۲۲_۱٤۰_ |
| ٤ ـ قهوه بو نداده برزیل | ۱۰۰ « | ١٤٦٦،٦٥ | ١٤٦٦،٦٥ |
| آرژانتین | « « | ١٤٦٦،٦٥ | ١٤٦٦،٦٥ |
| ۵ ـ سیب زمینی معمولی | « « | ٤۰،— | ۵۳،۳۵ |
| اسلامبولی | « « | — | — |
| ٦ ـ پیاز | « « | ۲۵،— | ۲۳،۳۵ |
| ۷ ـ روغن زیتون | ۱ « | ۱۰،— | ۱۲،۱۵ |
| ۸ ـ « کرچك | « « | ۱۰،٦۵ | ۲۰،— |
| ۹ ـ « خشخاش | « « | ۲۰،— | ۲۰،۱۰ |
| ۱۰ ـ زعفران | « « | ٦۳۳،۳۵ | ٦۵۰،— |
| ۱۱ ـ فلفل سیاه | « « | ۷۰،— | ۷۰،— |
| ۱۲ ـ زردچوبه | « « | ۸۰،— | ۸۰،۱۵ |
| **میوجات خشك** | | | |
| ۱ ـ کشمش | | | |
| الف ـ سبزه خشك شده بطرز کالیفرنی | ۱۰۰ « | — | ۳۳۳،۳۵ |
| معمولی پاك نکرده | « « | ۸٦،٦۵ | ۳۳۳،۳۵ |
| « پاك کرده | « « | ۱۰۰،— | ۲۵۰،— |
| ب ـ بیدانه پاك نکرده | « « | ۱٤۰،— | ۱٦٦،٦۵ |
| پاك کرده | « « | ۱۵۰،— | ۲۰۰،— |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| ج ـ عسکری | ۱۰۰ » | ۱۱۶٫۶۵ | ۱۱۶٫۶۵ |
| د ـ پلوی یا آشی | » » | ۲۳۳٫۳۵ | ۳۳۳٫۳۵ |
| ۲ ـ بادام | | | |
| الف ـ مغز بادام شیرین | » » | ۹۶۶٫۶۵ | ۹۶۶٫۶۵ |
| تلخ | » » | ۸۰۰٫— | ۷۶۶٫۶۵ |
| ب ـ بادام تلخ | » » | ۲۰۰٫— | ۲۱۶٫۶۵ |
| شیرین ( سنگک ) | » » | ۲۴۱٫۶۵ | ۲۶۶٫۶۵ |
| کاغذی ( سمنان ) | » » | — | — |
| ( تبریز ) | » » | — | — |
| ۳ ـ گردو | » » | ۱۳۳٫۳۵ | ۱۱۶٫۶۵ |
| گردو | ۱۰۰۰ عدد | — | — |
| مغز گردو | ۱۰۰ کیلوگرم | ۵۳۳٫۳۵ | ۵۰۰٫— |
| ۴ ـ پسته قزوین | » » | ۱۰۰۰٫— | ۹۰۰٫— |
| اردکان | » » | — | — |
| رفسنجان | » » | ۱۲۰۰٫— | ۱۳۳۳٫۳۵ |
| دامغان | » » | ۱۲۰۰٫— | ۱۳۳۳٫۳۵ |
| ۵ ـ برگه زرد آلو خشک شده بطرز کالیفرنی | » » | — | ۳۱۶٫۶۵ |
| معمولی | » » | — | ۱۰۰٫— |
| قیسی | » » | ۳۰۰٫— ۳۳۳٫۳۵ | ۳۶۶٫۶۵ |
| ۶ ـ هسته زرد آلو شیرین | » » | ۵۶۶٫۶۵ | ۶۳۳٫۳۵ |
| تلخ | » » | ۴۰۰٫— | ۴۳۳٫۳۵ |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| ۷ ـ انجیر خشك ورامین | ۱۰۰ کیلوگرم | — | ۱۱۶٫۶۵ |
| شیراز | » » | — | — |
| قم | » » | ۲۰۰٫— | ۲۱۶٫۶۵ |
| ۸ ـ فندق قزوین | » » | ۳۵۰٫— | ۴۰۰٫— |
| قم | » » | ۵۰۰٫— | ۵۰۰٫— |
| زنجان | » » | ۳۰۰٫— | ۳۱۶٫۶۵ |
| قره باغ | » » | ۳۸۰٫— | ۴۰۰٫— |
| ۹ ـ مغز فندوق | » » | — | — |
| ۱۰ ـ لیمو عمانی | » » | ۹۰۰٫— | ۹۰۰٫— |
| جهرمی | » » | ۸۰۰٫— | ۸۰۰٫— |

## مواد اولیه ـ حیوانی

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| ۱ ـ پشم سفید پاك کرده | » » | ۴۱۲٫۶۵ | ۴۶۲٫۲۰ |
| پاك نکرده | » » | — | — |
| رنگه پاك کرده | » » | ۲۸۷٫۷۵ | ۳۲۲٫۳۰ |
| پاك نکرده | » » | — | — |
| ۲ ـ پوست گوسفند قصابی متفرقه | ۱۰۰ عدد | ۴۵۰٫— | ۴۵۰٫— |
| ۳ ـ پوست بز قصابی متفرقه | » » | ۴۰۰٫— | ۴۰۰٫— |
| ۴ ـ پوست بره طهران | ۱ جفت | ۱۸۰٫— | ۱۸۰٫— |
| شیراز | » » | ۱۴۰٫— | ۱۲۰٫— |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| قم | ۱ جفت | —،۲۰۰ | —،۲۰۰ |
| اهواز | » » | —،۸۰ | —،۸۰ |
| اصفهان | » » | —،۸۰ | —،۸۰ |
| ۵ - پوست روباه معمولی | ۱ عدد | —،۳۵ | —،۳۵ |
| شیر دل | » » | —،٤۰ | —،٤۰ |
| زرد گوش | » » | —،۱۰ | —،۱۰ |
| ۶ - پوست گاو | | | |
| الف - قصابی نمك نزده | ۱۰۰ کیلوگرم | —،۱۰۰۰ | —،۱۰۰۰ |
| نمك زده | » » | —،۸۰۰ | —،۸۰۰ |
| ب - متفرقه نمك نزده | » » | ۹۳۳،۳۵ | ۹۳۳،۳۵ |
| نمك زده | » » | ۷۶۶،۶۵ | ۷۳۳،۳۵ |
| ۷ - روده گوسفند | ۱۰۰۰ عدد | —،۶۰۰۰ | —،۶۰۰۰ |
| ۸- روده بز | » » | —،۲۵۰۰ | —،۲۵۰۰ |
| ۹ - پوست گرگ | ۱ » | —،۲۵ | —،۲۵ |
| ۱۰ - پوست شغال | » » | —،۱۲ | —،۱۲ |
| ۱۱ - پوست گربه وحشی: (زرد دم کلفت) | » » | —،۱۲ | —،۱۲ |
| (پلنگی) | » » | —،۱۵ | —،۱۵ |
| (سبز) | » » | —،۹ | —،۹ |
| ۱۲ - پوست گوسفند سیاه | ۱۰۰ » | | |
| خاکستری | » » | —،٤۵۰ | —،٤۵۰ |
| قهوه | » » | | |

| کالا های گونا گون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| ۱۳ ـ پوست سمور | ۱ عدد | ۱۷۰۰،— | ۱۷۰۰،— |
| ۱۴ ـ پوست یوز پلنگ | « « | ۶۰۰،— | — |
| ۱۵ ـ « پرسق | « « | ۲۲،— | ۲۲،— |
| ۱۶ ـ « پلنگ | « « | ۸۰،— | ۸۰،— |
| ۱۷ ـ پشم شتر | ۱۰۰ کیلوگرم | ۱۷۰۰۰،ـ | ۱۵۰۰۰،ـ |
| ۱۸ ـ موم آب شده | « « | ۱۳۳۳،۳۵ | ۱۴۰۰۰،ـ |
| آب نشده | « « | ۱۲۶۶٫۶۵ | ۱۳۰۰۰،ـ |
| **مواداولیه ـ نباتی** | | | |
| ۱ ـ پنبه خام | | | |
| الف ـ بذر امریکائی پاك كرده | « « | — | — |
| وش امریکائی | « « | ۹۶،۶۵ | ۹۶،۶۵ |
| ب ـ بذر فیلستانی | « « | — | — |
| وش فیلستانی پاك كرده | « « | ۱۱۶،۶۵ | ۱۱۶،۶۵ |
| ج ـ بذر ایرانی پاك كرده | « « | — | — |
| قوزه بومی | « « | ۶۹،۱۵ | ۶۹،۱۵ |
| ۲ ـ تریاك لوله | ۱ « | ۵۳۳،۳۵ | ۵۳۳،۳۵ |
| شیره تریاك | « « | — | — |
| ۳ ـ کتیرا: | | | |
| الف ـ گل پیچ « مفتولی » نمره ۱ | ۱۰۰ « | ۶۵۰۰۰،ـ | ۶۵۰۰۰،ـ |
| نمره ۲ | « « | ۵۲۰۰۰،ـ | ۵۲۰۰۰،ـ |
| نمره ۳ | « « | ۲۲۵۰۰،ـ | ۳۲۵۰۰،ـ |

| کالاهای گوناگون | | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|---|
| نمره ٤ | | ۱۰۰ کیلو | ۱۹۵۰۰،ـ | ۱۹۵۰۰،ـ |
| ب ـ اره بر خرمنی نمره ۱ | | » » | ۱۳۰۰۰،ـ | ۱۳۰۰۰،ـ |
| نمره ۲ | | » » | ۱۰٤۰۰،ـ | ۱۰٤۰۰،ـ |
| نمره ۳ | | » » | ۹۱۰۰،ـ | ۹۱۰۰،ـ |
| نمره ٤ | | » » | ۷۸۰۰،ـ | ۷۸۰۰،ـ |
| ج ـ اره بر خرمنی درهم | | » » | ۱۰٤۰۰-۷۸۰۰،ـ | ۱۰٤۰۰-۷۸۰۰،ـ |
| ٤ ـ حنا | | » » | ٤۰۰۰،ـ | ۳۳۳،۳۵ |
| ٥ ـ روناس یزد | | » » | ۲٦٦،٦٥ | ۲۳۳،۳٥ |
| اصفهان | | » » | ۲۳۳،۳٥ | ۲۰۰،ـ |
| ٦ ـ ثعلب | | ۱ » | ۳۲،ـ | ۳۳،۳٥ |
| ۷ ـ صمغ عربی معمولی | | ۱۰۰ » | ٦٦٦،٦٥ | ٦٦٦،٦٥ |
| ارجن | | » » | ۲٦٦،٦٥ | ۲٦٦،٦٥ |
| ۸ ـ مازو | | » » | ٦۰۰،ـ | ٦۰۰،ـ |
| ۹ ـ شاهدانه | | » » | ۸۳،۳٥ | ۱۰۰،ـ |
| ۱۰ ـ کتان | | » » | ـ | ـ |
| **۲ - سوخت** | | | | |
| ۱ ـ نفت چراغ | | | | |
| شرکت نفت انگلیس و ایران | قیمت با مالیات | ۱ حلبی | ۱۸،۸٥ | ۱۸،۸ |
| شوروی | و عوارض | » » | ـ | ـ |
| ۲ ـ بنزین | | | | |

| کالاهای گوناگون | | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|---|
| شرکت نفت انگلیس و ایران | قیمت با مالیات | ۱ حلبی | ۲۳٫۷۵ | ۲۳٫۷۵ |
| شوروی | و عوارض | » » | — | — |
| ۳ - زغال چوب مازندران | | ۱۰۰ کیلوگرم | ۴۸٫۳۵ | ۴۸٫۳۵ |
| رشت | | » » | ۴۸٫۳۵ | ۴۸٫۳۵ |
| ۴ - چوب سوخت سیاه درخت | | » » | ۲۵٫— | ۲۵٫— |
| بید | | » » | ۲۱٫۶۵ | ۲۱٫۶۵ |
| ۵ - زغال سنگ کلوخه | | » » | ۳۱٫۶۵ | ۳۱٫۶۵ |
| خاکه | | » » | ۲۰٫— | ۲۰٫— |
| ۶ - کبریت شوروی | | صندوق | | |
| علامت کارخانه «شیر و خورشید» | | ۳۰۰۰ قوطی | ۲۹۰٫— | ۲۸۷٫— |
| «طیاره» | | » » | — | — |
| کبریت ایرانی: | | صندوق | | |
| تبریز | | ۱۰۰۰۰ قوطی | ۹۰۰٫— | ۹۰۰٫— |
| طهران | | صندوق | | |
| ۷ - شمع هندی شیر چاپ | | ۳۰۰۰ قوطی | ۲۵۵٫— | ۲۵۵٫— |
| سفید | | | | |
| رنگه | | صندوق | ۷۵٫— | ۸۰٫— |
| **۳ - فلزات** | | » | ۱۰۵٫— | ۱۰۵٫— |
| ۱ - آهن | | | | |
| آهن تیر نمره ۱۰ - ۱۸ | | ۱۰۰ کیلوگرم | ۲۱۶٫۶۵ ۲۳۳٫۳۵ | ۲۱۶٫۶۵ ۱۳۳٫۳۵ |
| نمره ۲۰ - ۳۲ | | » » | | |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| آهن : سفید ورق | ۱۰۰ کیلوگرم | ۸۶۶،۶۵ | ۷۶۶،۶۵ |
| تسمه ۳۰ ـ ۶۰ میلیمتر | » » | ۱۷۳،۳۵ | ۱۷۳،۳۵ |
| نبشی ۳۰ ـ ۴۰ میلیمتر | » » | ۲۳۳،۳۵ | ۲۸۳،۳۵ |
| ۶۰ میلیمتر | » » | ۲۳۳،۳۵ | ۲۰۸،۳۵ |
| ۷۵ ـ ۱۰۰ میلیمتر | » » | ۲۳۳،۳۵ | ۲۲۳،۳۵ |
| میله شش و نیم ـ ۸ میلیمتر | » » | ۱۷۶،۶۵ | ۱۹۳،۳۵ |
| گرد ۱۰ ـ ۲۵ میلیمتر | » » | ۱۷۶،۶۵ | ۱۸۳،۳۵ |
| ۲ ـ مس : | | | |
| گرد | » » | — | — |
| ورق | » » | ۱۰۳۳،۳۵ | ۱۰۰۰،ـ |
| ۳ ـ قلع : شمش | » » | ۳۷۳۳،۳۵ | ۳۷۰۰،ـ |
| **۴ ـ مواد نسجی** | | | |
| ۱ ـ نخ پنبه سفید ایرانی | | | |
| نمره ۲۰ خام شیراز | ۱ بقچه | ۵۳،— | ۵۳،— |
| » » » اصفهان | » » | ۵۴،— | ۵۴،— |
| » » » شاهی | » » | — | — |
| نمره ۲۰ تابیده شیراز | » » | ۶۳،— | ۶۳،— |
| » » » اصفهان | » » | ۶۴،— | ۶۴،— |
| » » » شاهی | » » | — | — |
| ۲ ـ نخ پشم | | | |
| سفید ایرانی نمره ۸ | » » | ۹۰،— | ۱۰۰،— |
| نمره ۲۰ | » » | ۱۱۰،— | ۱۲۰،— |
| سفید خارجه | » » | | |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| رنگه خارجه | ۱ بقچه | ۳۰۰،-۳۷۰- | ۳۰۰،-۴۰۰- |
| ۳ ـ منسوجات پنبه | | | |
| ململ سفید انگلیسی نمره ۹۹۹ | | | |
| ۵۰ اینچ × ۲۰ یارد | ۱ یارد | ۳،۴۵ | ۳،۵۰ |
| دبیت مشکی و رنگه انگلیسی | | | |
| ۵۰ اینچ × ۴۰/۴۵ یارد | » | ۱۰،— | ۱۰،۳۰ |
| وال باسمه و رنگه انگلیسی | | | |
| ۳۶ اینچ × ۴۰/۴۵ یارد | » | — | — |
| چلوار ژاپونی | | | |
| ۳۴ اینچ × ۴۱ یارد | » | ۲،۷۹ | ۲،۷۳ |
| چیت ژاپونی | | | |
| ۲۸ اینچ × ۳۰ یارد | » | — | — |
| پوپلین باسمه ژاپونی | | | |
| ۲۸ اینچ × ۳۰ یارد | » | ۳،۳۳ | ۳،۲۰ |
| ۳۰ یاردی ژاپونی نمره ۵۰۰ | | | |
| ۲۴/۲۶ اینچ × ۳۰ یارد | » | ۲،۶۰ | ۲،۳۳ |
| چلوار روسی نمره ۵۶۰ | | | |
| ۷۷ سانتیمتر × ۴۰ یارد | » | ۲،۲۳ | ۲،۲۸ |
| دبیت مشکی روسی | | | |
| ۱۳۰ سانتیمتر × ۴۰/۴۵ یارد | » | ۷،۲۸ | ۶،۶۰ |
| چیت روسی نمره ۵ | | | |
| ۴۰/۴۵ یارد | » | ۲،۷۰ | ۲،۵۵ |
| ۴ ـ منسوجات پشمی | | | |

| کالاهای گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| الف ـ گاباردین نازک لباس | | | |
| ۳۰۰-۴۸۰ گرم ؛ ۱۳۰-۱۵۰ سانتیمتر | ۱ متر | ۴۰-۲۰۰- | ۴۰-۲۰۰- |
| ب ـ گاباردین کلفت | | | |
| ۵۰۰-۶۲۰ گرم ؛ ۱۳۰ ـ ۱۵۰ | » » | ۶۸-۳۶۰- | ۶۸-۳۶۰- |
| ج ـ فاستونی مشکی و سرمهٔ | | | |
| ۱۳۰ - ۱۴۲ سانتیمتر | » » | ۳۵-۱۸۰- | ۳۵-۱۸۰- |
| د ـ شالهای ساده زنانه ۷۰-۱۳۰ سانتیمتر | » » | ۲۶-۹۰- | ۲۶-۹۰- |
| ه ـ فاستونی فانتزی مردانه ۱۴۰-۱۴۴ سانتیمتر | » » | ۷۰-۳۵۰- | ۷۰-۳۵۰- |
| و ـ پالتوی نازک مردانه | | | |
| ۷۰۰-۸۵۰ گرم؛ ۱۳۰-۱۵۰ سانتیمتر | » » | ۵۸-۳۵۰- | ۵۸-۳۵۰- |
| ز ـ پالتوی کلفت | | | |
| ۸۵۰-۱۲۰۰ گرم؛ ۱۳۰-۱۵۰ » | » » | ۸۰-۴۶۰- | ۸۰-۴۶۰- |
| ح ـ پالتوی ساده زنانه ۱۳۰-۱۳۵ » | » » | ۴۰-۳۰۰- | ۴۰-۳۰۰- |
| ط ـ » زنانه فانتزی ۱۳۰-۱۴۰ » | » » | ۷۳-۳۵۰- | ۷۳-۳۵۰- |
| ی ـ مشکی لباس رسمی «کانگ» ۱۴۰-۱۵۰ » | » » | ۸۰-۴۶۰- | ۸۰-۴۶۰- |
| ك ـ فرمی | | | |
| ارتش و شهربانی ۱۴۰-۱۵۰ سانتیمتر | » » | ۷۵-۳۰۰- | ۷۵-۳۰۰- |
| ل ـ پالتوی فرمی ۱۴۰-۱۵۰ سانتیمتر | » » | ۵۸ز۳۰۰- | ۵۸-۳۰۰- |
| **۵ - مصالح ساختمانی** | | | |
| ۱ ـ چوب ساختمان | ۱۰۰ کیلوگرم | ۸۳٫۳۵ | ۶۶٫۶۵ |
| تیر سفید ۶۰ ـ × ۸ متر تقریبا | ۱۰ عدد | — | — |
| ۲ - آجر سفید | ۱۰۰۰ » | ۱۷۰-- | ۱۷۵- |
| ابلق | » » | ۱۳۵-- | ۱۳۵- |

| کالا های گوناگون | واحد | ۱۵ مهر ۱۳۱۶ قیمت بریال | ۱۵ آبان ۱۳۱۶ قیمت بریال |
|---|---|---|---|
| قرمز | ۱۰۰۰ عدد | ۷۰،— | ۷۰،— |
| ۳ - سیمان خام روسی | ۱۰۰ کیلوگرم | — | — |
| ایرانی | » » | ۷۲،— | ۷۲,— |
| ٤ ـ آهك | » » | ۱۱،— | ۱۱,— |
| ٥ ـ گچ | » » | ٥،٤۰ | ٥,٤۰ |
| **٦ - متفرقه** | | | |
| ۱ ـ یونجه | » » | ٦۳،۳٥ | ٦۰,— |
| ۲ کاه | » » | ٤۱،٦٥ | ٤۱,٦٥ |
| ۳ ـ تنباکوی قلیان اصفهان | » » | ٤۸۳،۳٥ | ٥۰۰,— |
| کاشان | » » | ٥۳۳،۳٥ | ٦۰٥،— |
| شیراز | » » | — | — |
| توتون سیگار برگ نمره ۱ * | » » | ۱۳۲۱،— | ۱۳۲۱,— |
| نمره ۲ * | » » | ۸۳۰,— | ۸۳۰،— |
| نمره ۳ * | » » | ۳۸،— | ۳۸۰،— |
| توتون سیگار | ۱ » | ۳۲-۲۱،۳٥ | ۳۲-۲۱،۳٥ |
| « چپق | » » | ۱۳،۳٥-۸،— | ۱۳،۳٥-۸ - |
| ٤ - نیل مصنوعی «پنج کله» | صندوق | ٤۰۰۰،— | ٤۱۰۰،— |

# ۷ ـ اراضی طهران

| | | | |
|---|---|---|---|
| درمحله های مرغوب «حسن آباد» | متر مربع | ۱۷۰-۱۲۰،— | ۱۷۰-۱۲۰،— |
| درمحله های متوسط «دولت» | » » | ۱٥۰-۸۰،— | ۱٥۰-۸۰،— |
| درمحله های پست «جنوب شهر» | » » | ۱۰۰-۳۰،— | ۱۰۰-۳۰،— |

* بدون احتساب مالیات ازقرار ۱۰،۱۰ ریال هر کیلو واضافه عوارض صدی دو




من در آرزوی شوهری هستم که مانند خودم بارایش سر وزلف و صورت ولباس مقید باشد مخصوصا مانند شما لباس کمادارزنانه بپوشد!
خوشبختانه منهم زنی میخواستم که باحرکات بچگانهٔ خود همیشه خاطرات شیرین طفولیت را در من تجدید کند!

نظر خوانندگان سالنامه را بیک داستان اخلاقی که از صفحه مقابل شروع شده جلب میکنیم و بداستانی که از ین جالب تر نوشته شود پانصد ریال جایزه میدهیم

**از داستانهای نو**

# آخرین لبخند

## «بقلم داستان سرای محبوب ما ح.م. حمید»

عشق و علاقه را همه کس از خوبیهای جهان میشمارد ، من و شما هر گاه که این کلمات را میشنویم ، هر گاه که باین صفات بزرگ و درخشان میاندیشیم و کسانی را که بانها متصف هستند در پیش چشم خیال مجسم میکنیم می پنداریم مردمی پاك و پاکیزه ، بتمام معنی خوب ، عاری از زشتی ونقص،چون آفتاب درخشان و چون گل دوست داشتنی هستند .

نه ، اینطور نیست ، چه بسیار ازخوبیهای‌جهان که آثار بزرگ و نمایانی از آنها در ناپاکترین مردم وجود دارد ؛ عشق و علاقه مثل همه صفات پسندیده ، مثل همه سجایای خوب ، اختصاص به دستهٔ خاصی ندارد ، مخصوص نیکان ویا کان نیست ، آفتابی است که بهر جا میتابد ، چشمهٔ ازلی و بی پایانی است که از همه جا میگذرد ، سفیدی وسیاهی ،بزرگی‌و کوچکی، گلزار یا خارستان برای او فرق نمیکند ، همه از نورش بهره میبرند ، همه از فیضش سیراب میشوند ....

این آفتاب دردل خسروهم تابیده بود..خسرو دوست میداشت ؛ درین دوستی ، درین عشق، تمامی‌روح‌اوغوطه ور بود ، اگر ادعا میکرد که این دوستی و عشق در عالم خود بیمانند است ، قطعا راست میگفت.

محبوب او کسی بود که محبوب همه عالم است ولی او بیش ازهمهٔ عالم دوستدار محبوب خود بود ...

از همه بالا تر عشق و دوست داشتن او چه پاك و چه آسمانی بود ، عشقی بود که هیچگاه و در هیچ مورد ملامت پذیر نتوانند بود ؛ عشقی بود که هیچگاه جنبهٔ بد و ناپسند نتوانند داشت ، عشقی بود که بسیار کسان همانرا عشق حقیقی نامیده اند ،... زیرا



خانم جان ، گفته اند روز برای کار و شب برای خواب است، ملاحظه کنید که من با کار و زحمت فردا باید محل ول خرجیهای شمارا تامین کنم وصورت‌حسابهای بی‌دربی شما را بطلبکارها بپردازم

بسیار خوب آقا . . . !

همینطور هم گفته اند شب برای زن و روز برای مرد است و ملاحظه کنید که منهم باید مشقهای امشب‌را با گرامافون حاضر کنم وفردا بپرفسور پس‌بدهم !

---

خسرو مادر خودرا دوست میداشت ...عشق بمادر یگانه آفتابی بود که در دلش میتابید . آری ، در همهٔ وجود او جز بن نور و صفا و حقیقتی وجود نداشت و عجب آنکه این نور با همه دوام و نفوذ و درخشندگی‌خود چیزی ازسیاهی‌دل او نمیکاست ، چراغ روشنی پیش پای او نمیگذاشت ، از بیراهه ، از خبط و خطا ، از گناه و جنایت ، از بدی و بدکاری بازش نمیداشت ، زیرا اینها همه جزو فطرت او بود ، زیرا بدی و ناپاکی ، شرارت و جنایت از غرایز اصلی او بود ، زیرا مادر او نیز چیزی جز این نبود .

خسرو از پدر خود خبری نداشت ، هیچگاه اورا ندیده و اسم اورا نشنیده بود ، گاه و بیگاه که درین موضوع سخنی بمیان می آمد مادرش جوابی مبهم و سر بسته میگفت و ظلمتی بر ظلمت می افزود .

بعد ها خسرو دریافت که مادرش هم درین خصوص به درستی

# همگی واژه‌های نو

«که تا کنون بتصویب فرهنگستان ایران رسیده و از سوی دبیرخانهٔ فرهنگستان چاپ و پخش شده بسود خوانندگان‌مایکجا درین سالنامه چاپ میشود»

**یاد آوری** ـ لغت هائیکه از خرداد ماه سال ۱۳۱۴ یعنی از آغاز گشایش‌فرهنگستان تا کنون‌پذیرفته شده درین دفتر گرد آمده است . معنی لغت از روی فرهنگهای فارسی رو نویس شده و معنی لغتهای بیگانه برابر آنها از فرهنگهای همان زبان بدست آمده تا منظور فرهنگستان از برگزیدن کلمهٔ تازه‌بهترآشکارشود .

چون بیشتر لغتهائی که تا کنون بر رسی شده از اداره های کشوری مانند شهربانی و شهرداری و بانك و یا لشکری مانند نیروی دریائی بوده و هر یك در جای معینی بکار می رفته پس از نوشتن معنی فارسی و مثالی از نظم یا نثر گذشته معین شده است که لغت از کدام اداره بوده و اکنون بچه شکل و در کجا باید بکار برود . ونیز در برابر لغتهای پراکنده دیگر که مربوط باداره مخصوصی نبوده و لغت بیگانه ای بجای آنها به کار میرفته معادل فارسی آن که بیشتر ازاین معمول‌بوده واکنون تغییر یافته وگاهی درغیر مورداصلی‌استعمال نموده‌اندیادآوری‌شده«دبیرخانه»

---

نمی تواند چیزی بگوید ؛ بنا بر ین فقط میدانست که پسر مادر خویش است و ازین نکته وقتی خشنود و راضی میشد که میدید فرقی بین او و مادرش نیست ؛ روح هردو از یك ظلمت سرچشمه گرفته ، قالب هر دو از یك قالب بیرون آمده و حتی گذشته از چیز هائیکه پنهان ومعنوی است ، درآنچه که نمایان‌وصوری است نیز تفاوتی ندارند.

این مادر و پسر بی اندازه شبیه یکدیگربودند : یکی پیر تر و دیگری‌جوانتر ، یکی آفتابی که برلب چاه مغرب رسیده ودیگری آفتابی که برقلهٔ کوه مشرق نمودار شده است .



بالاخره اتومبیل را تهیه کردیم اما شما متاسفانه خانم بعلت پیری وشکستگی نمیتوانیدرانندگی کنیدو ناچار برای این کارهم بایدهرچه زودترفکری کرد!
راست است پیری و شکستگی مانع انجام این امر دشوار میباشد ولی فراموش نکنید که درشب عروسی شما مرا بغل گرفته بخوابگاه بردید وحال اگر من برای این کار فکری بکنم سزاوار تر است!

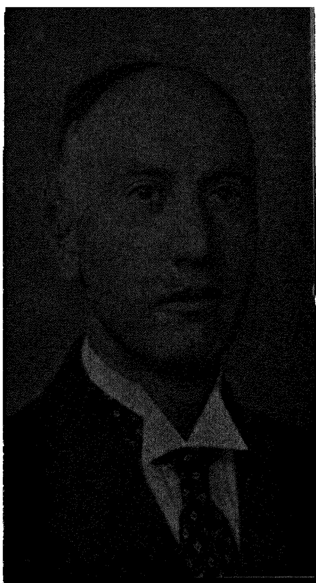
---

راستی خسرو خیلی خوشگل بود ... همسایهٔ پیر آنها گاه به دخترش میگفت: سیمی است که با مادرش بدو نیمه کرده اند، هروقت اورا می بینم جوانی مادرش را بیاد میاورم ...

و دختر جوان او که بیش از یکی دو ماه به عروسی او با نامزدش باقی نمانده بود ونامزدخودیعنی یك بنای جوان راچنان دوست میداشت که زادگان بهشت وفرشتگان آسمان را هم خوارمیشمرد در جواب مادر پیر خود لبخندی پر از تمسخر میزد و میگفت:

- آری. بما در خود خیلی شبیه است. نه فقط صورتش، همه چیزش!.. برو مادرجان، خوشگلی صورت برای چه خوب است باید باطن انسان خوشگل باشد .... تو هروقت این پسره را میبینی خیال میکنی خدا از آسمان بزیر آمده وصورت انسانی بخود گرفته ولی من هر وقت اورا می بینم یقین می کنم که یك دیو سیاه و کثیف ازدوزخ گریخته ویك «ماسك» خوشگل نمیدانم از کجا دزدیده بچهره گذاشته وخودرا خسرونامیده است ... مادرش هم از آن عفریت ها ست . . . نمیدانی عذرا ازقول مادر خود چه چیز ها از ین خانم تعریف میکرد . . .

هم این دختر جوان، هم ما در عذرا و هم هر کس دیگر که



## آقای دکتر موسی حکیم اعلم

دارای تصدیقنامه از اونیورسیته ومریضخانه لندن، دیپلمه در طب و جراحی و کحالی، متخصص در سیفلیس و امراض داخلی وسالك ـ پزشك سابق بهداشت شهرداری که برای مطالعات طبی به اروپا مسافرت کرده بودند مراجعت نموده وارمغان بزرگی آورده اند .

# ارمغان مسافرت اروپا

**اطفال خود را از امراض دیفتری، کزاز وسیاه سرفه حفظ نمائید** ـ در نتیجه مطالعات طبی مسافرت دوم اروپا بعنوان ارمغان اناتوکسین امراض دیفتیری، کزاز وسیاه سرفه را جهة جلوگیری از ابتلاء ومعالجه امراض مذکور باخود آورده وطبق آخرین دستور لیستر لندن وانستیتو پاستور پاریس جلوگیری مینماید .

خانواده هائی که بصحت وسلامتی اولاد خود علاقمند میباشند به دکتر موسی ( **حکیم اعلم** ) خیابان سوم اسفند (خاص) رجوع نمایند . ـ « ثبت دفتر اداره بهداری شهرداری ۱۵۴ »

**آبادان** = نام شهر و جزیره ایست در دهانهٔ کارون که کارخانه های تصفیهٔ نفت در آن ساخته شده و آنرا (عبادان) مینوشتند .

**آب باز** = فارسی (غواص) است ـ نجات دهنده .

**آب بها** = (از آب و بها) ـ پولیست که برای قیمت آب پرداخته میشود ، (حق الشرب) (لغت شهرداری)

**آبیار** = کسی را گویند که زراعت یا مکانی را آب می دهد (میر آب) (لغت شهرداری)

**آتش نشان** = کسی را گویند که مامور فرونشاندن آتش است (مامور اطفائیه) (لغت شهرداری)

**آتش نشانی** = (از آتش و نشاندن) ـ فرو نشاندن آتش — دایرهٔ ایست از شهرداری که در هنگام آتش گرفتن محلی به فرو نشاندن آن میپردازد . سابقا (اطفائیه) نامیده میشد . (لغت شهرداری)

**آسایشگاه** = این کلمه را فرهنگستان بجای سانا توریوم sanatorium فرانسه اختیار نموده و آن جائیست که بیماران و نا توانان را در آن نگاهداری کرده وضع خوراك وخواب و رفتار آنهارا مطابق دستور پزشك مرتب مینمایند تا بهبودی یابند .

---

درخصوص این ما در و پسر سخنی میگفت کاملا حق داشت ، حتی هیچیك از آنها نمی توانستند حق مطلب را ادا کنندو آنچه‌را که لازمست بگویند . . . البته چنین‌است، کیست که بتواند در باطن اشخاص‌راه یابد و آنچه را که از خوب وبددارند بدست آورد !...

مادر خسرو یك عمر در اعماق دنائت و رذالت غو طه خورده و همچون غواصی که از قعر باتلاقی چیزی بدست آورد ، خسرو را یافته و ببار آورده بود ... این نتیجه را از در و گوهر عزیز تر و گرانبها تر میشمرد ، اورا میپرستید ، خرسندی خاطر وخوشی اورا از همه چیز لازم تر میدا نست ، به دلخواه او رفتار میکرد ، هرچه را که او میخوا ست ، چه بد و چه خوب فراهم می آورد ،



چندین روز است که دایم مشغول تهیه جشن سال عروسی خودتان هستید و ابداً در فکر لباسهای من نیستید که در شب جشن باید از خانمها و میهمانان قشنگ شما پذیرائی کنم!
اولا جشن عروسی من است نه جشن دامادی شما ثانیا میدانید که پذیرائی هر مجلسی با صاحب آن مجلس است همچنین زنهای تازه عروس وجوانان تازه داماد از مصاحبت شما لذتی نخواهند برد بعلاوه این حرفها دیگر ازشما قبیح است شمادر آنشب بکلی ازخدمت معاف هستید!

اصلا دلخواه او هرچه بود درنظر این مادر خوب بود ... مگر ممکن است آنکس که بد است خود یا همانند خودرا بد بشمارد ، خوبی و زیبائی در نظر بدان همان چیز ها نیست که خوبان بد و زشت میدانند . برای یك جانی بزرگترین خوبی آنست که جنایتی را با کامیابی انجام دهد . . . خسرو درنظر مادرش وقتی خوب و لایق و امید بخش جلوه میکرد که بهتر و ماهرانه تر میتوانست راه و روش دیرین مادر را دنبال کند. هرگاه که خسرو در ناپاکی ، در هرزگی ، در نیرنگ وفریب ، درشکستن دلها و آلوده ساختن دامنها بیشتر توفیق مییافت و جسورانه تر قدم بر میداشت مادرش خشنود ترمیشد ، سر ورویش را بامحبت بیشتری میبوسید و بیشتر زبان به تمجیدش میگشود . . . بیك مرد نیکوکار بگوئید: «آفرین برتو که جانی را از خطر مرگ رهانیدی» ، خوشحال و ممنون خواهد شد . ، بیك جوان ناپاك و زشت کار بگوئید « آفرین برتو که با مهارت بیگناهی‌را بدام افکندی» ، از فرط شعف مست

**آگاهی** = فرهنگستان این کلمه را بجای sureté générale اختیار نموده و آن اداره ایست در شهربانی که برای تعقیب جنایت کاران است و اعضاء آنرا کار آگاه می گویند ( پلیس مخفی ) ( لغت شهربانی )

**آگهی** = اعلان - نوشته ایست که موضوع جدیدی را بخوانندگان خبر میدهد = اعلامیه ( در بانک ) نوشته ایست که از طرف بانک برای مشتری فرستاده میشود تا اورا از قصد بانک راجع بحساب و کار های آن شخص مطلع سازد . ( avis )

**آمار** = نهایت طلب و تفحص و تجسس حساب - استقصاو تتبع این کلمه بجای احصائیه اختیار شده و کلمهٔ خارجی آن (استاتیستیک ) است ( statistique )

**آمار شناس** = عالمی که بقواعد علم آمار آگهی دارد متخصص احصائیه ( statisticien )

**آمار گر** = کسی که مامور انجام کار های آمار است ( مامور احصائیه )

**آموزشگاه** ( از آموزش و گاه ) = مکانی که در آن درس خوانده میشود مدرسه بمعنی اعم . - مثال : آموزشگاه کودکان آموزشگاه ستوانی

---

خواهد شد و شما را چون جان عزیز خواهد داشت .. خسرو اگر مادری میداشت که اندرز نیکش میداد و بترك نادرستی ها وجرائمش میخواند شاید این جوان سیاه دل نه فقط از وی بیزار میشد بلکه از فرط نفرت و غیظ دست بخونش میالود . ولی برعکس مادرش با او همراه و همرای بود ، تمجید و تشویقش میکرد ، هوسها و شهوات اورا راهنمائی میکرد ، ظلمات موحشی را که جوانان باچشم بسته بدرونش قدم مینهند تا خوش باشند بوی مینمود و ازین راهنمائی بر خرسندی و مسرت پسرش میافزود و خود نیز راضی و خشنود میشد . میگفت : خسرو . اگر میخواهی در بهشت باشی ازین راه برو و چنین کن ! ...



آه دخترجان، تمام آرزوی من این است که شوهری بقشنگی وخوشگلی پدرت برای تو پیدا کنم!

اما مادر جان پدرم در نظرشما قشنگ و خوشگل بوده وشوهر شما است من باید شوهری برای خودم انتخاب کنم که یقین دارم بیش از پدرم قابل توجه شما خواهد شد!

آنان که مخلوق دوزخند نیز بهشتی دارند، بهشت آنان در پائین ترین طبقهٔ دوزخ است . . . خسرو بدست مادرش باین طبقه رانده میشد...

اینها همه موجب آن بود که خسرو مادر خود را بپرستد واورا یگانه مایهٔ زندگانی خود بشمارد . . . این جوان تیره روز وسیاه‌دل جزاین عشق و محبت خوبی دیگری در نهاد نداشت، در میان همهٔ عواطف واحساسات او نقطهٔ روشن وپسندیده ای جزاین دیده نمیشد؛ هیچگاه کسی را جز برای هوسرانی وخوشگذرانی نخواسته بود، هیچگاه کلام شیرین ودلنواز: « دوست میدارم » را جز باشوخی و مسخره بگوش کسی نخوانده بود . . . هرگز در خارج از خانه و جز آن موقع که مادرش را ناخوشی و کسالتی فرا میگرفت دلش در مقابل چیزی نارزیده و اضطراب و غمی در جانش راه نیافته بود، رحم و مروت، وفا داری وصداقت، دلسوزی و شفقت، هر آنچه که‌دراین جهان نیکی وفضیلت نام‌دارد درقاموس زندگی آن

**آئین** = زیب وزینت رسم وعادت وطرز و روش ـ بجای این کلمه سابقا ( تشریفات ) یا اتیکت ( etiquette ) یا سر مونی ( cérémonie ) بکار میرفت .

**ارز** = سندهای تجارتی که ارزش آنها بپول های خارجی معین شده این کلمه‌رافرهنگستان بجای ( اسعار ) اختیارنموده است ۰ devises ، لغت بانکی )

**ارزش** = اعتبار یك سند یامتاع ـ پولی که درسند نوشته شده (valeur) مثال : ارزش این سند دوهزار ریال است . (لغت انکی)

**ارزنده** (اسم فاعل ازارزیدن ) = دارای ارزش ـ پذیرفتنی ـ دارای‌اعتبار (valable) . مثال : این سند ار زنده است . یعنی‌اعتبار دارد . (لغت بانکی )

**ارزیاب** = ( مخفف ارزیابنده ) کسی که‌ارزش چیزی‌رامعین میکند ۰ بجای ( مقوم ) اختیار شده .

**ارزیابی** = ( از ارز و یافتن ) = عمل یافتن ارزش هر چیز این کلمه بجای ( تقویم ) اختیار شده است .

مثال : خانه‌های شهر باید ارزیابی شده و اجاره بندی گردد .

**ارزیافت** = نتیجه‌ای که از ارزیابی بدست آمده مانند ارزش خانه و ملك .

---

جوان معنی و مفهومی نداشت ... درپیرامون اوهمه چشمها گریان باشد ، بزیر پای او کسانی که سیلی نا پاکی و قهر از دستش خورده اند خودرا بروی خاك کشند وناله وزاری کنند ، درقفای او بیگناهانی که زهر اورا چشیده اند صدا به نفرین ولعنت بر آورند برای‌اواهمیت ندارد ؛ به هیچیك نمینگرد، بهیچکدام اعتنا نمیکند ، شاد وخندان پیش میرود تا در صحنهٔ سیاه کاری خود نقش دیگری ببازد ، میرود تا بشیوهٔ خود زندگی کند ، یعنی خوش بگذراند ..

خسرو چیزی جزبن نبود و در زندگانی و برای زندگانی یار حقیقی و پشتیبان محکمی جز مادرخودنداشت . در جریان زندگی ، در محافل عیش و طرب ، در مراحلی که میپمود، درپله هائی که



خانم ملاحظه میفرمائید که این بازیگر چقدر قشنگ و خوش اندام است حقیقتا اندام باریک و متنا سب دوست داشتنی است !

در تمام دورهٔ همسری فقط همین یك سخن راست و درست را بمن گفته اید

آری ، همینطوراست منهم بازیگر دیگری را که با او بازی میکند میخواستم بشما نشان بدهم که ملاحظه کنید چقدر خوش هیکل وظریف است !

---

پائین‌میرفت ، هیچگاه تنها نبود ، کسانی‌را درنزدیکی خودمییافت که بتواند ساعتی باآنهادمساز وهمقدم باشد ، ولی از اینها هرگز صداقت وصفا ، صمیمیت و وفا ، نه میدید ونه منتظر بود که ببیند .. ازین گذشته نه احتیاجی به وفا و صداقت کس داشت ونه کسی یافت میشد که بتواند در کناروح اوقدم بردارد وباتمایلات اوهم آهنك باشد . . . مادرش او را ازین جهة بی نیاز میکرد و بهتر ازهمه به دل او پاسخ مناسب میداد .

صبح‌ها ، اگر شب را درخانهٔ خود گذرانیده‌بود ، دیده‌ازخواب نمیگشود و از بستر خودبیرون‌نمی آمدتامادرش نزداو آید ، بررویش لبخندزند ، گونه هایش را ببوسد و کلمات شیرین بااوبگوید وشب ها در هر حال که بود وهر ساعتکه بخانه باز میگشت بخواب نمیرفت تا گزارش روز و شب خودرا برای مادر بگوید ، روی اورا ببوسد ، از وی اجازه خفتن بگیرد ...

گاه به مادر خود میگفت : مادر جان ، راستی من‌هرچه فکرمی کنم دردنیا جز تو دلخوشی حقیقی ندارم .. و مادرش میگفت : من نیز در زندگی خود میوه ای جز تو ندارم .. راستی خسرو اگر من بمیرم‌توچه‌خواهی کرد ؟ . .

**ارسباران** = بخشی است درشمال آذربایجان که شعبه های رودارس از آن جاری شده بارس میریزند چون نام قدیمی این قسمت که ارسباران بوده بتدریج فراموش شده بود و آنرا (قراجه داغ) میگفتند فرهنگستان مقرر داشت از نو بهمان نام ارسباران نامیده شود.

**ارش** = نام فارسی (ساعد) و آن از سر انگشت تا آرنج است.

**از گرو در آوردن** = بیرون آوردن چیزی که بگرو داده شده است dégager (لغت بانکی)

**اژدر** ـ (درافسانه های قدیم فارسی مار بسیار بزرگی بوده که از دهانش آتش بیرون میریخته) = در فرهنگستان این کلمه بجای تربیل torpille اختیار شده و آن یکی از اسباب جنگ است که دارای مواد قابل انفجار بسیار و برای شکستن و غرق کردن کشتیهای دشمن بکار میرود. (نیروی دریائی)

**اژدر افکن** مرکب از اژدر وافکن مخفف افکننده). کشتی بخاری کوچك ودرازی که اژدر بطرف کشتیهای دشمن میاندازد واین کلمه بجای torpilleur اختیار شده است. (نیروی دریائی)

**اژدر انداز** (اژدر و انداز مخفف اندازنده) = اسبابی است دراز شبیه به لولهٔ توپهای بزرگ که در کشتیهای اژدر افکن برای

---

اوه! اینگونه افراد نیز بمرك میندیشند؟ آری! باوحشتی بیشتر و مرارتی بی پایانتر!...

خسرو را این پرسش خوش نمیامد، ابرو در هم میکشید و میگفت: اه! اینها چه حرفی است! مگر صحبت قحط است!... من ازین حرفها خوشم نمیاید...

نه فقط خوشش نمیامد، بلکه هر گاه چنین کلامی ازز بان مادر خود میشنید فشاری درقلب خود احساس میکرد؛ می پنداشت که گیتی درنظرش تاریك شده است، یك لحظه خویشتن را همچون کسی میدید که بدون تکیه گاه و دستاویز در فضا معلق مانده باشد، و بلا اراده میلرزید... نمیتوانست روزی را فرض کند که مادرش

شمادنیا خورده‌هادیگر تا نصف شب تـوی کوچه چه میکنید ؟ ! آخر فکر کلفت بیچاره هم باشید که تك وتنها تاصبح باید بیـدار و گوش بزنك در باشد .... ! خواهر جان هیچ مگو بتو گفتم که باید بعد از ین گاه گاهی این پیر گفتار را هم با خود ببـریم تا از نیش زبانش راحت باشیم !



---

بدرود زندگی گفته وروی ازجهان برتافته است ! ـ

ولی بالاخره چنین روزی دردنیا برای هیچکس نایاب‌نیست... همه کس ، چه بد و چه خوب ، ازینگونه روز های تیره در دوران زندگانی خود می بینند .. داغ عزیزان باید هر دل را بسوزاند ، دل خسرو نیز ازین داغ در امان نماند . . .

(۲)

پیر مرد سفید مو ، با عینکی که بر چشم و نوری که بر پیشانی داشت آنشب نیز مثل شبهای پیش هر یك از دو دختر خودرا بیك سمت خویش نشانیده بود و صحبت میداشت ؛ آهسته و آرام ، باصدائی که گوش را خوش میامد چون خوش آهنگ و متین بود و در دل هی نشست چون شیرین و با مغز بود حکایت ها میگفت و با هر حکایت بدون اینکه تصریح کند اندرزی میداد ...

این‌دودختر ،پروین واختر ، مادرنداشتند ، در آن‌هنگام که‌پروین

انداختن اژدر بطرف کشتیهای دشمن استاین کلمه بجای lance torpille اختیار شده است ( نیروی دریائی )

**اسپریس** ـ عرصهٔ اسبدوانیدن ومیدان نمایش ـ فرهنگستان این کلمه را برای عموم میدانهای اسبدوانی وچوگانبازی ونمایش ورزه اختیار نموده ـ میدانهای درونیشهر بهمان اسم میدانخوانده میشود( لغت شهرداری )

**استهلاك** ـ پاك کردن حسابی بوسیاه قسط های معین amorissement ( لغت بانکی )

**اعتبار** ـ اعتباری که ازطرف بانك یا شخصی بشخص دیگر داده میشود وتاحد معینیبان شخصاجازهمیدهند که از سرمایه بانك استفاده کند ( crédit )

مثال : اعتبار من در بانك صدهزار ریال است

مثال : اعتبار شما در تجارتخانهٔ فلان تمامشده است ( لغت بانکی )

**اعتبار نامه** درا صطلاح بانکی نوشته ای را گویند که بانك بیکی ازمشتریان خودمیدهد تااعتباراورا درپیش یکی از کارگزاران یانمایندگیهای خود معین کند · accrèditif ( لغت بانکی )

**اعتبار نامه** ـ نوشته ایست که از طرف بانکی بشخصی داده

---

مینشست ونمیتوانست برخیزد اخترچشم بنورزندگی میگشودونمیتوانست ببیند مادر شان بدرود زندگی گفته بود ... پدرشان ، آنروزهمموی سپید داشتزیرا پیش از آن چه بسیار رنجها کشیده و چه مصیبت ها دیده بود !...

مصیبتآخرین ، مرگ همسرمهربان و بجا گذاشتن دو کودك بیزبان اورا یکباره پیر کرد وبااین پیری ناگهانی یکدنیا فلسفه ، فلسفهٔ حقیقت زندگی بوی روی آور شد . . . از حاصل زحمات و جانفشانی های روز کارجوانی لـقمهٔ نانی داشت و از کرایهٔ خانـهٔ پدری اندك پولی همه ماهه بدستش میرسید . تصمیم گرفت که زندگانیفانی و پر از رنج و مصیبت جهان را آنقدر ها دشوار و



خانم این پارچه ها بقدری مد وشیك ومحکم وارزان است که من برای خانم خودم هم از همین پارچه لباس دوخته ام وچندین سال است که یکبند میپوشد و هنوز کهنه نشده واز مد نیفتاده است ! !

عجب اشتباهی من کرده بودم که میگفتم خوش بحال خانمهای پارچه فروشها که لااقل میتوانند روزی یکدست بپوشند و عوض کنند ! بهرحال من متأسفانه بعکس خانم شما نمیتوانم یك لباس را در دو مجلس بپوشم و چنین پارچهٔ با دوامی که میفرمائید بدرد من نمیخورد ! !

---

پار پیچ وخم نگیرد ، به سادگی و قناعت گراید ؛ تلاش و کوشش خود را در راه مال ومنال ، درراه نان سفیدتر و آب گواراتر ، در راه چیزها ئیکه زحمت امروز آن امروز لذتی نا معلوم دارد وفردا هیچ ، درراه اموری که برای امروز خستگی بسیار و برای فردا سود اندك دارد پایان دهد و در راهی بکوشد که فردای اورا روشن‌تر سازد ·

همانروز که زن محبوب خود را بخاك تیره می سپرد ، نگاه روحش از پشت قطرات درخشان اشك همه جای گیتی ، سراسر عالم خلقت ، اینجهان وآن عالم ، همه‌را بدید ، سیر وسیاحتی سریع در همه جا کرد و باز گشت و بالاخره برچهرهٔ دو کودك بیگناه ، دو دختر زیبا و شیر ین که هنوز نه پا داشتند و نه زبان دوخته شد ... این دو صورت کوچك در میان قطرهٔ اشك نقش بست وپدر

شده واعتبار ان شخص را معین میکنند و آن شخص بهر بانکی که طرف حساب بانك اول است برود میتواند برابر آن مبلغ دریافت دارد دو مبلغ دریافت شده در پشت آن ورقه نوشته میشود lettre de crédit

**افرارمند** = (از افراز ومند) . کسی که کارهائی را بوسیله افزار و آلات انجام میدهد بجای لفظ فرانسه artisan اختیار شده .

(لغت شهرداری)

**انجمن شهرداری** — انجمن بلدی

**اندام** — بدن وعضو آدمی است. این کلمه برای عضو بدن اختیار شده و در کتابهای طب قدیمی فارسی همیشه باین معنی بکار رفته است ولی آنرا نمیتوان درغیر عضو بدن استعمال نمود . مثلاعضو ادارهٔ آمار یا عضو وزارت طرق را نباید (اندام اداره آمار) یا (اندام وزارت طرق) گفت

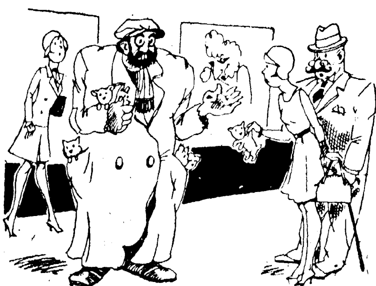
**اندوخته** = پولی است، که درشرکتها و بانکها برای احتیاط ذخیره میشود این کلمه بجای ( réserve ) اختیار شده .

سابقا réserve و épargne هر دو را ذخیره میگفتند فرهنگستان مقرر داشته است که اولی پس انداز و دومی اندوخته نامیده شود .

(لغت بانکی)

پیر وغمدیده که کلید آیندهٔ خودرا یافته بود آن اشك را بسترد و لبخندی برجای آن نهاد . میخواست حتی یك لحظه این دو کودك دلبند در میان اشك خانه کنند ..

تصمیم گرفت و بر سر خاك مادر شان سوگند یاد کرد که همه وقت خودرا ، ازامروز تا آندم که زنده است بیش ازهمه چیز و بجای همه چیز صرف تربیت این دو دختر کوچك کند : این دو گل بوستان زندگی را بصورت دو گل حقیقی ، دو گل بهشتی دو گل جاویدان بیارایند ، آنچه را که از زندگانی آموخته وآنچه را که از خوبی وبدی اندوخته است درهم ریزد از آن میان اصولی خوب و پسندیده، روشن وعملی بوجود آورد ، آنرا بصورت اکسیری



آهای بیکارهٔ الدنگ بتو گفتم که ما سگ نمی خواهیم این کثافت ها را ببر خانهٔ پدرت بریز !

آه خانم جان شما بخود تان نگاه نکنید من از بی پدری و بیکسی باین بدبختی دچار شده ام بعلاوه خانه ندارم و شب در کوچه میخوابم !

خیر خانم جان، باور نکن ، اینها همه از ولگردی و تنبلی است و الامنهم پدر ندارم ومی بینید که با چه سرعتی برای کسب علم و هنر قدم بر میدارم .

---

بسازد و در کام دختران خود بچکاند ، بصورت گلابی در آورد و آندورا در آن غسل دهد ... اگر موفق شود ، اگر آندورا بهتر و درخشان تر از آنچه که ممکن است ببار آورد حکمت زندگی را خوب بکار بسته ودر واپسین دم حق دارد باخرسندی دیده برهم نهد وچون از آنسوی گور دیده میگشاید زن مهربان خود و مادر ناکام پروین واختر را لبخند زنان در مقابل خود ببیند ... مگر این مادر بیچاره در آن هنگام که بتلخی جان میداد بوی نگفته بود :

ـ خدا حافظ ، حالا دیگر این بچه‌ها جز تو کسی ندارند؟ ..

مگر فلسفهٔ زندگانی چیزی بجز این است ؟ مگر ما نباید در راه کسانی که جز ما کسی را ندارند بکوشیم ، جان نثاری کنیم وهنگامی که آنها را دیگر نیازی بما نباشد رخت بر بندیم و مسافرت ابدی خودرا دنبال کنیم ؟..

پیر مرد هما ندم اشك از دیده بسترد و بتربیت دو دختر خود همت گماشت ؛ شب و روز خود راوقف سعادت وآسایش آنها ساخت ،

**انگشت نگاری** ( از انگشت و نگاشتن ) = بجای کلمه فرانسه ( داکتیلوسکپی dactyloscopie ) اختیار شده و آن عملی است که از روی اثر انگشتها میتوان اشخاص مختلف را شناخت زیرا که خطهای مختلف سر انگشتان هر کس با دیگری اختلاف دارد ـ در شهربانی شعبهٔ مخصوصی است که بواسطهٔ انگشت نگاری میتواند بدکاران را زود بشناسد زیرا که در هنگام دزدی و جنایت اثر خطهای انگشتان آنها برروی چیزهائی که دست زده‌اند بخوبی میماند و از روی همان خط ها شناخته میشوند .

**ایذه** = نام قدیمی مکانی است در ناحیه بختیاری که این اواخر مال امیر نامیده میشد و فرهنگستان مقرر داشته است که از نو به همان اسم نامیده شود .

**باجه** = بفارسی دریچه وروزنه را گویند
این کلمه را فرهنگستان بجای لفظ گیشه اختیار نموده است .
Guichet

**بارآور** = صفت سرمایه‌ایست که سودی میدهد (productif)
مثال ـ سرمایه من در بانك بار آور است و پنج در صد سود میدهد ( لغت بانکی )

---

هیچکس را در این کار شرکت نداد، برای انجام کارهای جزئی خدمتکار پیری که یاد کار همسرش بود کفایت میکرد ... بچه‌های کوچك، مثل آئینه ، مثل گل ، مثل شراره های کوچك و بیدوام هستند ، نفس های تاریك ، دست های ناپاك ، خاکستر های سیاه ، آنها را تیره ، پژمرده و خاموش میکند . . . این کوچولو ، این که از یك مشت پنبه سبك تر ولی از آن سفیدتر و رنك پذیرتر است در یك چشم برهم زدن ممکن است صدها رنك پذیرد ، آنهم در نگارستانی که بیش از همه چیز رنك‌های تیره دارد ! ... اوه ! خداوندا !.. این نگارستان سقفی چون آسمان دارد که چنین باصفا وخوشرنك است و چشمه‌ای چون خورشید در آن جریان میبابد که چنین روشن و




چگونه تا این ساعت هنوز در کوچه هستی مگر منزل نخواهی رفت ؟ ! یقین تو هم مثل من خانه را گم کردی !

خیر ما که بچه نیستیم خانهٔ خودمان را گم کنیم منهم مثل شما وقتی بخانه میروم یامادرم خوابست یاباوخواهم گفت درمدرسه مشغول انجام تکالیف فوق العاده بودم !

درخشان است ، پس این تیرگی‌ها از کجاست؟ . . . قلم‌موی نقاش از کجا بسیاهی آلوده شده است ! . . .

بچه‌ها رفته رفته بزرگتر وزیباتر شدند ، پروین از پروانه‌های بهاری خوشرنگتر واختراز آفتاب درخشانتروهر دو از گل پاك تر بودند . . .

وقتی که سال عمرشان از دوازده و چهارده بگذشت ، وقتی که تاریکی‌ها وبیخبری‌ها از میان رفت وبادمیدن بامداد جوانی، قاصد این بهار خرم خبر ها از زندگانی باز آورد و نسیم صبحدم شباب گوشه‌ای از پردهٔ اختفا را از چهرهٔ حقا ق زندگی بر گرفت پروین واختر دو دختر خوب ، دو دختر دانا ، دودختر فهمیده ، دودختر بیمانند بودند ، بیمانند در زیبائی و جمال ، نه فقط جمال صورت ، بلکه هر دو روحی بمراتب زیباتر از جسم خود داشتند ، تناسب وهم آهنگی وخوشگلی و لطفی که در جسم آنها وجود داشت و آنهارا بین دیگر دختران بیمانند میساخت درمقابل اعتدال ودرستی وصفای روح آنها ارزشی نداشت ، زیرا آنها بیش از آنکه جسم باشند روح بودند وبیش ازآنکه زمینی باشند بمخلوق ملکوت ، به دوشیزگان بهشت ، بـه پاکترین و درخشانترین دختران مجرد

**بارکشی** ( از بار و کشیدن ) = بردن بار از جائی بجای دیگر ـ سابقا نقلیه نامیده میشد مثال : بارکشی ارتش : بارکشی تند

**بارکشی تند** = نقلیه سریع السیر

**بارکشی کند** = نقلیه بطئی السیر

**بار نامه کشتی** = سندی است که بواسطهٔ آن بار های فرستاده شده بتوسط کشتی معلوم میشود ـ در جنوب ایران عموما آنرا ستمی میگویند ولی لفظ تحریف شده خارجی است .

( connaissement ) ( لغت بانکی )

**باز بین** = بجای ( کنترلر contrôleur ) اختیار شده و آن کسی است که کالا و جنس های تجارتی را رسیدگی کرده مطابقت آنها را با بار نامه تصدیق می نماید ـ کسی که در راه آهن ها و تماشاخانه ها بلیط های فروخته شده را رسیدگی میکند تا هر کس مطابق ارزش بلیط درجای خود قرار گیرد .

**باز جو** = کسی که از طرف رئیسی مامور میشود که از روی سند ها یا از روی دفتر ها راستی یا نا راستی کاری را معین کند ـ سابقا آنکس را محقق میگفتند . ( enquêteur )

**بازجوئی** = عمل باز جو سابقا بجای این کلمه ( تفتیش

---

و قدسی که درتخیل قدسیین راه دارد شباهت داشتند ....

پدر مهربانشان ، آن پیر مرد رنج دیده وتجربه اندوخته درراه تربیت آنها بیهوده نکوشیده وزحمت بیحاصل نکشیده بود . همه چیزرا بجای خود به آنها آموخته وهمه پرده های رنگارنگ زندگانی را بهنگام به آنها نموده بود . . همچون معلمی هنرمند و زبر دست این شاگردان عزیز را به فضائل آراسته ، آنچه را که امروز یادداده بود روز دیگر به آزمایش در آورده ودرس دیگررا وقتی شروع کرده بود که درس اول بروح آندو چسبیده و جزو آن شده بود ... برای تعلیم وتربیت آنها روح آنها را بدست گرفته وآنچه را که خواسته بود به آنها بیاموزد در روحشان راه داده بود .

در این شب تاریک و جنگل مخوف
مگر خدا بفریاد من برسد و الا عقل و
تجربه اگر برای رهبری و هدایت من
کافی بود که باین مخاطره دچار نمیشدم!
گفته اند که جنگل گردی و صحرا
نوردی خوب است ولی نه برای اطفال
آنهم تنها ودردل شب!



بنا برین پروین واختر چون پانزده ساله شدند همه چیز را میدانستند ، همه جای دنیای خودرا میشناختند ، اززیر وروی زندگانی ، ازبدو خوب وتلخ وشیرین و فراز ونشیب آن خبر داشتند ، بدون اینکه بدبین باشند میدانستند که بد زیاد است واز بدان چه زیانها به انسان مخصوصا به دختران جوان ممکن است وارد آید ؛ وبدون اینکه تسلیم خوش بینی صرف شده باشند مردم را دوست میداشتند ، مردان را برادران ، وزنان را خواهران خود میشمردند ، اعتراف میکردند که زندگی برای آنها فقط بکمك مردم میسر است و بنا برین آنها نیز باید بنوبهٔ خوددرین کمك دستی داشته باشندو آنچه را که از یك دست میگیرند ازدست دیگر بدهند . . .

ولی پدر پیرشان درین مرحله ، برای انجام این تعاون و برای این دادن و گرفتن رسم وراه بهتری به آنها آموخته بود ... پیوسته به آنها گفته وباامثال وحکم واندرزها وسرمشق های روشن وصریح به آنهافهمانیده بود که دیده بگشایند ، آنچه را که میگیرند اول بادقت وموشکافی بنگرندوسپس بگیرند و آنچه را که در مقابل تسلیم میکنند با ارزش ومقدار گیرنده متناسب سازند...

***

آنشب که چون شب های دیگر دودختر زیبا در کنار پدر نشسته برای شنیدن کلمات شیرین واندرزهای سودمنداو گوش خودرا با همه

کتبی ) و ( اقتراح و ( تحقیق ) بکارمیرفت ( euquête )
مثال : از باز جوئی نوشته های فلان معلوم شد که حق بااو نیست .

**باز دید** = دائرهٔ باز دید ـ رسیدگی به مالیاتها و عوارض دولتی ( ممیزی )

**بازدید** = ( بانك ) از نو رسیدگی کردن بحساب یا چیزی ( contrôle )

**بازرس** = کسی که از طرف وزارتخانه ها و اداره ها به کار های اعضاء و کارکنان رسیدگی کرده درستی یا نا درستی کارهای آنهارا به رئیس یا وزیر آگاهی میدهد سابقا مفتش نامیده میشد ( inspecteur ) مثال : بازرس وزارتی بازرس دبیرستان

**بازرسی** = عمل بازرس (تفتیش )

**بازکرد** = باز کردن و آغاز حساب ouverture des comptes ( لغت بانکی )

**باز گرداندن** = باز گشت دادن اضافه پرداختی از بابت سرمایه ( ristourner ) ( بانکی )

**بازگشت** = به جای ristourne اختیار شده و آن بر گرداندن اضافه پولی است که شرکاء از بابت سرمایه بشرکت پرداخته اند . ( لغت بانکی )

---

جان خود در چشمان خویشتن جای داده بودند پیرمرد پس از بیان حکایتی کوچك وشیرین میگفت : «مثلا بنظر شما یك نگاه چقدر ارزش دارد ؟ یك نگاه ، یك نگاه خیلی کوچك ، نه زحمتی ایجاد میکند نه چیزی از شما کم میشود ، فقط چشم بطرفی متوجه میشود ، پلك‌های آن حرکتی میکنند ، می بینند وبسوی دیگر بر میگردد ... پس اهمیت وارزشی ندارد ؟!.. چرا ! برعکس همین نگاه کوچك اگر بدقت در آن بنگرید یك دنیا ارزش دارد ؛ زیرا شاید در آن لحظه که بچیزی مینگرید از چشم شما دریچه‌ای بروحتان بازشود وروح شما با آن نگاه بیرون آید و برچیزی که بدان نظر افکنده اید افتد ... آیا خوب است که بااین یك نگاه روح پاك و درخشان شما در کثافتی


آه که عاقبت از جهل و نادانی بچاه افتادم! هرچه بما گفتند آقایان! خانمها! ورزش روی برف و یخ جای معینی باید داشته باشد و هر کوه و درهٔ نا همواری جای این‌هوسها نیست! بگوش ما نرفت!

غوطه ور گردد؟ پس ارزش و قدر یك نگاه را هم باید دانست ... چه بسیار تیره روزی ها که از یك نگاه بیجا ، از یك نگریستن بیمورد سرچشمه گرفته وزندگانی خوش وخرمی‌را تاریك ساخته است!..»

سخنان پدر پیر همیشه در دل دختران جای میگرفت و بزودی آنچه را که از او میشنیدند با زندگانی منطبق ساخته و موارد آنرا مییافتند و اگر باشکالی بر میخوردند بیمحابا از پدر میپرسیدند واو بیمضایقه بتوضیح میپرداخت .

آنشب وقتی که صحبت بنگاه رسید دوخواهر نگاهی بهم کرده قدری سرخ شدند ، چشم بزیر انداختند، دوباره بهم نگریستند ، این نگاه طولانی ترشد ، پنداشتی بدان وسیله مشورت میکنند و برفع تردید خود میکوشند وبالاخره پروین گفت :

- پدرجان، برفرض ما قدر نگاه خودرا هم بدانیم!ولی باهزاران تیر نگاه‌که بسوی مادوخته میشود چه کنیم ؟ ...

این حرف برای پدرپیر تازگی داشت ، تاکنون ازین مقوله باین بی‌پردگی‌سخن بمیان نیامده وپدر پیر احساس نکرده بود که گل‌باوغ رفته رفته‌در روح دخترانش میشکفد وچشم آنها با نگاه های دیگری برویزندگانی متوجه میشود. باین جهة تکانی‌خورده سر برداشت و گفت :

- شمارا نگاه میکنندزیرا زیبا هستید وهمه کس‌زیبائی‌را دوست

**بانك** ( از کلمه فرانسه بانك banque ) = مؤسسهٔ صرافی و معاملات نقدی

**بانکدار** = کسی که بانك دارد وبکارهای بانکی میپردازد ( banquier )

**بایگان** = نگاهدارنده و ضباط ـ کسی است که نامه ها و نوشته‌های اداری را درمحلی نگاه میدارد تا درهنگام احتیاج بتوان به آسانی از آنها استفاده کرد ( archiviste )

**بایگانی** = عمل بایگان ـ ضبط

**بخش** = مجموعه کشتی های جنگی که بفرماندهی یکنفر است و این کلمه را فرهنگستان بجای escadre اختیار نموده است ( نیروی دریائی )

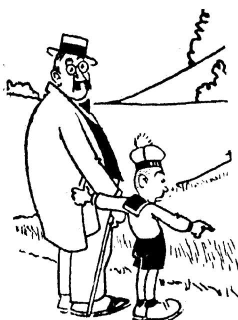
**بخش** = جزء و قسمت ـ فرهنگستان آنرا بجای ( ناحیه ) که قسمتی از شهر است اختیار کرده ( لغت شهرداری )

**بخش نامه** = نامه ایست که در یك یاچند نسخه نوشته شده برای آگهی چند نفر فرستاده میشود .

نامه ایست که از طرف رئیس های اداره ها برای آگهی عموم یا قسمتی از کارکنان اداره و انجام دستور معینی نوشته شده . و به

---

میدارد ولی بین کسانی که دوستدارزیبائیند همه گونه‌اشخاص‌وجود دارند ، همه کس گل‌را دوست میدارد‌ولی‌بین کسانی که بگلستان میروند فرق بسیار است . یکی گل را میچیند ، میبوید ، درمشت میفشارد و بدور میاءکند ، دیگری آنرا بدست میگیرد و بدون اینکه متوجه باشد پرپرش میکند و بر زمین میریزد و ناگهان متوجه میشود که جز ساقه ای عریان چیزی بدست ندارد یکنفر دیگر آنرا با ذوق و شعف بر سینهٔ خود جای میدهد و چون پژمرده شد جای آنرا به گل دیگر میبخشد ؛ ولی یکعده نیز هستند که بتماشای گل و تحسین رنگ و بوی آن قناعت میکنند بدون اینکه دست بر آن زنند و غباری برچهره اش بنشانند ؛ از اینگونه کسان هیچگاه آسیبی به گل نمیرسد . . .



پدر جان پدرجان ، به بین عکس من
و تو چقدر قشنگ در این آب افتاده
ـ خیر طفل عزیزم اشتباه نکن! این
قورباغهٔ دریائی است که بطفل خودشناوری
یاد میدهد، ما اول باید ورزش کنیم و بعد
بجای عکسمان در آب بشناوری بپردازیم

ازین روز ببعد پدر پیر روش خودرا در تربیت دخترانش تغییر داد یعنی آنرا متناسب با سن و احساسات آنها ساخت و کوشید که چشم و گوششان را بمسائلی که در دوران بلوغ آنهارا فرا می گیرد بگشاید و درین راه نیز چراغ روشنی در پیش پا یشان بگذارد . . .

ولی چون شبی چند بگذشت پدر پیر موفق با نجام مساعی خود نگردید. درد پهلو که ازچندی پیش کما بیش آزارش میداد بسختی حمله ور شده در بسترش افکند . ذوق و مسرت از خانه رخت بربست، پدر مهربان بیمار شده بود . . . سرنوشت با عجائب خود این دو دختر زیبارا محکوم کرده بود که در پانزده وشانزده سالگی دوماه روز وشب درپیرامون بستر پدرپیر و دلبند خود بیقرار باشند وبالاخره هنگام طلوع آفتاب یکی از روز ها جسد بیجان اورا از دو طرف در آغوش کشیده و از پردهٔ دل نـاله بر کشند واز جسم وجان اشك بریزند ! . . .

( ۳ )

روز های بعد خانه برای دو دختر جوان چه تاریك و چه غم انگیز بود ! . . .

چشمان اشك آلود آنها همه جا، گاه یادگار ها وآثار پدر وگاه که تسلیم تخیلات دردناك میشدند ، منظرهٔ خیالی موی سفید،

امضای هریك از کارکنان میرسد ـ سابقا متحدالمال و circulaire گفته میشد .

**بدفتر بردن** = نوشتن رقم‌های خرید و فروش در دفترهای رسمی تجارتی ( passation )

**بدهکار** = کسی که بدیگری پولی مقروض است ( débiteur ) ( لغت بانکی )

**بدهی** = آنچه کسی از کالا وخواسته ازدیگران وام گرفته و باید بانها بدهد ـ درحساب سرمایه حساب مخصوصی بنام حساب بدهی است که بزبان فرانسه پاسیف passif نامیده میشود وحساب دیگری دربرابر آن بدارائی موسوم است ( لغت بانکی )

**برابر** = دوچیز هم ارزش ( pair )

**برابری** = هم ارزی دوچیز ( parité ) ( بانکی )

**برات** = نوشته ایست که بموجب آن پرداخت پولی را بدیگری واگذار میکنند ( traite ) ( بانکی )

**برات کش** = کسی که چاك یابراتی را مینویسد . سابقا محیل میگفتند (tireur) ( بانکی )

---

چشمان عمیق و نگـاه مهربان او را اینجا و آنجا ، زیر سایهٔ تاریك درختان ، یا میان چهرهٔ روشن گلها مجسم میدید . . .

میپنداشتند که دیگر هیچگاه خنده بر لبانشان راه نخواهد یافت ، گمان میکردند که مرگ پدر شان پرده ای سیاه در پیش روی آفتاب کشیده و ازین پس چشم آنها چیزی جز سیاهی و ظلمت نخواهد دید . . .

ولی آدمی چقدر اشتباه میکند ! . . . نمیداند که دست آفرینش در مغزاوچاهی آفریده و آنرافرا موشی نام نهاده است ؛ نمیداند که دیر یا زود پرشکنجه ترین دردها ، موحش‌ترین آثاری که رنج و مصیبت درمغز آدمی بجای میگذارد دربن‌چاه سرنگون خواهد شد .



آقا اخر این چه وضعی است؟ من یکساعت است پشت این میز با بشقاب و قاشق بازی میکنم و از گرسنگی نزدیك است هلاك شوم!

آقا خیلی ها پشت میز می نشینند و پس از دوساعت فقط یك گیلاس آب خوردن میخواهند! ـ گناه از ما نیست، تا مشتری فریادش بلند نشود نمیفهمیم گرسنه است!!

دو خواهر جوان نیز پس از چند ماه احساس کردند که خواه و نا خواه نیمی بیشتر از مصیبت و ما تمزدگی مرگ پدر را از یاد برده اند، ساعت ها میگذرد که بیاد او نمیافتند، بکار زندگی مشغولند، بفکر فردای خودهستند، نقشه هائی برای آینده میکشند و در عین حال، آفتاب روشن، هوای فرح بخش، شیرینی ها و زیبائی های زندگانی، نغمات مرموز و آرزو های اسرار آمیز، آنها را بسوی خویشتن میکشد، صدائی میگوید: زندگی کنید صدای دیگر میگوید: خوش باشید، وصدائی لطیف تر، دوردست تر و فریبنده تر از همه بالحنی خوش و آهنگی دلنواز در گوششان میسراید: دوست بدارید!...

از آغاز عمر خود دوست میداشتند. تا چشم بزندگی گشوده بودند خود را محصور در محبت پدر دیده و پیوسته از دل و جان دوستش داشته بودند. پس ازمرك پدر، پس از فرو نشستن ناله ها وخشکیدن اشکهای نخستین، احتیاجی که دل آدمی به محبت دارد روی به آنها نموده و خارخار مرموزی در دلشان افکنده بود...

**برات گیر** = کسی که چك یا براتی را برای او نوشته اند و باید بپردازد سابقا محال علیه گفته میشد ( tiré ) ( بانکی )

**بر آورد** = عمل تعیین کردن قیمت چیزی که بعربی تقویم گویند ( évaluation )

**بر آورد کردن** = معین کردن قیمت چیزی - تقویم نمودن ( evaluer ) بانکی

**براه انداختن** = بکار انداختن سرمایه ای که در کار تجارت نبوده است ( mobiliser ) ( بانکی )

**برچسب** ( بروچسب ) = علامتی است که بچیزهـای ساخته شده مختلف میچسبانند تامعلوم شود که در کجا ساخته شده یا برای چکار است : برچسب بطری، برچسب سیگار ؛ در فرانسه آن را ètiquette میگویند

**برداشت** = عمل برداشتن قسمتی ازچیزی یاسرمایه‌ای پیش از آنکه هنگام تقسیم آن چیز یاسرمایه برسد ( prélèvement ) مثال : فلان شریك ازدرامد تجارتخانه تاکنون یانصدریال برداشت کرده است ( بانکی )

**بررسی** = مطالعه ، از نو دیدن ، اقتراح . ( revision ) مثال ازنظم فارسی :

---

با آنکه روز و شب در کنار هم بودند احساس میکردند که تنها هستند و با آنکه یکدیگر را از دوست داشتن گذشته هی پرستیدند در دل اعتراف میکردند که این دوستی ، این پرستش ، این عشق برای هیچیك از آن دو کافی نیست . . . بچیز دیگری احتیاج داشتند که خودنمیدانستند چیست وفقط احساس‌میکردند که بی‌داشتن آن زندگی برآنها دشوار وبلکه محال خواهد بود . . .

ولی خواهران بیچاره پیش از آنکه در صدد تامین این احتیاج خویشتن بر آیند ، پیش از آنکه با دل خود گفتگوی روشنی بمیان آورند ، خواهش آنرا بدرستی دریابند و برای بر آوردن آن به پیرامون خود بنگرند، احتیاج دیگری احساس کردند که چهره ای



ملاحظه کنید که از خوشحالی و شادی چه محشری برپا کرده اند معذلك آب از آب تکان نمیخورد ، و گوش بدهید کوچکترین صدائی سکوت مجلس را بر هم نمیزند! فقط باید چراغها را خاموش کرد که بیجهة مقدار کثیری برق مصرف نشود تا ازین راه لااقل منافع مختصری برده باشیم!!

تاریك و مخوف داشت ، لرزه بر اندام میافکند وغم و اندوه دردل راه میداد . . .

یکی از روزها ، یك روز آفتابی و با صفای پایان زمستان بود که ناگهان با بهت وحیرت بروی یکدیگر نگریستند وقطره اشکی که در آن واحد ازچشم هر دو فروریخت با بیانی صریح میگفت : چرا پیش ازین باین مطلب فکر نکرده بودیم ؟

درین روز خدمتکار پیر آنها ، زن مهربانی که موی خود را درین خانه و در خدمت این خانواده سفید کرده بود با وضعی اندوهگین پیش آمد ، یك دقیقه ساکت ومحزون ، رودر روی دختران بایستاد ، پنداشتی مرتکب ناروائی شده وازاظهار آن شرم دارد ، یا مطلبی برسر زبان اوست که جرئت گفتن ندارد . . .

دختران چیزی ازو نپرسیدند ولی بمشاهدهٔ چشمان فرو هشته

برخوان تو زقرآن و باخبار تو بر رس ( ناصر خسرو )
یك مریـد او را در آن دم بـر رسیـد ( مولوی )

**برش** = قسمتی از یك ورقه سهم تجارتی . سهم های تجارتی بچند برش ممکن است تقسیم شده وهر برش آن جداگانه خرید و فروش شود ( coupon, coupure ) ( بانکی )

**برگردان** = بجای لفظ فرانسه ( Virement ) اختیارشده وآن در بانك برداشتن پولی است ازحساب یکنفر ونهادن آن در حساب دیگری بموجب نوشته‌ای که ببانك داده‌شده است ( سابقاانتقال بانکی گفته میشد ) ( بانکی )

**برگشت پذیر** = چیزی که‌ممکن‌است بر گشت کند.révocable مثال : اعتبار بر گشت پذیر ( بانکی )

**بستان** = قصبه ایست در لرستان که سابقا بساتین گفته میشد یعنی بستان فارسی‌را مطابق عربی جمع بسته بودند .

**بستانکار** = کسی را که از دیگری پول یا متاعی طلب دارد بعربی دائن گویند Créditeur

**بستن حساب** = عملی است که بواسطهٔ آن حسابی‌را در بانك ختم میکنند ( clôture ) ( بانك )

---

وسیمای حزن آلودا و گرفتگی واندوهی دردل احساس کردند ...
پیرزن وفادار بالاخره باصدائی آهسته و لرزان گفت ؛ دیگر پول نداریم !
تاثیر این کلام در دو خواهر چنان بود که سقف برسرشان فرود آید یا زمین از زیر پایشان کشیده شود ؛ هر دو بیك صدا گفتند

ـ او ! . . چطور ! . . هیچ نداریم ؟ . . . . .
ـ نه عزیزانم ، یك ماه است که نداریم . .
ـ یك ماه ! پس تا کنون چه میکردی ؟
ـ نسیه میاوردم ، قرض میکردم . . .
ـ ولی حالا . ؟ . . .



متاسفانه اقبال یاری نمیکند که ما از خودمان طفلی داشته باشیم وشماهم که دست ازاین علاقهٔ مفرط نمیکشید، پس لااقل بقاعدهٔ بچه داری عمل کنید و طفل را در اطاق خودتان بخوابانید!

ـ صحیح است، اگر روزی خودمان واقعا بچه دارشدیم همین کاررا خواهم کرد اما امشب خواستم چند لحظه دراین حال بگذرانید شاید کمتر بخواستگاری بروید!

---

ـ ولی حالا دیگر هیچکس نسیه نمیدهد، هیچکس قرض نمیدهد..

ـ کرایه خانه چطور؟

خدمتکار پیر قطرهٔ اشکی را که از گوشهٔ چشمش سرازیر شده بود از روی گونه سترده گفت:

ـ دیگررو ندارم به آنجامراجعه کنم... چه مردم نجیبی هستند، یك ماه کرایه‌راپیش‌داده‌اند، باندازهٔ یك‌ماه‌هم کم کم گرفته‌ام!...

... چند دقیقه سکوت برقرارشد، دوخواهر وخدمتکار پیر هرسه سر بزیرافکنده بودند: گوهراشك در گوشهٔ چشم هرسه نمایان‌شده بود و آه دردناك‌ازمیان دولب هرسه بیرون میامد...

سپس هردوخواهر بایك‌حرکت ازجای برخاستند، مثل آن بود که قصد یکدیگر را در یافته اند، باهم ازین اطاق باطاق دیگر رفتند، هریك از آنها درصندوق کوچکی را بگشود، جعبهٔ‌محقری از آن بیرون کشید، آنرا باز کرد ومحتوی آنرا برداشت...

آنگاه بهم نگریستند، لبخندی حزن آلود برلب راندند، بهم نزدیك شدند، اختر آنچه را که دردست‌داشت بر آنچه که دردست

**بسته** = این کلمه بجای ( کلی colis ) فرانسه اختیارشده است

**بها** = فارسی قیمت است ( prix )

**بهداشت** = وسیله هـای نگاهداری سلامت، این کلمه بجـای حفظ‌الصحه اختیار شده است ( hygiène )

**بهداری** = اداره‌ای که برای مواظبت بهداشت مردم تاسیس شده‌است ( این کلمه بجای صحیه اختیار شده )

**بی برگشت** = اعتبار بی برگشت - اعتباری است که نمیتوان برگرداند ( اعتبار غیر قابل فسخ ) ( credit irrevocable )

**بیمارستان شهر** = سابقا ( مریضخانه بلدی ) گفته میشد

**بیمه** = ( بانك ) عملی‌است که‌اشخاصی‌با پرداخت پولی‌مسئولیت کالا یا سرمایه یا جان خودرا بعهدهٔ دیگری میگذارند و بیمه کننده در هنگام زیان باید مقدار ضرررا بپردازد ( assurance )

**بی نام** = ( بانك ) شرکتی است که بنام هیچیك از شرکاء نامیده نمیشودوتنهابنام‌تجارت آنهاخوانده میشود ( anonyme ) مثال : شرکت بی‌نام پنبه ، شرکت بی‌نام‌قند .

**بهل** = پس ازرسیدن بحساب چون دونفر طلب و وامی‌نداشته باشند بهل میشوند ( quitte )

---

پروین بود بیفزود . . . مشتی پول سفید و سیاه تشکیل یافت ، اندوختهٔ ناچیز دختران بود . . . آخرین پولی بود که در خـانه یافت میشد . . .

پروین نظری به پولها افکند ، سر برداشت وباختر نگریست ، قطرات درشت اشك ازچشمانش‌بریخت ، دربن‌حال با صدائی گرفته و لرزان گفت :

- ببین اختر ، یادت‌هست ؟ بیشتراین پولهای سفید را پدرمان بدست خود بما داده بود . . .

. . . هنگامی که خدمتکار پیر این مشت پول را گرفته از خانه بیرون رفته بود تااندکی از قروض را بپردازد ونان‌وآبی برای‌شام



دوست عزیز ببخشید ، میخواستم از شما خواهش کنم اجازه دهید با هم بارایشگاه جدیدی که در همسایگی مفتوح شده است برویم که مانند پروانه دور مشتری می چرخد و بعد روزانسان‌را ارایش میدهد !

ـ بسیارخوب آقای من ، با تشکر بسیار حاضرم وخیلی هم مسرور خواهم شد که در آرایش اندام شما حضور داشته باشم ضمنا این پروانهٔ قشنك را هم ببینم !

وناهار فراهم آورد ، دوخواهر مهربان ، دو دخترزیبا ، این گلهای خوشرنگ نوشکفته که دربهار زندگی بودند وباید سرمست باشند و بخندند ، دست در گردن یکدیگر افکنده بودند واشك میریختند ، نه بدان جهة که تهیدست و بد بخت شده بودند ، نه بدان جهت که اندوختهٔ پدرشان بپایان رسیده بود ، بلکه بدان جهت که بیشتر از روزهای پیش بیاد پدر مهربان‌خود افتاده بودند . . . آری ، هیچ چیزمثل پیدایش یك بدبختی و رنج ، مصائب و دردهای گذشته را زنده وبیدار نمیسازد ! . . .

***

ـ خواهر جان ، اینطور که نمیشود . . باید فکری کنیم . .

ـ چه فکر میتوانیم بکنیم اختر ؟ مگر چیزی بنظرتو رسیده ؟

ـ نه نمیدانم . . .

ـ بالاخره بهرسو که رفتیم نتیجه ای نگرفتیم . . . کاری که باما مناسب باشد پیدا نشد . . .

ـ خوب ، پس عقیده تواینست که همینطورزندگی کنیم واگر گرسنه ماندیم وبیچاره شدیم اهمیت ندهیم ؟ علاوه بربدبختی‌هائی که تا کنون دیده ایم منتظر هزاران بدبختی دیگر هم‌باشیم ؟

مثال : فلانی از بابت حساب خود پانزده ریال بشرکت پرداخته بهل شد . ( بانکی )

**پاس** = نگاهداشتن و نگاهبانی و حراست کردن و استوار داشتن . درفرهنگستان مقرر شد این کلمه مخصوص (موعد قراولی) و (عمل قراول ) بکار رود

مثال : پاس منوچهر از ساعت هفت تا ده است .

فریدون امروز پاس دارد

**پاسبان** = کسی که از طرف شهربانی مامور حفظ نظم و آسایش شهر است فرهنگستان این کلمه را به جای آژان پلیس ( agent de police ) اختیار نموده

**پاس بخش** ـ ( از پاس و بخش ) = کسی که پاس را عوض کرده و دیگری را بجای او میگمارد .

**پاسداران** = کسانیکه به پاس میپردازند

پیش از این ( هیئت قراولی ) گفته میشد

**پاسگاه** = محل پاس ـ جای قراولی ـ سابقا بجای این کلمه ( پست ) بکار میرفت .

**پاسیار** = پایه ورشهربانی ـ نظیر سرهنگ ارتش

---

پروین درجواب این کلمات ساکت ماند ، یك لحظه با نگاهی ملامت بار بروی او نگریست وسپس گفت :

ـ اختر ، مگریادت رفته است که پدرمان مکرر میگفت در گرسنگی وبدبختی مردن بهتر ازتحمل بعضی چیزها . . . .

اختر کلام اورا قطع کردو گفت : نه ، یادم نرفته است . . ولی مقصودمن این نیست که برای رفع بدبختی و تهی دستی خود دامن آبرو ودرستی و تقوی را از دست بدهیم . . . من یکبار دیگر اگر فراموش نکرده باشی میخواستم چیزی ازین بابت بگویم، نمیدانم چه شد که حرفمان ناتمام ماند . . .

پروین حرکتی ازعدم رضایت بخود دادو گفت : حقیقت آنست



غصه نخور ! من امروز وسایل ازادی تو را فراهم خواهم کرد فقط کاری که تو باید بکنی اینست که درین تنهائی وازادی خیال ! دست نیاز بسوی خدا دراز و دعا کنی که من محکوم نشوم و الا با کمال تاسف درین اخرین دیدار از تو خدا حافظی میکنم !

که من نمیتوانستم ونمیتوانم باتو هم‌عقیده باشم . . .

ـ مگر چه عیب دارد . . . .

ـ نمیدانم ، قلبم گواهی نمیدهد . . .

ـ برای اینست که تو از دور درین مطلب فکروقضاوت میکنی ولی من آنچه دیده وفهمیده ام از نزدیك بوده است . .

ـ ولی‌خواهرجان بسیار چیزهادر زندگانی‌هست که ازدور بهتر میشود درآنها نگریست وبه حقیقت آن پی‌برد . . . ازآن روز که تو آن راز را بامن در میان گذاردی تا کنون هر گاه که به آن میاندیشم بی اختیار احساس گرفتگی در قلب خود میکنم . . . حالتی بمن دست میدهد کاملا شبیه بحالتی که من وتو یك هفته‌پیش ازمردن پدرمان احساس میکردیم . . . اختر، بروح پدرمان سوگند، ازین قضیه بوی خوشی بمشام من نمیرسد . رنج و بدبختی در آن احساس میکنم . . .

اختر دودست خواهرش‌رابگرفت و گفت . نه پروین ،اولا تو اورا ندیده‌ای ومن شاید درشرحی که از او باتو گفتم خوب نتوانستم از عهده برآیم . . . ثانیاً مگر حرفها و اندرز های پدرمان را فقط تو

**پاکت** ( از کلمه فرانسه papuet که بمعنی بسته است ) در فارسی بمعنی لفافه ایست که نامه را در آن نهاده و سر آنرا میچسبانند .

**پایمزد** = مزدی که به پزشك برای عیادت و معالجه بیمار میدهند ( حق القدم )

**پایه ور** = صاحبمنصب شهربانی و کشوری . صاحبمنصبان ارتش را افسر مینامند

**پزشك** = نام فارسی طبیب است اسدی گوید :

پزشکی نه خوب آید از میزبان وحکیم ناصر خسرو گوید :

عرب برره شعر دارد سواری پزشکی گزیدند مردان یونان

**پذیرا** = کسیکه قبول میکند . در اصطلاح بانکی کسیکه پرداخت سندی را قبول میکند ( accepteur )

**پذیرش** = عمل پذیرفتن ـ قبولی . دراصطلاح بانکی عملی است که شخصی پرداخت سندی را میپذیرد ( aceeptation )

**پذیرفتن** = قبول کردن .

در اصطلاح بانکی قبول پرداخت سندی درموقع معین accepter مثال : این پذیرفتن برات شما مشکل است .

---

شنیده ای ؟ . . . او در روزهای آخر که یکی دودفعه دربن خصوص ، در خصوص محبت ، در خصوص شوهر داری‌ما حرف زد چیزهائی گفت که من کلمه بکلمهٔ آنهارا هنوز در گوش دارم ، هر چه فکر میکنم،هرچه‌دقت کرده‌ام،سر سوزنی‌جای‌نگرانی برای‌خودنمیبینم . . .

پروین سرپزیر افکنده بود ، هیچ نمیگفت ، میکوشید که گفته‌های خواهرش را بهتر بشنود واختر میگفت :

ـ او که مرا دنبال‌نمیکند ، او که توقعات بیهوده از من‌ندارد ، او که تا کنون حتی یکدفعه نه نوك انگشت مرالمس کرده ونه چنین توقعی داشته است ؛ چند دفعـه که با او مصادف شده‌ام با کمال احترام ووقار بامن حرف زده : کلمات اوازکلمات فریبنده‌ای که پدرم اشاره میکرد نموده ، فقط ازمن اجـازه خواسته است که به



ای ابله باز بیموقع وبدون اجازه وارد شدی مگر یك حرف را چند هزار بار باید گفت ؟ !

ـ آخر آقا یکبار هم کسی بمن تعلیم نداده است شما حالا هرچه میفرمائید بنده فراموش میکنم ، بعلاوه من نیم بار هم نمیخواهم شما را به بینم ! این تقصیر خانم است که بمن سفارش کرده اند شمارا مخصوصا شبهاتنها نگذارم ! !

خواستگاری من آید . . . میداند که من خواهری هم دارم ، حتی میداند که تو از من بزرگتر ، عاقلتر وزیباتر هستی . . .

ـ ازکجا ؟ مگر مرا دیده است !

ـ نه ، هرگز . منخودم باو گفته ام . . . بانهایت اشتیاق حاضر شده است که پس ازعروسی بامن ، با ما ، دریکجا زندگی کند ترا مثل خواهر خود محترم شماردوتا روزیکه شوهری مناسب برای تو فراهم شود از تو با دل وجان نگاهداری کند . . . .

پروین که رفته رفته عصبانی شده بود کلام او را قطع کرد وگفت : ـ بس است اختر . . بس است ، دل من گواهی نمیدهد . . حالا نمیتوانم درین مطلب تصمیمی بگیرم . . . بگو ببینم تو او را خیلی دوست میداری . . . ؟

اختر جوابی نگفت و سر بزیر انداخت .

ـ چرا ساکت ماندی ؟ دانستن این نکته برای من کمال اهمیت را دارد . . .

اختر سر برداشت ، در چشمانش قطره اشکی میدرخشید . . .

**پذیرفتنی** = چیزی که میتوان آنرا پذیرفت (لغت بانکی) ( acceptable ) مثال : این سند پذیرفتنی است .

**پذیره نویسی** = نوشتن و امضا کردن در پای نوشته ای برای انجام کاریکه در آن نوشته شرح داده شده souscription هنگام تشکیل شرکتها از کسانیکه میخواهند شریك باشند دعوت میشود و هریك از آنها قسمتی از سهام شرکت را می پذیرند کار هریك از شریکهارا پذیره نویسی مینامند .

**پرداخت** = عمل دادن پول ( paiement )

**پرداخت** = عمل پرداختن = دادن پول بکسی که طلبکار است ( versement )

**پرداختن** = ( اصطلاح بانکی ) دادن پولی که دریافت شده ( acquitter )

**پرداختنی** = چیزی که باید پرداخته شود . چیزی که قابل پرداختن است ( payable )

**پرستار خانه** = جائیست که در مدرسه ها و سربازخانها بیماران را پرستاری میکنند و برای بیماران همان مؤسسه است . این کلمه بجای ( infirmerie ) فرانسه اختیار شده

---

یك لحظه با نگاهی ساده تر از نگاه کودکان بروی اونگریست و سپس با صدائی سوزان گفت :

- آری پروین‌چرا دروغ بگویم . - آری ...

پروین سر اختررا بسینهٔ خود چسبانید ، روی و موی او را ببوسید و آهسته و آرام مانند مادری مهربان که میخواهد فرزند خودرا بخواباند با وی به سخن گفتن پرداخت و این صحبت مدتی بطول انجامید ...

***

روز بعد اختر بدون اینکه اعتراضی کند تسلیم اراده و فرمان خواهر خود بود ...

**پرسش نما** = ورقه ایست که بر روی آن چندسؤال نوشته‌شده و بداوطلبان کاری میدهند تاپاسخ‌های آنها را بنویسند ( سئوالنامه puestionnaire )

**پروانه** = علاوه بر معنی حشره معروف در زبان فارسی بمعنی اذن واجازه بطور عموم است . در زبان فرانسه لیسانس licence بمعنی اجازه نامه است خواه اجازه‌نامه‌ای که بدانشجویان دانشگاه میدهند خواه اجازه‌نامهٔ ورود یاخروج کالا که‌از طرف‌اداره تجارت یا گمرك بتاجران داده میشود .
درفرهنگستان لغت‌پروانه بجای لیسانس اختیارشده ولی‌میتوان آنرا درتمام موردهائی که مقصود اجازه‌نامه باشد بکار برد ـ مثال در این قسمت ازشعر سعدی که میفرماید :
پروانه راچه حاجت‌پروانهٔ دخول ، پروانهٔ اولی‌بمعنی حشره‌و پروانهٔ دوم بمعنی اجازه نامه است .

**پرورشگاه یتیمان** = جائی‌است که کودکان یتیم‌را در آن نگاهداری و پرستاری میکنند ( دارالایتام )

**پرونده** = بسته قماش واسباب ولفافهٔ قماش و اسباب را نیز گفته‌اند ـ پارچه‌ای که قماش را بر آن بپیچند ـ کیسه مانندی که

---

خدمتکار پیرشان آنروز فعالیت بیمانندی داشت ، بسرعت میرفت ومیامد ، اشیاء مختلف رادریکجا جمع میاورد ، چمدانها وخورجین هارا میبست، زیرا آن روزپروین واخترقصد تغییرمنزل داشتند . . .
درمحلی دوردست دو اطاق کوچك اجاره کرده و خانهٔ خودرا نیزاجاره داده بودند تا باین وسیله عایدات کافی برای زیستن ، زیستن با قناعت ، زیستن‌فقیرانه ولی‌آبرو مندانه داشته باشند . . .
نزدیك غروب آفتاب بود که دست یکدیگر را گرفته برای ترك خانهٔ پدری بسوی در رفتند ؛ هنگامی که آخرین قدم را از حیاط به دالانی که بدرمنتهی میشد میگذاشتند هردوسربگردانیدند ، نگاهی پر از حسرت و نومیدی به در و دیوار ، اطاقهای خالی ،

استادان ابزار واسباب دکان خودرا در آن نهاده باریسمانها بندند .
مثال : کیسه‌ام زو پرست ازبدره خانه ام زوست پر ز پرونده
سندها ونوشته‌های راجع بیك موضوع یا یك کار ویك نفررا که یك جا جمع آوری شده وغالباخلاصه مطالب آن نوشته‌ها را برای آسانی درپشت پوشه‌های آن مینویسند بفرانسه دوسیه dossier میگویند بجای دوسیه کلمهٔ پرونده که بمعانی فوق‌است اختیار گردید

**پسا دست** = معامله‌ای که پول آن چندی پس ازدر یافت متاع پرداخته میشود و بعربی ( نسیه )میگویند ( a crédit )

**پس انداز** = پولی است که ازصرفه‌جوئی‌درهزینه پیدامیشود واین‌کلمه بجای ( épargne ) اختیار شده است .
مثال : صندوق پس انداز .

**پشت** = بجای ( ظهر ) عربی اختیار شده ( verso )
مثال : صد ریال که پرداخته‌ای درپشت سند بنویس . ( بانکی )

**پشت** = فارسی ( ظهر ) است ( اصطلاح‌علمی )

**پشت نویسی** = نوشتن درپشت سند ( ظهر نویسی )

**پشت نویس** = سندی که‌در پشت آن‌نوشته‌شده (endossé)

**پشتوانه** = سپرده ایست که کسی برای‌اعتبارخود در بانك‌معین میکند . ( couverture )

---

به شاخهای خشك درختان افکندند ودر حالی که بغض گلویشان را میفشرد هر دو بیك صدا گفتند : خدا حافظ ! . . .
با چه چیز وداع میکردند ؟ شاید خودشان هم نمیدانستند !

(٤)

درزیر سقف کوتاه‌اطاق کوچك خود زندگانی را به آرامش می گذرانیدند ، ازحال نگرانی وغمی نداشتند ، وآینده را بچشم حکیما نه می نگریستند ، ولی از آنجا که شباهت کامل بین دو موجود در عالم هستی امکان پذیر نیست با آنکه زندگانی روزانه را با هم‌آهنگی و توافق بسر میبردند ، با آنکه در هر مورد از مواردحال ، حرف یکی حرف دیگری و رأی هریك ازآن دورأی

**پوشاندن** = معین کردن پشتوانه در بانك ( couvrir )
**پشیز** = پول سیاه مس و نیکل و غیر آن ( billon ) مثال :
سخن تا نگوئی بدینار مانی ولیکن چه گفتی پشیز مسینی
( ناصر خسرو )
**پوسته** = نام فارسی قشر است . مثلا بجای **قشر زمین** باید گفت : پوستهٔ زمین
**پوست کن** = کسی که در کشتار گاه حیوانات را پوست میکند ( بعربی سلاخ گویند )
**پوشه** = درفارسی هرچیزی را گویند که آنرا بپوشند و در بر کنند در فرهنگستان اختیار شده است برای لفافه کاغذی که نوشته‌های اداری را در آن گذاشته و چند ورق آنهارا دریك جزوه **دان** قرار میدهند که ازمقوا است وسابقا شمیز گفته میشد که کامهٔ فرانسه و بمعنی پیراهن است .
**پول** = قطعه فلزی که از طرف دولتها برای آن ارزش معینی معلوم شده وشکل مخصوصی دارد این کامه بجای ( numéraire,monnaie ) بکار میرود

---

هر دو بشمار میرفت ، درخصوص آینده نظر موافق نداشتند .
شب ها ، هنگامی که دیگر کاری باقی نمانده بود ، هنگامی که گل دوزی و نقاشی چشم پروین را خسته کرده وقلابدوزی و کش بافی حوصلهٔ اختر را بسرمیاورد ، برای رفع خستگی ، برای تفریح در کنارهم می‌نشستند ، وساعتی چند بصحبت میپرداختند ؛ بهترین ساعات زندگانی آنها همین ساعتهای شبانه بود .
درین ساعات از کارهای زندگی روزانه ، ازبیش و کم زندگانی ، از غذای امروز و لباس فردا ، از پولی که باید بگیرند و خرجی که باید بکنند صحبتی بمیان نمی‌آمد ، این مطالب موضوع صحبت های روزانهٔ آنها بود و ساعات بیصدا و آرام شب به آیندهٔ آنها اختصاص داشت .

**پی** = نام فارسی عصب و آن رشته‌های سفیدی‌است که در تمام اندام آدمی پرا کنده و بمغز مربوط میشود .

**پیش آگهی** = ( بانك ) آگهی مختصری که پیش از سر رسیدن هنگام پرداخت سندی‌از طلبکار یابانکی برای بدهکارفرستاده میشود ( préavis )

**پیش بها** = ( بانك) چیزی که پیش از دریافت کالا بفروشنده دهند . ( بیعانه ) ( arrhes )

**پیشه** = کسب وحرفه .

**پیشه وران** ( ازپیشه و ور ) = پیشه بمعنی شغل و کار وعمل و کسب وحرفه است . فرهنگستان مقرر داشته که بجای ( کسبه و اصناف ) بکار رود

مثال : که هرپیشه وری‌پیشهٔ خود کند ( نظامی )

**پیك** = کسی‌است که مامور رساندن بارها ونامه‌های پستی‌از جائی بجای دیگر است ( چاپار )

مثال : این‌چو پیکان بشارت بر شتابان در هوا

وین چوپیلان جواهر کش‌خرامان‌درقطار

**پی گرد** (از پی دنبال‌وگردیدن) = کسی که درپی چیزی

---

ولی مگردختران‌جوان وقتی که به آیندهٔ خود می اندیشند چه می‌بینند وچه میگویند ؟ آینده درنظر آنهاوبرای آنها ، چه زیبا، چه دلپذیر، چه خوش رنگ وبو، چه اسرار آمیز،ودرعین حال‌چه بزرك وچه کوچك است !... زیرا دنیای بیکرانی است کـه در یك نقطه جمع می‌آید ، زیبائیها و لطائفی است که در یك لبخند خلاصه میشود ، کتاب بزرگی است که از آغاز تا انجام چیزی جز یك کلمه ندارد و آن « عشق » است . .

آری ، دو دختر زیبا ، دو گـل بهاری، هرگاه که به‌آینده می نگریستند جز عشق چیزی نمی دیدند ، ولی این موجود عجیب ، این دنیای مرموز در نظر هر یك از آنها طـور دیگر

میگردد بجای ( explorateur ) اختیار شده

**پی گردی** = عمل گشتن در پی چیزی ـ بجای exploration

**پی نوشت** = نوشتن در پی چیزی است ـ بجای لفظ آپوستیل apostille اختیار شده و آن دستوری است که رئیس های اداره ها در پائین نامه‌ها نویسند

**پیشنهاد** = عمل یکنفر تاجر یا هنر پیشه یافروشنده یاخریدار که انجام کاری را با شرایط معین آگاهی میدهد (عرضه) offre

**پیوند** = علاوه بر معانی دیگر نام رشته هائیستکه ماهیچه هارا بیکدیگر وصل میکند ـ در فرانسه آنرا ligament میگویند

**تراز** = ( بانك ) مبلغی مساوی اختلاف دارائی و بدهی حساب که در آخر ستون کمتر مینویسند تا مجموع دوستون مساوی شود اختلاف دارائی و بدهی در حساب ( balance )

**تراز کردن** ـ قرار دادن تراز در آخر حساب برای مساوی کردن دوحاصل جمع ( balancer )

**ترازنامه** ـ ( بانك ) صورتی است که خلاصه دارائی و بدهی در آن نوشته شده است ( bilan )

**ترانزیت** = (ازکلمهٔ فرانسه transit) هرگاه کالای کشوری

---

جلوه میکرد ... فرشتهٔ عشق بروی هر دو می نگریست ولی بـه هریك با وضعی مخصوص لبخند میزد .... پروین از عشق چیزی میفهمید که بتصور اختر راه نمی یافت و اختر چیز هائی احساس میکرد که پروین نه میخواست ونه‌میتوانست احساس کند ...

هر دو میدانستند که باید دوست بدارند ولی هردو میارزیدند زیرا پروین نمیدانست که چگونه دوست باید داشت و میترسید که دوست بدارد ، و اختر یکبار این زهرلذیذ را چشیده ، و چندین روز نغمات دلپذیر عشق بگوشش رسیده ، چندین شب بادل خود بجنگ و ستیز پرداخته و بالاخره هنوز عطری از آن گل‌آسمانی به مشامش نرسیده ، کوشیده بود کـه عشق خود را به دست فراموشی بسپارد .

از کشور دوم گذشته و باید در کشور سوم بفروش رسد در کشور دوم از پرداخت گمرك و مالیات معمولی ورود و خروج معاف است و فقط حقی میپردازد که آنرا حق ترانزیت گویند ( حق عبور ) مثال : متاع ترانزیتی : کالای ترانزیتی

**تعرفه** = صورت قیمت و ارزش متاع یا صورت مالیاتی که به متاع تعلق میگیرد . مثال تعرفه گمرکی . ( tarif )

**تلخه رود** = نام رودی است که ازمشرق آذربایجان شرقی از کوه ها فرود آمده پس از گذشتن ارشمال شهرتبریز بدریاچهٔ رضائیه میریزد سابقا ( آجی چای ) نامیده میشد

**تن پیمائی** = عمل اندازه گرفتن قسمت های بدن انسانی . این کلمه بجای anthropomètrie اختیار شده است

**تنخواه گردان** = پولیسست که درصندوق اداره و تجارتخانه گذاشته میشود تا در هنگام لزوم به مصرف خرید چیزهای لازم و فوری برسد و آنرا سابقا ( اعتبار متحرك ) می نامیدند .

(fond de roulement.)

**توپدار** = ( مرکب از توپ و دار مخفف دارنده ) کشتی کوچکی است که چند توپ دارد و در رودهای بزرك یا نزدیکی

---

جوانی که دل از او ربوده بود زیبا وآراسته و محجوب بود، کلمات شیرین عشق را با صدائی آرام و دلپذیر در گوش او فرو خوانده بود، بنظر میرسید که فرشتهٔ صلاح و یا کدامنی است ، از آنگونه جوانان مینمود که دختران دلپاك میتوانند عشق و آیندهٔ خودرا با چشم بسته بدستشان بسپارند . . . اختر ماه ها مقاومت کرده و بالاخره اعتراف کرده بود که دوستش میدارد ، ولی کسی که نخستین دفعه این اعتراف را شنیده بود آن جوان زیبا و محبوب نبود ، بلکه خواهرش پروین بود . . .

از آن روز دو خواهر مه ربان دانستند که در یك امر بزرك اختلاف دارند زیرا پروین احساس کرد کهخواهرش کور کورانه

**چشم پزشك** = پزشکی که درد های چشم را علاج میکند سابقا ( کحال ) گفته میشد

**چك** = ( بانك ) سندی است که برات کش بدیگری میدهد تا پولی را از شخص سوم یا بانکی دریافت دارد . ممکن است شخص دوم آن سند را بدیگری وا گذار کند (chèque)

**چك بسته** = ( بانك ) چکی است که بر روی آن دو خط کشیده اند و فقط بانك دیگری میتواند آن چك را دریافت کند و با شخاص متفرق پرداخته نمیشود . ( chèque barré )

**حسابدار** = کسیکه حسابها را منظم نگاه میدارد . رئیس حسابداری . ( comptable )

**حسابداری** = ۱ - عمل منظم نگاهداشتن حسابها ۲ _ اداره ایست که در وزارتخانه ها بحسابها رسیدگی میکند وسابقا محاسبات نامیده میشد _ این کلمه را فرهنگستان بجای ( comptabilité ) فرانسه اختیار نموده است مثال :

درس حسابداری در دبیرستان تجارت : حسابداری ادارهٔ گمرك

**حواله کرد** = پول یا چیزی که پرداخت آن به دیگری واگذار میشود . بجای ( ordre ) فرانسه اختیار شده است .

---

میگردد واین رنك غباری است که باچندقطره اشك زایل میشود ....

اختر نیز چند شب پنهانی گریسته وسپس آرام شده بود ...

ازخانه بیرون نمیرفت ، محبوب خودرا نمیدید، چیزی ازاو نمی شنید ، کاغذ یاپیامی از او در یافت نمیکرد ، زیرا محبوب اویا نمیدانست که دخترك زیبا بکجا رفته ویاخیلی زود توانسته بود زنجیر عشق اورا از گردن بر دارد و حلقهٔ دیگری را در گوش کشد ...

ولی باز در گوشه‌ای از دل اختر جراحت کوچك ، خراش نا پیدائی وجود داشت ... همیشه سوزشی از آن احساس نمیشد ، ولی هر گاه که نسیمی ازدیارعشق میوزید، دل او بایك آه کوچك حکایت میکرد که هنوز جراحتی باقی است ..

**خبرگزاری** = اداره ایست که خبر هارا بدست آورده و منتشر مینماید .

**خرده باج** ( از خرده و باج ) = خرده کوچك و ریز و باج مال و اسبابی باشد که پادشاهان از زیر دستان و رعایا ستانند خردهٔ باج بجای عوارض متفرقه اختیار شده است .

**خرم شهر** = نام تازه ایست که به محمره داده شده

**خزانه** = اداره یا جائیکه درآمد های کشور در آن جمع و هزینه ها از آنجا پرداخته میشود ( trésorerie )

**خزانه دار** = رئیس خزانه ( trésorier ) مثال : خزانه دار کشور .

**خسته خانه** = جائی است که پیران ناتوان وبیماران علاج ناپذیر و کودکان بی کس را در آن نگاهداری میکنند این لفظ بجای ( hospice ) فرانسه اختیار شده

**خوار بار** = خوراك ـ آنچه میخورند : دایرهٔ خوارباریکی ازدایره های شهرداری است که بکار خوراك مردمان شهرمیپردازد سابقا دائرهٔ ( ارزاق ) نامیده میشد مثال :

اگر مصریان را کنم کار راست  شود خوار بار همه زود کاست
(فردوسی)

---

یك‌شب ، یکی‌از آن شبها که دوخواهر صحبت میداشتندوبرای آیندهٔ خودنقشه‌میکشیدند پروین‌پرسشی‌را که چندین‌ماه‌بود برزبان داشت وجرائت نمیکرد برلب راند بیاد آورد و گفت :

ـ اخترچقدرخوشم‌میاید که می‌بینم کاملاعاقل‌هستی ! . . ازروزی که تغییر منزل داده ایم تـا کنون هیچگاه سخنی از آن موضوع بمیان نیاورده ای . . .

اختر ساکت ماند وسر بزیر افکند وپروین گفت :

ـ امیدوارم که کاملا فراموش کرده باشی ـ

ـ شاید . . .

ـ البته انسان‌ممکن‌است‌شخص‌رافراموش کند ، ولی اصل‌موضوع فراموش شدنی نیست . .

**خورد** = ( اسم مصدر از خوردن ) در فارسی عمل تغذی را گویند و این کلمه بجای ( nutrition ) فرانسه اختیار شده است

**داده** = پول یاسندی که ببانکی داده میشود تا بحساب پرداختی برند ، این کلمه بجای ( remise ) اختیار شده است .

**دارائی** = آنچه از خواسته و کالا متعلق بکسی باشد ـ در حسابداری سرمایه دارای دو قسمت است قسمتی از آن حساب دارائی است که بزبان فرانسه اکتیف ( actif ) نامیده میشود ـ حساب مقابل آن بدهی و اختلاف این دو حساب سرمایهٔ اصلی تجارتخانه یا مؤسسه است .

**دام پزشك** = کسی است که چار پایان بیمار اهلی را معالجه میکند چه دام درفارسی بمعنی حیوانات اهلی میباشد ودامیار صیاد را گویند :

جهان دامیاری است نیرنك ساز هوای دلش چینه و دام آز
( اسدی )

دام پزشك را فرهنگستان بجای ( بیطار ) که اصل آن از یونانی بوده اختیار نموده است

**دانش جو** ( از دانش و جو مخفف جوینده ) = شاگردی

---

ـ مقصودت از اصل موضوع چیست ؟

ـ موضوع محبت را میگویم . . . انسان نمیتواند فراموش کند که بالاخره باید یکنفر را دوست بدارد . . . اختر جوابی نمیگفت و گوش میداد ، پروین پس از لحظه‌ای تفکر گفت :

ـ ولی پیدا کردن اشخاص دوست داشتنی کار مشکلی است . . .

ـ بنظر من اگر انسان بخواهد گردش و کاوش کند تا یکنفر را کاملا مطابق سلیقهٔ خود و دوست داشتنی پیدا کند و عاشق وی بشود یااصلا باید این پنبه‌را از گوش بدر آورد یا برفرض اگرهم چنین کسی‌را بعقیدهٔ خود پیدا کند بیشتر صدمه خواهد دید و بیشتر در چاه خواهد افتاد . . .

که در مدرسه های عالی تحصیل میکند و آن نظیر ( طلبه ) عربی و ( اتودیان etudiant ) فرانسه است

**دبیرخانه** ( مرکب از دبیر و خانه ) = دبیر بمعنی نویسنده و دبیر خانه دفتری است که دبیران و نویسندگان اداره ای در آن بکار های نوشتنی می پردازند سابقا آنرا دار الانشاء یا سکرتاریا ( secrétariat ) میگفتند مثال : دبیر خانه گمرك

**درآمد** = عایدات - آنچه بکسی عاید میشود revenus

**درخواست** = خواستن چیزی - نوشتهٔ که در آن چیزی خواسته یا پیشنهاد شود ( demande )

**درصد** = نرخ سودی که بهر صد ریال سرمایه بسته میشود ( pourcent ) مثال : سرمایه شما چند در صد سود میدهد

**درماندگی** = حال تاجری که نمیتواند وام های خود را بپردازد. سابقا توقف گفته میشد . فرهنگستان این کلمه را بجای ( faillite ) اختیار نموده است .

**درودگر** = کسیکه اسباب و آلاتی از چوب میسازد و بعربی ( نجار ) گویند .

**دریابان** = ( رجوع به نیروی دریائی شود )

---

پروین ابرو در هم کشید و گفت : پس چه باید کرد ؟ . .

اختر گفت : هیچ، یاانسان باید دربروی دل خود ببندد ، یاهر کس را که دلش پسندید دوست بدارد . . .

- شاید دل، همه دنیارا بپسندد ؟ . . .

- چه ضرر دارد که انسان همه دنیارا دوست بدارد . . .

- اینکه سفاهت است ، اینکه سعادت و آینده ای برای انسان درست نمیکند ، یکنفر دختر وقتی خوشبخت است که یکنفر را دوست بدارد وامید و آیندهٔ خود را باو بندد . . . و این یکنفر را باید باچشم باز وفکر روشن انتخاب کرد وگرنه اگر انسان اختیاررا بدست دل هوسران وبی دروبند خود بدهد روزگارش را سیاه میکند . . .

**دریادار** = ( رجوع به نیروی دریائی شود )

**دریاسالار** = ( رجوع به نیروی دریائی شود )

**دریافت** = فارسی ( وصول و réception ) است . مثال از دریافت نامهٔ شما خرسند شدم دریافت پول برات را بشما آگهی می دهم .

**دریافتی** = آنچه تاجر از دیگران میگیرد ( recette ) و بحساب خود میبرد ـ مثال دریافتی امروزما پانصد ریال است

**دریائی** = منسوب بدریا ( بحری )

**دریائیان** = کسان مربوط بدریا ( بحریه )

**دریانورد** = بحر پیما ( navigateur )

**دستگیری** = پیش از این ( تعاون بلدی ) گفته میشد و آن اداره ایست از شهرداری که به بیماران و رنجوران بینوا مساعدت و همراهی میکند

**دست مزد** = مزدی کـه برای کاری بکسی دهند به عربی ( اجرت و حق الزحمه ) گویند

**دست ورز** ـ ( از دست و ورز ) - کسی که کار های دستی میکند چه ورزیدن بمعنی حاصل و کسب است

---

اختر آهی کشید و گفت : ولی خواهر جان ما کـه زیر دست چنان پدری بزرگ شده ایم ، ما که محصول اندرزها و سرمشق های درخشان او هستیم ، ما که روحمان از عفـاف و صلاح ومناعت وقناعت ساخته شده است گمان نمیکنم دل هوسران و بی در و بندی داشته باشیم ...

پروین گفت : اصلا خواهر جان دل موجودی است که این خاصیت ها از روز اول در آن وجود داشته است .... تربیت خوب ، پدر خوب ، اخلاق و صفـات خوب فقط پرده ای بروی این موجود وحشی میکشد ، فقط ریسمان نازکی بدست وپای او می بندد، آن پردهٔ نازك با وزش نسیمی برطرف میشود و آن

**دست‌ورزی** = پیشه نمودن کار هائی که بادست انجام داده میشود .

**دسته** = ( نیروی دریائی ) دو کشتی ، این کلمه به جای ( section ) اختیارشده و آن دو کشتی جنگی‌است که بفرماندهی یکنفر هستند ـ نظیر ( هنگ ) در ارتش

**دستیار** = معاون ـ یاری کننده ـ شاگرد ـ زیر دست این کلمه بجای ( معاون فنی ) اختیار شده

**دشت میشان** = نام قدیمی محلی است در خوزستان که طایفه های بنی طرف در آن ساکن شده اند و فرهنگستان آنرا بجای ( بنی طرف ) انتخاب کرده است

**دغل** = ۱ ـ عمل تغییر دادن متاعی برای گمراه کردن خریدار ( falsification ) ۲ ـ کسیکه چیزی را برای گمراهی خریدار تغییر می دهد falsificateur

**دفتر** = ۱ ـ کتاب و مجموع ورق هائیکه دبیران نوشته دارند . ۲ ـ جائی که دبیران در آنجا بکار هـای دفتر نویسی میپردازند ـ کلمه خارجی آن کابینه و بورواست . مثال : دفتروزارتی دفتر پست

---

رشته بااشارهٔ انگشتی میگسلد وباز دل همان‌وحشی‌لجام گسیخته، همـان موجـود هوسران و بی در و بند است . . . باین جهة باید بیشتر مواظب او بود ، نباید اختیار را بدست او داد ، نباید بدنبال اورفت ... یادت هست پدرمان سرگذشت آن شکارچی و آن آهو را چگونه حکایت میکرد .

«شکارچی ماهر ، درمیان گاها وسبزه ها یك آهوی خوشگل دید که دو شاخ کوچك طلائی بسر داشت و از سم های او برق فرح انگیز بیرون میجست، نخواست کهاورا به تیر بزنند یا به کمند در کشد ، فریفته اش شد ، آزادش گذاشت و بدنبالش افتاد ، تا پایان روز آهو از چمنی به چمن دیگر و از گلزاری

**دفترچه** = دفتر کوچك ( carnet )

**دفتردار** = کسیکه دفتر های حساب را بد ستور حسابداری مینویسد ( teneur de livres ) رجوع شود به ( حسابدار )

**دفتر داری** = عمل نگاهداشتن و نوشتن حساب بموجب قواعد حسابداری ( tenue de livres )

**دفتر رسید** = نامه هائی که از اداره ها باید برای اشخاص متفرقه فرستاده شود در دفتری ثبت شده و هنگام تحویل آن نامه ها امضائی از گیرنده یا کت گرفته میشود، این دفتر که سابقا دفتر ارسال مراسلات مینامیدند اکنون دفتر رسید نامیده میشود .

**دفتر نماینده** = دفتریست که در اداره ها خلاصهٔ نامه های رسیده و فرستاده را در آن می نویسند ، پیشتر اند یکاتور indicateur گفته میشد

**دکتر** - ( از کلمهٔ فرانسه Docteur ) = کسیکه بالاترین رتبهٔ علمی را از دانشگاه میگیرد .

**دلال** = ( بانك ) کسیکه با دریافت حق معینی واسطه مابین خریدار و فروشنده میشود ( courtier )

**دلالی** = عمل دلال ( courtage )

---

بگلزار زیباتری رفت ، صیاد غافل رابدنبال خود کشید ولی ناگهان صیاد بخود آمد ودید شب دررسیده آهونمایان نیست واو دوراز هر چمن و گلستان در لجن زاری فرو رفته از هیچ سو راهی بجادهٔ نجات ندارد . . .» یادت هست خواهر جان پدرم میگفت این سر گذشت کسی است که بدنبال دل خود برود ، در پی هواهای دلفریب خود راه بسپارد ، فریفتهٔ گلها و گلستانها وزیبائی ها وخوشی های نخستین آن گردد ، تا روزروشن وآفتاب درخشان برجاست دیوانه وار و کور کورانه، شادی کنان وخنده زنان برودودر آغازشب ناگهان خودرا در گرداب بلا ، درلجن زار بدبختی مشاهده کند . . .

اختر حرف اورا قطع کرد و گفت : خواهر جان من که تصمیم

**دم** = علاوه بر معنیهای دیگر درفارسی بمعنی نفس است .

**دم زدن** = تنفس کردن

**دم فرو بردن** = فرو بردن هوا در ریه که به عربی — ( شهیق ) میگویند

**دم بر آوردن** = بر آوردن هوا از ریه که بعربی ( زفیر ) می گویند

**دنده** = هر استخوان کوچك را بفارسی دنده می نامند ـ استخوانهای پهلو را که بعربی (ضلع) نامیده میشود دنده میگویند .

**دوفلزی** = ( بانك ) قرار دادن واحد پول بر اساس دوفلز یعنی طلا ونقره ( bimétallisme )

**دیداری** = چیزی که درهنگام دیدن باید انجام گیرد ـ سند دیداری سندی است که درهنگام دیدن باید پول آن پرداخته‌شود . ( عندالرؤیه )( à vue )

**دیر کرد** = عمل عقب افتـادن ـ تاخیر . بجای ( retard ) اختیار شده است .

مثال : چك‌شما هفت روز دیر کرد داردیعنی‌هفت روز از هنگام‌در یافت آن گذشته است

---

گرفته ام نه بادل ونه باکار دل کاری نداشته باشم ، اگر روزی پس از آنکه توسر وسامانی پیدا کردی برای من نیززندگانی مناسبی فراهم آید باعاطفه‌ای که خواه وناخواه در آن زندگانی ایجاد خواهدشد خواهم ساخت ، و روز گار بسر خواهم برد ... عشق ومحبت با اسم قشنگ ودلفریب ومفهوم شیرین وخوش‌آیندی که داردموجودی‌دل‌آزار است ، من خوشی‌های‌اورا بهسختی‌هایش میبخشم وکاری به‌کارش ندارم . . .

پروین لبخندی پر حرارت‌بزد و گفت : تازه میخواهی بامن هم عقیده شوی ؟ . .

اختر گفت : نه ، بازهم‌باعقیدهٔ تومخالفم . تو ازیکطرف‌معتقدی

**راهنمائی و رانندگی** = سابقا (شعبهٔ تامین وسایل عبور وسایط نقلیه) نامیده میشد که یکی ازقسمتهای اداره شهربانی است

**رزمناو** (مرکب از رزم و ناو) = بجای (Croiseur) فرانسه اختیار شده و آن کشتی تند روی است که مواظب حرکت کشتی های دشمن است و ناگهان بر کشتی های جنگی یا تجارتی دشمن حمله میکند وممکن است ازاقامتگاه دائمی خودنیز بسیار دور رود

**رژه** = بجای کلمه فرانسه (دفیله défilé) اختیار شده

**رژه رفتن** = دفیله رفتن

**رسته** = دکانهای بازار که در یك صف واقع است چنانکه جمال‌الدین سلمان گوید :

در رستهٔ جمال تو هر دل که عاشق است
جانی سبك نظر دهد و رایگان دهد

صف انسان‌را نیز گفته‌اند چنانکه فاریابی گوید :

بضاعت سخن خویش بینم از خواری
بسان آینهٔ چین میان رستهٔ زنگ

فرهنگستان مقرر داشته است که این کلمه بجای (صنف) بکاررود مثال : رستهٔ آهنگران - رستهٔ کفشدوزان

---

که عشق و محبت لازمست و باید در جستجوی عشق بود واز طرف دیگر همه دنیارا بد وناشایسته میدانی . نمیدانم چگونه ممکن‌است که میان این دو عقیده راجمع کرد وتو چگونه موفق خواهی شد زندگانی رضایت بخشی موافق میل خویشتن برای‌خودفراهم کنی ولی من دیگر اصلا به کار دل و عشق کاری ندارم . . . اصلا میخواهم‌جوانی‌ندیده، پیر باشم . . . میخواهم مانندزنی‌سی‌چهل‌ساله باشم که پیوند خودرا باعشق گسسته وبازندگانی آرام و بیسر و صدائی پیوسته است . . . پس‌از آنکه توبسعادت خود رسیدی‌اولین کسی را که بخواستگاری من آید و ظاهرا مناسب باشد خواهم پذیرفت ، با او زندگی خواهم کرد و به نیروی قناعت و سلامت

**رسدبان** = پایه‌ور شهربانی - نظیر ستوان ارتش

**رسید** - نوشته ای که رسیدن ودر یافت کردن چیزی‌را معلوم میکند ( récépissé ) بجای قبض رسید اختیار شده است

**رسیدگی** = بجای ( vérification ) اختیارشده رسیدن و رسیدگی کردن فعل آنست ( vérifier ) مثال : حساب فلان را رسیدگی کنید - چون حساب فلان‌را رسیدند هزارریال کم بودداشت

**رسیده** = وارد نامه‌هائی که میرسد مثال : نامه‌های رسیده بجای مراسلات وارده

**رفت‌گر** = کسی که بکار روفتن کوچه میپردازد (مامور تنظیف)

**رفت‌وروب** = عمل پاك کردن - درشهرداری‌نام دایره‌ایست که بکار روفتن وصاف کردن کوچه‌ها و خیابانها میپردازد .
( دایرهٔ تنظیف وتسطیح )

**رو** = کاغذ سند دو طرف دارد طرفی که نوشتهٔ سند بر آن است رو ( recto ) و مقابل آن ( پشت ) است که بعربی ظهر و بفرانسه ( verso ) میگویند

**روزنامه** - ( بانك ) دفتری‌است که‌خرید‌وفروش‌های‌روزانه رابطریق معینی در آن مینویسند . ( journal )

---

نفس خود خواهم کوشید که موافقتی بین او وخود فراهم کنم . .

پروین با تعجب نظری به خواهر خود افکند ؛ اورا دید بالا تر از سن خود سخن میگوید . . .

آری ، این چنین بود ، ولی پروین درخواهر خود فقط یك چیزرا نمیدید و آن‌جراحتی‌بود که دختر زیبا دردل داشت و گاه وبیگاه سوزشی ازهمان احساس میشد . . .

***

. . . ماهها بگذشت ، و بارها اینگونه گفت و شنود بین دو خواهر تجدید شد بدون آنکه در روحیه و منطق و عقیدهٔ آنها تغییری روی دهد . . . اختر خا کستر سازش وقناعت‌را بیشتر بر

**رونوشت** = نوشته‌ای که ازروی نوشته‌دیگر نویسند(copie)
**رونویس** = کسی که از روی نوشته‌ای نوشته دیگر مینویسد
**ریزحساب** = صورت جزء حساب ( décumpte )
**زایچه** = (مرکب اززای وچه) احکام طالع مولود - فرهنگستان این کلمه را بجای ( ورقه ولادت ) اختیار نموده و آن ورقه ایست که درهنگام ولادت کودك نوشته میشود واداره آمار ازروی آن ورقهٔ شناسنامه را تهیه میکند
**زر** = فاز قیمتی - طلا
**زردپی** = نام‌فارسی رباط یعنی رشته‌های زردی است که دو استخوان رابهم متصل میکند ( بفرانسه tendon گویند )
**زره‌دار** ( مرکب‌از زره ودارمخفف دارنده ) = کشتی است که‌از صفحه‌های محکم آهنی‌پوشیده شده و گلوله‌های دشمن بدان اثری نمیکند . بفرانسه آنرا ( cuirassé ) میگویند
**زرینه‌رود** = نام رودی‌است که از کوه‌های کردستان فرود آمده بدریاچه رضائیه‌میریزد وپیش‌تر ازاین( جغتوچای ) گفته‌میشد
**زمین‌پیما** = (از زمین و پیما مخفف پیماینده) - پیمودن بمعنی اندازه گرفتن‌وزمین پیما اندازه گیرنده زمین‌است بعربی‌مساح گویند

---

سر اخگر عشق‌خود میریخت‌وپروین در جستجوی‌عشق‌ودلباختگی ، درجستجوی خوشی‌ها و لذات بهار جوانی پافشارتر بود ولی هر روز عصائی ضخیمتر از بدبینی بدست میگرفت . . .

پروین زیبا بود ، روز بروز هم زیباترمیشد،ازآنگونه دختران بود که همه چشمها را بسوی خود خیره میکنند ، مثل آن بود که چهره اش برق و درخشندگی مخصوصی دارد و آن برق چشم هر کس را میزند . . . البته اختر نیز زیبا بود ولی خلق و روش مخصوص‌او برچهره‌اش‌یکنوع تیرگی ، یکنوع رنگ‌پیری بخشیده بود ؛ باآنکه کوچکتر ازپروین بود هر کس‌اورامیدید نمیتوانست بگوید دوشیزه ایست که میتوان دل باو سپرد ودوستش داشت ودر

**زندان** = جائی که محکومین وجنایتکاران رادر آن نگاه می دارند ( محبس )

**زندان‌بان** = مستحفظ زندان

**زندانی** = کسی که در زندان نگاهداشته شده ( محبوس ) کلمه فرانسه نظیر آن ( prisonnier ) است که‌در آن زبان دو معنی دارد یکی کسی که درزندان است ودیگر کسی که درجنگ گرفتار میشودو بعربی‌اورا ( اسیر ) میگویند ـ زندانی‌رافرهنگستان فقط برای معنی اول اختیار کرده و اگر در معنی دوم بکار رود غلط است چنانکه پس ازتصویب این‌کلمه مترجمان روزنامه‌ها هرجا کلمه ( prisonnier ) دیده اند به زندانی ترجمه‌کرده اند مثلا نوشته‌اند ( سربازان دولتی پانصد تن زندانی گرفتند ) در صورتیکه باید بنویسند ( پانصد تن را اسیر کردند )

**زیان** = نقصان و ضرر ( perte ) مقابل سود

**زیردریائی** ( از زیر ودریائی ) = آنچه در زیراب‌دریاست کشتی کوچك جنگی است که میتواند در زیر آب حرکت کند و در زیر کشتی های دشمن اژدر بگذارد
این کلمه را فرهنگستان بجای ( sous-marin ) اختیار نموده

---

آغوشش بهره از خوشیها و کامروائیهای زندگانی برد ، بلکه میپنداشت فرشته‌ایست که‌باید باادب واحترام فقط یك‌نظر براوافکند ، در مقابلش سرفرود آورد و بسرعت از پیش رویش دور شد . . .

پروین باآنکه ازهمه کس متنفر بود جاذبه‌ای داشت که همه‌را پیش میخواند واختر با آنکه همه رانیك میشمرد خاصیتی داشت که همه را بدور شدن وا میداشت . .

غالباً باتفاق از خانه بیرون میرفتند و عشق و احترام در پیرامون خود میگستردند ، درین گونه مواقع بینندگان فقط با نگاه و لبخند شیفتگی خودرا به پروین مینمودند و چون اختررا با او میدیدند جرئت نمیکردند نزدیکتر آیند و کلامی بر زبان

وقبل ازاین ( تحت‌البحری ) نامیده میشد

**ساختمان** = معماری ( شهرداری )

**سپارنده** = کسی که می سپارد ( ودیعه‌دهنده ) déposant

**سپردن** = گذاشتن چیزی درجائی تامدت معینی (بعربی ودیعه) déposer

**سپرده** = چیزی که در جائی گذاشته شده ( dépôt )

مثال : فلان دربانك دوهزار ریال سپرده دارد : کسانی که میخواهند در این معامله داخل شوند باید سه هزار ریال سپرده بگذارند

**سرآبیار** = کسی است که چند آبیار زیر دست او هستند

**سربهر** پایه‌ور شهربانی نظیر سروان ارتش( رجوع به‌شهربانی شود )

**سرپاس** = پایه‌ور شهربانی - نظیر سرتیپ ارتش ( رجوع بشهربانی شود )

**سرپاسبان** = پایه ور شهربانی - مانند گروهبان ارتش ( رجوع بشهربانی شود ) .

**سررسید** = هنگام پرداخت پول سند . (موعد) (échéance)

**سررسید نامه** = دفتری است که سر رسید سند ها را معین میکند échéancier

---

رانند ، ولی هرگاه که پروین بتنهائی پای ازخانه بیرون می‌گذاشت از صد زبان هزاران حکایت از عشق و دلباختگی می‌شنید و باز چون بخانه باز میگشت تهی دست تر و بی نصیب تر از همیشه بود ... زیرا همه کس ، هرشکل و صورت ، هر سن و هر وضع که داشت و با هر زبان که سخن میگفت ، موحش و نفرت انگیز بنظر او جلوه میکرد ، کسی را نمی یافت که لایق دوست داشتن باشد ، چهره ای نمی دید که نورصلاح در آن بدرخشد، کلامی نمیشنید که بوی حقیقت از آن بمشامش رسد ...

... ولی یك روز ... یکی از روز های با صفای بهار که پرندگان خوش صدا بیشتر نغمه سرائی میکردند و پروانه های

**سرکلانتری** = اداره ایست در شهربانی برای نگاهداری انتظام عمومی که سابقا آنرا ( اداره پلیس ) میگفتند

**سرمایه** = فرهنگستان این کلمه‌را بجای ( capital ) فرانسه اختیار نموده و آن تمام متاع یا پولی است که برای تجارت گذاشته می‌شود .

**سرمایه‌دار** = کسی که‌دارای‌سرمایهٔ‌زیاداست capitaliste

**سرناوی** = سرجوخهٔ دریائی( رجوع شود به نیروی‌دریائی )

**سند** = ۱ - نوشته ایست که مطلبی را ثابت میکند acte

۲ = ( بانك ) نوشته‌ای که وام یاطلبی رامعین‌مینماید(effet)

مثال : چك سند تجارتی است . سند خرید خانهٔ من پیش شما ست

**سفته** = سندی است که بواسطه آن یکنفر ازشخص دیگری‌در خواست می کند که پولیرا بشخص سوم بپردازد ( فته طلب ( lettre de change

**سفته بازی** = ( بانك ) خریدوفروش‌سندهای‌تجارتی‌وورقهای بهادار بقصد استفاده زیاد وبکار بردن وسایلی که دارندگان سندها را فریب دهد که ارزانتر ازقیمت حقیقی بفروشند ( agiotage )

**سفید رود** = نام رود بزرگی‌است که از کردستان سرچشمه

---

زیبا در شعاع آفتاب بهتر میرقصیدند ، پروین هنگامی که بخانه باز میگشت سرخی مخصوصی بر گونه ها داشت وفشار دل‌پذیری در قلب خود احساس میکرد ، زیرا آنروز کسی را که لایق دوست داشتن باشد یافته و دل از دست داده بود . . .

چه منظر دلنشین و مؤثری ! . . . هرگز فراموش نخواهد کرد . . چه جوان زیبائی . . . از چشمان فتانش قطرات اشگ بر گونه میغلطید ولبانش‌لبخندی چنان شیرین ودلشکاف میزد ! . .

. . . . پروین دل باخته بود وراز دلباختگی اورا اختر زودتر از همه کس آگـاه شد . . . .

همان شب اختردرپایان صحبت شبانهٔ خواهرش که با هر شب

گرفته پس از گذشتن از جنوب آذربایجان از دره رودبار واتصال به شاهرود بدریای مازندران میریزد سابقاقسمت بالای آنرا قبل از رسیدن بشاهرود (قزل اوزن) مینامیدند - فرهنگستان مقرر داشت که تمام رود را سفید رود بنامند

**سنگتراش** = کسی که سنگ میتراشد (بعربی حجار)

**سنگ واندازه ونرخ** = بجای (اوزان ومقیاسها ونرخ) اختیار شده ودر شهرداری شعبه‌ای بدین نام است.

**سود** = ۱ - فارسی نفع است. این کلمه را فرهنگستان بجای intérêt اختیار نموده است.

مثال: سرمایه من با سود صدی پنج ببانك داده شده

۲ ـ بجای منفعت حاصل از تجارت نیز بکاربرده میشود

مثال: سودمن از این خرید دویست ریال است لغت فرانسه معادل آن (profit) ولغت مقابل آن‌زیان است (bénéfice)

**سودناویژه** = نفع غیر خالص

**سودویژه** = نفع خالص

**سودوزیان** = نفع وضرر - سوزیان مخفف آنست

**سوسن‌گرد** = نام‌قدیمی شهریست‌درخوزستان که مدتی‌بنام

---

خود فرق بسیار داشت میگفت: خواهرجان، خدا کند که آن اشکهای درخشان وآن لبخند شیرین دام هولناك شیطان نباشد.

ـ نه اختر خاطرجمع باش، دل‌من اشتباه نمیکند... اگر تو اورا ببینی‌فوراً تصدیق خواهی کرد که بخطا نرفته ام ...

دخترك شیرین با آنهمه دقت و بد بینی بالاخره بیك نگاه دل باخته بود...

ـ ۵ ـ

خسرو زیبا سه چهار روز بود که درتعقیب خوشگذرانیهای خود ازشهر بدور بود. دریکی ازززیبا ترین باغهای ییلاقی که درختانش تازه برك آورده و گیاهانش تازه به گل نشسته بود چهار روز و

خفاجیه خوانده شد وفرهنگستان همان نام قدیمی را ازنو برای همان شهر اختیار کرد - سابقا این‌شهر بواسطهٔ پارچه‌های سوزن زده خود مشهور بود

**سیاه‌چمن** = نام‌فارسی قراچمن استکه رودی بهمین اسم از آن گذشته بسفیدرود میریزد .

**سیاهه** = صورت ریزجنسهای خریده‌شده یا پولهای پرداختی یا دریافتی‌که ازطرف خریدار یافروشنده تهیه میشود (صورت حساب)( facture )

**شادگان** = نام‌قدیمی شهریست در خوزستان که مدتی آنرا فلاحیه میخواندند فرهنگستان همان‌نام قدیمی رامجددا برای‌همان شهر اختیار نمود .

**شاهین‌دژ** = نام شهریست‌درجنوب‌دریاچه رضائیه که پیشتر آنرا صاین‌قلعه میگفتند .

**شفاخانه** = اداره ایست که به بهداشت شاگردان مدرسه‌ها رسیدگی‌وبیماران‌راعلاج‌مینماید سابقا( پست‌صحی‌امدادی‌مدارس ) گفته میشد

**شمش** = قطعه فلز که هنوزچیزی باآن‌ساخته نشده ومعمولا

---

سه شب باجمعی ازدوستان خوش گذران در کنار یکدسته ماهروی شکر خنده به شادکامی گذرانیده بود ...

در پایان روز چهارم هنگامی که ازین خوشگذرانی طولانی بسوی شهر باز میگشت احساس میکرد که دلش بی اندازه برای مادرش تنك شده و با خود میگفت همینکه بخانه برسم خودرا در آغوشش خواهم افکند ، هزاران بوسه بر دست و پا وروی و مویش خواهم زد ....

مخصوصاً هر گاه که‌دیو شهوتش سیراب میگشت فرشتهٔ عشقش بیدار میشد و اورا پر زنان بسوی مادرش میکشید و ایندفعه چون خوشگذرانیش بیش از همیشه طول کشیده وبیشتر از هروقت از

بشکل میلهٔ دراز یا مکعب است . ( lingot )

**شناسنامه** = ورقه ایست که از اداره آمار و ثبت احوال بهر شخصی داده میشود و از روی آن ورقه آن کس را میشناسند . سابقا ورقهٔ هویت نامیده میشد

**شهر** = آبادی بزرك دارای خانه‌ها وعمارتها وخیابانهاو کوچه ها ومیدانها وجمعیت بسیار است ( بعربی بلد )

**شهربانی** اداره ایست که در کشورها بحفظ انتظام عمومی می‌پردازدفرهنگستان این‌کلمه رابرای ( نظمیه ) اختیارنموده است

پایه وران شهر بانی چنانکه در فرهنگستان پذیرفته شده دارای نامهای ذیل هستند

پاسبان = آژان - سرپاسبان سه = گروهبان سه - سرپاسبان دو = گروهبان دو - سرپاسبان یك = گروهبان یك - رسدبان سه = ستوان سه - رسد بان دو = ستوان دو - رسد بان یك = ستوان یك - سر بهر = سروان - یاور = سرگرد - پاسیار دو = سرهنگ دو - پاسیار یك = سرهنگ یك - سر پاس = سرتیپ

**شهردار** = رئیس شهرداری ( رئیس بلدیه )

---

مادرش بدورمانده بود بی‌تاب و بی‌طاقت‌دیوانه‌وار به‌خانه‌میرفت . . .

وقتی که بنزدیك خانه رسید دلش میلرزید ، احساس می کرد که تا دستش بزنگ در برسد در باز خواهد شد و مادرش با آن خندهٔ شیرین و پر محبت آغوش برویش خواهد گشود ، ولی بزودی به‌تحیری سخت دچارشدزیرا چند بارزنگ‌بزد وصدائی بگوشش نرسید . . .

چند باردیگر بروی تکمهٔ زنگ فشار آورد تا بالاخره کلفت خانه آهسته آهسته بیامد و در را بگشود .

خسرو قدم بدرون دالان تاریك خا نه بنها دو گفت :

- خاور ، چرا چراغها را روشن نکرده ای . . خانم بیرون رفته اند ؟ . .

**شهرداری** = اداره ایست که در شهر ها بکار ساختمان ها و یا کیزگی کوچه ها و خیابانهای شهر رسیدگی میکند ( سابقا بلدیه گفته میشد )

**شیرخوارگاه** = جائیست که از طرف شهرداری کودکان شیر خوار را در آن نگاهداری میکنند ( دار الرضاعه )

**صرف** = ( بانك ) اختلاف ما بین قیمت واقعی پول و قیمتی که در بازار خرید و فروش میشود ( agio )

**صندوق** = جعبهٔ چوبی یا فلزی برای نگاهداشتن یا بردن کالا از جائی بجای دیگر ( در اصطلاح بانك ) ـ محلی که پولهای پرداختی را بدیگران داده وپولهای دریافتی را میگیرد (caisse)

**صندوقدار** = کسی که در اداره ها و در بانکها پول را دریافت یا پرداخت مینماید ( caissier )

**طلبکار** = کسی که پول یا متاعی ازدیگری باید باو برسد ( créancier )

**فرسودگی** = ضایع شدن و کهنه شدن اسباب است بقسمی که از آن نتوان دیگر استفاده نمود ـ سابقا آنرا (اسقاط) میگفتند

**فرستاده** = صادر که اصلا بمعنی بیرون رونده است به جای

---

ـ خیر آقا ، در خانه هستند . . .

ـ عجب ! . . . پس چطور ؟ . .

زن خدمتکار باصدائی آهسته تر گفت : آقا ، دوروز است خانم ناخوش است . . .

ـ ناخوش ! . ناخوش ! . برای چه ؟ . .

این خبر در او اثری موحش بخشید ، دیوانه‌وار و دوان دوان بسوی اطاق مادرش رفت، درباز بود ، دربالای‌اطاق در روشنائی خفیف یك‌چراغ، مادرش بروی تختخواب افتاده ، رنگش بی اندازه زردو گونه هایش فرورفته وچشمانش‌فرو بسته بود . . .

خسرو با شتاب بسیار نزدیك رفت ، دست مادرش را بگرفت

فرستاده شده استعمال میشد فرهنگستان مقرر داشته است که بجای ( صادر ) فرستاده گفته شود مثال : نامه های فرستاده به جای ( مراسلات صادره )

**فزونی** = مبلغ یا پولیکه زیاد تر از ارزش متاع است (مازاد) ( excédent )

**فهرست** = این کلمه بجای ( repertoire ) فرانسه اختیار شده و آن جدول و یا دفتری است که عنوان مطلب های کتابی را در آن نوشته و بشماره صفحهٔ که شرح مطلب را در آن داده اند رجوع شده است

**قپانداری** = مالیاتی است که از بابت قپان کردن کالا به شهرداری پرداخته میشود ( باج قپان )

**قرارداد** = نوشته ایست که مابین دو یا چند نفر رد و بدل میشود و هریك از آنها انجام کاری را برعهده میگیرند contrat

**کارآگاه** = پلیس مخفی ـ بجای détective اختیار شده

**کارپرداز** = رئیس کارپردازی (رئیس مباشرت یا ملزومات)

**کارپردازی** = اداره ایست که لوازم کار و اثاثیه وزارتخانه و مؤسسه ای را تهیه میکند ـ پیشتر آن را ( مباشرت وملزومات ) می گفتند .

---

وبلافاصله باوحشت بسیار رها کرد ، زیرا این دست بسردی یخ بود . . .

با دقت به چهرهٔ زن بیمار نگریست . . دندانهای او بهم فشرده بود ، ازوسط دولب پریده‌رنك ومنقبضش نفسی کوتاه وسنگین بیرون میامد . . . جز این نشانه‌ای ازحیات نداشت . . . چهرهٔ او که پیش ازین اززیبائی بهشتی بهره‌مند بود وضع دوزخی بخود گرفته بود . . .

خسرو دیوانه‌وار باطراف نگریست ، درپائین اطاق یك پرستار که از آشنایان بود ایستاده کارهای خودرا انجام میداد واززیر چشم باتاثر بخسرو مینگریست . . .

خسرو بسوی او رفت ، دودستش را بگرفت و گفت :

ـ مادرم چه‌شده‌است ؟ چرا اینطوراست ؟ . . مگرچه پیش آمده ؟ . .

**کارکنان** = تمام کسانیکه در وزارت خانه بکار مشغولند
**کارگزار** = ( بانك ) کسی که کار های بانك را در شهر دیگر انجام میدهد ( correspondant )
**کارگزاری** = مؤسسه هائی است که معامله های اشخاص را بر عهده گرفته برای خرید و فروش خانه یا سایر راهنمائی ها مزدی گرفته و کاری انجام میدهند
**کارگزین** = رئیس کارگزینی
**کارگزینی** ( از کار و گزیدن ) = اداره ایست که در وزارت خانه بکار اعضاء رسیدگی کرده شغل آن ها را معین و تغییر ماموریت آنها را مطابق اطلاعات واحتیاج وشایستگی هریك تعیین مینماید ( سابقا استخدام و پرسنل نامیده میشد )
**کالا** = مال التجاره و متاع و لباس و اسباب خانه است .
حکیم سنائی گوید :
تو علم آموختی از حرص اکنون ترس کاندر شب
چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا
**کرجی** = قایق پاروئی یا دارای موتور
**کرو** = کرجی که با باد حرکت میکند

---

ـ پریروز ناگهان اینطور شد ؟ . .

ـ چرا ؟ چرا ؟

ـ نمیدانم ، من که اینجا نبودم ، بعد شنیدم که ناگهان فریاد کشیده ، مدتی مثل مار گزیده بخود پیچیده و بعد به این حالت افتاده است ! . . .

ـ وای ! . . پس سکته کرده ، طبیب ، دکتر ؟ . . .

ـ چندین دکتر تا کنون آمده اند ، صد ها سوزن زده اند . . . نمی بینید اطاق مثل دواخانه شده است . . . ولی فایده نبخشیده ، نه بهتر شده است نه بد تر ، چند دقیقه پیش دکتر اینجا بود ، رفت که با چند طبیب دیگر برگردد . . .

**کشتارگاه** = جائی است که در آن حیوانات را کشته و گوشت آنهارا بمصرف خوراك شهر میرسانند (بعربی مسلخ گویند)

**کلانتر** = رئیس کلانتری ( commissaire )

**کلانتر مرز** = کمیسر سرحدی - کلانتری که بکارهای مرز رسیدگی مینماید

**کلانتری** = شعبه ای از شهربانی که بکار تنظیم بخشی از شهر میپردازد ( commissariat )

**کمبود** = چیزی یا پولی که در هنگام تراز کردن حساب یا پرداخت وام کم می آید. مثال: کمبود صندوق: کمبود کالا

**کوچه** ( از کو و چه علامت تصغیر ) - راه کوچك و باریك

**کوره پز** ( از کوره و پختن ) = کسیکه آجر و آهك و گچ میسازد سابقا ( فخار ) گفته میشد

**کوی** = گذر و محله - فرهنگستان این کلمه را بجای محله اختیار نموده است. مثال: این شهر دوازده کوی دارد

**گاو صندوق** = صندوق بزرك آهنی را گویند (coffre-fort)

**گداز** ( از گداختن ) = آب کردن چیزی است و بعربی ( ذوبان ) میگویند ( fusion )

---

خسرو با دو دست چنگ در موها زده چهرهٔ خودرا به ناخن میخراشید ، چند دقیقه در طول و عرض اطاق قدم زد ، چند دفعه بیا این مادر باز گشته ، دست ، چهره ، قلب اورا امتحان کرد و بالاخره بدون اینکه کلاه خودرا بردارد ، بدون اینکه موی خود را مرتب کند بطرف در روانه شد و گفت: بروم ، دکتر «آ . . . » را بیاورم . . . او بهتر از همه است ، بامن هم آشناست . . .

. . . یکساعت بعد دکتر آ . . . وچند پزشك دیگر داخلی و خارجی در تعقیب معاینه ای دقیق و امتحاناتی دانشمندانه ، این دو سطر را در صورت مجلس مشاورهٔ خود نگاشتند:

«. . . مرض او سکته است که در تعقیب یك سیفیلیس قدیمی

**گزارش** = غیراز معنی های بسیار که برای آن نوشته شده شرح و تفسیر چیزی گفتن وادا کردن سخن است - این کلمه بجای راپرت rapport فرانسه که در نوشته‌های اداری معمول‌شده بود انتخاب گردیده است .

**گذر** = محل عبور کردن و گذشتن. بجای (معبر) اختیارشده

**گذرنامه** = نوشتهٔ ایست که برای گذشتن و مسافرت از شهربانی یا ادارهٔ دیگری بکسی داده میشود - فرهنگستان این کلمه را بجای ( تذ کره ) و ( پاسپورت ) اختیار نموده

**گرانبها** = چیزی که ارزش و بهای زیاد دارد précieux ( نفیس،قیمتی ) مثال : طلاونقره دو فاز گرانبها هستند .

**گردش** = بعربی جریان گویند = دراصطلاح بانگی بجای ( circulation ) اختیار شده است

**گردش‌خون** - بجای ( دوران دم ) که در کتابهای علمی اصطلاح شده بود اختیار شده است

**گرمابه** = نام فارسی حمام است

**گرو** - چیزی که مقابل در یافت پول‌از کسی نزد او گذاشته میشود که هر گاه پول را رد کند آن چیز را بگیرد ( وثیقه )

---

روی داده، علاج پذیر بنظر نمیرسد وبا یك حملهٔدیگر کار مریض را خواهد ساخت . . . ،

این صورت مجلس را خسرو ندید ولی دومین حملهٔ مرض روز دیگر هنگام سپیده دم در رسید و مادر خسرو را باهمهٔ عشقی که بسرش بوی داشت در ربود . . .

خسرو خودرا بروی جسد مادر افکند ، ساعتی بی حرکت ماند نخستین اشکهای خود را بر آن جسد بیجان فرو ریخت و چون آشنایان برای انجام مراسم جمع شدند و خسرو سراز روی سینهٔ مادر برداشت ، چهره اش شکل دیگر بخود گرفته ، در چشمانش برق مخصوصی میدرخشید . . .

**گشتی** = دسته‌ای از نگهبانان که بایدمسافت معینی‌را نگهبانی کنندو پیوسته در آن مسافت حرکت‌میکنندآین کلمه بجای patrouille فرانسه اختیار شده است .

**گوارش** = نام فارسی عمل‌هضم است . ترکیبانی را هم که برای زود گذراندن غذا میسازند گوارش گویند (وجوارش) معرب آن است

**گواهی‌نامه** ( مرکب از گواهی و نامه) = گواهی بمعنی شهادت و تصدیق است و نامه بمعنی کتاب و فرمان و مکتوب - فرهنگستان گواهینامه‌را بجای تصدیقنامه‌وشهادتنامه‌و(certificat) اختیار نموده

مثال . فلان ازمدرسهٔ فلاحت گواهی نامه گرفته است .

**گوشت‌فروش** = بعربی ( قصاب ) گویند

**ماما** = فارسی ( قابله ) است

**مانده** = تفاوت جمع دریافتی‌وپرداختی‌یك‌تجارتخانه (solde) مانده بدهکار هنگامی است که دریافتی پیش‌از پرداختی باشدومانده بستانکار هنگامی که پرداختی بردریافتی فزونی دارد

**ماهیچه** = نام فارسی عضله است وچون اغلب عضله‌ها دارای

---

خسرو تغییر یافته بود ، تغییری عجیب و موحش ، تغییری که گرك درنده ای را به شیطان موحشی تبدیل کند ، تغییرناگهانی و خطرناکی که سنك سیاهی را به آتش هولناکی تبدیل‌سازد.

از وجودی چنان ناپاك و شریر یگانه فضیلتی که داشت رخت بربسته بود ، در ساختمان او جز یك خوبی ، یك حقیقت ، یك عشق واقعی یعنی عشق مادر وجود نداشت وآن نیز بامرك مادر نابود شده بود . . .

حالا دیگر زندگانی برای او صورت دیگر داشت و نگاه او امروز و آینده را طور دیگر مینگریست . . . در اطاق دیگر ، خیلی دور تر از اطاقی که جسد مادرش در آن آمادهٔ حرکت بود

دوسر باریك وشبیه بماهی کوچکی هستند ماهیچه نامیده میشوند

**هزینه**-این کلمه بجای(مخارج) یعنی خرجها اختیارشده

خاقانی گوید . بدخل وخرج دلم بین بدان درست که هست

خراج هر دو جهان یك شبه هزینهٔ من

کمال اسمعیل گوید

کردم هزینه در ره مدح تو نقد عمر

ور اندکی بمانده از آن هم برای تست

ابوالفرج رونی گوید

همه عالم عیال جود ویند او رهد شان هزینه و کابین

**هنرپیشگان** = بجای ارباب‌صنایع ظریفه‌اختیار شده‌و بفرانسه آن‌را ( artiste ) گویند

**هم ارز** = دو چیز که ارزش آنها برابر یکدیگر باشد . ( équivalent )

**هم‌ارزی** = برابری ارزش دوچیز ( équivalence )

**همچشمی**=عمل رقابت میان دو کس - رقابت مابین دوتا جر

---

پشت میز نشسته ، پیشانی خودرا بدست تکیه داده وفکرمیکرد . . .

دیگر اشك نمی ریخت ، آه نمیکشید ، سوزشی دردل خود احساس نمیکرد و فقط دل وجان خود را مملو از کینه ای موحش وآتشین میدید . . . فقدان این عشق یکدنیا بغض وعداوت در وجود اوجای داده بود . . . بجای آنکه درمرگ مادرش سوگوار باشد و ناله کند همچون جانور زخم خورده میغرید و زیر لب این جمله را تکرار میکرد :

«پس ازاین آتش خواهم افروخت ، هر کس و هرچیز را که بدستم رسد خواهم سوخت، ازاین دنیای زشت و روزگار جنایت کار که مادر مرا از دستم گرفته است انتقام خواهم کشید . . .

***

. . . مدتی بود که آفتاب طلوع کرده بود . . . سرخ گلهای حیاط باز شده عطری دلفریب درهمه جا گسترده بود ، گنجشکها

concurrence

**هویزه** = نام‌فارسی حویزه و آن محلی است در خوزستان در کنار رود کرخه

**یاد آوری** = در زبان فرانسه راپل rappel یاد آوری بطرف مکاتبه است برای زود فرستادن‌جواب و انجام کار و گاهی نیز بجای آن تذکاریه استعمال میشد درفرهنگستان مقررشد که یادآوری گفته شود .

مثال : وزیر گفت برئیس ادارهٔ ساختمان درجواب دادن بفلان نامه یادآوری کنید یا یادآوری بفرستید .

**یادداشت‌دریافت** = یادداشتی است که درهنگام‌دریافت‌پولی ازطرف بانك برای‌مشتری فرستاده میشود ( note de crédit )

**یادداشت پرداخت** = یاد داشتی است که درهنگام پرداخت پولی‌ازطرف‌بانك‌برای مشتری فرستاده میشود(note de débit)

**یاور** = پایه‌ور شهربانی ـ نظیر سرگرد در ارتش

**یکی کردن** = بجای لفظ فرانسه ( unifier ) اختیار شده

---

روی چند درخت کوچك حیاط جست و خیز و جیك جیك میکردند بهار باهمه زیبائی خود میدرخشید ودر همین لحظه یك عده زن و مرد تابوتی را از اطاق بیرون آورده بسوی درمیبردند . . . شیون و فریادی در کار نبود ، زن سیه روز کسی را نداشت که برای او اشك بریزد .. . خدمتکار خانه شب پیش ، هنگامی کـه خانمش در گیرو دار جان کندن بود مقداری پول و جواهر اورا دزدیده و گریخته‌بود ، زن‌پرستار اجرت‌خودرا گرفته وپی کارخود رفته بود . . . خسرو که مادرش با همه عشق و مهربانی از دستش بدررفته بود ، به جنازهٔ بیجان او اهمیت نمیداد و احترامی برای آن قائل نبود؛ او دیگر از آدمیت استعفا کرده و مراسم آنرا نیز خوار می شمرد . .. جانوری‌بود که به جسد بیجان همنوع‌خود با بی اعتنائی مینگریست . . . درآن موقع دراطاق خود قدم میزدودندان ازغیظ بهم میفشرد . . .

# لغات پیشاهنگی

| لغت نو | لغت اجنبی |
|---|---|
| رسد پیشاهنگی | Scout troop |
| سر رسد | Scout master |
| رسد یار | Assistant scout master |
| جوخه | Ptrol |
| سر جوخه | Ptrol leader |
| جوخه یار | Assistant patrol leader |
| کار پرداز | Quarter master |
| نویسنده | Scribe |
| شیپور زن | Bugler |
| سرپرستان رسد | Troop commitee |
| پایوران پیشاهنگی | Troop officers |

یکی از اشنایان که دراجرای مراسم حضور داشت ، هنگامی که جنازه از در بیرون میرفت اورا صدا زد و گفت :

ـ مادرت رفت ، دیگر با او کاری نداری ؟ . . .

این کلام که بیش از غم وتاثر، شوخی وتمسخر در آن وجود داشت خسرو را بخود آورد ، یك لحظه دیگر بیاد مادرش ، بیاد زیبائی ولطف او ، بیاد عشق وعلاقهٔ او افتاد ، یك لحظه دیگر برقی از انوار انسانیت در دلش بدرخشید ، فشاری درقلب خود احساس کرد ، بطرف کوچه براه افتاد ، یاد مادر در قلبش بود و سیمای او درنظرش مجسم شده بود واینها همه چند قطره اشك بر چشمان او راه داد . . .

وقتی بکوچه رسید چند ثانیه بود که اتوموبیل حامل جنازه دورشده بود . . خسرو یك لحظه بایستاد و سپس برای فرار از نگاه های کنجکاو اهل محل بطرفی براه افتاد ، در خم خیابان بسوی دیگر

| | |
|---|---|
| Scouters | پیوستگان |
| Chef scout executive | مدیر فنی |
| Assistant scout executive | معاون فنی |
| Local headquarter | سرپیشاهنگی |
| Loca  council | انجمن پیشاهنگی |
| National council | انجمن پیشاهنگی ایران |
| Troop council | شورای رسد |
| Tender foot | نو آموز |
| Court of honor | دیوان پاداش |
| Senior patrol leader | رهنمون |
| Scout commissioner | رهبر پیشا هنگی |
| Merit badge | نشانهٔ هنر |
| Provincial scout executive | سر پیشا هنگ |

---

پیچید . آنجا،درپایان خیابان ، اتوموبیل‌حامل جنازه بسرعت می رفت وغباری درپی خود میگسترد . . . خسرو باچشم تخیل بر این منظره بنگریست ، چهره مادر رادر میان آن‌غبار مجسم دید و دو قطره اشك پی‌درپی و آهسته ازدیدگانش بروی گونه غلطید .

در همین لحظه ازپیاده روی سمت دیگر خیابان دختر کی برای آنکه بخیابان دیگر بپیچد ، بدین سوی آمد . . . نزدیك به‌نقطه‌ای که خسرو ایستاده بود مهیای گذشتن ازجوی‌آب شد ودرین موقع خواه‌ونا خواه نگاهش به چهرهٔ خسرو افتاد . . .

دختری بود بسیار زیبا ، رو و موی او ، قد وبالای او ، تناسب اندام وبر جستگی‌های دلفریب بدن او نظر پیر و جوان را جلب میکرد،سختی‌ها وتلخیهای زندگانی‌را از یاد هر بیننده میبرد و اورا متوجه زیبائی ، خوشی ، کامروائی وسعادت میساخت . . .

خسرو بلا اراده چشم ازدنبال اتوموبیل بر داشت و بروی این دخترزیبا که بیش‌ازیك قدم‌بااو فاصله نداشت افکند ؛ هنوزقطرات

اشك از گونه اش بپائین نریخته بود که خواه و نا خواه لبخندی بروی دخترك زد . . . زیرا دختر زیبا مثل این بود که ایستاده است و باو مینگرد ، مثل آن بود که پایش در دامی گیر کرده و قادر برفتن نیست . . . مثل آن بود که میخواهد نزدیك بیاید ، اشك ازدیدگان خسرو بسترد و بگوید : عزیزم ، چرا اشك میریزی ؟ . . .

اما همینکه لبخند بر لبان منقبض خسرو راه یافت، دخترك با لرزشی نمایان بخود آمده براه افتاد ، چند قدم بسرعت دور شد ، باز نمیدانم با اراده یا بلا اراده سر بگردانید، یك نظر دیگر هم بخسرو افکند و سپس با قدمهای آهسته وشاید لرزان راه خودرا در پیش گرفت . . .

خسرو یك نگاه دیگر بپایان خیابان افکند ، اتوموبیل ناپدیدشده وجسد مادرش‌را برده بود تا با حضور یکی از آشنایان بخاك تیره تحویل دهد ... خسرو شانه بالاافکنده سر بگردانید ، دخترك زیبارا ازپشت سرنگریست ، حرکتی دیگر بشانه خود داد ، زیرلب گفت :

ـ آری ، آتش خواهم شد ، خواهم سوزاند ، انتقام خواهم کشید . . .

ودست به جیب روی سینهٔ خود برده دستمال ابریشمین نازکی بیرون آورد و اشك از چشم بسترد ، حرکتی بخود داد وبدنبال دخترك براه افتاد . . .

دختر زیبا هنگامی که پس‌ازعبور ازخیابان وچند کوچه بدرخانهٔ کوچك خود رسیدسر بگردانید وپنداشت که جوان زیبارا دیده‌است که از سر کوچه میگذرد ، یك لحظه بایستاد ، مگر باز گردد ، چون چیزی ندیدبسر کوچه رفت ، بخیابان بازگشت ، همه‌طرف را بنگریست ولی جوان راندید و هنگامی که میخواست از در خانه بدرون رود زیرلب میگفت . . .

ـ خیال نمیکنم آنقدر خوشبخت باشم که او باین زودی مرا دوست داشته وبدنبال من تا بدینجا آمده باشد . . . بهر حال ، الان میروم وبه اختر میگویم . . .

این دختر زیبا پروین بود ! ..



خسرو تا سر کوچه بدنبال پروین آمده خانـهٔ اورا شناخته ، از آنجاباز گشته ، در آن نزدیکی درخم کوچه‌ای‌ایستاده،باز گشتن و نگرانی پروین رادیده ، دانسته بود که دخترك زیبا بدام افتاده است ولی‌مصلحت‌چنان‌دیده‌بود که‌آنروز اورا بحال خود گـذارد و برای فردانقشی نکوتر فراهم آورد و دامی محکمتر تهیه کند . . .

آنگاه آهسته آهسته بسوی خانهٔ خود باز گشته در زیر لب گفته بود :

ـای‌دخترك قشنگـك ! . . . . . تو نخستین قربانی انتقام من خواهی بود . . .

جوان درهنگامی که این کلام را برزبان میراند فشاری عجیب در قلب خود احساس میکـرد . . . به گمانش میرسید که باین زودی عشقی آتشین ازین دختر دردل گرفته است . ولی عشقی که ازخشم و کینه ، ازانتقامجوئی و شهوت ساخته شده باشد .

( ٦ )

اختر بیا امروز با هم برویم ، تا اورا بتو نشان بدهم ؛ ببین چه خوب است ، چه مهربان است ، چه شیرین سخن میگوید ، خدا را شکر که به آرزوی خود رسیدم ، این عیناً همان کسی است که من میخواستم . . . اگر تمام دنیارا میگشتم ازین بهتر نمییافتم . . . آخر مگر تو خواهر من نیستی ، بیا برویم تا بتو نشانش دهم ، میائی ؟ ها ؟ میائی ؟

اختر که خود نیز بی‌میل به دیدن محبوب خواهر خود نبود گفت : آری ، خواهم آمد . . .

نیمساعت بعد در کوچه در کنار هم میرفتند ، پروین میگفت و میخندید و اختر میشنید و لبخند میزد . . . تا کنون چندین دفعه خسرو را دیده بود ، با هم کلمات کوچکی رد و بدل کرده ، لبخند های شیرین بروی هم زده و با نگاه های آتشین عشق و دلباختگی خودرا بیکدیگر فهمانده بودند . . . قرار گذاشته

بودند که یکروز درمیان، درخیابانی خلوت که درآن نزدیکی بود یکدیگر را ملاقات کنند . هردفعه پروین سر موقع به محل ملاقات میرفت ، ولی خسرو دو دقیقه دیر تر میامد و همین دیر آمدن عشق دختر را تیز تر میکرد ...

چیزی نگذشت که به آن خیابان خلوت رسیدند ، خسرو هنوز نیامده بود و پروین به اختر گفت : تا یکدقیقه دیگر خواهد آمد برویم سر آن کوچه در کنار درختها بایستیم ...

براستی بفاصلهٔ یکدقیقه خسرو ازدور نمودار شد وپروین‌شادی کنان دست اختر را بگرفت و گفت :

ـ نگاه کن خواهر ، دارد می آید ... ببین چه قشنگ است ، چه با وقار است !...

اختر سر بر گردانید و خسرو را که بیش از صد قدم از آنجا دور بود بنگریست ، همینکه نگاهش بچهره و قد و بالای او افتاد پای تا سر بلرزید ، احساس کرد کـه پردهٔ سیاهی پیش چشمش کشیده میشود ، و زانویش چنان میلرزد که طاقت نگاهداشتن جسمش را ندارد ... فشاری سخت بر خویشتن وارد ساخت تا خونسرد و آرام بماند ، لبخندی ساختگی برلب راند و گفت :

آری ، دیدم ، مثل اینست که پیش ازین هم او را دیده ام ، حق با تست ، خیلی قشنگ و با وقار است ، اما ...

ـ اما چه اختر ؟

ـ اماخوب نیست‌من هم اینجا باشم ، من میروم .. درآن کوچهٔ دیگر قدم میزنم تا تو بیائی .

ـ نه اختر ، بگذار ترا باو معرفی کنم ...

ـ بگذار بروم ، خجالت میکشم ، حالا همینقدر که اورا شناختم کافی است ، اصلا من بخانه برمیگردم ...

و بدون اینکه مجال اعتراض بخواهر خود دهد باقدمهای تنـد دور شد ، بکوچهٔ دیگر پیچید و آنجا چون خودرا تنها دید بدیوار

تکیه کرد ، سینهٔ خودرا درمشت بفشرد ، ناله ای از دل بر کشید
و زیر لب باصدائی لرزان و کلماتی بریده گفت :

ـ ای خدا .... ای عشق من !...

چند دقیقه بعد به خانه رسید ، وارد اطاق شد، دربروی خود
بست و در حالی که اشك سوزان برچهره میریخت در صندوق را
بگشود و جعبهٔ مخمل پوش کوچکی از آن بیرون کشید ، دستمال
بسته ای از میان آن برداشت و از درون آن از میان کاغذ های
رنگارنگ ، لوله های دعا، یك صفحه کاغذ بدر آورد ، آنرا بگشود
و با چشمان اشك آلوده این سطور را بخواند :

« عزیزم ، تا گمان نبری که چون دیگر جوانان اهل نیرنك
و فریبم ، تا تصور نکنی که قصد بدی دارم ، تا مرا دروغگو و
هوسران نپنداری ازین پس بجای آنکه همه روزه و هر روز چند
دفعه در سر راه تو باشم سخت ترین شکنجه ها را تحمل میکنم و
فقط هرهفته دو دفعه در راه‌تو میایستم ولی تو لااقل درین دو دفعه
کلام‌مرا جوابی بگوی و لبخندی بروی من بزن ... »

« کسی که ترا میپرستد . خ . »

کاغذ را در مشت بفشرد و زیرلب گفت :

ـ اوه !.. هم‌اوست !... خسرو ، خسرو، اسم مرا نمیدانست ،
اسم خود را با من نگفته بود ، خیال میکردم وفا دار است ، خیال
میکردم هنوزبا آنکه مدتی‌مدید ازآن روزها میگذرد ، مرا دوست
میدارد... خداوندا !.. فراموش کرده است !.. دل بخواهرم
بسته... خواهرم بیقراراوست ، چه شکنجه ای ! چه دردبیدرمانی !

کاغذ را بگشود، یکبار دیگربخواند ، چشمش در پایان کاغذ
بروی این جمله خیره و بیحرکت ماند : « کلام مرا جوابی بگوی
و لبخندی بروی من بزن ... » زیرلب گفت : اوه !.. پس ازین
کاغذ یکباردیگر اورا دیدم... خواهش اورا پذیرفته بودم ، کلمات
اورا جواب گفتم ، بروی او لبخند زدم !... نخستین لبخند عشق
من بود که آخرین لبخندم شد ...

## قسمت اول

با هل دل میتوان دل بستن — نه هر دلی را بدل پیوستن

مده عبث قول یکدلی بهر دل — که میکشی رنج دل بشکستن

دل را سست مگیر ، تا سختی نکشد — شهد از عشق مخواه ، جز تلخی ندهد

صحبت شیشه و سنگ است دل و عشق بتان - مشو ای دوست دمی غافل ازین عشوه گران

که گرت بخبر انکار کنند — دگرت بخیره انکار کنند

باید از عشق جنون برداری — دل بگذاری و خون برداری

گوئی از عشق تو ای یار توانم افروخت — آخر ای یار بیا جانم سوخت

## قسمت دوم

انکه این کشندگی را بتو آموخت — از چه طریق زندگی را بمن آموخت

مرگ و حیوة قصد ازین نقض غرض چیست — مرگ دوا و زندگی غیر مرض نیست

عمر گرانی بعشق بازی — میگذرانی و مفت بازی

ای بشر . ای بشر ، ای بشر آخر تو نه آسان بجهان آمدی

مفت مده خویش که بسیار گران آمدی

جاه و آثار وی آثار تو است — مایه گفتار من اسرار تو است

« آهنگ از مصنف است

« رونویس ـ زرین خط

# آهنگ ترانه نوین سگاه

*Andante.* (♩. = 72)

آنگاه لحظه‌ای بخود بپیچید ، چین بر جبین افکند ، سپس سر بر داشت و گفت :

- چرا ؟ برای چه آخرین لبخند باشد ؟ برای چه من که اینهمه رنج برده ام ، من که بارها قطرات‌سوزان اشکم بر خاك ریخته و حاصلی‌نداده است اکنون که عشق‌خودرا بازدیده‌ام‌دست‌ازاو بشویم؟ چرا اورا بخواهر خود واگذارم ؟ میروم اورا میبینم ، وعده های او را بیادش میاورم ، میروم بـا چشم اشکبار برویش مینگرم ، و کلماتی را که پیش ازین بامن گفته است تکرار میکنم . . . .

سربزیر افکند وخاموش ماند وپس ازیك دقیقه درحالی که‌قطره قطره اشك از دیدگانش میریخت گفت :

- نه ، بگذار سرنوشت کار خودرا بپایان رساند ، بگذار عشق‌و سعادت من، لذتی که من از جوانی خود ، ازهوا و هوس خود ، از عشق خود بردم منحصر به همان یك لبخند باشد . . . بگذار هستی من ، خوشبختی من ، آیندهٔ من یك‌روز فدای اندرز خواهرو روز دیگر فدای عشق او شود ! . . .

کاغذرا بجای خود نهاد ، درجعبه وصندوق را ببست ، اشك از دیده بسترد ، از اطاق بیرون آمد و به‌آشپزخانه رفته با خدمتکار پیر خانه به صحبت پرداخت . . .

نیمساعت بعد پروین‌مست از بادهٔ عشق ومسرت‌به خانه‌بازگشت وهمینکه پا از در بدرون نهاد بصدای بلند گفت :

- اختر ، اختر ، کجا هستی ؟

اختر از آشپزخانه بیرون آمد وپروین گفت :

ـ بیا اختر ، بیا یك چیز خوب بتو بگویم . . .

وچون اختر نزدیك شد گفت :

ـ اختر ، خسرو را دعوت کرده ام که بخانهٔ ما بیاید . . .

ـ بخانهٔ ما ؟

- آری ، چه عیب دارد ؟ .

ـ چه لزوم دارد که زندگانی محقر وفقیرانهٔ مارا ببینند ؟

- چه عیب دارد ؟ من که دو رنگی نسبت باو ندازم ، همه چیز را باو گفته ام . . .

- اوه ! . . . توچه بی احتیاطی ! . . .

- بی احتیاط چرا ؟ . . . . من که از او چیزی جز عشق وعلاقه حقیقی ندیده‌ام ویقین دارم که قصدی جز مزاوجت بامن ندارد چرا بااو بر خلاف یگانگی رفتار کنم . . بعقیدهٔ من خیلی بهتر است که بیاید واز نزدیك با ما آشنا شود . . . امروز خانه را باو نشان دادم و گفتم که فردا عصر باینجا بیاید . . .

اختر که بزحمت خونسردی خـود را محفوظ میداشت گفت : پس من در آن‌موقع ازخانه بیرون میروم .

پروین نگاهی مملو ازملامت وعدم رضایت باو افکند و گفت :

- اختر ، تو چرا اینقدر بد اخلاق شده ای ! . . مگر تو خواهر من نیستی ! . . . مثل اینست که . . . .

ولب‌خودرا گزیده‌سر بزیر انداخت‌و کلام‌خودرانا‌تمام گذاشت . . .

اختر دانست که خواهرش چه‌میخواهد بگوید ، فهمید که‌پروین بوجود حسادتی پی‌برده است . . . بی اختیار قطره اشکی از گوشهٔ چشمش سر زد ، و گفت :

- پروین ، چرا اینطور بمن‌نگاه میکنی ! . . . چرا اینطوربامن حرف میزنی ! . . . هنوز عشق وعلاقهٔ مرا نسبت بخود نمیدانی . ولی بالاخره خواهی دانست . . . چشم وقتی که خسرو بیاید من نیز درخانه خواهم بود . . .

وبرای آنکه خواهرش ازانقلاب حالش آگاه نشودبه‌بهانهٔاینکه کاری ناتمام‌دارد به آشپزخانه بازگشت وزیرلب میگفت :

- خداوندا ! . . چکنم ؟ . . . . فردا چه خواهدشد ؟ . . . . قطعا خسرو مرا خواهد شناخت ! . . .

. . . ولی اختر اشتباه کرده بود ، خسرو در زندگانی هوس آلودخود بیش از آن با دختران مختلف آشنا شده‌بود که بتواند به آسانی یکی از آنها را تشخیص دهد . . . . سال پیش روزی چند

اختر را دیده و برای آنکه بدامش افکند و به کام خود سیاهروزش کند دانه‌هائی افشانده بود . . از آن پس دیگر اورا ندیده ، بفاصلهٔ روزی چند جای اورا بدیگری سپرده فراموشش کرده بود . . .

ازین گذشته ، چهرهٔ درخشان و خندان اختر درین مدت تغییر بسیار یافته بود ، وهرزهٔ بیفکری همچون خسرو نمیتوانست درروی افسرده ولاغر امروز او آن گلستان خرم پیشین‌را بشناسد . . . .

خسرو بیامد ، پروین اختررا باو معرفی کرد ، خسرو نگاهی کرد ، سری فرود آورد ، واورا نشناخت . . .

اختر نفسی براحتی کشید ولی جراحتی که در دل داشت دهان باز کرد . . .

اوه ! . . . این خسرو ، این مظهر لطف و زیبائی ، این جوان که دل را باسانی اسیر عشق خود میکند چه بیوفا وچه فراموشکار است ! . . . . کسی که یك روزچنان شیفتهٔ عشقش بود باین زودی از یاد برده است ، دیگر اورا نمیشناسد ! . . .

وروز بعد هنگامی که پروین برای دیدن خسرو از خانه بیرون میرفت اختر این کلام را که یکبار دیگر نیز بر زبان رانده بود بدرقهٔ راهش کرد :

ـ خواهر جان ، خدا کند که آن اشکهای درخشان وآن لبخند شیرین دام هولناك شیطان نباشد ! . . . .

. . . ولی این گفتارها چه فایده داشت ، هنوز یکماه نگذشته بود که عشق پروین به مرحلهٔ جنون رسیده بود ودیگر چیزی نمیتوانست اورا ازین راه باز دارد . . .

خسرو بخوبی دریافته بود که نوبت بهره مند شدن ازین شکار زیبا در رسیده است . . . باو گفته بود که بیست روز دیگر عروسی خواهند کرد ، ولی تصمیم داشت ووسیله فراهم میاورد که یك هفته دیگر کام دل ازاو بر گیرد ونخستین قربانی انتقام خودرا در گرداب بدبختی سرنگون کند . . . . .

( ۷ )

آنروز اختر در خانه تنها بود ، در گوشه ای نشسته بود ، فکر میکرد،ازمیان قطره‌اشکی که در چشم‌داشت‌دنیارا که برای اوچنان دلشکن وموحش بود مینگریست .

دختر بیچاره در مدت یك ماه باندارهٔ چندین سال‌زیسته وباآنکه هنوز هیجده سال نداشت زنی سی چهل ساله بنظر میرسید . . .

درین مدت ، چه رنج هـا دیده ، چه عذابها تحمل کرده ، چه فشارها بردل‌وجانش وارد شده ، وشبها درآن هنگام که همه کس درخواب است چه‌بیداری‌ها کشیده وچه‌بسیار گریسته بود . . . .

عشق خودرا فدای خواهر خود کرده و خویشتن را نیز فدای این فداکاری میساخت . چند روز پیش در دفتر کوچکی که با خاطرات کودکی ، با یادداشت هـای زمان مدرسه شروع شده و هرچه پیشتر آمده بود ، به بدبختی و مرك نزدیکتر شده بود ، این سطور را نگاشته بود ؟

« . . . روزی که برای نخستین دفعه نام عشق را میشنیدم گمان نمیبردم کـه این موجود بهشتی برای من چهـره ای چنین دوزخی دارد . واین کلمه که از لفظ «خوشبختی» بگوش خوشتر میاید برای من جز بدبختی ورنج معنی دیگری نخواهد داشت . . . .

« روزی که ترا ای دیو آدمی روی ، ای‌فرشتهٔ عشق من‌و ای قاتل عشق من، برای نخستین دفعه میدیدم ودردل اعتراف میکردم که دوست داشتنی هستی ، نمی‌پنداشتم که دست سرنوشت درجبین تو چه نومیدی وچه تلخکامی وچه حسرتی برای من‌نوشته ودر دست تو چه نیشتر زهر آلودی برای آزردن دل من جای داده‌است ! . .

« روزی که اولین لبخند بهار جوانی و عشق خودرا بروی تو میزدم ، تصورنمیکردم که همان آخرین لبخندم خواهد بودوهنگامی که برای نخستین دفعه در مدت عمرم کلام شیرین ،، ترا دوست میدارم ،، را برلب‌میراندم ، نمیدانستم که بااین کلام‌فرمان‌تلخکامی و مرگ نابهنگام خود را نگاشته‌ام . نمیدانستم که تو مرا دوست نخواهی داشت . . .

« ولی آیا تو ، کسی را دوست میداری ؟...

« آیا تو فرشته‌ای هستی که خواهر من ، پروین عزیزم را خوشبخت خواهی کرد ؟..

« اوه ! خدایا ، تو میدانی که اگر پروین خوشبخت باشد من به خرسندی ورضایت جان خواهم داد ...

« ای کاش ، حیات من که چیزی جز اشك و آه نبوده است بایك لبخند بپایان رسد... و آن اخرین لبخند نشانهٔ خوشبختی پروین باشد ...

***

امروز هم اختر تنها نشسته سطوردیگری دردفتر خاطرات خود مینگاشت ، ولی آنچه را که میخو است بنویسد نا تمام ماند زیرا ناگهان در کوچه صدا کرد ، از طرز کوبیدن در معلوم بود که شخص ناشناسی است ..

اختر دفترچه‌را درزیر پیراهن خود گذاشته ، برخاست و در را بگشود ، زنی جوان ، شاید بیست ساله پشت در ایستاده بود

اختر گفت : خانم چه فرمایش دارید ؟

- اجازه بدهید بدرون بیایم ، مطلبی دارم که میخواهم بشما بگویم ، زیرا میدانم تنها هستید و خواهرتان درخانه نیست ، اورا دیدم که با خسرو خان قدم میزد ، صحبت من راجع بهمان خسرو خان است ... اسم من عذرا ست؛ همسایهٔ دیوار بدیوارخسرو خان هستم ...

اخترفشاری درقلب خود احساس کرد، عذرارا بدرون آورد ، بنشست و گوش باظهارات او فرا داد ...

... یکساعت بود که صحبت میداشتند ، عذرا آنچه را کـه خود و مادرش از خسرو ومادر او میدانستند حکایت کرد وبالاخره به اختر که رنگش زرد شده بود و تنش میلرزید گفت :

- خانم، خلاصه آنکه ، مادرش نا درست بود ، وپدرش نامعلوم است ، به هیچ چیزپابند نیست ، چندروز است که مادرم و من اورا

با دختری می بینیم ، دیروز مادرم بمن گفت این دختر خیلی ساده است باید هوشیارش کرد ، من همان دیروز بدنبالش آمدم ، خانه را یاد گرفتم ، دانستم که او خواهر شماست و جز شما کسی را ندارد ....

***

وقتی که عذرا برفت اخترخود را دگرگون یافت، احساس میکرد که وظیفهٔ بزرگی برعهده‌اش گذارده‌شده‌است، تاکنون رنجش از آن بود که عشق وهستی‌خودرا فدای‌خواهرش‌میکرد ولی‌ا کنون خودرا موظف میدید که اورا حفظ و حمایت کند ....

میدانست که خواهرش باین زودی باز نخواهد گشت و چون اصرار عذرا را به رفتن دید خواهش کرد که روز بعد باز آید و آنچه را که میداند خود به پروین بگوید ...

ولی عذرا هنگامی بسر کوچه رسید که خسرو و پروین در آنجا ایستاده صحبت میداشتند و خدا حافظی میکردند .

به مجرد دیدن عذرا رنگ ازروی خسروپرید ، شتابان باپروین وداع کرده به دنبال دختر همسایه به راه افتاد و چون باو رسید با صدائی خشن گفت :

- کجا رفته بودی ؟

- رفته بودم خانهٔ پروین خانم !

- اوه ! برای چه ؟ برای چه ؟ !

- برای آنکه تو بد جنس جنایتکار را به آنها بشناسانم ، برای آنکه جنایت های ترا به پروین و خواهرش بگویم ...

- اوه ! بدجنس ! چگونه جرئت میکنی ؟ ...

البته که جرئت میکنم ! ... تو گمان کردی من نیز مثل دیگر کسان که بدست تو سیاه‌روز شده‌اند بیکاروساکت خواهم نشست؟ حالا کجاش را دیده ای ! امروز برای اختر شرح دادم ... فردا خواهم رفت وبرای پروین‌خواهم گفت، مخصوصاً فردانزداواعتراف خواهم کرد که من نیز یکی از قربانیهای پستی تو هستم ! ...

- پوستت را میکنم ، حق نداری ، جرئت نداری ... بی جهة خودرا بخطر نینداز .

***

اختر با خواهر خود از گفته های عذرا چیزی نگفت ، بهتر دانست که عذرا خود بیاید و مطلب را برای او شرح دهد ...

بنا بر این روز بعد اختر با کمال بی صبری منتظر عذرا بود ، ولی روز بپایان رسید و عذرا نیامد ... و همین خلف وعده اختر را نسبت به اظهارات او بدگمان ساخت .

اما اختر اشتباه میکرد ، عذرا دختری نبود که خلف وعده کند و اگر نیامده بود برای آن بود که نمیتوانست بیاید ... آنروز درخانهٔ عذرا جار وجنجالی بر پا بود ، مادر بدبختاو شیون میکرد وموی خودرا میکند جمعی میآمدند ومیرفتند ، زیرا آنروز برخلاف همه روز عذرا از بستر خود بیرون نیامده و دوساعت بعد پزشکان تشخیص داده بودند که شب پیش اورا در بستر خفه کرده اند ! ...

( ۸ )

خسرو آهسته ازخانهٔ خود بیرون آمده نگاهی باطراف افکند، یك لحظه بایستاد ، غوغا ورفت آمدی را که درخانهٔ همسایه ، خانهٔ عذرا ومادرش حکمفرما بود بنگریست ، گوش فرا داد تا بشنود مردم چه میگویند و علت این غوغا را چگونه بیان میکنند ، سپس شانه بالا افکند و شتابان براه افتاد . . همچون کسانی که مقصد معینی ندارند چند خیابان را پیمود ، درچند نقطه بایستاد ، بدرشکه سوار شد ، چند دقیقه بعد فرود آمد ، باین ترتیب نیمی ازشهر را سواره وپیاده طی کرد ، و بالاخره بمیدان بزرگ شهر رسیده اتوموبیلی بگرفت و بسوی یکی از نقاط ییلاقی درسه فرسخی شهر روانه شد . . .

اتومبیل ازمیان درختان سبز و خرم بسرعت میگذشت و خسرو که ابرو درهم کشیده ودر گوشهٔ اتوموبیل تقریبا دراز افتاده بود باخود میگفت :

- صبر وحوصله بس است ، باید کاررا تمام کنم . . . فردا نه پس فردا . . . مسلما خواهد آمد . . . امروز همهٔ وسائل را فراهم می کنم . . . امشب یا فردا به خانه پروین میروم ، هردو را دعوت می کنم ، اگر هر دو بیایند چه بهتر ! . . . . . . بیك تیر دو نشان خواهم‌زد . . . مگر اختر بد است ؟ . . مثل‌ماه‌است ! . . . روانیست که دست رد به سینه اش بخورد . . . آری هر دو را دعوت می کنم . . . در آنجا ، دور از آبادی ، در آن باغ بزرگ ، هیچکدام جز تسلیم چاره ندارند . . . آنها تنهاهستند ومن‌میتوانم دو سه نفر دستیار داشته باشم . . . قطعاموفق خواهم شد . . . بیش ازین‌نباید بتعویق افتد ، ممکن‌است مشکلاتی پیش آید . . . ممکن است حقیقة عذرا به‌آنجا رفته و به اختر چیزهائی گفته باشد . . . . گرچه رفتن و گفتن او دیگر تجدید نخواهد شد ، ولی احتیاط را نباید از دست داد . . . .

. . . خسرو نقشهٔ کار خودرا ، نقشهٔ فردا وپس فردا راطرح می کرد ، برای‌تامین خواهش نفسانی خود ، برای‌سیر کردن غرایز آتشین‌خود دور ازشهر دامی‌هولناك‌میگسترد ودرشهر پروین‌نگران واندوهگین بود که چرا روزی را بی‌دیدن خسرو بسر میبرد . . .

ولی اندوه واضطراب اختر خیلی بیشتر از او بود ، خواهرش‌را درخطری بزرگ‌میدید ، میخواست‌حمایتش کند ، میخواست‌نجاتش دهد ومیدانست که این کار به‌آسانی میسر نخواهد شد . . .

عشق پروین به‌آن مرحله رسیده‌بود که دیگر به خوبی و بدی معشوق نظر نداشت ، گوشش حاضرنبود راجع‌باوملامت وسرزنشی بشنود ، چشمش‌در او چیزی جز لطف وزیبائی ، جز عشق وشیفتگی نمیدیدواختر درعین حال که خود آتشی سوزنده در دل داشت‌اندازهٔ عشق و بیقراری خواهر را میدانست و احساس میکرد که پروین رفته رفته ارادهٔ خودرا در مقابل خسرو از دست داده و نیروی مقاومت ندارد . . .

پس‌چگونه خواهد توانست‌اورا ازخطر در امان گذارد ، چگونه

اگر همواره خواهی کامکاری ره سعی و عمل باید سپاری

قدس شاهین و کارکنان آن از بدو تاسیس الی کنون پیوسته سعی و عمل را پیشهٔ خود قرار داده و با عزم و ارادهٔ فوق التصوری کوشیده اند که در همهٔ فصل بهترین جوراب و البسهٔ پشمی ونخی را با نازلترین قیمت در دسترس عموم قرار دهند




گواه صادق شهرت بسزائی است که درمدت کوتاه تاسیس خود کسب وتوجهٔ همکاران را به روش نیکوی خویش جلب نموده است.

لاله‌زار ـ مقابل سینما ایران ـ قدس شاهین

## اصفهان ـ کتابفروشی سعدی

کتابخانه سعدی بشهر اصفاهان — نموده خدمت ده‌ساله بهموطنان
رمان و کارت و مجلات و سالنامهٔ پارس — کتابهای قدیم و جدید از هر سان
نموده جمله مهیا که استفاده کنند — عموم خاصه دبستان و هم دبیرستان
برای خدمت ابناء میهن ایمانی — همیشه حاضر و آماده بوده از دل و جان
سزد که هموطنان قدر زحمتش دانند — که مهر میهن و اولاد اوست از ایمان

---

## دارالصنایع نور جهان



تارهای جدید آقای نور جهان که در چند قطعه منفصل ساخته شده است بطوریکه ملاحظه میشود خیلی ساده وسبك وقابل حمل ونقل واستفاده وقشنگ است



آقای نورجهان جوان باذوق واستاد هنرمندی است تارهای خوب وظریف و خوش صدا میسازد و کارهای ایشان در طهران معروف است مخصوصا تارهای جدیدالاختراعی که اخیراً ساخته فوق‌العاده ظریف وقابل حمل ونقل وجالب توجه ومحل استفاده میباشد ـ سفارش ولایات را نیز قبول مینماید

موفق خواهد شد که در پس چهرهٔ زیبا و دلفریب خسرو شیطان مخوف ودیو نابکار را به خواهر غافلش بنماید . . منتظر بود که زن جوان دیروزی ، عذرا همسایهٔ خسرو بیاید و چیزهائی را که باو گفته است به پروین نیز بگوید ولی درعین حال گمان نمیبرد که سودی‌ازین راه‌حاصل شود، پروین گوش به اظهارات عذرا بدهد یا بر فرض گوش دادن باور کند . . .

ولی شب در رسید وعذرا نیامد . . . اختر آنشب باخواهر خود چیزی نگفت ، خستگی را بهانه کرد و زودتر به بستر خود رفت ، تا صبح خواب بچشمش راه نیافت ، فکر میکرد ، زیر وروی کار را می‌سنجید و برای پیش آمدهای احتمالی راه چاره‌ای میاندیشید .

و صبح چون بخواهر خود نگریست و اشتیاق و بیقراری او را بدیددردل‌اعتراف کرد که‌قوی ترین وسائل در مقابل این شوق و رغبت ناچیز خواهد بود . . .

پروین قدری زود تر از هر روز مهیای بیرون رفتن شد ولی پیش از آنکه ازخانه بیرون رود خسرو شاد وخندان بدرون آمد . .

... دوساعت بعد پس ازآنکه خسرو بیرون رفت پروین باخشم و خشونت به اختر گفت :

ـ چرااینقدربیمزه شده ای ؟ . . چرادعوت خسرورا رد کردی؟ مثلا اگر با ما بیائی چه میشود؟ . . . خسرو از مدتی پیش وعده کرده‌بود که یکروز بباغ ییلاقی‌اوخواهیم رفت ، اکنون بااینهمه التماس و احترام وخواهش دعوت میکند که باهم به آنجا برویم ؛ تو برای چه با اینهمه تلخی دعوتش را رد میکنی ؟ . . راستی چرا نمی آئی ؟ . .

اختر گفت ، من نمیایم وامیدوارم که تراهم نگذارم بروی ؟ . .

ـ من ؟ بچه مناسبت ، تو میخواهی بیا ، میخواهی نیا . . .

ـ بهرصورت تو خواهی رفت ؟

ـ البته ، دلیل ندارد که نروم . . .

ـ نمیترسی که ...

پروین با حرکتی بیصبرانه حرف اورا قطع کرد و گفت :
ترس ؟ برای چه ؟ از چه ؟ .. خیر ، نمیترسم ، کمال اطمینان را به خسرو دارم ، اگر بگوید که با او بجهنم بروم بدون ترس و تشویش خواهم رفت ، فهمیدی؟ ... من‌ازخیلی پیش احساس کرده بودم که حسادت و کینه ای در تو نسبت بمن ایجاد شده ...

اختر با رنگ پریده و لبان لرزان گفت : پروین ، هرچه بگوئی حق داری ، ولی من نمی گذارم تو با این جوان از شهر بیرون بروی ...

پروین فریاد کنان گفت : تو برای خودت میکنی ! .. اختیاردار من نیستی ... بهیچوجه بتو مربوط نیست ! ..

اختر روی از او بگردانید و قطره اشکی را که از چشمش سر زده بود بسترد و آهسته گفت ، بسیار خوب ، خواهی دید که چگونه از رفتن تو جلو گیری میکنم ...

***

روز موعود در رسید ، دربن دو روزه خسرو بخانهٔ خود نرفته بود و خبر نداشت ، شب پیش را درخانهٔ یکی از آشنایان دیرین بسر برده و صبح از آنجا مستقیما بخانهٔ پروین آمد .

پروین آنروز زود تر از هر روز از خواب برخاسته و بدون آنکه چیزی با اختر بگوید مهیای حرکت شده بود ...

درعین حال که از رفتار خواهرش خشمگین بود شوقی در دل داشت که روزی را در دامن طبیعت با محبوب مهربان خود به سر خواهد برد ...

در دل احساس میکرد که نیامدن خواهرش خیلی بهتر است ، اگر او نباشد آزادانه تر و شیرین تر معاشقه خواهند کرد و از عشق خود بیشتر لذت خواهند برد .

ولی خسرو برخلاف او نگران بود ، اصرار داشت که اختر را هم بهمراه ببرند وچون دید که پروین آمادهٔ حرکت شده و خبری از اختر نیست با و گفت :

ـ پس اختر کجاست ؟ ..
ـ نمیدانم کجاست ؟ .. چه کارش داری ؟
ـ بالاخره با ما نخواهد آمد ؟ ..
ـ نه ، بهتر ! .. آمدنش چه فایده دارد ..
ـ ولی خود او کجاست ؟ مثل اینست که در خانه نیست ...
ـ چرا ، در خانه است ، منتها از دیدن ما بیزار است ...
ولی درعین حال خود نیز از غیبت اختر نگران شده صدا زد :
ـ اختر ، اختر ،
جوابی شنیده نشد ، یکبار دیگر صدا زد ، باز جوابی نشنید و خدمتکار کهن سال که همین موقع از کوچه باز میگشت گفت :
ـ اختر خانم دو ساعت است که از خانه بیرون رفته است ....
... دراین لحظه در کوچه صدا کرد ، پروین و خسرو وخدمتکار هر سه بیك صدا گفتند :
ـ اختر است ! ....

***

آری اختر بود ....
اختر که شب پیش تا بسحر خواب بچشمش راه نیافته ودر انقلابی عجیب و وصف ناپذیر بسر برده بود ، از تفکرات درهم وپریشان خود به صدها نتیجه رسیده ، ازهر نتیجه تصمیمی گرفته ، هر تصمیم را بدلیلی درهم شکسته و بالاخره چون شب بپایان رسیده و سپیده دمیده بود خودرا بیش از پیش مشوش ومردد یافته بود ...
میخواست دست خسرو که عشق اورا با همه رؤیاهای جوانیش کشته و بخاك سپرده بود بدامن خواهرش نرسد ، میخواست لطمهٔ ناپاك آن جوان پس از آنکه به چهرهٔ آرزو های او خورده بود چهرهٔ طهارت وتقوی پروین‌را سیاه نکند ... میخواست این جوان را که اکنون پس از یك چند دوست داشتن و پرستیدن با وحشت مینگریست بیرون کند ، نا امید سازد ، رو سیاه و بی آبرو کند ، پردهٔ تزویر وریا را از چهره اش بر گیرد و او را باهمه وحشت و

مخافتش نمودار سازد بدون آنکه خواهرش آسیبی ببیند و از پایان زشت و نکبت بار عشق خود مصیبت وحزنی ابدی بدل پذیرد!...

بی آنکه از سلسلهٔ پرخم و پیچ تفکرات خود بیرون آمده باشد از بستر خود بیرون آمد . از زیر چشم پروین را نگریست ، روی اورا از شادی بصفای بهشت دید و این مشاهده بیشتر خون در دلش ریخت؛ آنگاه بدون آنکه چیزی بگوید از اطاق بیرون رفت ، وچند دقیقه بیش نگذشت که ناگهان حرکتی بخود داد ، سرعتی در رفتارش پیدا شد ، باطاق دیگر رفت ، پس از اندك مدتی لباس پوشیده بیرون آمد همه جارا بنگریست و چون خواهر خودرا ندید با نوك پا ولی بسرعت بسوی در کوچه رفت ، آهسته در بگشود وبلافاصله در کوچه پشت سر او بسته شد .

از رفتار اومعلوم بود که مقصدی معین وعزمی جزم دارد... بهیچ سوی خود نمینگریست ، تردیدی در او احساس نمیشد . کوچه‌ها وخیابانهارا بپیمود وبالاخره بکوچهٔ باریك وطویلی رسیده سر بر داشت، اسم کوچه را برفراز دیوار آن بخواند،وارد کوچه شد ، چندقدم بیش رفت وخواست بکوچهٔ دیگر بپیچد ولی ناگهان بایستاد وقدمی بقهقرا رفت ...

درپایان این کوچهٔ باریك دری باز وحیاطی نمایان بود ؛ در حیاط صدائی شنیده میشد واشخاصی دیده میشدند ، صدا از زنی بود که گریه میکرد ، وآن اشخاص دوپاسبان بودند که بدنبال مردی اسرار آمیز بیرون میامدند

اختر زیر لب گفت : آیا اشتباه کرده‌ام ؟ مگر اینجا خانهٔ عذرا نیست ؟

آنگاه به تحیری بی پایان دچار شد زیرا در همین لحظه مرد اسرار آمیز بدون اینکه سر بگرداند بپاسبانان گفت :

ـ تردیدی نیست ، قاتل همان جوان همسایه است ، همان خسرو است .... ولی اکنون کجا میشود اورا پیدا کرد ؟ ...

شنیدن این کلام وحشت و حیرتی ناگهانی در اختر ایجاد

---

آجرهای سمنتی پروانه که هیچ آب نمیکشد برای بام وایوان پوشش محکم ومطمئنی است

کرد ... سر گیجه‌ای اورا فرا گرفت ، پردهٔ سیاهی جلو چشمش کشیده شد ، اغتشاش وانقلابی عجیب که هیچگاه مانند انرا ندیده واحساس نکرده بوددرمغزش راه یافت ، همه چیزرا فراموش کرد، چون مستان دو قدم پیش رفت و بی اراده باصدائی خشن و لرزان گفت :

ـ من میدانم خسرو کجاست . من میدانم ...

.... چند دقیقه بعد با وضعی دیوانه‌وار ، با رفتاری نامرتب ، بسوی خانه بازمیگشت ، در بین راه باخودسخن میگفت ، ولی خود نمیدانست که چه میگوید و کسانی که آن دختر زیبا را باین وضع میدیدند بدون آنکه چیزی از گفته هایش بفهمند سری تکان داده با تاثر میگفتند ، بدبخت دیوانه است ...



وقتی که بدرخانه رسید همچون کسی که فرسنگها پیاده پیموده باشد خسته بود ، و چون در باز شد چنان بدرون رفت که گفتی محکومی است که از مرگ میگریزد یاجنایتکاری است که‌ازتعقیب عدل و قانون فرار میکند ...

وضع او همه را بحیرت افکند ... پروین با اضطراب تمام بسوی اورفت و گفت :

ـ اختر کجا بودی ، ترا چه میشود ؟ ....

اختر جوابی نگفت و خسرو که وی نیز از مشاهدهٔ آشفتگی و پریشانی ، پریده رنگی و نا توانی اختر متحیر شده بود پیش آمده گفت :

ـ راستی خانم‌شماراچه میشود؟ ... این چه حال است ؟

اختر ناگهان سر برداشت ، دندان خودرا بروی هم فشرد وبا صدائی لرزان ولی مخوف وتهدید آمیز گفت :

ـ خوب حالی است !.. فهمیدی !.. خوب !..

خسرو سری تکان داد و زیر لب گفت ، اوه ! بیچاره !..

او نیز پنداشته بود که دختر بدبخت دیوانه شده است ،
ولی اختر با صدائی درشت تر گفت : بیچاره تر از تو کسی نیست ، ای شیطان وحشت آور که روزی در نظر من فرشته بودی !
پروین وخسرو هردو بیك صدا و باحیرت گفتند : در نظر تو ؟.
- آری ، من نیز یکی از آن بیچارگان چشم بسته بودم که ناپاکی و دروغ تو روزگار جوانی وسعادتشان راسیاه کرد ، ببین ، مگر این کاغذ از تو نیست !..

پروین باچشمان دریده ازحیرت باین منظره مینگریست وخسرو دندان به روبهم فشرده بطرف اختر جست و در عین حال گفت : این بدبخت دیوانه شده است ، خطرناك شده است !.. و با خشم و خروشی وحشیانه‌مشتهای متشنج دختر جوان را که پاره های کاغذی را بهم می فشرد گرفته کوشید که کاغذ را از کفش بدر آورد..
اختر دیوانه‌وار ناسزا میگفت وخسرو وحشیانه میغرید وبر تلاش و کوشش خود میافزود و رفته رفته اندام دختر ناتوان را در میان دست و پای خود بهم می پیچید.
پروین همچنان‌مبهوت بود ولی خدمتکارپیر طاقت نیاورد، پیش دوید و فریاد کنان گفت :
- ناکس ، بی انصاف ، کسی بازن اینطور رفتار نمیکند !..
اختر ناله کنان گفت : خاموش باش، بگذارمرا بکشد ، بگذار که من دومین قربانی او باشم .. بگذار مرا هم به پیش عذرا ...
خسرو نگذاشت حرف او تمام شود ، فریاد زد :
- خفه شو !...
وچون جانور درنده‌ای که بیك حمله بخواهد کارشکارش‌را بپایان رساند دستهای اختررارها کرده دهان‌اورامحکم بچسبید ... آنگاه هر دو دستش بلا اراده پائین ترآمده باتشنجی عجیب در پیرامون گلوی اختر حلقه شد ...

این حقیقت موحش پروین را بخود آورد ، دیوانه وار و فریاد کنان بدانسو جست ، صدای او با فریاد پیر زن و نالهٔ اختر و غرش خسرو درهم آمیخت ... ولی این صحنه دریك چشم برهم زدن دگرگون شد ، خسرو ناگهان اختر را رها کرد ، دختر بیچاره دو قدم دور تر بر زمین افتاد و او با وحشت به قهقرا رفت ... از حملهٔ پیرزن و پروین نترسیده بود ، از جنایتی که مرتکب میشد بوحشت دوچار نشده بود ، بلکه در یك لحظه از آن گیرودار موحش، رو در روی خود منظره ای دیده ودر عین حال صدائی شنیده بود که پشتش را بلرزه افکنده ، دستش را سست کرده و وحشت را تا مغز استخوانش کارگر ساخته بود .

زیرا در آن لحظه در باز شده مردی با قیافهٔ تند و جدی به درون آمده ، بدنبال اودو پاسبان بر آستانهٔ در نمایان شده و بلا فاصله آن مرد جدی بدرون دویده و فریادزده بود :

- بیائید ، قاتل دارد مرتکب قتل دیگری میشود ! . .



پنج دقیقه بعد در پیش چشمان پروین که از فرط وحشت از حدقه بیرون آمده بود ، درمقابل پیرزن خدمتکار، خسرو را که از مقاومت باز داشته و دست بند بدستش زده بودند دو پاسبان در میان دو تفنگ از خانه بیرون میبردند ، ودر همین لحظه اختر که دوقدم دور تر بیحرکت افتاده ودیده فروبسته بود همچون کسانی که درخواب سخن گویندبا صدائی آهسته و عجیب زیر لب میگفت :

.... پدرجان ! ... از ین پس دیگر آسوده بخواب ، پروین دیگر گول نخواهد خورد ، اندرزهای شیرین تو آمیخته با این تجربهٔ تلخ ، همیشه راهنمای او خواهد بود ...

« پایان »

# بقیه فروشندگان سالنامه در ولایات

**پهلوی** کتابفروشی اقبال - **آشتیان** دواخانه آقا سیدهاشم **آباده** آقاعلی واعظ زاده - **آمل** آقای اسد الله اخوان - **اردبیل** شرکت اتفاق - **بندرلنگه** سید جلال الدین حیدری - **بانه** محمد امین بختیاری - **بندرجز** اسحاقیان - عبد الله اصغر زاده - **پاریز** آقای صفاری - **تویسرکان** آقا علی اصغر سلیم زاده - آقای نوروز علی سلیم زاده - **خرم آباد** آقای عبد الحسین خرمی - **خلخال** آقای حاجی سید محمد بروجردی - **رودسر** آقای علی اصغر داداش زاده - **خیاو** آقای محمد فروغی - **خور** آقای افسر یغمائی - **سقز** آقای مصطفی تیمور زاده - **سیرجان** آقای خدا داد رشید پور - **شاهی** کتابفروشی مشهوری - آقای گرشاسبی - **شاهپور** کتابفروشی عزیزی - **شهسوار** آقای حسن طلوعی - آقا مشهدی لطفعلی کتابچی - **شهرکرد** آقای حیدراعتدالی - **شهرضا** آقای عبد الجواد ثابت - **شوشتر** آقای محمد حسن سراج - آقای محمد علی ملك احمدی - **صالح آباد** آقای حاجی علی محمد افتخار — **خمین** شعبه کتابفروشی توکل - **فیروزکوه** آقا سید حسین طاهری - **کرج** آقای بهادرانی - **لاهیجان** آقای حسن اسلام نظر - **بهبهان** - اقای محمد کاظم دوافروش - **دزفول** - اقای محمد رضا معرفت زاده - **بابل** - کتاب فروشی زمانی - **اردبیل** - کتاب فروشی نجات - **خوی** - شرکت سنائی - **ساوه** - اقای صالحی - **گلپایگان** - اقای حسین میمی **ابادان** آقای غلا مرضا گلگون - **خرمشهر** - کتابفروشی اتحاد - **قزوین** اقای قائمی - **سمنان** اقای اسد الله قوامی - اقای سید محمد مرتضوی - **دامغان** مغازه خرمیه **مسجد سلیمان** کتاب فروشی کرامت **میانج** - کتابفروشی محمدیه - **مراغه** - کتابفروشی نوبهار - **نوشهر** - تجارتخانه زارع لاریجانی - **نهاوند** - آقا سیداحمد کتاب فروش - **دهخوارقان** - کتاب فروشی صداقت - **هفتگل** آقای اسدالله کرامت - **رفسنجان** - آقای معاون التجار - **مرند**

---

کتابفروشی جودت- **بحرین**- اقای محمدامین‌خنجی- **اهر**- اقای حاجی‌میرجواد باغبانی- **بندردیلم** - اقای عبدالحسین دبیری **لنگرود** - اقای عبدالحسین نصرتیان خرازی - اقای محمدرضا دهقان - **آستارا** - اقای اسحق کلانتری - **حسن کیاده** - اقای رضا درخشان - **اناریزد** - اقای سعیدی رئیس پست - **اشرف** - اقای ابراهیم توفیقی - شعبه غفاری یا کزاد - **اردستان** - اقای نصرالله آزادگان - آقای سیداحمد یزدان بخش **بیجارگروس** آقای آقاجان بدیعی - **سراب** - آقای ابراهیم صالح-**صومعه سرا** آقای‌حسن‌فرهی - **مه‌آباد** - آقای سید عبدالله صدر زاده - آقای صدیق صدری - **ماکو** - آقای‌ورقائیان - **گنبد قابوس** - آقای لطفعلی توفیقی - **رامهرمز** - کتابفروشی شرافت - **قصرشیرین** شرکت اتفاق - **سنقر** آقای خیرالله بابائی - **میاندواب** آقای یدالله جبی - **طالقان**برادران ابوالفضل‌زاده - **برازجان** محمداسمعیل وید کازرونی - **لار** - آقای محمد باقر نیکنام

## فروشندگان سالنامه درخارجه

**بغداد** آقای عباس صیقل - **کویت** آقای یعقوب بن یوسف بهبهانی - **بصره** آقای حسین تنکستانی

عطف بصفحات ۱۱ و ۱۲ اعلانات

# نمایندگان فعلی تجارتخانه کیخسروی در ولایات

پهلوی ـ تجارتخانه آقا محمد حسین احمد زاده
رشت ـ خیابان شیك ـ آقا بالا علی زاده
بابل ـ تجارتخانه شهابی
قزوین ـ بازار بزازها تیمچه‌سر پوشیده ـ حاجی داداش صلاحی
همدان ـ سرای نو ـ شرکت جمشید پارسا و مهربان ایرانی نژاد
تبریز ـ بازار حرمخانه میر ابراهیم نیکدل
تبریز ـ راسته بازار ـ حاجی محمد تقی پور اسکوئی
اهواز ـ تجارتخانه علی زاده
قم ـ بازار نو آقا محمد چرخچی
عراق ـ خیابان خونساری ـ حسین محبوبی چرخچی
کاشان ـ سرای گمرك ـ آقا حسین هاشمیان
بروجرد ـ قیصریه مشهدی حسین فولادی
اصفهان ـ سرای مخلص حاجی مرتضی چرخ فروش
اصفهان ـ خیابان سپه مغازه آهن ـ نصر الله مکان
شیراز ـ تجارتخانه رامشنی
شیراز ـ حاجی احمد صراف
یزد ـ سرای والی ارباب نامدار کیخسروان
مشهد ـ فلکه گلدوزیان
کرمان ـ سرای چهارسو ـ ارباب بهرام وهمنی
کرمان ـ بازار ـ سیدمهدی شیبانی

# فروشندگان سالنامهٔ پارس در تهران

**بازار** — علی آقا فرهومند ـ محمود آقا پرورش ـ محمد آقا دفترچی ـ حاجی احمدفرهومند ـ عباس آقا سیگاری امید ـ کتابفروشی گودرزی ـ کتابفروشی سعیدی ـ کتابفروشی شرف.

**ناصرخسرو** ـ تجارتخانه اساسی ـ کتابفروشی خیام ـ شرکت چاپ کتاب تبریز ـ ضیاء جورابچی ـ کتابفروشی گلبهار ـ کتابفروشی ...رافت ـ شرکت شجاعی ـ کتابفروشی رجائی ـ کتابفروشی علمی ـ کتابفروشی گنج دانش ـ محمد آقا تحریرچی ـ دواخانه خجسته ـ کتاب فروشی دانش ـ کتابفروشی اسلامیه ـ شرکت کانون کتاب ـ احمد آقا گلشهر ـ کتابفروشی مظفری ـ کتابفروشی فردوسی ـ کتابفروشی ...رفت ـ کتابفروشی مهدیه ـ کتابفروشی اقبال ـ دواخانه انور ـ کتاب فروشی مرکزی ـ **میدان سپه** سیگاری ثاقب.

**لاله‌زار** ـ قدس جورابچی ـ مغازه یگانه ـ کتابفروشی خاور

**شاه آباد** ـ کتابخانه ابن سینا ـ کتابفروشی سیروس ـ شرکت محصلین تجارت ـ دوا خانه سیروس ـ دوا خانه مخصوص ـ جواد ایزد پناه ـ علی اکبر بهارستان.

**خیابان نادری** ـ کتابفروشی نسرین ـ مغازه تابان ـ دواخانه نو.

**خیابان پهلوی** ـ دواخانه‌ملی ـ مغازه پروانه ـ کتابفروشی خیر.

**چهار راه حسن آباد** — رحیم آقا مکری ـ سیگاری امیدیان ...ازم‌التحریر فروشی کاوسی ـ رحیم آقا صدریان ـ مغازه پیروز.

**خیابان شاهپور** ـ کتابفروشی نجات ـ محمود آقا بیگارزاده ـ غلامحسین نورجهان. **خیابان اسماعیل بزاز** ـ مغازه مروت.